[illegible]

۱۳۸۰

محترماً معروض می‌دارد بمعمول همه ساله مجلس عزاداری خامس آل عبا (ع) از لیلی چهارشنبه ۱۶ ماه صفر المظفر پنج شب متوالی از ساعت ۸ بعد از ظهر در [illegible] منزل اینجانب منعقد متمنی است با تشریف فرمائی خودتان از فیوضات خمسه طیبه که از ساحت مستمعین بهره شده و چاکر را سرافراز فرمائید

با تقدیم احترام [illegible]

[illegible]

آدرس [illegible]

تمام شد

کتاب مستطاب تحیة الزائر

و بلغة المجاور که آخرین کتابیست

از تصنیفات فائقه و تألیفات رائقه حضرت

مستطاب شیخنا الاعظم و عمادنا الاقوم صفوة المتقدمین

والمتأخرین و زبدة الفقهاء و المجتهدین و خاتم المحققین و المحدثین

شیخنا الفضل الکامل و بحر العلم الذی لیس له ساحل مشید

کنوز الاخبار و محیی ما اندرس من الآثار علامة دهره و وحید عصره

شیخنا و مولانا **الحاج میرزا حسین النوری** الطبرسی انار

الله برهانه که در اواخر ایام اشتغال بتألیف این مجموعه مبارکه مرض وی اشتداد

تا خطاب مستطاب (یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک) را اجابت لبیک

گفتند **ولادت آنجناب بموجب آنچه در خاتمه کتاب مستدرک**

الوسائل در ترجمه حال خود مرقوم داشته اند در هجدهم شوال مطابق سنه ۱۲۵۴ و مصیبت

عظیمه رحلتش در لیله چهارشنبه بیست و هفتم شهر جمادی الآخرة سنه ۱۳۲۰

تقریبا یکساعت از شب گذشته اتفاق افتاد و آن خزینه علوم آل محمد علیهم

السلام و گنج گرانبهای تفسیر و آثار در مشهد غروی در جوار حضرت امیر

المؤمنین صلوات الله [illegible] ان ایوانهای شرقی باب القبلة

مدفون گردید بنابرین مدت عمر گرامیش شصت و پنج سال و هفت ماه و دو روز

و هریک از مصنفات مبارکش منطبع و منتشر در اقطار است جزاه الله

عن الاسلام و اهله خیرا و رفع له فی الدارین ذکرا و قدرا

و قد وقع الفراغ من تحریر هذه النسخة الشریفة فی شهر

شعبان المعظم علی ید تراب اقدام المحصلین المشتغلین

بالعلوم الدینیة احمد بن محمد [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کتاب تحیة الزائر و بلغة المجاور مشتمل است بر یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه

صفحه

فهرست ملحقات کتاب مستطاب

تمت

والحمد لله اولاً وآخراً وظاهراً وباطناً

۱۳۲۷

دیباچه
کتاب مستطاب

بسم الله الرحمن الرحیم الحمد لله رب العالمین والصلوة علی محمد وآله الطیبین الطاهرین وبعد چون بهترین

زاد برای سفر هولناك معاد ومحکم‌ترین وسیله بجهت سلامتی ونجات از ورطه عظیمه ومنزل مخوف مرصاد پس از تکمیل معارف واداء فرائض الهیه و ترك محرمات خیر مستمر وصدقه جاریه است که پیوسته مثوبات از صاحبش خواهد رسید وعاصی تباه کار را از شدائد سکرات وعقوبات برزخ وهولهای عقبات قیامت خواهد رهانید وازاین جهت ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین ترغیب

وتحریص بسیار در تحصیل آن فرمودند بلکه جابر بن یزید جعفی میگوید شنیدم از حضرت امام محمد باقر علیه السلام

که میفرمود چگونه قوم رغبت نمیکنند در آنکه عمل خیر کنند
و حال آنکه علی علیه السلام چنان بود با اینکه بنده خداوند بود
که بهشت را برایش واجب کرده بود عقار
و مستغلاتی را برای خدا وند تعالی معین کرده
پس از آن صدقه مستمره قرار داد که جاری
شود بعد از او برای فقراء و عرض کرد بار
خدایا من این را چنین قرار دادم که بر
گردانی آتش را از روی من و برگردانی
مرا از آتش و حضرت صادق ع
فرمود مرد را پس از مردن اجری و ثوابی نرسد
از پی جز سه خصلت یعنی از این سه راه
که از آن در ایام حیوتش جاری کرده
بنحوی که پس از مردنش برقرار و جاریست
و فرزند صالحی که برایش دعا کند و سنت حسنه که آنرا
مقرر کرده و باز عمل میشود پس از مردنش و از این قسم اخبار

دیباچهٔ کتاب مستطاب

بسیار است و بر هر هوشمند بصیر پوشیده نیست که بزرگی
و زیادی اجر و ثواب این قسم صدقات بر حسب بزرگی و کثرت و
تفاوت درجات منافع صدقات
جاریه است مثلاً کسی درخت در کنار
راه مسلمانان در بیابان که از بلدی
ببلدی میروند میکارد برای آنکه عابرین
در وقت مرور از آنجا هنگام شدت
گرما در زیر سایهٔ آن ساعتی آسوده
و مستریح شوند و بی کلفت بلوازم
زندگی خود از خوردن و آشامیدن
و خوابیدن برسند بروند دیگری
کاروانسرائی در منازل آن راه
میسازد خصوصاً منزلیکه سامه
و عمارتی ندارد و این صدقهٔ مستمره در هر هفته و ماه
هزارها جان و مال و عرض مسلمانان را حفظ و حراست میکند

دیگری مدرسه و مسجدی در چنان محل بنا میکند که از آن بنا و صدقهٔ
جاریه هزاران نفع دینی از علم و عمل بلکه دنیوی نیز هر روزه باخوان
مؤمنین میرساند و هکذا و تفاوت درجات
این صدقات بحسب بزرگی اجر و ثواب و منافع واضح
است چنانچه مخفی نیست که آنچه از آنها
دارای نفع دینی عمومی است مقامش شریفتر
و درجه اش رفیعتر و ثوابش بیشتر است
پس مؤمن زیرک در کارهای خیریه باقدرت
بر چنگ زدن بدامان این قسم از اعمال خیریه
هرگز دست از او نخواهد کشید لهذا
بعضی از اهل خیر و سداد در اینمقام برآمد
که از آن قسم زاد و توشه بردارد از این
احقر خدام آثار اهل بیت علیهم السلام
حسین بن محمد تقی نوری طبرسی حشرهما الله تعالی
مع موالیه خواهش نمود رساله که در آن نفع دینی باشد برای

کافه مجاوران و زائران بقاع مطهره ائمه عراق صلوات الله علیهم

د عالم و عامی و مرد و زن و وضیع و شریف همه از ان بهره مند شوند

و در اناء لیل و نهار بفیوضات غیر متناهیه

برسند تالیف نموده تا از نور طبع در اورند و

ان قباب عالیه عموم اخوان مؤمنین را بهترین

موائد پیوسته ضیافت نمود و از انچه باینجاعت

رسد از اجر و ثواب بی حساب در حیوة و ممات

حظی وافر و سهمی متکاثر برده باشد چون

نیت مومی الیه خالص و حاجتش از جهت نیت

و دو قضای ان امید صادق و رجاء او واثق بود

در شرکت دران مثوبات جلیله لهذا

اجابت نموده و این مجموعه لطیفه و رساله

شریفه را تالیف کرده و نام انرا تحفة

الزایر و بلغة المجاور گذاشتم و مقصود اصلی دراین

رساله ذکر زیارات مخصوصه حضرت سید الشهدا ابی عبد الله

الحسین

الحسین علیه السلام است با بیان اعتبار و ماثور بودن آنها از ائمه
طاهرین صلوات الله علیهم زیرا که علامه مجلسی رحمه الله آنها را
در کتاب تحفة الزائر نقل نکرده بلکه فرموده
مظنون آنستکه از تألیف علما باشد و در
جائی فرموده چون علما آنها را نسبت بروایت
نداده اند لهذا ذکر نکردم و در موضع دیگر
گفته از برای این ایام زیارت منقوله
نیافتم و از این جهت این زیارات را از درجه
اعتبار ساقط نمودند و غالب اهل علم
در این ایام مخصوصه اهتمامی در خواندن آن
زیارات ندارند لهذا بخاطر رسید که
اگر قرائن اعتبار آنها ذکر شود و آن زیارات
در عداد زیارات معتبره محسوب گردد
خدمتی است شایسته بکافه اهل علم و چون بنا بر ذکر آنها است
مناسب دیدم ذکر زیارت مخصوصه حضرت امیرالمؤمنین علیه

دیباچهٔ کتاب مستطاب

السلام چون در اینجا نیز بعضی فوائد نافعه است که کتب علامه مذکور
از آن خالیست چه رسد بدیگران و بجهت محتاج نبودن دارای

این مجموعهٔ شریفه بکتاب دیگر بجهت هر امامی
از ائمهٔ عراق صلوات الله علیهم زیارت
مطلقه که بنظر اتقن زیاراتست ذکر خواهد
شد و نیز اذن دخول عمومی و جامعه و وداعی
ملحق خواهد شد با زیارتی از برای امامزادگان
عظیم الشان و فوائد مختصرهٔ نافعه بر تمام
آنچه در این اوراق ثبت میشود از این قرار است

اذن دخول در همهٔ حرمهای مشرفه

زیارت حضرت امیر المؤمنین ع — زیارت غدیر

زیارت مولود در هفدهم ربیع الاول

زیارت مبعث در بیست هفتم رجب — زیارت مطلقهٔ حضرت

و بعضی متفرقات — زیارات مخصوصه حضرت ابی عبد الله الحسین ع

زیارت اول رجب — زیارت نیمه رجب — زیارت نیمه شعبان

زیارت لیالی قدر زیارت عید فطر و عید اضحی

زیارت عرفه زیارت عاشورا زیارت اربعین

زیارت مطلقه آنحضرت زیارت

جناب عباس علیه السلام

زیارت کاظمین علیهما السلام و بعضی

ملحقات آن زیارت عسکریین ع

زیارت امام عصر صلوات الله علیه

زیارت حکیمه خاتون ع زیارت نرجس خاتون ع

زیارت جامعه کبیره زیارت جامعه صغیره

دعائی که باید بعد از زیارت در حرمهای

منوره خواند نماز جعفر

طیار در حرمهای مطهره زیارت

اولاد ائمه علیهم السلام

بعضی از متفرقات مهمه نافعه و تمام اینها

در ضمن یک مقدمه و چهار فصل و یک خاتمه ذکر میشود

فهرست
کتاب مستطاب

مقدّمة

در ذکر اذن دخول
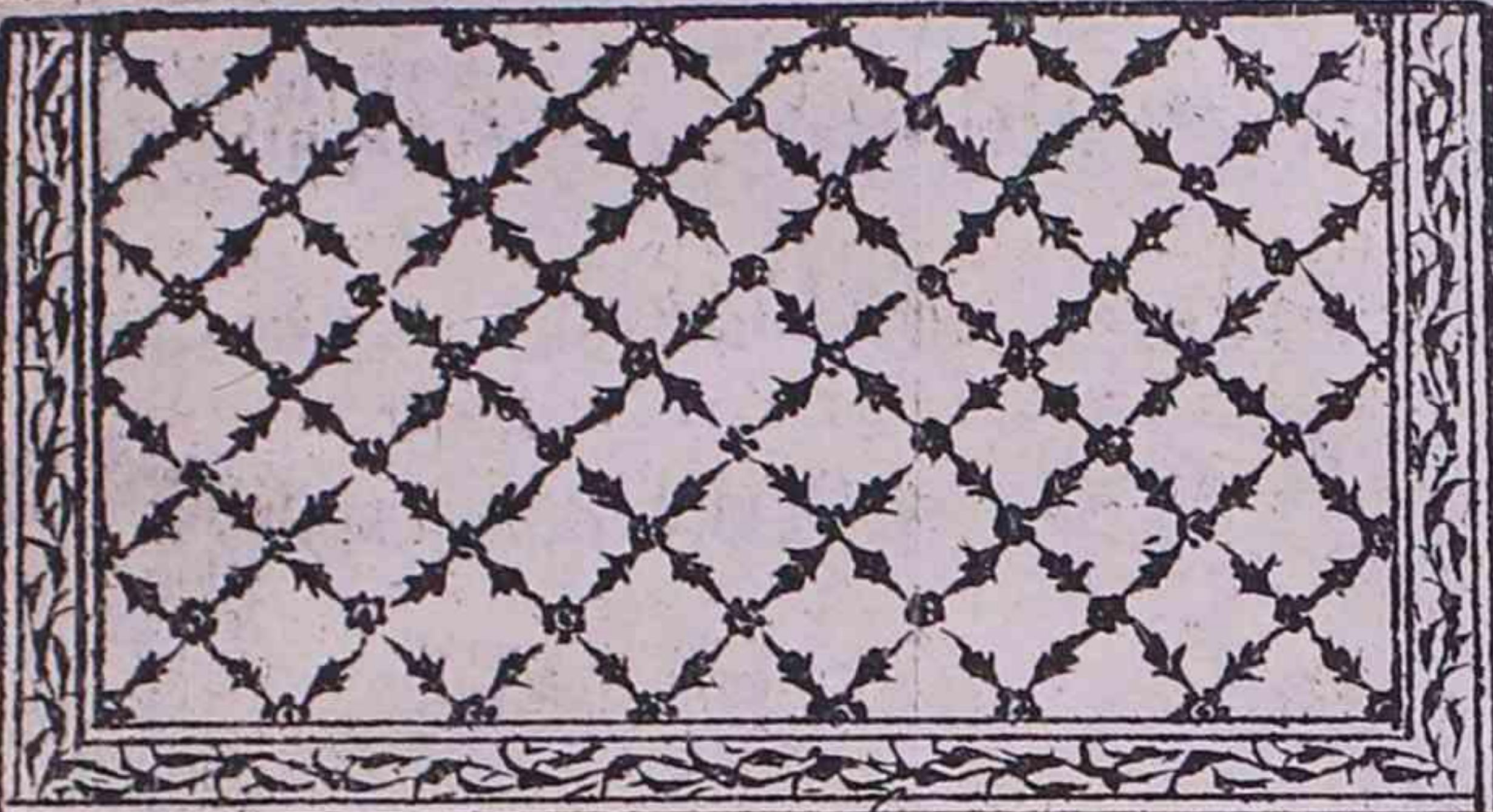
فصل اوّل

در بیان زیارات مخصوصه و مطلقه حضرت امیر المؤمنین ۴

فصل دوّم

در شرح زیارات مخصوصه و مطلقه حضرت ابی عبد الله الحسین علیه السّلام و زیارت ابی الفضل علیه السّلام

فصل سیّم

در آنچه متعلّق بکاظمین و سرّ من رأی است

فصل چهارم

در ذکر زیارات جامعه و دعا و نماز که در همه مشاهد شریفه

باب سیم در آداب زیارت انبیا و امام زادگان و بعضی متفرقات نافعه

خاتمه

مقدمه

در ذکر اذن دخول عالم جلیل شیخ ابرهیم کفعمی رحمه الله در کتاب بلد الامین و در کتاب جنة الواقیه که معروفست بمصباح کفعمی این اذن دخول را برای همه مشاهد مشرفه نقل کرده و در ثانی گفته چون خواستی داخل شوی بر پیغمبر صلی الله علیه و اله یعنی در مسجد معظم انحضرت یا در یکی از مشاهد ائمه علیهم السلام بگو

اَللّٰهُمَّ اِنِّی وَقَفْتُ عَلٰی بَابِ بَیْتٍ مِنْ اَبْوَابِ بُیُوتِ نَبِیِّكَ صَلَوٰاتُكَ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ اَنْ یَدْخُلُوا بُیُوتَهُ اِلَّا بِاِذْنِهٖ فَقُلْتَ یَا اَیُّهَا الَّذِینَ اٰمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُیُوتَ النَّبِیِّ اِلَّا اَنْ یُؤْذَنَ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ صَاحِبِ هٰذَا الْمَشْهَدِ الشَّرِیفِ فِی غَیْبَتِهٖ كَمَا اَعْتَقِدُهَا فِی حَضْرَتِهٖ وَاَعْلَمُ اَنَّ رَسُولَكَ وَخُلَفَائَكَ صَلَوٰاتُكَ

عَلَیہِم اَحیاءٌ عِندَکَ یُرزَقُونَ یَرَوْنَ مَقامِی وَیَسمَعُونَ
کَلامِی وَیَرُدُّونَ سَلامِی وَاَنَّکَ حَجَبْتَ عَن سَمعِی
کَلامَھُم وَفَتَحْتَ بابَ فَھمِی بِلَذِیذِ مُناجاتِھِم وَاِنِّی
اَستَاذِنُکَ یارَبِّ اَوَّلاً وَاَستَاذِنُ رَسُولَکَ صَلَواتُکَ
عَلَیہِ وَاٰلِہٖ ثانِیاً وَاَستَاذِنُ خَلِیفَتَکَ الاِمامَ
المَفرُوضَ عَلَیَّ طاعَتُہٗ فُلانَ بنَ فُلانٍ

بجای فلان بن فلان نام آن امامیکه میخواهد داخل بشود در حرمش
ونام پدرش ببرد یعنی بگوید

وَالمَلائِکَۃَ المُوَکَّلِینَ بِھٰذِہِ البُقعَۃِ المُبارَکَۃِ ثالِثاً ءَاَدخُلُ
یارَسُولَ اللّٰہِ ءَاَدخُلُ یاحُجَّۃَ اللّٰہِ ءَاَدخُلُ یامَلائِکَۃَ اللّٰہِ
المُقَرَّبِینَ المُقِیمِینَ فِی ھٰذَا المَشھَدِ فَاْذَنْ لِی یامَولایَ
فِی الدُّخُولِ اَفضَلَ مااَذِنتَ لِاَحَدٍ مِن اَولِیائِکَ فَاِن لَم اَکُن اَھلاً
لِذٰلِکَ فَاَنتَ اَھلٌ لَہٗ پس عتبہ را بوس وداخل شو وبگو بِسمِ اللّٰہِ وَبِاللّٰہِ وَفِی
سَبِیلِ اللّٰہِ وَعَلیٰ مِلَّۃِ رَسُولِ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیہِ وَاٰلِہٖ اَللّٰھُمَّ
اغفِرلِی وَارحَمنِی وَتُب عَلَیَّ اِنَّکَ اَنتَ التَّوّابُ الرَّحِیمُ (مؤلف گوید)
شیخ مفید و محمد بن المشهدی وسید علی بن طاوس و شهید

رحمهم الله در اینمقام از دو خواب نقل کرده اند قریب بانچه
نقل نمودیم ولکن اختلاف بسیار دارند چون این نسخه شایع نبود
محض نشر آن در اینجا آن را اختیار نمودیم

فصل اول

در زیارات مخصوصه و مطلقه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
و در آن سه مقامست

مقام اول

در مخصوصه و آن سه زیارتست اول زیارت روز
غدیر بدانکه علامه مجلسی در کتاب بحار و کتاب تحفة الزائر سه
زیارت برای این روز نقل کرده (اول) زیارت امین الله که
از زیارات معتبره جامعه معروفه است و در زیارات مطلقه
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نیز ذکر شد دوم
زیارتی طولانی که در اینجا ذکر میشود انشاء الله تعالی و در تحفه چنین
فرموده سیم زیارتیست که شیخ مفید و شیخ شهید علیهما
الرحمه و غیر ایشان روایت کرده اند که حضرت امام حسن عسکری

علیه السلام در سالی که معتصم علیه اللعنه آنحضرت را طلبیده

بود در روز غدیر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را باین لفظ زیارت

کردند آنگاه مختصری از آداب و اصل زیارت را نقل نمودند و در بحار نیز

چنین کرده جز آنکه در آخر زیارت پاره از مشکلاتش را توضیح نموده

و شروع در مطلب دیگر کردند و ما قبل از ذکر زیارت ناچاریم از ذکر

چند فائده **اوّل** آنکه نسبت این

زیارت بحضرت امام حسن عسکری علیه السلام در کتاب تحفه

از سهو قلم است بلکه آنجناب این زیارت را از پدر بزرگوار خود امام

علی نقی علیه السلام روایت کرده که آنحضرت جد بزرگوار خود را

بان نحو زیارت کرد چنانکه خواندی موجود در کتاب بحار و دیگران تصریح

نمودند و خواهد آمد علاوه معتصم آنجناب را نطلبیده بود بلکه

معتصم هلاک شد قبل از ولادت با سعادت آنحضرت به ۳

سال تقریباً **دوّم** آنکه مراد از شیخ

جلیل محمد بن المشهدی که از بزرگان علما است و ما در فصل آینده

اشاره بعلو مقام او خواهیم کرد انشاء الله در نزد علامه مذکور

بود و از آن کتاب در تحفه و بحار بسیار نقل میکنند بلکه بیشتر
زیارات منقوله در بحار از آن کتاب شریفست و هر جا مزار
کبیر میگویند مراد همین کتابست و محل حیرت شده که در
اینجا چگونه از آن مزار غفلت نمود و در آنجا نظری نکرد و
زیارت معهوده را از آنجا نقل نمود با اینکه در این مقام نقل
از آن اولی بلکه بملاحظهٔ سیرهٔ ایشان لازم و متحتم بود زیرا که زیارات
مذکوره در مزار شیخ مفید و شیخ شهید سند ندارد و چون
سند ندارد بحسب اصطلاح این خبر ضعیف و اعتبار آن بملاحظه
نقل آن دو بزرگوار که خبری را از کتاب بی اعتبار نقل نمیکنند و الّا
این نحوی که نقل کردند بملاحظه خودش قوتی ندارد و اما در مزار
کبیر پس برای آن سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری بقوت
سند او برسد و عبارت او در این مقام چنین است

زیارة اخری لمولانا امیر المؤمنین علیّ بن ابیطالب مختصة بیوم الغدیر
اخبرنی بهذه الزیارة الشریفة الاجل العالم ابو
جعفر محمّد المعروف بابن الحمد النحوی رفع الحدیث الی الفقیه العسکری

صلوات الله علیه فی شهر سنه احدی وسبعین وخمسمائة

واخبرنی الفقیه الاجل ابو الفضل شاذان بن جبرئیل القمی رضی الله عنه عن الفقیه العماد محمد بن ابی القسم الطبری عن ابی علی عن والده محمد بن الحسن عن الشیخ المفید محمد بن محمد بن النعمان عن ابی القسم جعفر بن قولویه عن محمد بن یعقوب الکلینی عن علی بن ابرهیم عن ابیه عن ابی القسم بن روح وعثمان بن سعید العمری عن ابی محمد الحسن بن علی العسکری عن ابیه صلوات الله علیهما وذکر انه علیه السلام زار بها فی یوم الغدیر فی السنة التی اشخصه المعتصم تقف علیه صلوات الله علیه وتقول السلام الخ

و این سلسلهٔ شریفه همه از اعیان علما و شیوخ طایفه و روسا مذهب و اجلاء رواتند و ابو القاسم بن روح و عثمان بن سعید رضی الله عنهما هر دو از نواب امام عصر علیه السلام اند و بعد از تامل معلوم میشود که تمام زیارات ماثوره زیارتی باین درجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمیشود

سیّم

انکه صریح کلمات این سه عالم جلیل در این سه مزار انست که
این زیارت مختص نیست بروز غدیر برای انکه در این روز سعید در
مشهد منور حضرت امیر المؤمنین علیه السلام حاضر میشوند و لکن
در مزار قدیم که اجمالی از حال انرا در خاتمه کتاب مستدرک ذکر
کردم و نسخه کهنه از ان بدستم امد که ظاهر ان در عهد مؤلف که از
معاصرین محمد بن مشهدی است نوشته شده و مظنون انست که از قطب
راوندی باشد این زیارت مذکور است با همان سند لکن در دو

جا اختلاف دارد **اوّل** انکه در انجا بجای ابن ابرهیم علی

در سند نیست و باین قسم دارد علی بن ابرهیم عن الشیخ ابی القسم بن

روح الخ **دوّم** انکه در انجا

چنین است عن الشیخ ابی القسم بن روح عن الشیخ الجلیل عثمان
بن سعید و بملاحظه طبقات رواة این سند اقرب بصواب
بهر حال در این مزار شریف بعد از ذکر سند چنین فرموده عن
الشیخ الجلیل عثمان بن سعید العمری قدس الله ارواحهم عن مولینا

ابی محمد الحسن بن علی العسکری عن مولانا ابیه علی بن محمد الهادی
صلوات الله علیهم و ذکر انه علیه السلام زار بها مولانا امیر
المؤمنین علیه السلام یوم الغدیر فی السنة التی اشخصه فیها
المعتصم فتقف علی ضریح مولانا امیر المؤمنین علی بن ابی
طالب صلوات الله علیه و کلما حضرت مشهده الشریف و
این حللت من البلاد فزره بهذه الزیارة و خصوصاً یوم الغدیر
عثمان بن سعید از امام حسن عسکری علیه السلام روایت
کرده که آن حضرت فرمودند پدر بزرگوارش باین زیارت امیر المؤمنین
علیه السلام را در روز غدیر زیارت کرد در آن سالی که معتصم
آن جناب را طلبید بود پس میبایستی بر سر قبر امیر المؤمنین علیه
السلام و هر وقت که حاضر شدی در آن مشهد شریف و در هر بلد
که باشی پس آنحضرت را زیارت کن باین زیارت خصوص در روز
غدیر و این عبارت صریح است در اینکه این زیارت را در هر روز
از نزدیک و دور میتوان خواند و این فائده جلیله ایست که البته
راغبین در عبادت و شائقین زیارت حضرت شاه ولایت

آن را غنیمت خواهند شمرد و ما زیارت را از مزار مفید که در مزار بحار نقل کرده ذکر میکنیم چون اطمینان بصحت کلمات آن بیشتر است

پس میگوئیم

شیخ مفید قدس سره در مزار خود فرموده که چون اراده زیارت نمائی یعنی در روز غدیر پس بایست بر در قبهٔ منوره و رخصت طلب نما پس پای راست را بر پای چپ مقدم دار و داخل شو و برو نزدیک ضریح مقدس و رو باو و پشت بقبله را در میان دو کتف خود قرار ده و بگو

اَلسَّلامُ عَلىٰ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ خاتَمِ النَّبِيِّينَ وَسَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَصَفْوَةِ رَبِّ الْعالَمِينَ اَمِينِ اللهِ عَلىٰ وَحْيِهِ وَعَزائِمِ اَمْرِهِ وَالْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَالْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَالْمُهَيْمِنِ عَلىٰ ذٰلِكَ كُلِّهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحِيّاتُهُ وَالسَّلامُ عَلىٰ اَنْبِياءِ اللهِ وَرُسُلِهِ وَمَلائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبادِهِ الصّالِحِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا اَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ وَوارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَوَلِيَّ

رَبِّ العَالَمِینَ وَمَولاَیَ وَمَولاَ المُؤمِنِینَ وَرَحمَةُ
اللهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلاَمُ عَلَیکَ یَا مَولاَیَ یَا اَمِیرَ المُؤمِنِینَ
یَا اَمِینَ اللهِ فِی اَرضِهِ وَسَفِیرَهُ فِی خَلقِهِ وَحُجَّتَهُ
البَالِغَةَ عَلیٰ عِبَادِهِ اَلسَّلاَمُ عَلَیکَ یَا دِینَ اللهِ القَوِیمَ
وَصِرَاطَهُ المُستَقِیمَ اَلسَّلاَمُ عَلَیکَ اَیُّهَا النَّبَاُ العَظِیمُ
الَّذِی هُم فِیهِ مُختَلِفُونَ وَعَنهُ یُسئَلُونَ اَلسَّلاَمُ عَلَیکَ
یَا اَمِیرَ المُؤمِنِینَ اٰمَنتَ بِاللهِ وَهُم مُشرِکُونَ وَصَدَّقتَ
بِالحَقِّ وَهُم مُکَذِّبُونَ وَجَاهَدتَ فِی اللهِ وَهُم مُحجِمُونَ
وَعَبَدتَ اللهَ مُخلِصًا لَهُ الدِّینَ صَابِرًا مُحتَسِبًا حَتّیٰ
اَتٰیکَ الیَقِینُ اَلاَ لَعنَةُ اللهِ عَلَی الظَّالِمِینَ اَلسَّلاَمُ
عَلَیکَ یَا سَیِّدَ المُسلِمِینَ وَیَعسُوبَ المُؤمِنِینَ وَاِمَامَ
المُتَّقِینَ وَقَائِدَ الغُرِّ المُحَجَّلِینَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ
اَشهَدُ اَنَّکَ اَخُو رَسُولِ اللهِ وَوَصِیُّهُ وَوَارِثُ عِلمِهِ
وَاَمِینُهُ عَلیٰ شَرعِهِ وَخَلِیفَتُهُ فِی اُمَّتِهِ وَاَوَّلُ مَن
اٰمَنَ بِاللهِ وَصَدَّقَ بِمَا اُنزِلَ عَلیٰ نَبِیِّهِ وَاَشهَدُ اَنَّهُ

مُجحِمُونَ خ ل
مُحجِمُونَ خ د

قَدْ بَلَّغَ عَنِ اللّٰهِ مَا اَنْزَلَهُ فِيكَ فَصَدَعَ بِاَمْرِهِ وَاَوْجَبَ عَلٰى
اُمَّتِهِ فَرْضَ طَاعَتِكَ وَوِلَايَتِكَ وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ
لَكَ وَجَعَلَكَ اَوْلٰى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ اَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللّٰهُ
كَذٰلِكَ ثُمَّ اَشْهَدَ اللّٰهَ تَعَالٰى عَلَيْهِمْ فَقَالَ اَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ
فَقَالُوا اللّٰهُمَّ بَلٰى فَقَالَ اللّٰهُمَّ اشْهَدْ وَكَفٰى بِكَ
شَهِيدًا وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ فَلَعَنَ اللّٰهُ جَاحِدَ وِلَايَتِكَ
بَعْدَ الْاِقْرَارِ وَنَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ وَاَشْهَدُ
اَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللّٰهِ تَعَالٰى وَاَنَّ اللّٰهَ تَعَالٰى مُوفٍ لَكَ
بِعَهْدِهِ وَمَنْ عَاهَدَ عَلَيْهُ اللّٰهَ فَسَيُؤْتِيهِ (اَوْفٰى بِمَا) اَجْرًا عَظِيمًا
وَاَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوِلَايَتِكَ
التَّنْزِيلُ وَاَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْاُمَّةِ بِذٰلِكَ الرَّسُولُ
وَاَشْهَدُ اَنَّكَ وَعَمَّكَ وَاَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمُ اللّٰهَ بِنُفُوسِكُمْ
فَاَنْزَلَ اللّٰهُ فِيكُمْ اِنَّ اللّٰهَ اشْتَرٰى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اَنْفُسَهُمْ
وَاَمْوَالَهُمْ بِاَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ فَيَقْتُلُونَ
وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرٰيةِ وَالْاِنْجِيلِ وَالْقُرْاٰنِ

وَمَنْ اَوْفیٰ بِعَهْدِهٖ مِنَ اللّٰهِ فَاسْتَبْشِرُوْا بِبَیْعِكُمُ الَّذِیْ بَایَعْتُمْ
بِهٖ وَذٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِیْمُ اَلتَّاۤئِبُوْنَ الْعَابِدُوْنَ
اَلْحَامِدُوْنَ السَّاۤئِحُوْنَ الرَّاكِعُوْنَ السَّاجِدُوْنَ الْاٰمِرُوْنَ
بِالْمَعْرُوْفِ وَالنَّاهُوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُوْنَ لِحُدُوْدِ اللّٰهِ
وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَشْهَدُ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَنَّ الشَّاكَّ
فِیْكَ مَا اٰمَنَ بِالرَّسُوْلِ الْاَمِیْنِ وَاَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَیْرَكَ
عَاۤئِدٌ عَنِ الدِّیْنِ الْقَوِیْمِ الَّذِی ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِیْنَ
وَاَكْمَلَهٗ بِوِلَایَتِكَ یَوْمَ الْغَدِیْرِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ الْمَعْنِیُّ
بِقَوْلِ الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ وَاَنَّ هٰذَا صِرَاطِیْ مُسْتَقِیْمًا
فَاتَّبِعُوْهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِیْلِهٖ
ضَلَّ وَاللّٰهِ وَاَضَلَّ مَنِ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَعَنَدَ عَنِ الْحَقِّ
مَنْ عَادَاكَ اَللّٰهُمَّ سَمِعْنَا لِاَمْرِكَ وَاَطَعْنَا وَاتَّبَعْنَا
صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِیْمَ فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَلَا تُزِغْ قُلُوْبَنَا
بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنَا اِلٰی طَاعَتِكَ وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِیْنَ
لِاَنْعُمِكَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوٰی مُخَالِفًا وَلِلتُّقٰی

عادلٌ

مُخالِفاً وَعَلی کَظمِ الغَیظِ قادِراً وَعَنِ النّاسِ عافِیاً غافِراً
وَاِذا عُصِیَ اللهُ ساخِطاً وَاِذا اُطیعَ اللهُ راضِیاً وَبِما عَهِدَ
اِلَیكَ عامِلاً راعِیاً لِما استُحفِظتَ حافِظاً مُبَلِّغاً ما
حُمِّلتَ مُنتَظِراً ما وُعِدتَ وَاَشهَدُ اَنَّكَ مَا اتَّقَیتَ ضارِعاً
وَلا اَمسَکتَ عَن حَقِّكَ جازِعاً وَلا اَحجَمتَ عَن مُجاهَدَةِ
غاصِبیكَ ناکِلاً وَلا اَظهَرتَ الرِّضا بِخِلافِ ما یُرضِی اللهَ
مُداهِناً وَلا وَهَنتَ لِما اَصابَكَ فی سَبیلِ اللهِ وَلا
ضَعُفتَ وَلَا استَکَنتَ عَن طَلَبِ حَقِّكَ مُراقِباً مَعاذَ
اللهِ اَن تَکونَ کَذلِكَ بَل اِذ ظُلِمتَ احتَسَبتَ رَبَّكَ
وَفَوَّضتَ اِلَیهِ اَمرَكَ وَذَکَّرتَهُم فَمَا ادَّکَرُوا وَوَعَظتَهُم
فَمَا اتَّعَظوا وَخَوَّفتَهُمُ اللهَ فَما تَخَوَّفوا وَاَشهَدُ اَنَّكَ
یا اَمیرَ المُؤمِنینَ جاهَدتَ فِی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ حَتّی
دَعاكَ اللهُ اِلی جِوارِهِ وَقَبَضَكَ اِلَیهِ بِاختِیارِهِ وَ
اَلزَمَ اَعدائَكَ الحُجَّةَ بِقَتلِهِم اِیّاكَ لِتَکونَ الحُجَّةُ لَكَ
عَلَیهِم مَعَ ما لَكَ مِنَ الحُجَجِ البالِغَةِ عَلی جَمیعِ خَلقِهِ

لما استودعت

عاصیك نسخه

مراغما انفه

فلم تعظوا نسخه

السلام

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ عَبَدْتَ اللّٰهَ مُخْلِصًا
وَجَاهَدْتَ فِی اللّٰهِ صَابِرًا وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا
وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهٖ وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِیِّهٖ وَاَقَمْتَ الصَّلٰوةَ
وَاٰتَیْتَ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوْفِ وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ
مَا اسْتَطَعْتَ مُبْتَغِیًا مَا عِنْدَ اللّٰهِ رَاغِبًا فِیْمَا وَعَدَ اللّٰهُ
لَا تَحْفِلُ بِالنَّوَائِبِ وَلَا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَلَا تَحْجِمُ
عَنْ مُحَارِبٍ اَفِكَ مَنْ نَسَبَ غَیْرَ ذٰلِكَ اِلَیْكَ وَافْتَرٰی
بَاطِلًا عَلَیْكَ وَاَوْلٰی لِمَنْ عَنَدَ عَنْكَ لَقَدْ جَاهَدْتَ
فِی اللّٰهِ حَقَّ الْجِهَادِ وَصَبَرْتَ عَلَی الْاَذٰی صَبْرَ احْتِسَابٍ
وَاَنْتَ اَوَّلُ مَنْ اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَصَلّٰی لَهٗ وَجَاهَدَ وَاَبْدٰی
صَفْحَتَهٗ فِیْ دَارِ الشِّرْكِ وَالْاَرْضُ مَشْحُوْنَةٌ ضَلَالَةً وَ
الشَّیْطَانُ یُعْبَدُ جَهْرَةً وَاَنْتَ الْقَائِلُ لَا تَزِیْدُنِیْ كَثْرَةُ
النَّاسِ حَوْلِیْ عِزَّةً وَلَا تَفَرُّقُهُمْ عَنِّیْ وَحْشَةً وَلَوْ اَسْلَمَنِیَ
النَّاسُ جَمِیْعًا لَمْ اَكُنْ مُتَضَرِّعًا اِعْتَصَمْتَ بِاللّٰهِ فَعَزَزْتَ
وَاٰثَرْتَ الْاٰخِرَةَ عَلَی الْاُوْلٰی فَزَهِدْتَ وَاَیَّدَكَ اللّٰهُ وَ

هداك واخلصك واجتباك فما ناقضت افعالك
ولا اختلفت اقوالك ولا تقلبت احوالك ولا ادعيت
ولا افتريت على الله كذبا ولا شرهت الى الحطام ولا
دنسك الاثام ولم تزل على بينة من ربك ويقين من
امرك تهدى الى الحق والى صراط مستقيم اشهد شهادة
حق واقسم بالله قسم صدق ان محمدا واله صلوات الله
عليهم سادات الخلق وانك مولاى ومولى المؤمنين
وانك عبد الله ووليه واخو الرسول ووصيه ووارثه
وانه القائل لك والذى بعثنى بالحق ما امن بى من كفر بك
ولا اقر بالله من جحدك وقد ضل من صد عنك
ولم يهتد الى الله ولا الى من لا يهتدى بك وهو قول
ربى عز وجل وانى لغفار لمن تاب وامن وعمل صالحا
ثم اهتدى الى ولايتك مولاى فضلك لا يخفى و
نورك لا يطفى وان من جحدك الظلوم الاشقى مولاى
انت الحجة على العباد والهادى الى الرشاد والعدة

افتريت نسخه

لِلْمَعَادِ مَوْلَایَ لَقَدْ رَفَعَ اللّٰہُ فِی الْاُوْلٰی مَنْزِلَتَکَ وَاَعْلٰی فِی
الْاٰخِرَۃِ دَرَجَتَکَ وَبَصَّرَکَ مَا عَمِیَ عَلٰی مَنْ خَالَفَکَ وَحَالَ
بَیْنَکَ وَبَیْنَ مَوَاھِبِ اللّٰہِ لَکَ فَلَعَنَ اللّٰہُ مُسْتَحِلِّی الْحُرْمَۃِ مِنْکَ
وَذَائِدِی الْحَقِّ عَنْکَ وَاَشْھَدُ اَنَّھُمُ الْاَخْسَرُوْنَ الَّذِیْنَ
تَلْفَحُ وُجُوْھَھُمُ النَّارُ وَھُمْ فِیْھَا کَالِحُوْنَ وَاَشْھَدُ اَنَّکَ
مَا اَقْدَمْتَ وَلَا اَحْجَمْتَ وَلَا نَطَقْتَ وَلَا اَمْسَکْتَ
اِلَّا بِاَمْرٍ مِنَ اللّٰہِ وَرَسُوْلِہٖ قُلْتَ وَالَّذِیْ نَفْسِیْ بِیَدِہٖ لَقَدْ نَظَرَ اِلَیَّ
رَسُوْلُ اللّٰہِ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْہِ وَاٰلِہٖ اَضْرِبُ بِالسَّیْفِ قُدُمًا
فَقَالَ یَا عَلِیُّ اَنْتَ مِنِّیْ بِمَنْزِلَۃِ ھٰرُوْنَ مِنْ مُوْسٰی اِلَّا اَنَّہٗ لَا
نَبِیَّ بَعْدِیْ وَاُعْلِمُکَ اَنَّ مَوْتَکَ وَحَیٰوتَکَ مَعِیْ وَعَلٰی
سُنَّتِیْ فَوَاللّٰہِ مَا کَذِبْتُ وَلَا کُذِبْتُ وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا
ضُلَّ بِیْ وَلَا نَسِیْتُ مَا عَھِدَ اِلَیَّ رَبِّیْ وَاِنِّیْ لَعَلٰی بَیِّنَۃٍ مِنْ
رَبِّیْ بَیَّنَھَا لِنَبِیِّہٖ وَبَیَّنَھَا النَّبِیُّ لِیْ وَاِنِّیْ لَعَلَی الطَّرِیْقِ
الْوَاضِحِ اَلْفِظُہٗ لَفْظًا صَدَقْتَ وَاللّٰہِ وَقُلْتَ الْحَقَّ
فَلَعَنَ اللّٰہُ مَنْ سَاوَاکَ بِمَنْ نَاوَاکَ وَاللّٰہُ جَلَّ اِسْمُہٗ یَقُوْلُ

(حاشیہ: ۲ عَلَیْکَ نسخہ — قُدُمًا بِسَیْفِیْ نسخہ)

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ فَلَعَنَ
اللّٰهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْهِ وِلَايَتَكَ وَ
اَنْتَ وَلِيُّ اللّٰهِ وَاَخُو رَسُولِهِ وَالذَّابُّ عَنْ دِينِهِ وَالَّذِي
نَطَقَ الْقُرْاٰنُ بِتَفْضِيلِهِ قَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى وَفَضَّلَ اللّٰهُ الْمُجَاهِدِينَ
عَلَى الْقَاعِدِينَ اَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَمَغْفِرَةً
وَرَحْمَةً وَكَانَ اللّٰهُ غَفُورًا رَحِيمًا وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالٰى
اَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ
اٰمَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْاٰخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ لَا يَسْتَوُونَ
عِنْدَ اللّٰهِ وَاللّٰهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ اَلَّذِينَ
اٰمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللّٰهِ بِاَمْوَالِهِمْ
وَاَنْفُسِهِمْ اَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللّٰهِ وَاُولٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ
يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّاتٍ
لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا اَبَدًا اِنَّ اللّٰهَ عِنْدَهُ
اَجْرٌ عَظِيمٌ اَشْهَدُ اَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللّٰهِ
الْمُخْلِصُ لِطَاعَةِ اللّٰهِ لَمْ تَبْغِ بِالْهُدٰى بَدَلًا وَلَمْ تُشْرِكْ

بعبادة ربك احدا وان الله تعالى استجاب لنبيه
صلى الله عليه واله فيك دعوته ثم امره باظهار
ما اولاك لامته اعلاء لشانك واعلانا لبرهانك
ودحضا للاباطيل وقطعا للمعاذير فلما اشفق
من فتنة الفاسقين واتقى فيك المنافقين اوحى
اليه رب العالمين يا ايها الرسول بلغ ما انزل اليك
من ربك وان لم تفعل فما بلغت رسالته والله يعصمك
من الناس فوضع على نفسه اوزار المسير ونهض في
رمضاء الهجير فخطب واسمع ونادى فابلغ ثم سئلهم اجمع
فقال هل بلغت فقالوا اللهم بلى فقال اللهم اشهد
ثم قال الست اولى بالمؤمنين من انفسهم فقالوا بلى
فاخذ بيدك وقال من كنت مولاه فهذا على مولاه
اللهم وال من والاه وعاد من عاداه وانصر من
نصره واخذل من خذله فما امن بما انزل الله فيك
على نبيه الا قليل ولا زاد اكثرهم غير تخسير ولقد

اَنزَلَ اللهُ تَعالی فیكَ مِن قَبلُ وَهُم كارِهُونَ یا اَیُّهَا الَّذِینَ
اٰمَنُوا مَن یَرتَدَّ مِنكُم عَن دِینِهِ فَسَوفَ یَاتِی اللهُ بِقَومٍ یُحِبُّهُم
وَیُحِبُّونَهُ اَذِلَّةٍ عَلَی المُؤمِنِینَ اَعِزَّةٍ عَلَی الكافِرِینَ
یُجاهِدُونَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَلا یَخافُونَ لَومَةَ لائِمٍ ذٰلِكَ فَضلُ
اللهِ یُؤتِیهِ مَن یَشاءُ وَاللهُ واسِعٌ عَلِیمٌ اِنَّما وَلِیُّكُمُ اللهُ وَ
رَسُولُهُ وَالَّذِینَ اٰمَنُوا الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلٰوةَ وَیُؤتُونَ
وَهُم راكِعُونَ وَمَن یَتَوَلَّ اللهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِینَ اٰمَنُوا فَاِنَّ
حِزبَ اللهِ هُمُ الغالِبُونَ رَبَّنا اٰمَنّا بِما اَنزَلتَ وَاتَّبَعنَا
الرَّسُولَ فَاكتُبنا مَعَ الشّاهِدِینَ رَبَّنا لا تُزِغ قُلُوبَنا بَعدَ
اِذ هَدَیتَنا وَهَب لَنا مِن لَدُنكَ رَحمَةً اِنَّكَ اَنتَ الوَهّابُ
اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذا هُوَ الحَقُّ مِن عِندِكَ فَالعَن مَن عارَضَهُ
وَاستَكبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ وَسَیَعلَمُ الَّذِینَ ظَلَمُوا اَیَّ
مُنقَلَبٍ یَنقَلِبُونَ اَلسَّلامُ عَلَیكَ یا اَمِیرَ المُؤمِنِینَ وَ
سَیِّدَ الوَصِیِّینَ وَاَوَّلَ العابِدِینَ وَاَزهَدَ الزّاهِدِینَ
وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ وَصَلَواتُهُ وَتَحِیّاتُهُ اَنتَ مُطعِمُ

الزَّكٰوةَ ع
اَنَّا نَعلَمُ ع

الطَّعامَ عَلى حُبِّهِ مِسْكيناً وَيَتيماً وَاَسيراً لِوَجْهِ اللهِ لا نُريدُ
مِنْهُمْ جَزآءً وَلا شُكُوراً وَفيكَ اَنْزَلَ اللهُ تَعالى وَ
يُؤْثِرُونَ عَلى اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَمَنْ يُوقَ
شُحَّ نَفْسِهِ فَاُولئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ وَاَنْتَ الْكاظِمُ لِلْغَيْظِ
وَالْعافي عَنِ النّاسِ وَاللهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنينَ وَاَنْتَ الصّابِرُ
فِي الْبَأْسآءِ وَالضَّرّآءِ وَحينَ الْبَأْسِ وَاَنْتَ الْقاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ
وَالْعادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ وَالْعالِمُ بِحُدُودِ اللهِ مِنْ جَميعِ الْبَرِيَّةِ
وَاللهُ تَعالى اَخْبَرَ عَمّا اَوْلاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ اَفَمَنْ
كانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كانَ فاسِقاً لا يَسْتَوُونَ اَمَّا الَّذينَ آمَنُوا
وَعَمِلُوا الصّالِحاتِ فَلَهُمْ جَنّاتُ الْمَأْوى نُزُلاً بِما كانُوا
يَعْمَلُونَ وَاَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزيلِ وَحُكْمِ التَّأْويلِ
وَنَصِّ الرَّسُولِ وَلَكَ الْمَواقِفُ الْمَشْهُودَةُ وَالْمَقاماتُ
الْمَشْهُورَةُ وَالْاَيّامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْاَحْزابِ
اِذْ زاغَتِ الْاَبْصارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَناجِرَ وَتَظُنُّونَ
بِاللهِ الظُّنُونَا هُنالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزالاً

شَدِیدًا وَاِذْ یَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِینَ فِی قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ
مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ اِلَّا غُرُورًا وَاِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ
مِنْهُمْ یَا اَهْلَ یَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَیَسْتَاْذِنُ فَرِیقٌ
مِنْهُمُ النَّبِیَّ یَقُولُونَ اِنَّ بُیُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِیَ بِعَوْرَةٍ
اِنْ یُرِیدُونَ اِلَّا فِرَارًا وَقَالَ اللّٰهُ تَعَالَی وَلَمَّا رَاَی الْمُؤْمِنُونَ
الْاَحْزَابَ قَالُوا هٰذَا مَا وَعَدَنَا اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ
اللّٰهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ اِلَّا اِیمَانًا وَتَسْلِیمًا فَقَتَلْتَ
عَمْرَوهُمْ وَهَزَمْتَ جَمْعَهُمْ وَرَدَّ اللّٰهُ الَّذِینَ كَفَرُوا
بِغَیْظِهِمْ لَمْ یَنَالُوا خَیْرًا وَكَفَی اللّٰهُ الْمُؤْمِنِینَ الْقِتَالَ
وَكَانَ اللّٰهُ قَوِیًّا عَزِیزًا وَیَوْمَ اُحُدٍ اِذْ تُصْعِدُونَ
وَلَا تَلْوُونَ عَلٰی اَحَدٍ وَالرَّسُولُ یَدْعُوهُمْ فِی اُخْرٰیهُمْ
وَاَنْتَ تَذُودُ بُهَمَ الْمُشْرِكِینَ عَنِ النَّبِیِّ ذَاتَ الْیَمِینِ
وَذَاتَ الشِّمَالِ حَتّٰی رَدَّهُمُ اللّٰهُ تَعَالٰی عَنْكُمَا خَائِفِینَ
وَنَصَرَ بِكَ الْخَاذِلِینَ وَیَوْمَ حُنَیْنٍ عَلٰی مَا نَطَقَ بِهِ
التَّنْزِیلُ اِذْ اَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَیْئًا وَ

۲ بِهِمُ الْمُشْرِكِینَ نسخہ

ضاقت علیکم الارض بما رحبت ثم ولیتم مدبرین
ثم انزل اللہ سکینتہ علی رسولہ وعلی المؤمنین و
المؤمنون انت ومن یلیک وعمک العباس ینادی
المنھزمین یا اصحاب سورۃ البقرۃ یا اھل بیعۃ الشجرۃ
حتی استجاب لہ قوم قد کفیتھم المؤنۃ وتکفلت
دونھم المعونۃ فعادوا ایسین من المثوبۃ راجین وعد
اللہ تعالی بالتوبۃ وذلک قول اللہ جل ذکرہ ثم یتوب
اللہ من بعد ذلک علی من یشاء وانت حائز درجۃ
الصبر فائز بعظیم الاجر ویوم خیبر اذ اظھر اللہ خور
المنافقین وقطع دابر الکافرین والحمد للہ رب
العالمین ولقد کانوا عاھدوا اللہ من قبل لا یولون
الادبار وکان عھد اللہ مسئولا مولای انت الحجۃ
البالغۃ والمحجۃ الواضحۃ والنعمۃ السابغۃ و
البرھان المنیر فھنیئا لک بما اتاک اللہ من فضل و
تبا لشانئک ذی الجھل شھدت مع النبی صلی اللہ

خیبر میں

عَلَیهِ وَآلِهِ جَمیعَ حُرُوبِهِ وَمَغازیهِ تَحمِلُ الرّایَةَ اَمامَهُ
وَتَضرِبُ بِالسَّیفِ قُدّامَهُ ثُمَّ لِحَزمِکَ المَشهُورِ وَ
بَصیرَتِکَ فِی الاُمُورِ اَمَّرَکَ فِی المَواطِنِ وَلَم یَکُن عَلَیکَ
اَمیرٌ وَکَم مِن اَمرٍ صَدَّکَ عَن اِمضاءِ عَزمِکَ فیهِ التُّقی
وَاتَّبَعَ غَیرُکَ فی مِثلِهِ الهَوی فَظَنَّ الجاهِلُونَ اَنَّکَ
عَجَزتَ عَمّا اِلَیهِ انتَهی ضَلَّ وَاللهِ الظّانُّ لِذلِکَ وَ
مَا اهتَدی وَلَقَد اَوضَحتَ ما اَشکَلَ مِن ذلِکَ لِمَن
تَوَهَّمَ وَامتَری بِقَولِکَ صَلَّی اللهُ عَلَیکَ قَد یَرَی الحُوَّلُ
القُلَّبُ وَجهَ الحیلَةِ وَدُونَها حاجِزٌ مِن تَقوَی اللهِ
فَیَدَعُها رَایَ العَینِ وَیَنتَهِزُ فُرصَتَها مَن لا جَریحَةَ
لَهُ فِی الدّینِ صَدَقتَ وَاللهِ وَخَسِرَ المُبطِلُونَ وَ
اِذ ماکَرَکَ النّاکِثانِ فَقالا نُریدُ العُمرَةَ فَقُلتَ لَهُما
لَعَمرُکُما ما تُریدانِ العُمرَةَ لکِن تُریدانِ الغَدرَةَ
فَاَخَذتَ البَیعَةَ عَلَیهِما وَجَدَّدتَ المیثاقَ
فَجَدّا فِی النِّفاقِ فَلَمّا نَبَّهتَهُما عَلی فِعلِهِما اَغفَلا

حریجة
نسخه

وَعادا وَما انتفعا وَكانَ عاقِبَةُ اَمرِهِما خُسراً ثُمَّ تَلاهُما

اَهلُ الشّامِ فَسِرتَ اِلَيهِم بَعدَ الاِعذارِ وَهُم لا يَدينُونَ

دينَ الحَقِّ وَلا يَتَدَبَّرُونَ القُرآنَ هَمَجٌ رِعاعٌ ضالُّونَ

وَبِالَّذي اُنزِلَ عَلى مُحَمَّدٍ فيكَ كافِرُونَ وَلِاَهلِ الخِلافِ

عَلَيكَ ناصِرُونَ وَقَد اَمَرَ اللهُ تَعالى بِاتِّباعِكَ وَنَدَبَ

المُؤمِنينَ اِلى نَصرِكَ وَقالَ عَزَّ وَجَلَّ يا اَيُّهَا الَّذينَ آمَنُوا

اتَّقُوا اللهَ وَكُونُوا مَعَ الصّادِقينَ مَولايَ بِكَ ظَهَرَ

الحَقُّ وَقَد نَبَذَهُ الخَلقُ وَاَوضَحتَ السُّنَنَ بَعدَ

الدُّرُوسِ وَالطَّمسِ فَلَكَ سابِقَةُ الجِهادِ عَلى تَصديقِ

التَّنزيلِ وَلَكَ فَضيلَةُ الجِهادِ عَلى تَحقيقِ التَّأويلِ

وَعَدُوُّكَ عَدُوُّ اللهِ جاحِدٌ لِرَسُولِ اللهِ يَدعُوا

باطِلاً وَيَحكُمُ جائِراً وَيَتَأَمَّرُ غاصِباً وَيَدعُو حِزبَهُ

اِلَى النّارِ وَعَمّارٌ يُجاهِدُ وَيُنادي بَينَ الصَّفَّينِ

الرَّواحَ الرَّواحَ اِلَى الجَنَّةِ فَلَمّا استَسقى فَسُقِيَ

اللَّبَنَ كَبَّرَ وَقالَ قالَ لي رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيهِ وَ

اِلٰی اٰخِرِ شَرابِکَ مِنَ الدُّنیا ضِیاحٌ مِنَ الدُّنیا وَتَقتُلُکَ الفِئَۃُ

الباغِیَۃُ فَاعتَرَضَہٗ اَبُو العادِیَۃِ الفَزارِیُّ فَقَتَلَہٗ فَعَلٰی

اَبِی العادِیَۃِ لَعنَۃُ اللّٰہِ وَلَعنَۃُ مَلٰئِکَتِہٖ وَرُسُلِہٖ اَجمَعِینَ

وَعَلٰی مَن سَلَّ سَیفَہٗ عَلَیکَ وَسَلَلتَ سَیفَکَ عَلَیہِ

یا اَمِیرَ المُؤمِنِینَ مِنَ المُشرِکِینَ وَالمُنافِقِینَ اِلٰی یَومِ الدِّینِ

وَعَلٰی مَن رَضِیَ بِما ساءَکَ وَلَم یَکرَہہُ وَاَغمَضَ عَینَہٗ وَلَم یُنکِر

اَو اَعانَ عَلَیکَ بِیَدٍ اَو لِسانٍ اَو قَعَدَ عَن نَصرِکَ اَو خَذَلَ

عَنِ الجِہادِ مَعَکَ اَو غَمَطَ فَضلَکَ وَجَحَدَ حَقَّکَ اَو

عَدَلَ بِکَ مَن جَعَلَکَ اللّٰہُ اَولٰی بِہٖ مِن نَفسِہٖ وَصَلَواتُ

اللّٰہِ عَلَیکَ وَرَحمَۃُ اللّٰہِ وَبَرَکاتُہٗ وَسَلامُہٗ وَتَحِیّاتُہٗ

وَعَلَی الاَئِمَّۃِ مِن اٰلِکَ الطّاہِرِینَ اِنَّہٗ حَمِیدٌ مَجِیدٌ وَ

الاَمرُ الاَعجَبُ وَالخَطبُ الاَفظَعُ بَعدَ جَحدِکَ حَقَّکَ

غَصبُ الصِّدِّیقَۃِ الطّاہِرَۃِ الزَّہراءِ سَیِّدَۃِ النِّساءِ

فَدَکًا وَرَدُّ شَہادَتِکَ وَشَہادَۃِ السَّیِّدَینِ سُلالَتِکَ

وَعِترَۃِ المُصطَفٰی صَلَّی اللّٰہُ عَلَیکُم وَقَد اَعلَی اللّٰہُ تَعالٰی

ص الضیح والضیاح بالفتح اللبن الخاثر یصب فیہ الماء ثم یخلط ۱۲

غ الغمط بالفتح المعجمۃ والطاء المہملۃ الاستہانۃ و الاستحقار ۱۲

علی الامة درجتکم ورفع منزلتکم وابان فضلکم
وشرفکم علی العالمین فاذهب عنکم الرجس و
طهرکم تطهیرا قال عزوجل ان الانسان خلق
هلوعا اذا مسه الشر جزوعا واذا مسه الخیر منوعا
الا المصلین فاستثنی الله تعالی نبیه المصطفی
وانت یا سید الاوصیاء من جمیع الخلق فما اعمه من
ظلمك عن الحق ثم افرضوك سهم ذوی القربی
مکرا واحادوه عن اهله جورا فلما ال الامر الیك
اجریتهم علی ما اجریا رغبة عنهما بما عند الله لك
فاشبهت محنتك بهما محن الانبیاء علیهم السلام عند
الوحدة وعدم الانصار واشبهت فی البیات علی
الفراش الذبیح علیه السلام اذ اجبت کما اجاب
واطعت کما اطاع اسمعیل صابرا محتسبا اذ قال له
یا بنی انی اری فی المنام انی اذبحك فانظر ماذا تری
قال یا ابت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرین

الله

اقرضوك / واعطوك

وَكَذٰلِكَ اَنْتَ لَمّا اَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
وَاَمَرَكَ اَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقِياً لَهُ بِنَفْسِكَ اَسْرَعْتَ
اِلٰى اِجَابَتِهِ مُطِيعاً وَلِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوَطِّناً فَشَكَرَ
اللّٰهُ تَعَالٰى طَاعَتَكَ وَاَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ
جَلَّ ذِكْرُهُ وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ
اللّٰهِ ثُمَّ مِحْنَتُكَ يَوْمَ صِفِّينَ وَقَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ
حِيلَةً وَمَكْراً فَاَعْرَضَ الشَّكُّ وَعُرِفَ الْحَقُّ وَاتُّبِعَ
الظَّنُّ اَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هٰرُونَ اِذْ اَمَّرَهُ مُوسٰى عَلٰى قَوْمِهِ
فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ وَهٰرُونُ يُنَادِيهِمْ وَيَقُولُ يَا قَوْمِ اِنَّمَا
فُتِنْتُمْ بِهِ وَاِنَّ رَبَّكُمُ الرَّحْمٰنُ فَاتَّبِعُونِي وَاَطِيعُوا اَمْرِي
قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتّٰى يَرْجِعَ اِلَيْنَا مُوسٰى
وَكَذٰلِكَ اَنْتَ لَمّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ يَا قَوْمِ
اِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَخُدِعْتُمْ فَعَصَوْكَ وَخَالَفُوا عَلَيْكَ
وَاسْتَدْعَوْا نَصْبَ الْحَكَمَيْنِ فَاَبَيْتَ عَلَيْهِمْ وَتَبَرَّأْتَ
اِلَى اللّٰهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَفَوَّضْتَهُ اِلَيْهِمْ فَلَمّا اَسْفَرَ

الحقّ وسفه المنكر واعترفوا بالزلل والجور عن
القصد اختلفوا من بعده والزموك على سفه التحكيم
الذي ابيته واحبّوه وحظرته واباحوا ذنبهم الذي
اقترفوه وانت على نهج بصيرة وهدى وهم على
سنن ضلالة وعمى فمازالوا على النفاق مصرّين و
في الغيّ متردّدين حتّى اذاقهم الله وبال امرهم فامات
بسيفك من عاندك فشقى وهوى واحيى بحجّتك من
سعد فهدى صلوات الله عليك غادية ورائحة
وعاكفة وذاهبة فما يحيط المادح وصفك ولا يحبط
الطّاعن فضلك انت احسن الخلق عبادة واخلصهم
زهادة واذبّهم عن الدّين اقمت حدود الله بجهدك
وفللت عساكر المارقين بسيفك تخمد لهب الحروب
ببنانك وتهتك ستور الشّبه ببيانك وتكشف
لبس الباطل عن صريح الحقّ لا تاخذك في الله لومة لائم
وفي مدح الله تعالى لك غنى عن مدح المادحين و

تفریط الواصفین قال اللہ تعالیٰ من المؤمنین رجال
صدقوا ما عاھدوا اللہ علیہ فمنھم من قضی نحبہ و
منھم من ینتظر وما بدلوا تبدیلا ولما رایت ان قتلت
الناکثین والقاسطین والمارقین وصدقک رسول
اللہ صلی اللہ علیہ والہ وعدہ فاوفیت بعھدہ قلت
اما آن ان تخضب ھذہ من ھذہ ام متی یبعث اشقاھا
واثقا بانک علی بینۃ من ربک وبصیرۃ من امرک قادم
علی اللہ مستبشر ببیعک الذی بایعتہ بہ وذلک ھو
الفوز العظیم اللھم العن قتلۃ انبیائک واوصیاء
انبیائک بجمیع لعنائک واصلھم حر نارک والعن
من غصب ولیک حقہ وانکر عھدہ وجحدہ
بعد الیقین والاقرار بالولایۃ لہ یوم اکملت لہ الدین
اللھم العن قتلۃ امیر المؤمنین ومن ظلمہ واشیاعھم
وانصارھم اللھم العن ظالمی الحسین وقاتلیہ والعن
المتابعین عدوہ وناصریہ والراضین بقتلہ وخاذلیہ لعنا

وَبیلاً اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَوَّلَ ظالِمٍ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَمانِعیهِمْ حُقُوقَهُمْ
اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَوَّلَ ظالِمٍ وَغاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَكُلَّ
مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ اِلیٰ یَوْمِ الْقِیٰمَةِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَ
آلِ مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبِیّینَ وَعَلیٰ عَلِیٍّ سَیِّدِ الْوَصِیّینَ
وَآلِهِ الطّاهِرینَ وَاجْعَلْنا بِهِمْ مُتَمَسِّكینَ وَبِوِلایَتِهِمْ
مِنَ الْفائِزینَ الْآمِنینَ الَّذینَ لا خَوْفٌ عَلَیْهِمْ وَلا
هُمْ یَحْزَنُونَ

دوم زیارت روز مولود

که روز هفدهم ربیع الاول است بنا بر اصح چنانچه در رساله میزان السما انرا واضح نمودیم جماعت بسیاری از علما اعلام مثل شیخ مفید و محمد بن المشهدی و رضی الدین علی بن طاوس و شیخ شهید این زیارت را روایت کرده‌اند از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و سید در اقبال و شهید ذکر کرده‌اند که انحضرت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام را در روز هفدهم ربیع الاول چنین زیارت کردند و انرا بثقهٔ عظیم الشان محمد بن مسلم ثقفی تعلیم نمودند و باو فرمودند که چون امدی بمشهد امیرالمؤمنین علیه السلام پس غسل زیارت بکن و بپوش پاکیزه‌ترین جامه‌های خود را و ببوی خوش خود را معطر نما و برو

و بر تو باد بار امی و وفا پس چون برسی بباب السلام و ظاهر امرا در حرم مطهر باشد پس روی کن بقبله و سی مرتبه بگو (الله اکبر) و بگو

اَلسَّلامُ عَلیٰ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ خِیَرَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْبَشِیرِ النَّذِیرِ السِّراجِ الْمُنِیرِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلیٰ اَنْبِیاءِ اللهِ الْمُرْسَلِینَ وَعِبادِ اللهِ الصّالِحِینَ اَلسَّلامُ عَلَی الْمَلائِکَةِ الْحافّینَ بِهٰذَا الْحَرَمِ وَبِهٰذَا الضَّرِیحِ اللّائِذِینَ بِهِ

اَلْحافِظِینَ لِهٰذَا الْحَرَمِ نسخه

پس نزدیک شو بقبر و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَصِیَّ الْاَوْصِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عِمادَ الْاَتْقِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ الْاَوْلِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدَ الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا آیَةَ اللهِ الْعُظْمیٰ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خامِسَ اَهْلِ الْعَباءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا قائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِینَ الْاَتْقِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا عِصْمَةَ الْاَوْلِیاءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا زَیْنَ الْمُوَحِّدِینَ النُّجَباءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خالِصَ الْاَخِلّاءِ اَلسَّلامُ یا والِدَ الْاَئِمَّةِ الْاُمَناءِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صاحِبَ الْحَوْضِ وَحامِلَ اللِّواءِ اَلسَّلامُ

علیک یا قاسم الجنة ولظی السلام علیک یا من شرف
به مکة ومنی السلام علیک یا بحر العلوم وکنف الفقرا
السلام علیک یا من ولد فی الکعبة وزوج فی السماء
بسیدة النساء وکان شهودها الملائکة الاصفیاء
السلام علیک یا مصباح الضیاء السلام علیک یا من
خصه النبی بجزیل الحباء السلام علیک یا من بات
علی فراش خاتم الانبیاء ووقاه بنفسه شر الاعداء السلام
علیک یا من ردت له الشمس فسامی شمعون الصفا
السلام علیک یا من انجی الله سفینة نوح باسمه و
اسم اخیه حیث التطم الماء حولها وطمی السلام علیک
یا من تاب الله به وباخیه علی آدم اذ غوی السلام علیک
یا فلک النجاة الذی من رکبه نجی ومن تاخر عنه هوی
السلام علیک یا من خاطب الثعبان وذئب الفلا
السلام علیک یا امیر المؤمنین ورحمة الله وبرکاته
السلام علیک یا حجة الله علی من کفر واناب السلام

۲ واللظی خ ل

۳ وکهف ن ل

۴ خیر ن ل

علیک یا امام ذوی الالباب السلام علیک یا معدن
الحکمة و فصل الخطاب السلام علیک یا من عنده
علم الکتاب السلام علیک یا میزان یوم الحساب السلام
علیک یا فاصل الحکم الناطق بالصواب السلام علیک
ایها المتصدق بالخاتم فی المحراب السلام علیک یا من
کفی الله المؤمنین القتال به یوم الاحزاب السلام
علیک یا من اخلص لله الوحدانیة و اناب السلام
علیک یا قاتل خیبر و قالع الباب السلام علیک
یا من دعاه خیر الانام للمبیت علی فراشه فاسلم نفسه
للمنیة و اجاب السلام علیک یا من له طوبی و
حسن مآب و رحمة الله و برکاته السلام علیک یا
ولی عصمة الدین و یا سید السادات السلام علیک
یا صاحب المعجزات السلام علیک یا من نزلت فی فضله
سورة العادیات السلام علیک یا من کتب اسمه
فی السماء علی السرادقات السلام علیک یا مظهر

بالوحدانیة
خ ل

یا قالع باب
خیبر الصخره
من الصلاب
نسخه بدل

الی المبیت
خ ل

العجائب والآيات السلام عليك يا امير الغزوات السلام
عليك يا مخبراً بما غبر وبما هو آت السلام عليك يا مخاطب
ذئب الفلوات السلام عليك يا خاتم الحصى ومبين
المشكلات السلام عليك يا من عجبت من حملاته في
الوغا ملائكة السموات السلام عليك يا من ناجى الرسول
فقدم بين يدي نجواه الصدقات السلام عليك يا
والد الائمة البررة السادات ورحمة الله وبركاته
السلام عليك يا تالي المبعوث السلام عليك يا وارث
علم خير موروث ورحمة الله وبركاته السلام عليك
يا سيد الوصيين السلام عليك يا امام المتقين
السلام عليك يا غياث المكروبين السلام عليك
يا عصمة المؤمنين السلام عليك يا مظهر البراهين
السلام عليك يا طه ويس السلام عليك يا حبل الله
المتين السلام عليك يا من تصدق في صلوته بخاتمه
على المسكين السلام عليك يا قالع الصخرة عن فم

القليب ومظهر الماء المعين السلام عليك يا عين الله
الناظرة ويده الباسطة ولسانه المعبر عنه في بريته
اجمعين السلام عليك يا وارث علم النبيين ومستودع
علم الاولين والآخرين وصاحب لواء الحمد وساقي
اوليائه من حوض خاتم النبيين السلام عليك يا
يعسوب الدين وقائد الغر المحجلين ووالد الائمة
المرضيين ورحمة الله وبركاته السلام على اسم
الله الرضي ووجهه المضيء وجنبه القوي و
صراطه السوي السلام على الامام التقي[2] المخلص
الصفي السلام على الكوكب الدري السلام على
الامام ابي الحسن علي ورحمة الله وبركاته السلام
على الائمة الهدى ومصابيح الدجى واعلام
التقى ومنار الهدى وذوي النهى وكهف الورى
والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا ورحمة
الله وبركاته السلام على نور الانوار وحجة الجبار

[2] النقي خ ل

ووالد الائمة الأطهار وقسيم الجنة والنار المخبر عن
الآثار المدمر على الكفار مستنقذ الشيعة المخلصين
من عظيم الاوزار السلام على المخصوص بالطاهرة التقية
ابنة المختار المولود في البيت ذي الأستار المزوج في
السماء بالبرة الطاهرة الرضية المرضية ابنة الاطهار
ورحمة الله وبركاته السلام على النبأ العظيم الذي
هم فيه مختلفون وعليه يعرضون وعنه يسئلون
السلام على نور الله الانور وضيائه الأزهر ورحمة
الله وبركاته السلام عليك يا ولي الله وحجته و
خالصة الله وخاصته اشهد يا ولي الله لقد جاهدت
في سبيل الله حق جهاده واتبعت منهاج رسول الله
صلى الله عليه وآله وحللت حلال الله وحرمت
حرام الله وشرعت احكامه واقمت الصلوة و
آتيت الزكوة وامرت بالمعروف ونهيت عن المنكر
وجاهدت في سبيل الله صابرا ناصحا مجتهدا محتسبا

التقية خ ل

والدة الائمة الأطهار خ ل

ولم تشغلـ عدو الله خ ل

هواه خ ل

عِندَ اللهِ عَظيمَ الأجرِ حتّى أتاكَ اليَقينُ فَلَعَنَ اللهُ مَن دَفَعَكَ عَن حَقِّكَ وَأزالَكَ عَن مَقامِكَ وَلَعَنَ اللهُ مَن بَلَغَهُ ذلِكَ فَرَضِيَ بِهِ أُشهِدُ اللهَ وَمَلائِكَتَهُ وَأنبِيائَهُ وَرُسُلَهُ أنّي وَلِيٌّ لِمَن والاكَ وَعَدُوٌّ لِمَن عاداكَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ

پس خود را بقبر بچسبان و قبر را ببوس و بگو

أشهَدُ أنَّكَ تَسمَعُ كَلامي وَتَشهَدُ مَقامي وَأشهَدُ لَكَ يا وَلِيَّ اللهِ بِالبَلاغِ وَالأداءِ يا مَولايَ يا حُجَّةَ اللهِ يا أمينَ اللهِ يا وَلِيَّ اللهِ إنَّ بَيني وَبَينَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنوباً قَد أثقَلَت ظَهري وَمَنَعَتني عَنِ الرُّقادِ وَذِكرُها يُقَلقِلُ أحشائي وَقَد هَرَبتُ مِنها إلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإلَيكَ فَبِحَقِّ مَنِ ائتَمَنَكَ عَلى سِرِّهِ وَاستَرعاكَ أمرَ خَلقِهِ وَقَرَنَ طاعَتَكَ بِطاعَتِهِ وَمُوالاتَكَ بِمُوالاتِهِ كُن لي إلَى اللهِ شَفيعاً وَمِنَ النّارِ مُجيراً وَعَلَى الدَّهرِ ظَهيراً

پس بانخود را بقبر بچسبان و آن را ببوس و بگو

وَلِيٌّ خل

عَدُوٌّ خل

وَأنَا إلَى اللهِ مِن أعدائِكَ بَريءٌ نسخه

يَا وَلِيَّ اللهِ يَا حُجَّةَ اللهِ يَا بَابَ حِطَّةِ اللهِ وَلِيُّكَ وَزَائِرُكَ
وَاللَّائِذُ بِقَبْرِكَ وَالنَّازِلُ بِفِنَائِكَ وَالْمُنِيخُ رَحْلَهُ
فِي جِوَارِكَ يَسْئَلُكَ اَنْ تَشْفَعَ لَهُ اِلَى اللهِ فِي قَضَاءِ حَاجَتِهِ
وَنُجْحِ طَلِبَتِهِ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ
الْجَاهَ الْعَظِيمَ وَالشَّفَاعَةَ الْمَقْبُولَةَ فَاجْعَلْنِي يَا مَوْلَايَ
مِنْ هَمِّكَ وَاَدْخِلْنِي فِي حِزْبِكَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ
وَعَلَى ضَجِيعَيْكَ اٰدَمَ وَنُوحٍ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى
وَلَدَيْكَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ الطَّاهِرِينَ مِنْ
ذُرِّيَّتِكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

آنگاه شش رکعت نماز بکن دو رکعت برای حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
و دو رکعت برای جناب آدم ع و دو رکعت برای جناب
نوح ع و بسیار بخوان خدا بتعالی را که باجابت خواهد رسید
انشاء الله تعالی مؤلف گوید علامه مجلسی رحمه
الله در مزار بحار این زیارت را برای این روز از شیخ مفید و
شیخ شهید و کتاب اقبال ابن طاوس نقل نموده و بعد از ذکر
زیارت فرموده که این زیارت را مؤلف مزار کبیر روایت
کرده از محمد بن مسلم و آنرا مخصوص نکرده باین روز و ظاهر میشود

بیان من المؤلف

ازآنکه این زیارت از زیارات مطلقه است در تحفه فرموده
این زیارت بهترین زیارات است و سندهای معتبر در کتب معتبر
مذکور است و ظاهر بعض روایات آنست که خصوصیت باین روز
ندارد در هر وقت که این زیارت را بعمل آورد خوبست و چون علما
در خصوص این روز ذکر کرده اند ما نیز در اینجا ذکر کرده ایم انتهی کلام آن
آن سه عالم روایت را نقل کرده و ظاهر مراد ایشان از بعض روایات
روایت مزار کبیر باشد که در بحار تصریح نموده و این فرموده ایشان
از مطالب عجیبه است چه دلالت عبارت مزار کبیر بر اختصاص این زیارت
باین روز شریف بیشتر از عبارات دیگران است زیرا که عبارت مزار
کبیر اینست **زیارة اخری لامیر المؤمنین** فی سابع
عشر ربیع الاول عند طلوع الشمس و زار بها الصادق علیه السلام و
علمها لمحمد بن مسلم الثقفی قال ـــ اذا الخ
و از کلام دیگران ظاهر میشود که چون حضرت صادق علیه السلام
آنجناب را در این روز زیارت کردند از وظایف آن روز شمرده میشود
نظیر زیارت غدیر سابقه که چون حضرت امام علی نقی علیه السلام
در آن روز چنان زیارت کردند پس از مختصات محسوب میشود و لکن
مقید کردن این زیارت را در آن روز بوقت طلوع آفتاب و اینکه در
آنوقت این زیارت را باید خواند چنانچه صریح عبارت مزار کبیر است
کاشف است از واقف شدن بر خبری صریح در این مطلب زیرا
که آن از آداب زیارت نیست احتمال دو دادن از سایر اخبار وارده

استنباط کرده باشد بلکه در آخر زیارت بعد از شش رکعت نماز
گفته (وادع الله کثیرا و مجّد وابتهل الی الله جلت عظمته و
الحّ فی دعائك یجب انشاء الله تعالی) و دیگران این قسم نقل کرده
اند و این نیز کاشف است بر مغایرت روایت مزار کبیر از روایات
اجماعت بهرحال محلّی برای استظهار ان مرحوم نیست بلی در مزار
قدیم انرا از محمد بن مسلم روایت کرده با جزئی اختلاف بدون نسبت
بحضرت صادق صلوات الله علیه و بدون اشعار اختصاص بان
روز و چون بعد از او مخصوصه مبعث را ذکر کرده محتملست
که از قلم کلامی سقط شده باشد چنانچه از قلم شریف علامه
مجلسی در تحفه و زاد المعاد فقره شش رکعت نماز سقط شده
و کافه زائرین گمان میکنند که بجهت این زیارت مخصوصه نماز زیارت
مخصوصا وارد نشده با انکه در تمام کتب مذکوره مسطور است

سیم زیارت شب و روز مبعث است

که بیست و هفتم ماه رجب است علامه مجلسی در تحفه فرموده
بعض علما ذکر کرده اند که زیارت انحضرت در این روز سنّت و زیارت
مخصوصی نقل کرده اند و چون سند هیچ یك بنظر نرسیده بود
ترك کردیم انتهی و مراد ان مرحوم از سند مجرد نسبت دادن ان
زیارتست بامام علیه السلام تا معلوم شود که از تالیف علما
نیست نه ذکر راویان ان زیارت هرچند انرا نسبت دهند
بامام زیرا که در تحفه مکرر از این قسم زیارت را نقل کرده و بمجرد

زیارت بخوبکه گذشت ودعا واستها بعد از آن صح

نسبت دادن زیارت با مامی در بعض کتب معتبره اکتفا نموده و بعضی از آن
اشاره خواهد شد انشاء الله تعالی چون این را دانستی پس میگوئیم
نسبت دادن با مام گاهی در صریح کلام است مثل آنکه عالم ناقل میگوید
روایت شده از فلان امام که چنین بگو و نظیر این کلمات واضحه
وگاهی از قراین و شواهد مکشوف میشود که این زیارت ماثور است یا
نشود که از تالیفات علما یا غیر ان باشد و باین قرائن در سطر
کلمات ما در این فصل و فصل اینده اشاره میشود و معلوم خواهد
شد که زیارت مذکوره ماثور است از امام و از تالیف علماء نیست
بهرحال حقیر برای این شب و روز سه زیارت مخصوصه پیدا کردم
بحمد الله تعالی **اول** در مزار قدیم فرموده **زیارة
اخری** لمولینا امیر المؤمنین علی بن ابیطالب صلوات الله علیه
المختصة بلیلة سبعة و عشرین من رجب تقف علی ضریحه ع و تقول
زیارتی دیگر برای اقای ما امیر المؤمنین علیه السلام که مختص است
بشب بیست و هفتم ماه رجب میایستی مقابل ضریح شریف آنحضرت و میگوئی

اَلسَّلامُ عَلی اَبِی الاَئِمَّةِ وَمَعْدِنِ النُّبُوَّةِ وَالْمَخْصُوصِ بِالاُخُوَّ
اَلسَّلامُ عَلی یَعْسُوبِ الاِیمانِ وَکَلِمَةِ الرَّحْمنِ وَکَهْفِ الاِسْلامِ
اَلسَّلامُ عَلی مِیزانِ الاَعْمالِ وَسَیْفِ ذِی الْجَلالِ اَلسَّلامُ
عَلی صالِحِ الْمُؤْمِنِینَ وَوارِثِ عِلْمِ النَّبِیِّینَ وَالْحاکِمِ فی

يوم الدين السلام على شجرة التقوى وسامع السر والنجوى
ومنزل المن والسلوى السلام على حجة الله البالغة و
نعمته السابغة ونقمته الدامغة السلام على اسرائيل
الامة وباب الرحمة وابي الائمة السلام على صراط
الله الواضح والنجم اللائح والامام الناصح السلام على وجه
الله الذي من امن به نجى ومن تاخر عنه هوى السلام
على نفسه القائمة فيه بالسنن وعينه التي من رعته
اطمئن السلام على اذن الله الواعية في الامم ويده
الباسطة بالنعم وجنبه الذي من فرط فيه ندم
اشهد انك مجازي الخلق ومالك الرق والحاكم بالحق
بعثك الله علما لعباده فوفيت بمراده وجاهدت
فيه حق جهاده صلى الله عليك وجعل افئدة
من الناس تهوي اليك الخير منك وفي يديك
عبدك الزائر لحرمك اللائذ بكرمك الشاكر لنعمك
قد هرب اليك من ذنوبه ورجاك لكشف كروبه فانت

كَاشِفُ كَرْبِهِ وَاَنْتَ سَاتِرُ عُيُوبِهِ فَكُنْ لِي اِلَى اللّٰهِ
وَسِيلاً وَمِنَ النَّارِ مَقِيلاً وَلِمَا اَمُلُ فِيكَ كَفِيلاً
يُنْجِي نَجَاةَ مَنْ وَصَلَ حَبْلَهُ بِحَبْلِكَ وَسَلَكَ اِلَى اللّٰهِ
بِسَبِيلِكَ وَاَنْتَ سَامِعُ الدُّعَاءِ وَوَلِيُّ الْجَزَاءِ عَلَيْكَ
مِنَّا التَّسْلِيمُ وَاَنْتَ السَّيِّدُ الْكَرِيمُ وَاَنْتَ بِنَا رَحِيمٌ
مِنْكَ النَّوَالُ وَعَلَيْكَ بَعْدَ اللّٰهِ التُّكْلَانُ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

مؤلف گوید

این زیارت همان زیارتیست که معروفست بزیارت هفتم چون در کتاب
تحفة الزائران را هفتم زیارات مطلقه حضرت امیر المؤمنین
علیه السّلام قرار داده. و گفته زیارت هفتم زیارتی است که در بعضی
کتب قدیمه معتبره یافته ام که بروایت صفوان جمّال منسوب کرده‌اند
اندوان این زیارتست السّلام الخ ودر بحار فرموده (ق) واین
رمز است برای کتاب عتیق غروی که باعتقاد ان مرحوم از مؤلفات
شیخ جلیل هرون بن موسی تلعکبری است (زیارت صفوان الجمال
لامیر المؤمنین علیه السّلام) السّلام الخ وظاهر این عبارت این
است که صفوان انحضرت را چنین زیارت کرده نظیر زیارت جابر
انصاری حضرت ابی عبدالله را در روز اربعین و در این کلام هیچ

وجه اشاره نیست باینکه این زیارت مأثور است از امامی و با این
حال ان مرحوم این را از زیارات مأثوره مرویه از ائمه علیهم
السلام شمرده و انرا در تحفه درج نموده و سبب ان حدث صائب
است که نشود مثل صفوان چنین زیارت بلیغه که متضمن مطالب
عالیه است از امام علیه السلام نشنیده باشد و خود
اختراع کند و این اساس مقتضی است که زیارات مخصوصه و
مطلقه موجوده در مزار شیخ مفید و شیخ شهید و امثال
ایشان نیز مأثور باشد بلکه از جهاتی اولی است چنانچه خواهی
دانست انشاء الله تعالی **و مخفی نماند** که در فقرات زیارت هفتم
که موجود است در بحار و تحفه و فقرات انچه ما نقل کردیم فی
الجمله اختلافیست از زیادتی و نقصان و تغییر کلمه ولکن نه بان حد
که تعدد در ان بود والله العالم. **دوم** ایضا در ان مزار شریف
بعد از ذکر زیارت سابقه فرموده (ثم تقول الحمد لله الذی
اشهدنا الخ) و در مزار کبیر محمد بن المشهدی بعد از ذکر بعضی از
اعمال مبعث و نماز جناب سلمان در ماه رجب فرموده (ومما یستحب
ان یزار به امیر المؤمنین علیه السلام فی لیلة المبعث هذه الزیارة
وکل امام حضرت عنده فی رجب ایضا) از انچه مستحب است که
بان حضرت امیر المؤمنین علیه السلام را زیارت کرد در شب مبعث
این زیارتست و در نزد هر امامی که حاضر شدی در ماه رجب نیز
این زیارت مستحبست و ظاهر این کلام و صریح مزار قدیم انستکه

زیارت رجبیه معروفه از زیارت مخصوصه شب مبعث است
ومنافات ندارد که از زیارات جامعه عامه نیز باشد نظیر زیارت امین
الله و زیارت عاشوراء و زیارت غدیر گذشته و آن زیارت این است:

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذی اَشْهَدَنا مَشْهَدَ اَوْلِیائِهِ فی رَجَبٍ وَاَوْجَبَ عَلَیْنا
مِنْ حَقِّهِمْ ما قَدْ وَجَبَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلی مُحَمَّدٍ الْمُنْتَجَبِ
وَعَلی اَوْصِیائِهِ الْحُجُبِ اَللّٰهُمَّ فَکَما اَشْهَدْتَنا مَشْهَدَهُمْ
فَاَنْجِزْ لَنا مَوْعِدَهُمْ وَاَوْرِدْنا مَوْرِدَهُمْ غَیْرَ مُحَلَّئینَ عَنْ
وِرْدٍ فی دارِ الْمُقامَةِ وَالْخُلْدِ وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ اِنّی
قَصَدْتُکُمْ وَاعْتَمَدْتُکُمْ بِمَسْئَلَتی وَحاجَتی وَهِیَ فَکاکُ رَقَبَتی
مِنَ النّارِ وَالْمَقَرُّ مَعَکُمْ فی دارِ الْقَرارِ مَعَ شیعَتِکُمُ
الْاَبْرارِ وَالسَّلامُ عَلَیْکُمْ بِما صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدّارِ
اَنَا سائِلُکُمْ وَآمِلُکُمْ فیما اِلَیْکُمُ التَّفْویضُ وَعَلَیْکُمُ التَّعْویضُ
فَبِکُمْ یُجْبَرُ الْمَهیضُ وَیُشْفَی الْمَریضُ وَعِنْدَکُمْ ما تَزْدادُ الْاَرْحامُ
وَما تَغیضُ اِنّی لِسِرِّکُمْ مُؤْمِنٌ وَلِقَوْلِکُمْ مُسَلِّمٌ وَعَلَی اللّٰهِ بِکُمْ
مُقْسِمٌ فی رَجْعی بِحَوائِجی وَقَضائِها وَاِمْضائِها وَاِنْجاحِها

انّی قد نسخه

بسرّکم نسخه
مقیم نسخه

وَ ازْوَاجِهَا وَ انْجَازِ شُئُونِي لَدَيْكُمْ وَ صَلَاحِهَا وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ سَلَامَ مُوَدِّعٍ وَ لَكُمْ حَوَائِجَهُ مُودِعٍ يَسْئَلُ اللّٰهَ اِلَيْكُمُ الْمَرْجِعَ وَ سَعْيَهُ اِلَيْكُمْ غَيْرَ مُنْقَطِعٍ وَ اَنْ يَرْجِعَنِي مِنْ حَضْرَتِكُمْ خَيْرَ مَرْجِعٍ اِلَى جَنَابٍ مُمْرِعٍ وَ خَفْضِ عَيْشٍ مُوَسَّعٍ وَ دَعَةٍ وَ مَهَلٍ اِلَى حِينِ الْاَجَلِ وَ خَيْرِ مَصِيرٍ وَ مَحَلٍّ فِي النَّعِيمِ الْاَزَلِ وَ الْعَيْشِ الْمُقْتَبَلِ وَ دَوَامِ الْاُكُلِ وَ شُرْبِ الرَّحِيقِ وَ السَّلْسَلِ وَ عَلٍّ وَ نَهَلٍ لَا سَامَ مِنْهُ وَ لَا مَلَلَ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ حَتَّى الْعَوْدِ اِلَى حَضْرَتِكُمْ وَ الْفَوْزِ فِي كَرَّتِكُمْ وَ الْحَشْرِ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللّٰهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ

آنگاه دو رکعت نماز زیارت بجای آورد و آنچه خواهی دعا کن پس بسیم زیارت مخصوصه معروفست که در شب بعث و روز آن باید خواند چنانچه شیخ مفید در مزار و ابن طاوس در مصباح الزائر و شهید اول در مزار نقل نموده اند باین طریق که چون خواستی در این شب یا روز زیارت کنی پس بایست بر در روضه شریفه مقابل قبر آنحضرت و بگو

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَشْهَدُ

حاشیه: ۲ ابراجها نسخه — ۳ في نعيم نسخه — ۴ المقبل نسخه

اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّ اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ عَلِیَّ بْنَ اَبِی طَالِبٍ عَبْدُ اللهِ وَاَخُو رَسُولِهِ وَاَنَّ الْاَئِمَّةَ الطَّاهِرِینَ مِنْ وُلْدِهِ حُجَجُ اللهِ عَلیٰ خَلْقِهِ

پس داخل شو و بایست نزدیک قبر آنحضرت بنحوی که روی خود را بجانب قبر کرده باشی و قبله را در پشت خود قرار دهی آنگاه صد نوبت تکبیر بگو و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ آدَمَ خَلِیفَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ نُوحٍ صَفْوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اِبْرٰهِیمَ خَلِیلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوسیٰ کَلِیمِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِیسیٰ رُوحِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ سَیِّدِ رُسُلِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا اِمَامَ الْمُتَّقِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا سَیِّدَ الْوَصِیِّینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَصِیَّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبَاُ الْعَظِیمُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الصِّرَاطُ الْمُسْتَقِیمُ

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمُهَذَّبُ الْكَرِیمُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا
الْوَصِیُّ التَّقِیُّ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الرَّضِیُّ الزَّكِیُّ اَلسَّلامُ
عَلَیْكَ اَیُّهَا الْبَدْرُ الْمُضِیءُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الصِّدِّیقُ
الْاَكْبَرُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْفارُوقُ الْاَعْظَمُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ
اَیُّهَا السِّراجُ الْمُنیرُ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اِمامَ الْهُدی
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا عَلَمَ التُّقی اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا حُجَّةَ اللهِ
الْكُبْری اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خاصَّةَ اللهِ وَخالِصَتَهُ وَ
اَمینَ اللهِ وَصَفْوَتَهُ وَبابَ اللهِ وَحُجَّتَهُ وَمَعْدِنَ حُكْمِ[۲]
اللهِ وَسِرِّهِ وَعَیْبَةَ عِلْمِ اللهِ وَخازِنَهُ وَسَفیرَ اللهِ فی خَلْقِهِ
اَشْهَدُ اَنَّكَ [قَدْ] اَقَمْتَ الصَّلوةَ وَآتَیْتَ الزَّكوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَیْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاتَّبَعْتَ الرَّسُولَ وَتَلَوْتَ الْكِتابَ
حَقَّ تِلاوَتِهِ وَبَلَّغْتَ عَنِ اللهِ وَوَفَیْتَ بِعَهْدِ اللهِ وَتَمَّتْ
بِكَ كَلِماتُ اللهِ وَجاهَدْتَ فِی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَنَصَحْتَ
للهِ وَلِرَسُولِهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَجُدْتَ بِنَفْسِكَ
صابِراً مُحْتَسِباً مُجاهِداً عَنْ دینِ اللهِ مُوَقِّیاً لِرَسُولِ اللهِ طالِباً

[۲] حِكَمِ نسخه

ما عند الله راغباً فيما وعد الله ومضيت للذي كنت
عليه شهيداً وشاهداً ومشهوداً فجزاك الله عن رسوله
وعن الاسلام واهله من صديق افضل الجزاء اشهد
انك كنت اول القوم اسلاماً واخلصهم ايماناً واشدهم
يقيناً واخوفهم لله واعظمهم عناءً واحوطهم
على رسول الله صلى الله عليه وآله وافضلهم مناقب و
اكثرهم سوابق وارفعهم درجة واشرفهم منزلة
واكرمهم عليه فقويت حين وهنوا ولزمت منهاج
رسول الله صلى الله عليه وآله اشهد انك كنت
خليفة[2] حقاً لم تنازع برغم المنافقين وغيظ الكافرين
وضغن الفاسقين وقمت بالامر حين فشلوا ونطقت
حين تعتعوا ومضيت بنور الله اذ وقفوا فمن اتبعك
فقد اهتدى[3] كنت اقلهم[4] كلاماً واشدهم خصاماً
واصوبهم منطقاً واسدهم رأياً واشجعهم قلباً
واكثرهم يقيناً واحسنهم عملاً واعرفهم بالامور

[2] خليفته نسخه

[3] هذ هدى نسخه

[4] اقلهم خ ل

كُنْتَ لِلْمُؤْمِنِيْنَ اَباً رَحِيْماً اِذْ صَارُوْا عَلَيْكَ عِيَالاً فَحَمَلْتَ
اَثْقَالَ مَا عَنْهُ ضَعُفُوْا وَحَفِظْتَ مَا اَضَاعُوْا وَرَعَيْتَ مَا
اَهْمَلُوْا وَشَمَّرْتَ اِذْ جَبُنُوْا وَعَلَوْتَ اِذْ هَلَعُوْا وَصَبَرْتَ
اِذْ جَزِعُوْا كُنْتَ عَلَى الْكَافِرِيْنَ عَذَاباً صَبّاً وَغِلْظَةً وَ
غَيْظاً وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ غَيْثاً وَخِصْباً وَعِلْماً لَمْ تُفْلَلْ حُجَّتُكَ وَ
لَمْ يَزِغْ قَلْبُكَ وَلَمْ تَضْعُفْ بَصِيْرَتُكَ وَلَمْ تَجْبُنْ نَفْسُكَ
كُنْتَ كَالْجَبَلِ لَا تُحَرِّكُهُ الْعَوَاصِفُ وَلَا تُزِيْلُهُ الْقَوَاصِفُ
كُنْتَ كَمَا قَالَ رَسُوْلُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ قَوِيّاً فِيْ
بَدَنِكَ مُتَوَاضِعاً فِيْ نَفْسِكَ عَظِيْماً عِنْدَ اللّٰهِ كَبِيْراً فِي
الْاَرْضِ جَلِيْلاً فِي السَّمَاۤءِ لَمْ يَكُنْ لِاَحَدٍ فِيْكَ مَهْمَزٌ
وَلَا لِقَائِلٍ فِيْكَ مَغْمَزٌ وَلَا لِخَلْقٍ فِيْكَ مَطْمَعٌ وَلَا لِاَحَدٍ
عِنْدَكَ هَوَادَةٌ يُوْجَدُ الضَّعِيْفُ الذَّلِيْلُ عِنْدَكَ قَوِيّاً
عَزِيْزاً حَتّٰى تَاْخُذَ لَهٗ بِحَقِّهٖ وَالْقَوِيُّ الْعَزِيْزُ عِنْدَكَ
ضَعِيْفاً حَتّٰى تَاْخُذَ مِنْهُ الْحَقَّ الْقَرِيْبُ وَالْبَعِيْدُ
عِنْدَكَ سَوَاۤءٌ شَاْنُكَ الْحَقُّ وَالصِّدْقُ وَالرِّفْقُ وَ

ذلیلاً نسخہ

فی ذلک صح

شَاْنُكَ

قولك حكم وحتم وامرك حلم وعزم ورايك علم وجزم اعتدل بك الدين وسهل بك العسير و اطفئت بك النيران وقوى بك الايمان وثبت بك الاسلام وهدت مصيبتك الانام فانا لله وانا اليه راجعون لعن الله من قتلك ولعن الله من خالفك ولعن الله من افترى عليك ولعن الله من ظلمك وغصبك حقك ولعن الله من بلغه ذلك فرضى به انا الى الله منهم براء لعن الله امة خالفتك وجحدت ولايتك وتظاهرت عليك وقتلتك وحادت عنك وخذلتك الحمد لله الذى جعل النار مثواهم وبئس الورد المورود اشهد لك يا ولى الله وولى رسوله صلى الله عليه واله بالبلاغ والاداء والنصيحة واشهد انك جنب الله وبابه وانك حبيب الله ووجهه الذى منه يؤتى وانك سبيل الله وانك عبد الله واخو رسوله صلى الله

عَلَيهِ وَآلِهِ اَتَيتُكَ زَائِراً لِعَظِيمِ حَالِكَ وَمَنزِلَتِكَ
عِندَ اللهِ وَعِندَ رَسُولِهِ مُتَقَرِّباً اِلَى اللهِ بِزِيارَتِكَ
رَاغِباً اِلَيكَ فِي الشَّفَاعَةِ اَبتَغِي بِشَفَاعَتِكَ خَلاصَ
نَفسِي مُتَعَوِّذاً بِكَ مِنَ النَّارِ هَارِباً مِن ذُنُوبِيَ الَّتِي احتَطَبتُهَا
عَلَى ظَهرِي فَزِعاً اِلَيكَ رَجَاءَ رَحمَةِ رَبِّي اَتَيتُكَ
اَستَشفِعُ بِكَ يَا مَولايَ اِلَى اللهِ وَاَتَقَرَّبُ بِكَ
اِلَيهِ لِيَقضِيَ بِكَ حَوَائِجِي فَاشفَع لِي يَا اَمِيرَ المُؤمِنِينَ
اِلَى اللهِ فَاِنِّي عَبدُ اللهِ وَمَولاكَ وَزَائِرُكَ وَلَكَ
عِندَ اللهِ المَقَامُ المَعلُومُ وَالجَاهُ العَظِيمُ وَالشَّأنُ
الكَبِيرُ وَالشَّفَاعَةُ المَقبُولَةُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلَى عَبدِكَ وَاَمِينِكَ الاَوفَى
وَعُروَتِكَ الوُثقَى وَيَدِكَ العُليَا وَكَلِمَتِكَ الحُسنَى
وَحُجَّتِكَ عَلَى الوَرَى وَصِدِّيقِكَ الاَكبَرِ سَيِّدِ
الاَوصِيَاءِ وَرُكنِ الاَولِيَاءِ وَعِمَادِ الاَصفِيَاءِ اَمِيرِ
المُؤمِنِينَ وَيَعسُوبِ المُتَّقِينَ وَقُدوَةِ الصِّدِّيقِينَ

وَاِمامِ الصّالِحینَ الْمَعْصُومِ مِنَ الزَّلَلِ وَالْمَفْطُومِ مِنَ
الْخَلَلِ وَالْمُهَذَّبِ مِنَ الْعَیْبِ وَالْمُطَهَّرِ مِنَ الرَّیْبِ اَخی
نَبِیِّكَ وَوَصِیِّ رَسُولِكَ وَالْبائِتِ عَلی فِراشِهِ
وَالْمُواسی لَهُ بِنَفْسِهِ وَكاشِفِ الْكَرْبِ عَنْ وَجْهِهِ الَّذی
جَعَلْتَهُ سَیْفاً لِنُبُوَّتِهِ وَمُعْجِزاً لِرِسالَتِهِ وَدَلالَةً
واضِحَةً لِحُجَّتِهِ وَحامِلاً لِرایَتِهِ وَوِقایَةً لِمُهْجَتِهِ
وَهادِیاً لِاُمَّتِهِ وَیَداً لِباْسِهِ وَتاجاً لِراْسِهِ وَباباً
لِنَصْرِهِ وَمِفْتاحاً لِظَفَرِهِ حَتّی هَزَمَ جُنُودَ الشِّرْكِ
بِاَیْدِكَ وَاَبادَ عَساكِرَ الْكُفْرِ بِاَمْرِكَ وَبَذَلَ نَفْسَهُ فی مَرْضاتِكَ
وَمَرْضاتِ رَسُولِكَ وَجَعَلَها وَقْفاً عَلی طاعَتِهِ وَ
مِجَنّاً دُونَ نَكْبَتِهِ حَتّی فاضَتْ نَفْسُهُ صَلَّی اللهُ
عَلَیْهِ وَآلِهِ فی كَفِّهِ وَاسْتَلَبَ بَرْدَها وَمَسَحَهُ عَلی
وَجْهِهِ وَاَعانَتْهُ مَلائِكَتُكَ عَلی غُسْلِهِ وَتَجْهیزِهِ
وَصَلّی عَلَیْهِ وَواری شَخْصَهُ وَقَضی دَیْنَهُ وَ
اَنْجَزَ وَعْدَهُ وَلَزِمَ عَهْدَهُ وَاحْتَذی مِثالَهُ وَحَفِظَ

وَصِيَّتَهُ وَحِينَ وَجَدَ أَنْصَارًا نَهَضَ مُسْتَقِلًّا بِأَعْبَاءِ
الْخِلَافَةِ مُضْطَلِعًا بِأَثْقَالِ الْإِمَامَةِ فَنَصَبَ رَايَةَ
الْهُدَىٰ فِي عِبَادِكَ وَنَشَرَ ثَوْبَ الْأَمْنِ فِي بِلَادِكَ
وَبَسَطَ الْعَدْلَ فِي بَرِيَّتِكَ وَحَكَمَ بِكِتَابِكَ فِي خَلِيقَتِكَ
وَأَقَامَ الْحُدُودَ وَقَمَعَ الْجُحُودَ وَقَوَّمَ الزَّيْغَ وَسَكَّنَ
الْغَمْرَةَ وَأَبَادَ الْفَتْرَةَ وَسَدَّ الْفُرْجَةَ وَقَتَلَ النَّاكِثَةَ
وَالْقَاسِطَةَ وَالْمَارِقَةَ وَلَمْ يَزَلْ عَلَىٰ مِنْهَاجِ رَسُولِ اللّٰهِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَوَتِيرَتِهِ وَلُطْفِ شَاكِلَتِهِ
وَجَمَالِ سِيرَتِهِ مُقْتَدِيًا بِسُنَّتِهِ مُتَعَلِّقًا بِهِمَّتِهِ
مُبَاشِرًا لِطَرِيقَتِهِ وَأَمْثِلَتُهُ نَصْبُ عَيْنَيْهِ يَحْمِلُ
عِبَادَكَ عَلَيْهَا وَيَدْعُوهُمْ إِلَيْهَا إِلَىٰ أَنْ خُضِبَتْ شَيْبَتُهُ
مِنْ دَمِ رَأْسِهِ اللّٰهُمَّ فَكَمَا لَمْ يُؤْثِرْ فِي طَاعَتِكَ شَكًّا
عَلَىٰ يَقِينٍ وَلَمْ يُشْرِكْ بِكَ طَرْفَةَ عَيْنٍ صَلِّ عَلَيْهِ
صَلَوٰةً زَاكِيَةً نَامِيَةً يَلْحَقُ بِهَا دَرَجَةَ النُّبُوَّةِ فِي
جَنَّتِكَ وَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّةً وَسَلَامًا وَآتِنَا مِنْ

الأغصار غ ل

وسيرته غ ل

لَدُنْكَ فِي مُوالاتِهِ فَضْلاً وَاِحْسانًا وَمَغْفِرَةً وَرِضْوانًا
اِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْجَسِيمِ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

بعد از آن قبر را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار و بعد از آن روی
چپ را و روی بقبله کن و نماز زیارت بجای آور و آنچه خواهی بعد
از نماز دعا کن و بگو بعد از فرستادن تسبیح حضرت زهراء علیها السّلام

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ بَشَّرْتَنِي عَلى لِسانِ نَبِيِّكَ وَرَسُولِكَ مُحَمَّدٍ
صَلَواتُكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقُلْتَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا
اَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ اَللّٰهُمَّ اِنِّي مُؤْمِنٌ بِجَمِيعِ
اَنْبِيائِكَ وَرُسُلِكَ صَلَواتُكَ عَلَيْهِمْ فَلا تَقِفْنِي بَعْدَ
مَعْرِفَتِهِمْ مَوْقِفًا تَفْضَحُنِي فِيهِ عَلى رُؤُسِ الْاَشْهادِ بَلْ
قِفْنِي مَعَهُمْ وَتَوَفَّنِي عَلَى التَّصْدِيقِ بِهِمْ اَللّٰهُمَّ وَاَنْتَ
خَصَصْتَهُمْ بِكَرامَتِكَ وَاَمَرْتَنِي بِاتِّباعِهِمْ اَللّٰهُمَّ وَاِنِّي
عَبْدُكَ وَزائِرُكَ مُتَقَرِّبًا اِلَيْكَ بِزِيارَةِ اَخِي رَسُولِكَ
وَعَلى كُلِّ مَاْتِيٍّ وَمَزُورٍ حَقٌّ لِمَنْ اَتاهُ وَزارَهُ وَاَنْتَ
خَيْرُ مَاْتِيٍّ وَاَكْرَمُ مَزُورٍ فَاَسْئَلُكَ يا اَللّٰهُ يا رَحْمٰنُ يا
رَحِيمُ يا جَوادُ يا ماجِدُ يا اَحَدُ يا صَمَدُ يا مَنْ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ

لتلاقی خل

يولد ولم يكن له كفوا احد ولم يتخذ صاحبة ولا ولدا ان تصلى على محمد وال محمد وان تجعل تحفتك اياى من زيارتى اخا رسولك فكاك رقبتى من النار وان تجعلنى ممن يسارع فى الخيرات ويدعوك رهبا ورغبا و تجعلنى لك من الخاشعين اللهم انك مننت على بزيارة مولاى على بن ابيطالب وولايته ومعرفته فاجعلنى ممن ينصره وينتصر به ومن على بنصرك لدينك اللهم واجعلنى من شيعته وتوفنى على دينه اللهم اوجب لى من الرحمة والرضوان و المغفرة والاحسان والرزق الواسع الحلال الطيب ما انت اهله يا ارحم الراحمين والحمد لله رب العالمين

پس هرگاه خواستى وداع كنى انحضرت را پس بايست نزد قبر و بگو

السلام عليك يا تاج الاوصياء السلام عليك يا وارث علم الانبياء السلام عليك يا راس الصديقين

السلام عليك يا امير المؤمنين صح متن

السَّلامُ عَلَيْكَ يا بابَ الْاَحْكامِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا رُكْنَ الْمَقامِ اَسْتَوْدِعُكَ اللهَ وَاَسْتَرْعيكَ وَاَقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلامَ آمَنّا بِاللهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جاءَ بِهِ وَدَعا اِلَيْهِ وَدَلَّ عَلَيْهِ اَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنا مَعَ الشّاهِدينَ

اَللّٰهُمَّ فَلا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتي اِيّاهُ وَلا تَحْرِمْني ثَوابَ مَنْ زارَهُ وَاسْتَعْمِلْني بِالَّذي افْتَرَضْتَ لَهُ عَلَيَّ وَارْزُقْنِي الْعَوْدَ اِلَيْهِ فَاِنْ تَوَفَّيْتَني قَبْلَ ذٰلِكَ فَاِنّي اَشْهَدُ اَنَّهُمْ اَعْلامُ الْهُدىٰ وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقىٰ وَالْكَلِمَةُ الْعُلْيا وَالْحُجَّةُ الْعُظْمىٰ وَالنُّجُومُ الْعُلىٰ وَالْعُذْرُ الْبالِغُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ خَلْقِكَ وَاَشْهَدُ اَنَّ مَنْ رَدَّ ذٰلِكَ فِي اَسْفَلِ دَرْكِ الْجَحيمِ اَللّٰهُمَّ وَاجْعَلْني مِنْ وَفْدِهِ الْمُبارَكينَ وَزُوّارِهِ الْمُخْلِصينَ وَشيعَتِهِ الصّادِقينَ وَمَوالِيهِ الْمُبائِنينَ وَاَنْصارِهِ الْمُكَرَّمينَ وَاَصْحابِهِ الْمُؤَيَّدينَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْني اَكْرَمَ وافِدٍ وَاَفْضَلَ وارِدٍ وَاَنْبَلَ قاصِدٍ قَصَدَكَ اِلىٰ هٰذَا الْحَرَمِ الْكَريمِ وَالْمَقامِ الْعَظيمِ وَالْمَنْهَلِ الْجَليلِ

اَلَّذِی اَوْجَبْتَ فِیهِ غُفْرَانَكَ وَرَحْمَتَكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّی
اُشْهِدُكَ وَاُشْهِدُ مَنْ حَضَرَ مِنْ مَلٰائِكَتِكَ اَنَّ الَّذِی
سَكَنَ هٰذَا الرَّمْسَ وَحَلَّ هٰذَا الضَّرِیحَ طُهْرٌ مُقَدَّسٌ
وَصِیٌّ رَضِیٌّ مَرْضِیٌّ طُوبیٰ لَكَ مِنْ تُرْبَةٍ ضَمِنْتَ كَنْزاً مِنَ الْخَیْرِ
وَشِهَاباً مِنَ النُّورِ وَیَنْبُوعَ الْحِكْمَةِ وَعَیْناً مِنَ الرَّحْمَةِ
وَمَبْلَغَ الْحُجَّةِ اَنَا اَبْرَءُ اِلَی اللّٰهِ مِنْ قَاتِلِكَ وَالْمُنَاصِبِینَ وَ
الْمُعِینِینَ عَلَیْكَ وَالْمُحَارِبِینَ لَكَ اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ قُلُوبَنَا
لَهُمْ بِالطَّاعَةِ وَالْمُنَاصَحَةِ وَالْمُوَالٰاةِ وَحُسْنِ الْمُوَاذَرَةِ وَالتَّسْلِیمِ
حَتّٰی نَسْتَكْمِلَ بِذٰلِكَ طَاعَتَكَ وَنَبْلُغَ بِهِ مَرْضَاتَكَ
وَنَسْتَوْجِبَ بِهِ ثَوَابَكَ وَرَحْمَتَكَ اَللّٰهُمَّ وَفِّقْنَا لِكُلِّ
مَقَامٍ مَحْمُودٍ وَاَقْلِبْنِی مِنْ هٰذَا الْحَرَمِ بِكُلِّ خَیْرٍ مَوْجُودٍ
یَا ذَا الْجَلٰالِ وَالْاِكْرَامِ اُوَدِّعُكَ یَا مَوْلٰایَ یَا اَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ
وَدَاعَ مَحْزُونٍ عَلیٰ فِرَاقِكَ لٰا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ عَهْدِی
مِنْكَ وَلٰا زِیَارَتِی لَكَ اِنَّهُ قَرِیبٌ مُجِیبٌ وَالسَّلٰامُ عَلَیْكَ
وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

پڑھے رو بسمت قبلہ پھیر کر دستہا اوپر کو

اَللّٰھُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاَبْلِغْ عَنَّا الْوَصِیَّ الْخَلِیْفَةَ
وَالدَّاعِیَ اِلَیْكَ وَاِلٰی دَارِكَ دَارِ السَّلَامِ صِدِّیْقَكَ
الْاَکْبَرَ فِی الْاِسْلَامِ وَفَارُوْقَكَ بَیْنَ الْحَقِّ وَالْبَاطِلِ
وَنُوْرَكَ الظَّاهِرَ وَلِسَانَكَ النَّاطِقَ بِاَمْرِكَ بِالْحَقِّ الْمُبِیْنِ
وَعُرْوَتَكَ الْوُثْقٰی وَکَلِمَتَكَ الْعُلْیَا وَوَصِیَّ رَسُوْلِكَ الْمُرْتَضٰی
عَلَمَ الدِّیْنِ وَمَنَارَ الْمُسْلِمِیْنَ وَخَاتَمَ الْوَصِیِّیْنَ وَسَیِّدَ
الْمُؤْمِنِیْنَ عَلِیَّ بْنَ اَبِیْ طَالِبٍ اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَاِمَامَ
الْمُتَّقِیْنَ وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِیْنَ صَلٰوةً تَرْفَعُ بِهَا ذِکْرَهٗ
وَتُحْیِیْ بِهَا اَمْرَهٗ وَتُظْهِرُ بِهَا دَعْوَتَهٗ وَتَنْصُرُ بِهَا ذُرِّیَّتَهٗ
وَتُفْلِجُ بِهَا حُجَّتَهٗ وَتُعْطِیْهِ بِهَا نُصْرَتَهٗ اَللّٰهُمَّ وَ
اَجْزِهٖ عَنَّا خَیْرَ جَزَآءِ الْمُکْرَمِیْنَ وَاَعْطِهٖ سُؤْلَهٗ یَارَبَّ
الْعَالَمِیْنَ فَاِنَّا نَشْهَدُ اَنَّهٗ قَدْ نَصَحَ لِرَسُوْلِكَ وَهَدٰی
اِلٰی سَبِیْلِكَ وَقَامَ بِحُجَّتِكَ وَصَدَعَ بِاَمْرِكَ وَلَمْ یَجُرْ
فِیْ حُکْمِكَ وَلَمْ یَدْخُلْ فِیْ ظُلْمٍ وَلَمْ یَسْعَ فِیْ اِثْمٍ وَاَنَّهٗ

یجر فیہ

أَخُو رَسُولِكَ وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِهِ وَصَدَّقَهُ وَاتَّبَعَهُ وَنَصَرَهُ
وَأَنَّهُ وَصِيُّهُ وَوَارِثُ عِلْمِهِ وَمَوْضِعُ سِرِّهِ وَأَحَبُّ
الْخَلْقِ إِلَيْهِ فَأَبْلِغْهُ عَنَّا السَّلَامَ وَرُدَّ عَلَيْنَا مِنْهُ
السَّلَامَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مؤلف گوید علامه مجلسی قده بعد از ذکر این زیارت در بحار
فرموده من مطلع نشدم نه بر سند این زیارت و نه بر استحباب زیارت
آنحضرت در خصوص این روز ولکن از مشهورات میان شیعه است
و بجا آوردن اعمال حسنه در زمانهای شریفه سبب است برای
زیادتی ثواب پس زیارت آن حضرت صلوات الله علیه در تمام ایام
شریفه افضل است و کلام ایشان در تحفه گذشت و این فرموده
از ایشان با آن انس و ممارست بکتب اخبار و مؤلفات قدماء
خالی از غرابت نیست زیرا که عنوان مطلب مذکور در کتاب مزار ابن
شیخ مفید و سید ابن طاوس و شیخ شهید و غیر ایشان رضوان
الله علیهم با اختلاف جزئی در عبارت چنین است (باب) یا
(فصل) در زیارت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام که در
همه روزها و ماهها میتوان خواند بعد از ذکر اینها گویند باب
یا فصل در زیارت آنحضرت که مخصوص است بماهها و روزها
و ابتدا میکنند بروز غدیر آنگاه مولود و مبعث را ذکر میکنند
و آنچه در مزار شهید است همان است در مصباح الزائر ابن طاوس
است و آنچه در مصباح الزائر است موجود است در مزار شیخ مفید و

در این کلمات از این اعلام هر دو مطلب استفاده میشود بنحو اطمینان
اول استحباب زیارت ان حضرت در خصوص ان روز و ورود
روایت در این باب دوم اختصاص ان زیارت معهوده بخواندن
در ان روز و استفاده این دو مطلب و استکشاف ورود روایت
از کلمات این اعلام ظاهرتر و محکمتر است از استفاده دو روایت
از مجرد خواندن صفوان جمال زیارتی برای انحضرت چنانچه گذشت
زیرا که تعجب ندارد مثل صفوان که سالها ملازم رکاب حضرت
صادق صلوات الله علیه بوده و از ان بحر مواج بقدر استعداد
کمالاتی تحصیل نمود خود زیارتی انشاء کرده و امام خود را با ان
زیارت کرده باشد مثل جابر بن عبد الله در کربلای معلی
در روز اربعین اما نشود احتمال داد که عالمی مثل شیخ مفید
کتابی برای کافه زوار امامیه تالیف کند و در انجا زیارت را
تقسیم کند بعضی مطلقه که هر وقت بتوان خواند و بعضی مختصه
بایامی انکاه هر یک از ان زیارت را در ان روز معین ذکر کند و با این
حال نه ان زیارت ماثور باشد و نه ان روز از جهت زیارت ان
امام خصوصیتی این را باصاغر طلبه نسبت نمیتوان داد چه رسد
بان جلیل و تایید کند این سخن را خصوصیاتیکه در ان زیارت
ذکر شده که چنین طلب اذن کن و باین نحو بایست و بعد از زیارت
باقبر منور چنین کن و بعد از نماز و تسبیح حضرت زهراء علیها السلام
این دعا را بخوان چه اگر این خصوصیات وارد نشده باشد البته

از اقسام واضحه بدعت محرّمه خواهد بود ونیز تایید کند مروی بودن
انرا عمل تاج الفقها شهید اوّل در مزار که همان نوشته رفتار نموده
ونسبت باحدی نداده واگر ماثور نبود البتّه نقل نمیکرد واگر نقل
میکرد لابد نسبت میداد بشیخ مفید یا ابن طاوس رحمهما الله که ایشان
چنین کفته‌اند **واما انچه** ان مرحوم وغیره را بتوهم
انداخته انست که این بزرگان زیارت مذکوره وامثال انرا نسبت بامام
نداده‌اند وظاهر کلمات ایشان انست که از خود انشا کرده‌اند زیرا که
دراول کلام میکویند هرکاه اراده زیارت کردی چنین کن وچنین بکو
تا اخر واکر خبر بود البتّه میکفتند امام علیه السّلام فرموده چنین
بکو وچنین بکن مثل سایر اخبار یکه نقل کنند در موارد حاجت و
رفع این توهم محتاج بذکر مقدّمه ایست وان انستکه کتبی که در باب
زیارات تالیف شده بردو قسم است مثل کتبی که در حج نوشته شده
اول انکه غرض محدث عالم مؤلف جمع روایات وارده متعلقه بمطالب
حج است از جهة وجوب وفضیلت وشروط واقسام وکیفیت واداب
ان بتفصیل واین قسم کتاب غالبا بکار علما میخورد نوع عوام چندان حظی
ازان ندارند زیرا که دران اخبار متعارضه ومتخالفه ومتشابهه ومعتبره وغیر معتبره
بسیار یافت میشود وغیر از عالم ماهر کسی نتواند از عهده علاج
انها برایدو وتکلیف فعلی معین نماید وبهمین قسم هم کتاب در زیارات
تالیف شده که غرض صاحبش جمع کردن انچه از معصومین علیهم
السّلام باو رسیده دوّم انکه غرض دستور العمل دادن بمکلفین است

که چون خواهند بزیارت بیت الله بروند چگونه بروند و چه کنند و چه
بگویند و در این قسم رسم این بود که بعد از تنقیح اخبار و اسقاط
مکررات تمام متون اخبار معتبره را در رشته در آورده و
چنان تالیف نماید که ناظر در توهم افتد که از خود سخن گوید
زیرا که در اول کلام گوید که چون اراده حج کنی مثلا چنین کن و چون
بمیقات رسیدی چنین محرم شو تا آخر اعمال حج و کردنی و نکردنی و گفتنی و
این قسم کتاب را مناسک حج گویند و بهمین قسم در زیارات نیز تالیف
کنند و آن مناسک زیارات است و در آنجا دستور العمل بزائر دهند
بی ذکر اخبار فضایل یا بسیاری و گویند چون اراده زیارت حضرت
امیر المؤمنین علیه السلام مثلا کردی چنین کن و چون بفلان
موضع رسیدی چنین بگو تا آخر عمل و همچنین در سایر زیارات
و این کتاب فی الحقیقه مهذب و خلاصه آن کتابست بی افزودن
چیزی و چنانچه در مناسک حج توهم نمی‌رود که آنچه ذکر کنند
از ادعیه در مواضع مخصوصه مثل بعد از نماز احرام و در
حالات طواف و در سعی صفا و مروه و منی و عرفات و مشعر و
غیرها کلمه از آن از صاحب کتاب باشد در مناسک زیارت نیز
نباید چنین توهم کرد و احتمال داد که مثل شیخ مفید ره و
امثال او از رؤساء مذهب قدهم از خود زیارتی انشا کنند
و ترتیبی دهند و با زیارت ماثوره بی امتیاز ذکر نمایند و بخلق
گویند چنین زیارت کنید و فی الحقیقه بملاحظه از زیارات

وارده دکانی در مقابل قوانین احمدیه باز کرده باشند حاشا
از این نسبت با جماعت با علو مقام و اطلاع تام و وجود اسباب و
حاجت نداشتن بتالیف زیارت با وجود انهمه زیارات وارده
و مزار شیخ مفید رحمه الله از این قرار است و شاهد بر این چند
چیز است اول انکه در ان اخبار فضایل نیست دوم انکه در
از اخبار متفرقه و مختلفه و مکرره یافت نمیشود سیم انکه در مقام
ذکر زیارت فرقی نگذاشته ما بین زیارات ماثوره و بین این دو قسم
زیارات که توهم کرده اند که ماثوره نیست هر دو قسم را باین نحو
شرح داده که چون اراده زیارت کردی چنین کن تا اخر چهارم
انکه شیخ طوسی رحمه الله از ادر کتاب تهذیب مناسک
زیارات نام نهاده و در کتاب مزار فرموده (وقد ذکر الشیخ ره
فی کتاب فی مناسک الزیارات ترتیبا لزیارة الحسین علیه السلام
احببت ایراده علی وجهه ذکر رحمه الله اذا انتهیت الی باب
المشهد فقف علیه و کبر) تا اخر زیارت انحضرت و علی بن
الحسین و شهدا و ابی الفضل علیهم السلام و وداع ایشان به
تفصیل که قریب یکجزو میشود و مزار شهید اول ره نیز همین
رقم است و اگر بصیر منصفی بند بر دو ان کتب مطالعه کند
بی تامل تصدیق خواهد کرد انچه را گفتیم علاوه بر انکه در هیچ
کتابی دیده نشده تاکنون که شیخ مفید رحمه الله خود زیارتی
انشاء کرده باشد و احدی از تلامذه عظام ان عالم جلیل این

نسبت دادند وندادند با آنکه حالات وکمالات ومؤلفات ایشان را
ضبط کردند حتی رساله دو سه ورقی را واگر از انشا ایشان نشد
نتوان بغیر امام نسبت داد چه مقام این بزرگوار اجل از آنست که در
تلو زیارات مأثوره از امام علیه السلام زیارت مؤلفهٔ
از بعضی از اهل علم را نقل کند بلکه نشر ونسبت ندهند بان
شخص وناظر را بتوهم اندازد که این هم مثل آن مأثور ومروی است
وآنچه گفتیم در بارهٔ زیاراتی است که در مزار شیخ مفید وابن
طاوس وشهید قدس الله ارواحهم باشد مثل زیارت مبعث
مذکور واگر در مزار شیخ محمد بن مشهدی رحمه الله یافت شود پس
محتاج باین استظهارات نیست زیرا که خواهد آمد انشاء الله تعالی
که در اول مزار خود تصریح کرده که آنچه ذکر کرده از ادعیه وزیارات
تمام مأثور ومروی از ائمه علیهم السلام است بتوسط رواة ثقات
پس برای شبهه جائی نیست

مقام دوم

در باب زیارت مطلقهٔ آن حضرت که در هر وقت میتوان خواند
مستور نماند که در مواضع متعدده واوقات متکثره ادعیه و
اوراد واذکاری وارد شده که وقت را گنجایش برآمدن از عهدهٔ
فرمان برداری آنها در آن اوقات نیست واگر گنجایش دارد همتها
از آن کوتاه تر است که در صدد امتثال آن فرامین برآید اگر

همت موجود باشد غالبا کارهای اهم متعلقه بنظم امور معاش و معاد در پیش است که با ابتلای بانها عقلا و شرعا نتوان اوقات را در غیر انها صرف نمود مثل ادعیه وارده برای تعقیب نمازهای واجبی وادعیه که در بامداد و پسین باید خواند وادعیه روز عرفه واعمال شبهای قدر وادعیه واداب وقت خواب و زیارات حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و زیارات حضرت سید الشهداء علیه السلام پس مؤمن فطن متفطن را چاره نیست از اینکه اختیار کند در ان مواضع از اعمال واوراد وارده در انها انرا که اهم واولی است بتقدیم پس بقدر گنجایش وقت انرا بخواند و بکند که نفعش بیش و خیرش زیادتر است و برای تحصیل و پیدا نمودن ان جامع عا یا عمل یا زیارت در بین همه انها از مطاوی کلمات علما واشارات اخبار چند راه بدست میاید

اوّل انچه از علامه مجلسی رحمه الله ظاهر میشود در کتاب معتبر که در این مقامات بایست ملاحظه اسانید ان روایات را کرد پس انچه سندش صحیح است باصطلاح متاخرین علما باینکه راویان ان خبر همه عادل امامی مذهب باشند انرا اوّلا اختیار باید نمود و هکذا در مراتب دیگر خبر که در ذکران ثمری نیست

دوم انچه از بعضی کلمات سید جلیل علی بن طاوس رحمه الله ظاهر میشود که در ان مواضع انچه در دلش افتاد که انرا بخواند یا بکند انرا بگیرد و عمل کند واین راه مختص بامثال خود ان جلیل است که نفس خویش را از هوای و هوس پاک و راه عبور شیاطین را بالمرة از قلب خود مسدود

نمودند پس آنچه در قلب القا شود البته از ملائکه خواهد بود که موکل‌اند
بالهام امور خیریه در قلوب این قسم از مؤمنین و مسافت میان
امثال ما و این دره بیشتر است از مسافت بین زمین و آسمان **سیم**
آنچه ظاهر میشود از خبر شریفی که شیخ طبرسی ره از حضرت صادق
علیه السلام روایت کرده و خلاصه آن آنکه دوست ندارم کسی
از دنیا بیرون رود و ادبی از آداب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
مانده که او نکرده باشد یعنی آنچه را فرموده که باید کرد و میشود
بجا آورد لامحاله در طول عمر یک مرتبه از آنجا باید آورد و مقتضای
این خبر است که آن اعمال و اوراد و اذکار و آداب بیست تقسیم نمود و در
ان مواضع بقدر میسور رود و هر وقت سهمی از آن را بجای آورده
تا در تمام عمر بعض تمام آنها رسیده باشد و این راه نیز سخت بلکه
برای حاج و زائر که در عمر یکدفعه یا دو دفعه بیش نتواند حج یا
زیارت کند غیر میسر است **چهارم** آنکه بحسب اختلاف حاجات
و مقاصد اختیار کند آنرا که برای قضای آن حاجت معین نمودند پس
آنکه از کثرت گناهان هراسان است بگیرد آنرا که در کردن آن وعدهٔ
مغفرت دادند و آنکه مدیون و پریشان است بکند آنرا که در جزایش
ابواب وسعت بر رویش گشایند و آنکه طالب بزرگی مقام و رفعت شان
است بجای آورد آنرا که در مقام دادن مزد درهای فیوضات را
برایش باز نمایند و آنکه از عدوی قهاری مضطرب و ترسان است متحصن
شود از آن اعمال بآنچه او را بهتر از هزار حصن محکم و قلعه متین از شر و

کسی که شمن نگاه دارد و هکذا و این راه نیز خالی از صعوبت نیست
برای عموم مکلفین علاوه در بسیاری از اعمال که شرح آن از
جزاء و خواص نشده که بتوان آنچه موافق مقصود است اختیار
نمود **پنجم** آنچه بنظر حقیر اتقن و میتوان آنرا نسبت داد
بکافه علما بجهت موافقت آن با طریقه و سیره ایشان در
عمل باحادیث اهل عصمت علیهم السلام و توضیح آن آنکه احادیث
مرویه ما معاشر امامیه اگرچه بی شمار و کتب مؤلفه در این باب بسیار
ولکن کتاب شریف کافی ثقة الاسلام کلینی قدس سره و کتاب
من لا یحضره الفقیه شیخ صدوق و کتاب تهذیب شیخ طوسی ره
را امتیازیست تام از جهات عدیده در بین همه از کتب و لهذا ملاذ و
مرجع کافه علما متقدمین و متاخرین با اختلاف مشارب در تمام احکام
دینیه و مسائل فرعیه و غیرها جز آنها نبوده مگر قلیلی در بعضی
از مواضع بلی در عهد مرحوم مجلسی ره و شیخ حر کتب دیگر از مؤلفات
قدما در فن حدیث رواج گرفت و فی الجمله مرجع و ماخذ مورد تبیین
شدند ولکن حق تقدم آن کتب بجای خود باقی و در مقام تعارض در
نزد همه مسلم مگر درباره مواضع نادره بملاحظه پاره امور خارجیه
و تقدم این سه کتاب خصوص کافی و من لا یحضره و لاسیما کافی اولا از
جهة بزرگی مقام مؤلفین آنها و اتقان و ضبط ایشان است و ثانیا
بجهت اعتناء قاطبه علماء از فقهاء و محدثین و اعتماد ایشان است
بر آنها و ثالثا بجهة ثقة الاسلام کلینی ره و شیخ صدوق است بر

شهادت

صحت

صحت تمام آنچه در کافی و من لا یحضر نقل کردند و اینکه غرض از تألیف
مجرد جمع اخبار نبود مثل سایر کتب بلکه جمع اخبار صحیحهٔ معتمده که فعلا
بایست بآنها رجوع نمود و عمل کرد چنانچه مشروحا در خاتمه کتاب
مستدرک ذکر کردم و رابعا اتقان کافی خاصه که در ظرف بیست سال
تألیف شد در بغداد در محضر نایبهای خاصه امام عصر صلوات
الله علیه و در همان اوقات شیخ کلینی رحمه الله مؤلف آن مرجع
امور دینیه شیعه بود زیرا که نواب امام علیه السلام بظاهر مداخله
در فتوای و احکام نداشتند و بحسب عادت نشود که آن کتاب بنظر نواب
نرسیده باشد و اگر رسیده البته پسندیده و امضا نمودند و امضای
ایشان امضای امام است و غرض از این سخن خبر دادن است باین
که کتاب کافی بنظر امام عصر صلوات الله علیه رسیده و آنحضرت آنرا
امضا نمودند چنانچه بعضی توهم کرده اند زیرا که تا کنون برای آن
ماخذی پیدا نشد بلکه غرض حدس است که آن شیخ معظم قدس سره
با آن جلالت قدر و علو مقام و مرجعیت تام حتی آنکه علمای اهل
سنت او را مجدد مذهب امامیه شمردند در ماة رابعه و با آن العتب
شدید در جمع از کتب و راه داشتن بنهایت سهولت برای احکام
این اساس و اتقان این جامع شریف با اینکه از ابواب نواب والا مقام
عرضه دارد اگر در این مقام بر نیاید بغایت از حذاقت دور و از
حزم آن معظم بعید است و باین مطلب سید جلیل علی بن طاوس قدس
سره در کتاب کشف المحجة اشاره فرموده و خامسا در دست بودن

ودست بهم داشتن نسخ صحیحهٔ معتمده از این سه کتاب شریف زیرا که
قریب بهزار سال است که این سه کتاب مرجع درس و تدریس و خواندن
و شنیدن و مقابله و تصحیح کردن و حاشیه و شرح نوشتن بیشتر
علمای اعلام و فقهای کرام و محدثین عظام تا قریب بعصر ما بوده و
خطوط شریفه و شهادت بر صحت و مقابله و اجازه و اذن در نقل و
روایت از ان در بسیاری از نسخ یافت میشود و غالباً محتاج بنقل و
عمل بان در نهایت اطمینان خبری از انها بیرون آورده و عمل نماید چه
هر دو شرط که یکی معلوم بودن کتاب است از تالیفات کسی که باو آنرا
نسبت میدهند و دیگری سلامتی کتاب از غلط و سقط و تحریف در
این سه کتاب موجود بخلاف سایر کتب احادیث که غالباً محل نظر
و تصحیح و مقابله نبوده و لهذا نسخ صحیحهٔ آنها بسیار کم و اختلاف نسخ یک
کتاب هم بسیار و از این جهت اطمینان تام بتمام متون غالب آنها نیست
و مقام را بیش از این گنجایش سخن نیست پس مکشوف شد که در مقام دوران
میان بجا آوردن عملی که در یکی از آن سه کتاب یا دو یا در هر سه آن موجود
باشد و کردن عملی که در غیر آنها باشد موافق طریقهٔ فقها و مذاق
محدثین و سلوک اعاظم رواة باید اول را اختیار نمود و اگر آن عمل در هر
سه موجود باشد البته متعین خواهد بعمل دیگر را قابلیت مقابله
و مزاحمت و طرف بودن نیست و این قانون محکم متین منحصر باین مقام
نیست بلکه در جمیع امور دینیه از معارف و اخلاق و احکام شرعیه
و آداب ائمه جاری است پس اگر شخصی حاجتی دارد از قضای دین تا خلاصی

از ظالم یا وسعت در رزق یا شفای از مرض یا غلبه بر دشمن دینی یا
مغفرت پروردگار یا پاک شدن نفس از رذائل خبیثه یا نورانی
شدن دل بنور صفات جمیله و رسیدن بمقامات عالیه ملجأ و پناه
خود را تا تواند سه کتاب خصوص کتاب شریف کافی قرار دهد که بحمد
الله تعالی خوان نعمت سینه الهیه است که برای این امت گسترده
شده و دستور العمل رسیدن بتمام حوائج در آن موجود و باصطلاح
عوام غالب آنها بتجربه بزرگان دین رسیده و تا تواند از آنها دست
نکشد که تمام خیرات در آن و همه برکات در مطاوی آنها است و
از اینجا است که مفید طاب ثراه در اول شرح عقاید صدوق در مدح
کافی فرموده (وهو اجل کتب الشیعه) ولکن هزار افسوس که
شیطان این در رحمت و باب برکت را از غالب انام و جل عوام مسدود
نموده نان گندم سفید پاکیزه حلال پخته که حضرت منان در خوان
کرم خود برای ایشان مهیا و در محضر تمام بی زحمت طلب گسترده از دست
ایشان گرفته و بعوض در مقام گرسنگی بگدائی در خانه اغنیا و خصما
ائمه اطهار علیهم السلام و غیر ایشان فرستاده که بعد از تذلل و رنج
بسیار لقمه نان از زن کهنه نپخته بچنگ آرند که نه جوع را سد و نه درد
را دوا کند و اگر اتفاقا حاجتی روا شود از هزارها فیوضات محروم ماند
آیا نمی بینی بسیاری از دور افتادگان از در خانه امامان و پیشوایان خود
که در رحمت الهی است چون در رشد نیافتند و ببلائی گرفتار شوند
و برای انجاح مهمی متحیر مانند ندا ابدا اعتنائی بکلمه انا اهل البیت

علیهم السلام مداریند که از ایشان جویا شوند که از برای کشف این کرب و انجام این حاجت بطریق معتبر از خانوادهٔ عصمت چه رسیده و حال آنکه برای تمام اینها دستور العمل دادند و کتاب شریف کافی شهادت در این مقام شافی و وافی و در آن جمع شده آنچه بآن حاجت افتد با اینحال در گوشه و کنار بجستجو افتند و از دور افتادگان از در خانه قرب الهی جویا شود و ختمی برای قضای حاجت خود طلبد که از بونی و ابن عربی و امثال ایشان چه رسیده و در پشت فلان کتاب از مرحوم شیخ بهائی طاب ثراه چه نقل شده و فیل علی شاه برای این حاجت چه ختم مقرر نموده و چه دستور العمل داده و رشته این کلام طولانی و باوضع این رساله منافی کار خرابی و غربت دین و مهجور شدن آثار ائمه طاهرین علیهم السلام بانجا رسید که در حرمهای مطهره غالب عوام خدام و الامقام بعد از فراغ از زیارت چون خواهند دعا کنند از تمام ادعیه مأثوره از ائمه علیهم السلام که اگر جمع شود چندین مجلد بزرگ خواهد شد با آن مضامین عالیه و کلمات منیعه و فقرات جانسوز خصوص ادعیه صحیفه کامله سجادیه صلوات الله علی مصدرها و منشیها دست کشند و دعائیکه از یافته بعضی از صوفیه اهل سنت است آنرا خوانند و بهمان قناعت کنند و اول آن دعا این است (الهی یا خص صفاتک) تا آخر دعا که مضامینش خود شهادت دهد که از شیعه امامی نیست چه رسد بامامان ایشان و در هیچ کتابی دیده نشده نه کسی پیدا میشود که بندی کند و نه گوشی که بیدار شود بلکه برای

سخن گفتن و موعظه کردن جز سخن نماند و غیر این از خرابیها که از
حدود علاج گذشته پس از تمهید این مقدمه نافعه میگوئیم هر
زائر از مکان بعید باینجا و در قبر شریف خواهد حضرت امیر المؤمنین
علیه السلام را زیارت میکند ناچار باید در میان همه از ان
زیارات که قریب به بیست میشود زیارتی اختیار کند البته ان را
بخواند که ان مشایخ عظام در ان سه کتاب نقل کرده‌اند خصوص اگر
هر سه نقل کرده باشند و ما در اینجا دو زیارت نقل کنیم

زیارت اول زیارتی است مروی از حضرت امام علی نقی علیه السلام
که هر سه بزرگوار روایت کرده‌اند در کامل الزیارة جعفر بن محمد
بن قولویه آورده و کتاب جامع محمد بن الحسن بن الولید که نیز موجود بوده
و در کافی دو زیارت نقل کرده و این اول انها است و در رقعه فرموده
چون رسیدی بغری یعنی بنجف اشرف پس غسل کن و جامه‌ای نو در بر
برو تا برسی نزد امیر المؤمنین صلوات الله علیه پس روی خود را
بطرف انحضرت کن و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ اَنْتَ اَوَّلُ مَظْلُومٍ
وَ اَوَّلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبَرْتَ وَ احْتَسَبْتَ حَتّی
اَتاکَ الْیَقینُ وَ اَشْهَدُ اَنَّکَ لَقیتَ اللهَ وَ اَنْتَ شَهیدٌ
عَذَّبَ اللهُ قاتِلَکَ بِاَنْواعِ الْعَذابِ وَ جَدَّدَ عَلَیْهِ
الْعَذابَ جِئْتُکَ عارِفاً بِحَقِّکَ مُسْتَبْصِراً بِشَاْنِکَ

مُعادِیاً لِاَعدائِکَ وَمَن ظَلَمَکَ اَلقیٰ عَلیٰ ذٰلِکَ رَبّی
اِنشاءَ اللّٰہُ یا وَلِیَّ اللّٰہِ اِنَّ لی ذُنُوباً کَثیرَۃً فَاشفَع لی عِندَ
رَبِّکَ فَاِنَّ لَکَ عِندَ اللّٰہِ مَقاماً مَعلُوماً وَاِنَّ لَکَ عِندَ
اللّٰہِ جاھاً وَشَفاعَۃً وَقَد قالَ اللّٰہُ تَعالیٰ وَلا یَشفَعُونَ
اِلَّا لِمَنِ اِرتَضیٰ

زیارتِ دوم

زیارتی است مروی در کافی و تہذیب

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِیَّ اللّٰہِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حُجَّۃَ اللّٰہِ
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا خَلیفَۃَ اللّٰہِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا عَمُودَ
الدّینِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وارِثَ النَّبِیّینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا قَسیمَ النّارِ وَصاحِبَ العَصا وَالمِیسَمِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ
یا اَمیرَ المُؤمِنینَ اَشھَدُ اَنَّکَ کَلِمَۃُ التَّقویٰ وَبابُ
الھُدیٰ وَالعُروَۃُ الوُثقیٰ وَالحَبلُ المَتینُ وَالصِّراطُ
المُستَقیمُ وَاَشھَدُ اَنَّکَ حُجَّۃُ اللّٰہِ عَلیٰ خَلقِہٖ وَشاھِدُہٗ
عَلیٰ عِبادِہٖ وَاَمینُہٗ عَلیٰ عِلمِہٖ وَخازِنُ سِرِّہٖ وَمَوضِعُ
حِکمَتِہٖ وَاَخُو رَسُولِہٖ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیہِ وَآلِہٖ وَاَشھَدُ اَنَّ

۰۲ منصوبٍ بك

دعوتك حق وكل داع منعوت دونك باطل مدحوض
انت اول مظلوم واول مغصوب حقه صبرت واحتسبت
لعن الله من ظلمك وتقدم عليك وصد عنك لعنا
كثيرا يلعنهم به كل ملك مقرب وكل نبي مرسل وكل
عبد ممتحن صلى الله عليك يا امير المؤمنين وصلى الله
على روحك وبدنك اشهد انك عبد الله وامينه بلغت
ناصحا واديت امينا وقتلت صديقا ومضيت على
يقين لم تؤثر عمى على هدى ولم تمل من الحق الى الباطل
واشهد انك قد اقمت الصلوة واتيت الزكوة وامرت
بالمعروف ونهيت عن المنكر واتبعت الرسول و نصحت
للامة وتلوت الكتاب حق تلاوته وجاهدت في
الله حق جهاده ودعوت الى سبيله بالحكمة والموعظة
الحسنة حتى اتيك اليقين اشهد انك كنت على بينة
من ربك ودعوت اليه على بصيرة وبلغت ما امرت
به وقمت بحق الله غير واهن ولا موهن وصلى الله عليك

صلوة متبعة متواصلة مترادفة يتبع بعضها بعضا لا انقطاع
لها ولا امد ولا اجل والسلام عليك ورحمة الله و
بركاته وجزاك الله من صديق خيرا عن رعيته اشهد
ان الجهاد معك جهاد وان الحق معك واليك وانت
اهله ومعدنه وميراث النبوة عندك فصلى الله عليك
وسلم تسليما وعذب الله قاتلك بانواع العذاب اتيتك
يا امير المؤمنين عارفا بحقك مستبصرا بشانك
معاديا لاعدائك مواليا لاوليائك بابي انت وامي
ونفسي
اتيتك عائذا بك من نار استحقها مثلي بما جنيت على
نفسي
اتيتك زائرا ابتغي بزيارتك فكاك رقبتي من النار اتيتك
هاربا من ذنوبي التي احتطبتها على ظهري اتيتك وافدا
لعظيم حالك ومنزلتك عند ربي فاشفع لي عند ربك
فان لي ذنوبا كثيرة وان لك عند الله مقاما معلوما
وجاها عظيما وشانا كبيرا وشفاعة مقبولة وقد قال
الله عز وجل ولا يشفعون الا لمن ارتضى اللهم رب الارباب

متبعة خ ل

الاحباب الاخبار

صریخ الاحباب انی عذت بأخی رسولک معاذاً فکّ رقبتی من النار آمنت بالله وبما أنزل الیکم واتولی آخرکم بما تولیت به اولکم وکفرت بالجبت والطاغوت واللات والعزی

مؤلف گوید

مجلسی مرحوم این زیارت را نه در بحار نقل کرده و نیز در تحفه بلی در بحار زیارتی طولانی از مصباح الزائر ابن طاوس رحمه الله نقل کرده که این زیارت در آن مندرج است با اختلاف جزئی و بعد از نقل آن اشاره کرده که این مقدار را کلینی ره در کافی نقل کرده و الحق جای تعجب است که مثل ثقة الاسلام و شیخ طوسی رحمهما الله زیارتی نقل کنند باستقلال و در عداد زیارات شمرده نشود و حال آنکه باید بر اغلب آنچه نقل شد مقدم باشد چنانچه بر اهل علم مخفی نیست

مقام سیم

در چند عمل مخصوص دیگر که در حرم مطهر علوی بلکه در نجف اشرف باید بجای آورد و آن چهار چیز است اول زیارت سید الشهدا علیه السلام دوم زیارت حضرت آدم و نوح علیهما السلام سیم دعای شریفیکه در عقب نماز زیارت آنحضرت و هر نماز واجب یا مستحب که در حرم یا بیرون حرم از صحن و خانه و غیرها کرده میشود مادامیکه در نجف اشرف هست باید خوانده شود چهارم رفتن

بمسجد عظیم الشان مجهول القدر چنانکه غالب زائرین بلکه مجاورین از
فیض ان محرومند و اداب و عمل ان مکان شریف

اما زیارات

حضرت ابی عبدالله الحسین صلوات الله علیه پس بدان اولا که در تمام کتب
مزار دیده نشده که در این هفت حرم مطهر مرقد منور نبوی صلی الله
علیه و آله و حرم شریف بقیع و بقعه عالیه علوی و قبه سامیه
حسینی صلوات الله علیه و حرم معظم کاظمی ع و بیت رفیع عسکری
و استانه مبارکه رضوی ع علی مشرفها الاف السلام والتحیة
زیارت غیر صاحب ان بقعه منوره چه یکی باشند یا متعدد مستحب باشد
و زیارتی و الفاظی مخصوصه وارد شده باشد مثل زیارت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله در حرم امیر المؤمنین صلوات الله علیهما و
زیارت هر دو بزرگوار در حرم ابی عبدالله ع و هکذا در سایر حرمها
بالنسبة بسایر ان بزرگواران جز زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام
در حرم امیر المؤمنین علیه السلام که در اخبار عدیده امر بان فرمودند
و این نیز از جهت فضایل زیارت انحضرتست که احصا نتوان کرد چه ان
فضایل بهر درجه برسد باز بفضل زیارت پدر بزرگوارش نرسد
و با اینحال زیارت انحضرت در حرم کربلا و سایر حرمها مخصوصا مستحب
نیست و ابدا در اخبار اشاره بان نفرمودند و هکذا زیارت رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم در سایر حرمها غیر این حرم شریف پس معلوم
شد که این مطلب بجهت ملاحظه امر دیگری است غیر از بزرگی و فضیلت
زیارت انحضرت و ان امر رعایت قبر مبارک ان حضرتست که حسب اخبار

علیه در بالای سر قبر پدر بزرگوارش دفن شده و در قدیم الایام اثر
قبر نیز ظاهر بود و از این جهتست که در اخبار عدیده محل زیارت
آنحضرت را در این حرم شریف در بالای سر معین فرموده‌اند حتی
زیارت عاشورای معروفه و غیر معروفه که خواهد آمد انشاء الله
و از مواضع مخصوصه این زیارت خواندن در این حرم است در
آن محل پس هر کس زیارت کند حضرت سید الشهداء علیه السلام
را در این حرم در پایین پا یا در پشت سر باید در طرف بالای سر که در خط
پشت سر واقع میشود زیارت وارده آن حضرت را در آنجا نکرده و
فضل آن را درک نتواند کرد بلکه از آنجا که زیارت آنحضرت در هر محل و
مکان چه در دور و چه نزدیک و در هر زمان مستحب و مرغوبست البته
باجر و ثواب آن خواهد رسید ولکن بآداب مخصوص وارده در این
حرم مطهر عمل نشده و شیخ فقیه ما ره در جواهر بعد از ذکر بعضی از
اخبار مذکوره و جمع بین این اخبار که دلالت میکند بر اینکه سر
مبارک در اینجا دفن شده و بین آنچه از علماء نقل شده که سر مبارک
با جسد شریف است با اینکه مدتی طولانی در اینجا مدفون بوده آنگاه
نقل شد بکربلا فرموده (ولا باس بالصلوة و زیارته بمکان وضعه)
و در این کلام نیز اشاره است بآنچه گفتیم شیخ کلینی ره در کافی روایت
کرده از یزید بن عمرو که گفت وقتی که حضرت صادق صلوات الله
علیه در حیره بود بمن فرمود آیا میخواهی بعمل آورم آنچه ترا وعده
داده بودم گفتم آری یعنی رفتن بسر قبر امیر المؤمنین صلوات الله

علیه السلام گفت پس حضرت سوار شد و اسمعیل سوار شد و من با ایشان
سوار شدم تا آنکه از ثویه که تل کوچکی است گذشت و میان حیره
و نجف نزد تلهای سفید فرود آمد پس حضرت نماز کرد و اسمعیل
نماز کرد و من هم نماز کردم پس با سمعیل فرمود برخیز و سلام کن بر جد خود حسین
حسین ع پس گفتم فدایت شوم مگر حسین ع در کربلا نیست فرمود آری
ولکن چون سر مبارک آن حضرت را بشام بردند یکی از موالیان ما
سر را دزدید پس آنرا دفن کرد در جنب امیر المؤمنین ع **و نیز**
از ابان بن تغلب روایت کرده که گفت با حضرت صادق علیه السلام
بودم که گذشت به پشت کوفه پس فرود آمد و دو رکعت نماز کرد پس اندکی
راه رفتند فرود آمدند و دو رکعت نماز کردند آنگاه اندکی سیر کردند
و فرود آمدند و دو رکعت نماز کردند آنگاه فرمود این موضع قبر امیر
المؤمنین ع و این دو موضع که در آنها نماز کردم موضع سر مبارک حسین
علیه السلام است و موضع منزل قائم علیه السلام **و در**
کامل الزیارة و فرحة الغری این خبر را نقل کرده و در آن بجای منزل
منبر دارد و این اصح است ولکن نسخ کافی چنانست که نقل کردیم
و در کامل الزیارة مرویست که حضرت صادق علیه السلام
براوی فرمود چون بنجف برسی دو قبر می بینی قبری بزرگ و قبری کوچک
اما بزرگ پس قبر امیر المؤمنین علیه السلام است و اما کوچک پس سر حسین
بن علی است **و نیز** در آنجا از یونس بن ظبیان روایت
کرده که او با حضرت صادق علیه السلام سواره بنجف رفتند و

حضرت نزد دو موضع نماز گذاردند و فرمود که ای یونس بکن آنچه من
کردم پس چون فارغ شدم فرمود ای یونس میشناسی این مکان را گفتم
نه فرمود موضعی که اول در آن نماز کردم موضع قبر امیر المؤمنین ع
بود و آن بلندی دیگر موضع سر حضرت امام حسین علیه السلام
بدرستیکه عبید الله بن زیاد چون سر حضرت امام حسین علیه السلام
را بشام فرستاد آوردند بکوفه پس گفت بیرون بریداین سر را از
کوفه که باعث فتنه اهلش نشود پس حقتعالی چنین کرد که نزد امیر
المؤمنین علیه السلام مدفون شد **و مجلسی** ره در تحفه فرموده
و اما مدفون شدن سر حضرت امام حسین در بالای سر حضرت امیر
المؤمنین ع و استحبات زیارة آنحضرت در آن مکان بغیر آنچه سابقا ذکر
کردیم بسیار است **و سید عبد الکریم** بن طاوس رحمه الله
در فرحة الغری روایت کرده از ابی الفرج بسندی که گفت من با حضرت ابی
عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام بودم از زمانی که وارد حیره
شدم پس شبی فرمود استر را زین کنید پس سوار شد و من در خدمتش
بودم تا رسیدیم بپشت کوفه پس فرود آمد و دو رکعت نماز کرد آنگاه کنار رود
کرد و دو رکعت نماز بجای آورد آنگاه کناره کرد و دو رکعت نماز کذارد
پس گفتم فدایت شوم دیدم در سه موضع نماز گذاردی فرمود اما
اول پس موضع قبر امیر المؤمنین علیه السلام و دوم موضع سر امام
حسین علیه السلام است و سیم موضع منبر قائم علیه السلام و
نیز بسند معتبر از مبارک خباز قریب بهمین روایت را روایت کرده

که او نیز با آنحضرت بآنجا رفتند پس بپسر شد اسمعیل فرمود برخیز و نماز کن
نزد سر جدت حسین علیه السلام گفتم آیا آن سر مبارک را بشام نبردند
فرمود بلی ولکن فلان که از دوستان ما بود آن را دزدید و آورد و در اینجا
دفن کرد **و در** مزار شیخ مفید و مصباح ابن طاوس و مزار شهید
رضوان الله علیهم زیارتی طولانی روایت کرده‌اند از صفوان از حضرت
صادق علیه السلام و معروفست بزیارت وارث و در آنجا بعد از زیارت
در پیش رو و چنین دارد آنگاه ضریح را ببوس و در جانب سر بایست و بگو
یا مَولایَ اِلَیکَ وُفُودی الخ) آنگاه ضریح یعنی قبر را ببوس و رو کن بقبر
حسین بن علی علیهما السلام و قبله را میان دو کتف خود قرار ده و بگو
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَبا عَبدِاللهِ) الخ **و در** کامل الزیاره و
مصباح متهجد شیخ طوسی قدس سره مرویست از محمد بن خالد طیالسی از سیف
بن عمیره که گفت ما با صفوان بن مهران جمال و جماعتی از اصحاب خود
رفتیم بنجف اشرف بعد از آنکه حضرت صادق علیه السلام بیرون رفته
بود از مدینه پیش از ما پس چون از زیارت حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
فارغ شدیم صفوان روی خود را گردانید بسوی قبر امام حسین علیه السلام
و گفت زیارت کنید حضرت امام حسین علیه السلام را از این مکان از
بالای سر امیرالمؤمنین ع که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام چنین
کرد وقتی که من در نزد آنحضرت باین مکان شریف آمدیم الخ و دور نیست
که مراد از قبر در این دو خبر شریف همان قبر کوچک سر مبارک حضرت باشد
که در اخبار سابقه گذشت و در آن زمان ظاهر و ممتاز بوده و در مزار قدیم

در خبر زیارت عاشورا غیر معروفه که خواهد انشاء الله مذکور است که حضرت
صادق علیه السلام فرمود زیارت باید کرد باین زیارت حسین بن علی علیهما
السلام را در نزد سر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام پس واضح و روشن شد
هر دو مطلب که یکی استحباب زیارت آن حضرت است در این حرم مخصوصاً
بملاحظه سر مبارک و دیگری معین بودن مکان بالا سر از سمت پیش رو
برای این عمل شریف و اما الفاظ زیارت پس از چند زیارت است اول
زیارت عاشوراء معروفه دوم زیارت عاشوراء غیر معروفه که طولی
ندارد بجهت نبودن فقره صد مرتبه لعن و سلام سیم زیارتی که خواهد
آمد در اعمال مسجد حنانه بنا بر فرموده علامه مجلسی ره در تحفه بعد از
ذکر آن که اگر همین زیارت در بالای سر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
برای زیارت سر مبارک امام حسین علیه السلام بخواند مناسب است
چهارم زیارت معروفه متداوله که شیخ مفید و سید و شهید و غیرهم
از صفوان روایت کردند که حضرت صادق علیه السلام باو فرمودند
کرد آنجا آنحضرت را چنین زیارت کن

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا بْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا بْنَ فَاطِمَةَ
الزَّهْرَاءِ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ اَلسَّلَامُ یَا اَبَا الْاَئِمَّةِ الْهَادِینَ
الْمَهْدِیِّینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَرِیعَ الدَّمْعَةِ السَّاکِبَةِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَاحِبَ الْمُصِیبَةِ الرَّاتِبَةِ اَلسَّلَامُ

عَلَیْکَ وَعَلَی الْأَئِمَّةِ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ وَبَنِیکَ أَشْهَدُ لَقَدْ
طَیَّبَ اللّٰهُ بِکَ التُّرَابَ وَأَوْضَحَ بِکَ الْکِتَابَ وَجَعَلَکَ وَ
أَبَاکَ وَجَدَّکَ وَأَخَاکَ وَأُمَّکَ وَبَنِیکَ عِبْرَةً لِأُولِی الْأَلْبَابِ
یَا ابْنَ الْمَیَامِینَ الْأَطْیَابِ التَّالِینَ الْکِتَابَ وَجَّهْتُ سَلَامِی
إِلَیْکَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ وَسَلَامُهُ عَلَیْکَ وَجَعَلَ أَفْئِدَةً
مِنَ النَّاسِ تَهْوِی إِلَیْکَ مَا خَابَ مَنْ تَمَسَّکَ بِکَ وَلَجَأَ إِلَیْکَ

و اما زیارت حضرت آدم و نوح

علیهما السلام پس بدان اولاً که تعظیم و توقیر هر یک از پیغمبران و اوصیا
صلوات الله علیهم بر همه مکلفین لازم است عقلاً و شرعاً چه در آن امت
ایشان باشند یا نباشند و احترام و اکرام ایشان در حیات و ممات فرق
نکند پس اگر در زمان حضور یکی از ایشان کسی در محضر شریفش حاضر شود
و سلام نکند و تحیت نگوید البته اهانت کرده و حقیر شمرده آن رسول
معظم پروردگار جل شانه را و همچنین بعد از وفات اگر در نزد مرقد شریفش
حاضر شد البته باید چنان کند که گویا زنده و حاضر و ناظر است و چون
مرقد آن دو رسول معظم بحسب اخبار کثیره در همان مرقد طیب و طاهر حضرت
امیرالمؤمنین علیه السلام است لهذا نباید بی سلام کردن بر ایشان
از آن حرم شریف بیرون رود و الا ادای حق لازم ایشان نشده و در اخبار
نیز اشاره بدان فرمودند در کامل الزیاره بسند معتبر مروی است

تعظیم م

از مفضل

از مفضل بن عمر که گفت مشرف شدم خدمت حضرت صادق علیه السلام
و عرض کردم که من مشتاق شدم بسوی غری یعنی نجف اشرف فرمود چه تو را
شایق کرد بسوی او گفتم دوست دارم زیارت کنم حضرت امیر المؤمنین ع
را فرمود آیا میدانی فضل زیارت آنحضرت را گفتم نه یابن رسول الله
آن را نشانم دهید فرمود چون اراده کنی زیارت امیر المؤمنین علیه
السلام را پس زیارت کننده عظام آدم و بدن نوح و جسم علی بن ابیطالب
را پس سبب دفن شدن آدم را در آنجا بیان فرمود آنگاه فرمود پس
چون قصد کردی زیارت طرف نجف اشرف را زیارت کن عظام آدم
و بدن نوح و جسم علی بن ابی طالب علیهم السلام را پس بدرستیکه
زیارت کرده خواهی پدران گذشته و محمد خاتم پیغمبران را و علی بهترین
اوصیا صلوات الله علیهم را و ثانیاً محل زیارت این دو پیغمبر عظیم
الشان در بالای سر است در همان جا که زیارت حضرت سید الشهداء
علیه السلام را باید کرد پشت بقبله و رو بایشان چنانچه در آداب
زیارت معصوم ذکر کرده اند و در مزار شیخ مفید و مصباح سید
و مزار شهید در زیارت دوم که از جناب صادق علیه السلام مرویست
بعد از ذکر زیارت سید الشهداء علیه السلام در بالای سر چنانچه گذشت
چنین وارد (ثم تحول الی الرجلین وقل السلام علی ابی الائمة الخ
ثم الی عند الراس لزیارة آدم و نوح علیهما السلام وقل فی زیارة
آدم الخ) آنگاه بگرد و بایست در پای قبر و بگو الخ بعد از آن باز گرد
و بایست در بالای سر آنحضرت بجهت زیارت آدم و نوح علیهما السلام

واین کلام صحیح است در آنچه گفتیم که بایست در محل زیارت ابی عبدالله علیه السلام ایشانرا زیارت کرد و در تمام اخبار شرحی از زیارت ایشان نشده جز در این خبر پس آنچه مرسوم شده میان عوام وخدام وبعضی از اهل علم که پشت سر و بقبله میایستند اند و پیغمبر عظیم الشان زاده حکم دعا یا و غیر معصوم دار وارده زیارت میکنند علاوه براینکه بآداب مقرره وارده عمل نکردند در تعظیم وتبجیل ایشان نداشتن نهایت تقصیر را کردند واما اصل زیارت پس در کتب مذکور وغیرها چنین است

زیارت آدم

اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یاصَفِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یاحَبیبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یانَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یااَمینَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یاخَلیفَةَ اللهِ فی اَرْضِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یااَبَا الشُّهَداءِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یااَبَا الْبَشَرِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ وَعَلی رُوحِكَ وَبَدَنِكَ وَعَلَی الطّاهِرینَ مِنْ وُلْدِكَ وَذُرِّیَّتِكَ وَصَلَّی اللهُ عَلَیْكَ صَلوةً لا یُحْصیها اِلّا هُوَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

مؤلف گوید این زیارت را از مزار شهید نقل کردیم و در مزار شیخ مفید و ابن طاوس رضی الله عنهما فقره اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یااَبا

التهداء ندارد و در اول فقره آخر وصلی الله علیک را ندارد

زیارت نوح ع

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا نَبِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا صَفِیَّ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا وَلِیَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا حَبیبَ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا شَیخَ الْمُرْسَلینَ اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَمینَ
اللهِ فی اَرْضِهِ صَلَواتُ اللهِ وَسَلامُهُ عَلَیکَ وَعَلی
رُوحِکَ وَبَدَنِکَ وَعَلَی الطّاهِرینَ مِنْ وُلْدِکَ وَذُرِّیَّتِکَ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

مؤلف گوید

در این خبر شریف امر فرمودند که برای هر یک دو رکعت نماز زیارت
بکنند و از کلمات علما معلوم میشود که در این حرم مطهر مطلقا شش
رکعت نماز زیارت باید کرد دو رکعت برای حضرت و چهار رکعت برای
آن دو پیغمبر صلوات الله علیهم چه این زیارت مخصوصه ایشان را
بخواند یا نخواند حتی شش رکعت که در زیارت ششم مذکور است
باید بهمین نحو تقسیم شود شیخ صدوق علیه الرحمه در کتاب من
لا یحضر دو زیارت برای آنحضرت نقل کرده و در آنها ذکری از آن دو
نبی مرسل نشده و در آخر زیارت فرموده (وتصلی عنده ست
رکعات وتسلم فی کل رکعتین لان فی قبره عظام آدم وجسد نوح و
امیر المؤمنین علیهم السلام فمن زار قبره فقد زار آدم ونوحا وا

المؤمنین علیهم السّلام فتصلّی لکلّ زیارة رکعتین) در نزد
حضرت شش رکعت نماز میکنی در هر دو رکعت سلام میگوئی زیرا
که در قبر انجناب عظام ادم وجسد نوح امیر المؤمنین علیهم السلام
است پس هر که انقبر را زیارت کرد بتحقیق زیارت کرد ادم و نوح و
امیر المؤمنین علیهم السّلام را این نماز میکنی برای هر زیارت دو رکعت
و در مزار شیخ محمد بن المشهدی در چند زیارت مطلقه و مخصوصه
تصریح کرده که نماز زیارت در این حرم شش رکعت است بهمان تفصیل
و ابن طاوس در مصباح الزاهر بعد از ذکر زیارت ششم
معروف که در کتاب و زیارة پنجم است فرموده (ثم صلّ صلوة الزیارة
ستّ رکعات له ولادم ونوح علیهم السّلام لکلّ واحد منهم رکعتان
انگاه شش رکعت نماز کن دو رکعت برای انحضرت و برای جناب
ادم و نوح علیهما السّلام هر یک دو رکعت **و شیخ** طوسی
قدّس سرّه در کتاب مصباح متهجد بعد از ذکر زیارتی برای حضرت
امیر المؤمنین علیه السّلام کرده و انرا نسبت از ادم و پیغمبر علیهما السّلام
برده نشده و بعد از ذکر دو رکعت نماز زیارت باداب فرموده
وتقوم فتصلّی اربع رکعات تقرء فیهما بمثل ما قرأت به فی الرکعتین
ویجزیک ان تقرء انّا انزلناه فی لیلة القدر وسورة الاخلاص
ویجزیک اذا عدلت عن ذلک ما تیسر لک من القران تکمل
بالاربع ست رکعات الاولتان منها لزیارة امیر المؤمنین صلوات
الله علیه والاربع لزیارة ادم ونوح علیهما السّلام ثم تسبّح تسبیح

الزهراء علیها السلام و تستغفر لذنبك وتدعو بما بدالك پس میخیزی
و چهار رکعت نماز میکنی و میخوانی در آنها آنچه در آن دو رکعت خواندی
یعنی سورهٔ الرحمن و یس و کفایت میکند ترا اگر بخوانی سورهٔ انا
انزلناه و سوره قل هو الله و اگر از این عدول کردی کافیست ترا
که بخوانی آنچه میسر شود ترا از قرآن و باین چهار رکعت شش رکعت
را کامل میکنی یعنی این شش رکعت زیارت مفرده در این حرم و اراده از
آنها برای زیارت حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه و چهار دیگر
برای زیارت جناب آدم و نوح علیهما السلام آنگاه تسبیح حضرت
زهراء علیها السلام را میفرستی و برای گناهان خود استغفار میکنی
و آنچه میخواهی دعا میکنی و مراد از زیارت دو پیغمبر علیهما السلام در
این کلمات که سبب بجا آوردن نماز است یا مجرد حضور در سر مرقد
مطهر ایشان است یا با سلام مخصوص گذشته یا آنچه بزبان زایر جاری
گردد و مسلم داشتن این از زائر مؤمن که نشود در حضور دو پیغمبر
عظیم الشان حاضر شود و سلامی نکند و ثنائی نگوید ولکن واحسرتا
که با این همه اهتمام و تاکید از سنن متروکه است که کمتر زائری و مجاوری
بکردن آن موفق شود والله المستعان

و اما عمل ششم

که خواندن دعای شریف مخصوصی است در عقب نماز زیارت و سایر
نمازها از واجب و مستحب بازائرینیکه در نجف اشرف مشرف اند پس
بدانکه شیخ طوسی قده در تهذیب روایت کرده از شیخین محمد بن

احمد بن داود صاحب مزار کبیر معروف که او بسند خود روایت کرده از یونس بن ظبیان گفت رفتم بخدمت حضرت صادق علیه السلام زمانیکه در حیره تشریف داشتند پس مرا با خود برد بمکانی و در آنجا ایستاد و دستها را بلند کرد و دعائی آهسته خواند که از آن نفهمیدم پس دو رکعت نماز کرد و در آنها بجهر سورهٔ کوچک خواندند که مرا فهمانیدند و از آن بمن آموختند تا آخر خبر **و سیّد عبد الکریم** بن طاوس طاب ثراه در فرحة الغری این خبر را بسند دیگر نیز نقل کرده و شیخ مفید در مزار و ابن طاوس قدّه در مصباح الزائر بعد از ذکر زیارت دوره بروایت صفوان فرمودند (و کلما صلیت صلوة فرضًا کانت او نفلا مدة مقامك بمشهد امیر المؤمنین ع فادع بهذا الدّعا هر وقت نماز کردی با هر چه نماز کنی چه نماز واجب باشد چه مستحب مدتیکه در مشهد امیر المؤمنین ع اقامه داری پس این دعا را بخوان و دور نیست که این از تتمهٔ کلام حضرت صادق علیه السلام باشد در روایت صفوان نه از کلام شیخ و سید و چون نسخ کتب معتبره در بعضی کلمات این دعا اختلافی داشت ما از نسخ صحیحهٔ تهذیب شیخ طوسی نقل کردیم الدُّعاء

اَللّٰهُمَّ لَا بُدَّ مِنْ اَمْرِكَ وَلَا بُدَّ مِنْ قَدَرِكَ وَلَا بُدَّ مِنْ قَضَائِكَ وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ فَمَا قَضَيْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَضَاءٍ اَوْ قَدَّرْتَ عَلَيْنَا مِنْ قَدَرٍ فَاَعْطِنَا مَعَهُ

صبراً یقهره ویدمغه واجعله لنا صاعداً فی رضوانک
ینمی فی حسناتنا وتفضیلنا وسوددنا ومجدنا ونعمائنا
وکرامتنا فی الدنیا والاخرة ولاتنقص من حسناتنا
اللهم وما اعطیتنا من عطاء اوفضلتنا به من
فضیلة اواکرمتنا به من کرامة فاعطنا معه
شکراً یقهره ویدمغه واجعله لنا صاعداً فی
رضوانک وحسناتنا وسوددنا وشرفنا ونعمائک
وکرامتک فی الدنیا والاخرة ولاتجعله لنا اشراً
ولابطراً ولافتنة ولامقتاً ولاعذاباً ولاخزیاً فی
الدنیا ولافی الاخرة اللهم انا نعوذبک من عثرات
اللسان وسوء المقام وخفة المیزان اللهم لقنا
حسناتنا فی الممات ولاترنا اعمالنا علینا حسرات
ولاتخزنا عند قضائک ولاتفضحنا بسیئاتنا یوم
نلقاک واجعل قلوبنا تذکرک ولاتنساک وتخشاک
کانها تراک حین تلقاک وبدل سیئاتنا حسنات

وَاجْعَلْ حَسَنَاتِنَا دَرَجَاتٍ وَاجْعَلْ دَرَجَاتِنَا غُرُفَاتٍ وَاجْعَلْ غُرُفَاتِنَا عَالِيَاتٍ اَللّٰهُمَّ وَاَوْسِعْ لِفَقِيرِنَا مِنْ سَعَتِكَ مَا قَضَيْتَ عَلٰى نَفْسِكَ وَالْهُدٰى مَا اَبْقَيْتَنَا وَالْكَرَامَةَ مَا اَحْيَيْتَنَا وَالْكَرَامَةَ اِذَا تَوَفَّيْتَنَا وَالْحِفْظَ فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِنَا وَالْبَرَكَةَ فِيمَا رَزَقْتَنَا وَالْعَوْنَ عَلٰى مَا حَمَّلْتَنَا وَالثَّبَاتَ عَلٰى مَا طَوَّقْتَنَا وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِظُلْمِنَا وَلَا تُعَاقِبْنَا بِجَهْلِنَا وَلَا تَسْتَدْرِجْنَا بِخَطِيئَاتِنَا وَاجْعَلْ اَحْسَنَ مَا نَقُولُ ثَابِتًا فِي قُلُوبِنَا وَاجْعَلْنَا عُظَمَاءَ عِنْدَكَ اَذِلَّةً فِي اَنْفُسِنَا وَانْفَعْنَا بِمَا عَلَّمْتَنَا وَزِدْنَا عِلْمًا نَافِعًا اَللّٰهُمَّ اِنَّا نَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ وَعَيْنٍ لَا تَدْمَعُ وَصَلٰوةٍ لَا تُرْفَعُ وَاَجِرْنَا مِنْ سُوءِ الْفِتَنِ يَا وَلِيَّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

مؤلف گوید

این دعای شریف با این مضامین عالیه اشتمال بر مهمه امور دنیا و اخرت و اهتمام در خواندن آن در این ارض مقدس باین کثرت چنان مهجور و متروک شد که در این طول مجاورت گاهی در حرم مطهر بگوشم نرسیده از زائری یا مجاوری بفقرات این دعا و هزارها دعای انها در سینه با آن فقرات

موحشه شنیدم و خواهم شنید نیست این مگر از ضعف اسلام
و رفتن عزت از اهل ایمان و غلبهٔ جنود شیطان و رسیدن بدین سستی و
خذلان و انتها غایت

واما عمل چهارم

نبود و خذلان

که رفتن بمسجد حنانه باشد پس بدانکه نزدیک ارض مقدسه نجف اشرف
از طرف شرق بفاصله سه هزار ذراع تقریبا مکانی است که در آن
در قدیم بنائی داشت گویا شبیه بمیل که آن را قائم میگفتند و علم هم
مینامیدند و وجه نامیده شدن از بنا باین اسم معلوم نشده و
محتملست که نشانه فرسخ بوده چه از انجا تا شهر کوفه همین مقدار
مسافت دارد و چون جنازه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
را در شب حرکت دادند که در تربت پاک نجف دفن شود عبور بان
بنا افتاد و بجهت تعظیم و احترام انحضرت چون رکوع کنند گان کج
شد پس از ان حنانه نامیدند و گاهی قائم مائل میگویند و این یکجهت
شرافت این محل است و جهت دیگر آنکه چون سر مبارک حضرت سید
الشهداء علیه السلام را از کربلا بکوفه میبردند شب در اینموضع
گذاشتند و از این جهت در انجا نماز و دعا و زیارت مقرر شده و
عامه زوار از فیض این محل محروم بجهت نادانی و تنبیه نکردن دانایان
ایشان را و بجهت قلت تردد و ندانستن بزرگی و مقام این محل شریف
مهجور و متروک و خراب ماند و حال آنکه منزل اول سر مطهر حضرت
ابیعبد الله علیه السلام است که از بدن مبارک جدا شده و غریب و تنها
در انجا شب را بسر برده بلکه شیخ فقها در کتاب حج جواهر الکلام بعد از ذکر

نماز دو این مقام احتمال داده که اینجا مدفن سر مبارک باشد یعنی بعضی از
اجزاء شریفه آن و اشاره بمصیبت عظیم کرده که قلم حقیر را جرئت بر نوشتن
آن نیست و مؤید این احتمال است آنچه محمد بن المشهدی در مزار خود گفته

زیارة اخری لیصلی الله علیه بها فی کل یوم و فی کل شهر و یزار بها ایضا

عند القائم الغری فقد جاء فی الآثار راس الحسین علیه السلام هناک) زیارت
دیگری برای آنحضرت که در هر روز و در هر ماه بآن زیارت کرده میشود
و نیز آن حضرت را بآن زیارت کنند در قائم که بنجف است پس بتحقیق که
در خبر رسیده که سر مبارک امام حسین علیه السلام اینجا است و
ظاهر این خبر در بودن اینجا است اگرچه بعضی احتمال داده که در اصل
وضع هناک بوده چنانچه گذشت که در اینجا گذاشتند بهر حال این
محل با این شرافت اگرچه در بلاد بعیده بود دوستان و موالیان که از شوق
و محبت هر ساله الاف و الوف در راه آنحضرت صرف میکنند بقصد
معتقد ورود در تعظیم و تجلیل این محل میکوشیدند و در بناء و عمارت
و زینت آن و عبادت در آن مجهود خود را صرف مینمودند چنانچه
موجود در پشت مسجد کوفه که آنرا نسبت میدهند بحضرت امیر
المؤمنین علیه السلام و تا حال در هیچ کتابی دیده نشده و عالمی از
و سندی هر چند بسیار ضعیف باشد برای این نسبت ذکر نشده با اینجا
بازار شوق و رواج و جزو مناسک زوار و هر چند بی خردان در کیفیت
صرف وجوه بر تبه مبلغی در آن صرف کنند و این محل عظیم القدر مطاف
زوار و نه مورد صرف وجوه بر و نه معبد طالبین خیر فتور بسیار ای

جنابرده در قرب همین مسجد شریف با بناهای عالیه وقباب رفیعه وشموع

معلقه واین مسجد چنین خراب وویران وبی خادم وگویا روشنائی چراغ را

تاکنون در شب بخود ندیده تا روز جزا در نزد مالک یوم الدین چه

شکایتها کند واز مصدر حضرت جبار منتقم چه حکم در اید واما اداب

وارده برای این مسجد شریف پس چند چیز است اول دو رکعت نماز

شیخ مفید در مزار وسید جلیل در مصباح وشهید اول در مزار روایت

کرده اند از مفضل بن عمر گفت گذشت حضرت امام جعفر صادق ع

بقائم مائل در راه غری یعنی ان علم که کج شده بود بجهت جنازه حضرت

پس دو رکعت نماز کرد پس بانحضرت عرض کردند این چه نمازی است

فرمود این موضع سر جدم حسین بن علی علیهما السلام است که انرا

در اینجا گذاشتند چون از کربلا امدند انگاه انرا بنزد عبید الله ابن

زیاد بردند دوم خواندن این دعا چنانچه در کتب مزبوره از صفوان

جمال روایت کرده اند که حضرت صادق علیه السلام با و فرمود چون

بعلم یعنی جنانه رسیدی بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ تَرٰى مَكَانِيْ وَتَسْمَعُ كَلَامِيْ وَلَا يَخْفٰى عَلَيْكَ

شَيْءٌ مِنْ اَمْرِيْ وَكَيْفَ يَخْفٰى عَلَيْكَ مَا اَنْتَ مُكَوِّنُهُ وَبَارِئُهُ

وَقَدْ جِئْتُكَ مُسْتَشْفِعًا بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَمُتَوَسِّلًا

بِوَصِيِّ رَسُوْلِكَ فَاَسْئَلُكَ بِهِمَا ثَبَاتَ الْقَدَمِ وَالْهُدٰى

وَالْمَغْفِرَةَ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ

سیم شیخ محمد بن المشهدی قده در مزار خود روایت کرده که حضرت
امام حسین علیه السلام را حضرت صادق علیه السلام در مسجد حنانه
چنین زیارت کرد و چهار رکعت نماز کرد و زیارت این است
اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ اَمِیرِ
الْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بْنَ الصِّدِّیقَةِ الطَّاهِرَةِ
سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلایَ یَا اَبَا
عَبْدِ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ
الصَّلوٰةَ وَآتَیْتَ الزَّکوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَیْتَ عَنِ
الْمُنْکَرِ وَتَلَوْتَ الْکِتَابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِی اللهِ
حَقَّ جِهَادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَی الْاَذَی فِی جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّٰی
اَتَاکَ الْیَقِینُ وَاَشْهَدُ اَنَّ الَّذِینَ خَالَفُوکَ وَحَارَبُوکَ
وَاَنَّ الَّذِینَ خَذَلُوکَ وَالَّذِینَ قَتَلُوکَ مَلْعُونُونَ عَلٰی
لِسَانِ النَّبِیِّ الْاُمِّیِّ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرٰی لَعَنَ اللهُ الظَّالِمِینَ
لَکُمْ مِنَ الْاَوَّلِینَ وَالْآخِرِینَ وَضَاعَفَ عَلَیْهِمُ الْعَذَابَ
الْاَلِیمَ اَتَیْتُکَ یَا مَوْلایَ یَا بْنَ رَسُولِ اللهِ عَارِفاً بِحَقِّکَ
مُوَالِیاً لِاَوْلِیَائِکَ مُعَادِیاً لِاَعْدَائِکَ مُسْتَبْصِراً

بالهدی الذی انت علیه عارفاً بضلالة من خالفك فاشفع لی عند ربك

مؤلف گوید

نزدیك مسجد حنانه از طرف مشرق تل کوچکی است که از ثویه میگویند و در قدیم محل معروفی بود و ابی داشت و در انجا جمعی از بزرگان اصحاب حضرت امیر المؤمنین مدفونند که یکی از انها کمیل است که قبرش ظاهر و از ما بقی اثری پدید نیست و یکی رشید هجری که جلالت قدش خیلی از کمیل بالاتر است و در انجا ابا واحنف بن قیس معروف که در حلم باو مثل زنند نیز در انجا است بلکه جبار عبید زیاد پدر عبید الله و مغیره نیز در انجا سند پس زائر چون بانجا رسید اولا دو رکعت نماز کند چنانچه صفوان از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که باو فرمودند چنین کند و ثانیا این دعا را بخواند اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ عَلٰی مَا اخْتَصَّنِی بِهِ مِنْ طِیبِ الْمَوْلِدِ وَاسْتَخْلَصَنِی اِکْرَاماً بِهِ مِنْ مُوالاةِ الْاَبْرَارِ السَّفَرَةِ الْاَطْهَارِ وَالْخِیَرَةِ الْاَعْلَامِ اَللّٰهُمَّ فَتَقَبَّلْ سَعْیِی اِلَیْكَ وَتَضَرُّعِی بَیْنَ یَدَیْكَ وَاغْفِرْ لِیَ الذُّنُوبَ الَّتِی لَا تَخْفٰی عَلَیْكَ اِنَّكَ اَنْتَ الْمَلِكُ الْغَفَّارُ چنانچه در همان روایت مذکور است و ثالثا سلام کند بر همه اصحاب حضرت که در انجا مدفونند و انچه تواند بخواند از سور و ایات قران که معتاد است خواندن ان برای اهل قبور و مثل سوره یس و حمد و یازده مرتبه قل هو الله احد و هفت مرتبه انا انزلنا و ایة الکرسی همه را شریك کند و از فیض همه بهره مند شود و بتوسل ارواح مقدسه ایشان متقرب شود بمولای ایشان و مولای هر مؤمن

ومؤمنه امیر المؤمنین ع ورا ابتدا مناسبت که از آن ظالم جبار عنید
زیاد یاد کند و از آنچه بشیعیان خاص آنحضرت کرد از انواع ظلم و
اذیت و قتل و دار کشیدن و میل آهنی گداخته در چشمان کشیدن
بلکه سب کردن حضرت و جمع کردن مردم در مسجد برای این عمل منکر کرد
همان روز بمقصود نرسید و بطاعون مبتلا و دنیا را از لوث وجود خود پاک
نمود و غیر اینها خاطر آرد و تا تواند هانرا ابلعن او پاک و پاکیزه و خوشبو
و معطر کند تمام شد آنچه مقصود بود از ذکر مختصر از مناسک زیارت در
نجف اشرف **و اما اعمال مسجد کوفه** و سهله پس
برساله سلامة المرصاد حقیر رجوع کنند که وافی و کافی است

فصل دوم در شرح زیارات مخصوصه و مطلقه

حضرت ابی عبدالله الحسین ع و غیرها و در آن چند مقام است

مقام اول در ذکر

اعتبار زیارات مخصوصه از حضرت آن هشت است اول رجب و
نیمه آن و نیمه شعبان و لیالی قدر و عید بن عرفه و عاشورا و اربعین
پس در آن سخنی نیست زیرا که علمای اعلام در کتب معتمد باسانید
معتبره انواع روایت کردند و اما ششم زیارت دیگر پس فی الجمله
محل تامل و شبهه شد برای بعضی از اهل علم بجهت نسبت ندادن
اینها را علما بامام علیه السلام در کتب مزار چنانچه سابقا از مجلسی
رحمه الله نقل نمودیم و اینکه در کتاب تحفه نقل نکرده بهمین جهت

جز زیارت را با ذکر شبهه در آن و ما در سابق وجهی اجمالی برای اعتبار تمام
انها و صحت نسبت با امام ذکر نمودیم و حال نیز دو وجه دیگر برای
اعتبار تمام یا جمله از انها ذکر میکنیم با قرائن خاصه برای هر یک از انها
که ان شاء الله تعالی بعد از تامل در انها شبهه نماند و با اطمینان توان نسبت داد
انها را با امام علیه السلام پس میگوییم وجه اول انکه شیخ جلیل محمد بن
المشهدی ره در اول مزار خود فرموده (وبعد فانی جمعت فی کتابی
هذا من فنون الزیارات فی المشاهد وما ورد فی الترغیب فی المساجد
المبارکات والادعیة المختارات وما یدعی به عقیب الصلوات وما یناجی
به القدیم تعالی من لذیذ الدعوات فی الخلوات وما یلجا الیه من
الادعیة عند المهمات مما اتصلت به من ثقات الرواة الی السادات)
من در این کتاب جمع نمودم از فنون زیارات و انچه رسیده در ترغیب مساجد
مبارکه و دعاهای برگزیده و انچه در عقب نمازها خوانده میشود و
دعاهای لذیذ که بان با حضرت باری تعالی مناجاة باید کرد و دعاهائی
که بان پناه باید برد در نزد امور مهمه از روایات و اخبار یکه بتوسط
راویان عادل بما رسیده تا ائمه انام علیهم السلام یعنی انکه برای من
انها را نقل کرد امامی عادل بود و انکه برای او نقل کرد نیز چنین بود و
هکذا تا برسد با امام علیه السلام پس انچه ذکر شود در این کتاب از
زیارات و دعوات تمام انها مرویست از معصوم علیه السلام بسند صحیح
باصطلاح متاخرین و لا اقل بسند معتبر خواهد بود و از این عبارت
حال ادعیه معروفه مقامات شریفه مسجد کوفه معلوم میشود که تمام

انها بسند معتبر مروی نیست زیرا اگر تمام انها را در این مزار نقل فرموده پس هر زیارت
مخصوصه که از این مزار نقل کنیم مروی و معتبر خواهد بود وجه دوم انکه
ان عالم جلیل شیخ ابراهیم کفعمی رحمه الله در کتاب بلد الامین در اعمال
شهر ربیع الاول بعد از ذکر بعضی اخبار وارده در ثواب زیارت کردن
حضرت ابی عبد الله علیه السلام در هر ماه فرموده (قلت فلهذین
الحدیثین اوردنا فی کتابنا هذا للحسین علیه السلام فی اول کل شهر
زیارة مفردة الا ان یکون فی الشهر زیارة موظفة فنکتفی بذکرها)
انتهی یعنی بجهت این دو حدیث که در استحباب زیارت انحضرت در
هر ماه وارد شده من در اول هر ماه زیارت مفرده در این کتاب نقل
کردم یعنی از زیارات ماثوره مطلقه مگر انکه در ان ماه زیارت موظفه
داشته باشد که من اکتفا میکنم بذکر ان و در ماه رجب و شعبان و رمضان
و شوال و ذی الحجة همان زیارات مخصوصه معهوده را نقل کرده و
موظف شدن عملی برای وقتی جز بدستور العمل شرع و رسیدن از
ائمه علیهم السلام نشود و در نزد ان مرحوم بعضی کتب مزار معتبره
قدیمه بود که حال **وجه سیم** از انها نشانی نیست
واما قراین و شواهد خاصه پس از اینقرار است اول جناب سید جلیل
علی بن طاوس قدس سره در کتاب مصباح الزائر بعد از ذکر ثواب زیارت
در ان فرموده شرح زیارته فی ذلک الیوم و زیارته بها لیلة النصف من
شعبان ایضا اذا اردت ذلک الخ انگاه در فصل فضل زیارت
انحضرت در نیمه شعبان فرموده (واما الزیارة فی هذه اللیلة

کلمهٔ زیارت
حضرت سید الشهداء

فقد روی انه یزار فیها بالزیارة التی قدمناها فی اول رجب فتؤخذ من هناک
حاصل فرموده در فصل زیارت مخصوصه اول رجب ذکر یافت زیارت در
شب نیمه شعبان نیز زیارت کنند انحضرت را و در فصل زیارت نیمه شعبان
فرموده و اما زیارت در این شب یعنی مخصوصه آن پس بتحقیق که روایت شده
که آن حضرت را زیارت کنند در آن شب باین زیارتی که در اول رجب ذکر کردیم
پس از آنجا بگیرند و زیارت کنند و این کلام صریح است در اینکه الفاظ این
زیارت و اختصاص آن باین دو وقت هر دو مرویست و نیز در کتاب اقبال
در اعمال نیمه شعبان فرموده

فصل

فیما نذکره من لفظ زیارة
الحسین علیه السلام فی نصف شعبان اقول ان هذه الزیارات
مما یزار بها الحسین ع اول رجب ایضا و انما اخرنا ذکرها فی هذه اللیلة
لانها اعظم فذکرناها فی الاشرف من المکان) این زیارتیکه ذکر میشود
آن زیارتیست که حضرت را در اول رجب نیز باین زیارت کرده میشود
و ما این زیارت را در اول رجب ذکر نکردیم و در اینجا ذکر کردیم بجهت بزرگی
قدر و منزلت شب نیمه شعبان پس آن را در محل اشرف ذکر نمودیم و این
کلام در صراحت مثل کلام سابق است و نیز در مصباح بعد از ذکر
زیارت انحضرت در اول رجب و زیارت شهدا که اسامی ایشان در آن مذکور است
فرموده (قد تقدم عدد الشهداء فی زیارة عاشورا بروایة تخالف
فی هذا المکان و تختلف فی اسمائهم ایضا فی الزیادة و النقصان و ینبغی
ان تعرف ایدک الله جل جلاله بتقواه انا تبعنا فی ذلک ما رایناه او رویناه
و نقلنا فی کل موضع کما وجدناه) گذشت عدد شهداء در زیارت عاشورا

هما سطرناه

یعنی

یعنی زیارت ناحیه مقدسه که متضمن است اسامی شهدا را بروایتی که مخالفست
در عدد با آنچه در اینجا ذکر کردیم و در اسامی ایشان نیز با هم مخالفت دارند
و بدانکه ما در نقل متابعت نمودیم آنچه را که روایت کردیم یا بما اذن
دادند که از او روایت کنیم یا آنچه را که در کتابی دیدیم و سندی بصاحب آن کتاب
نداریم در هر موضع آنچه یافتیم نقل نمودیم و واضح است که اگر این زیارت
مرویه بلکه سندش معتبر بود جای معارضه انداختن از باز زیارت ناحیه
مقدسه و عذر خواستن نداشت و نیز در مصباح بعد از ذکر زیارت فضیلت آنحضرت
در نیمه رجب فرموده **فاما کیفیة زیارته علیه السلام** فی هذا الوقت
فینبغی ان یزار بالزیارة الجامعة فی ایام رجب او بما تقدم من الزیارات المنقولة
فانی لم اقف علی زیارة مختصة بهذا الوقت المذکور) در نیمه رجب سزاوار
است که آنحضرت را زیارت کنند بزیارت جامعه رجبیه یا ببعضی از
زیارات منقوله که گذشت زیرا که من واقف نشدیم بر زیارتیکه اختصاص
داشته باشد باین وقت و این کلام صریح است در اینکه آنچه ذکر کرد
از زیارات مخصوصه در غیر نیمه رجب تمام مروی و مقدم است
بر زیارت مطلقه در آن اوقات اگر زائر باتمام آنها را اگر دستش بآنها
نرسید پس آنگاه یکی از آن زیارات مطلقه را بخواند و ظاهر مراد
شیخ مفید ره در نزد سید نبود والا نمیفرمود نیافتم **نیمه رجب**
این زیارت را شیخ مفید و شهید اول ره نقل کرده اند و عبارت مزار شیخ
مفید چنین است (من الزیارات المخصوصة زیارة النصف من رجب
تسمی بالعقیلة فاذا اردت ذلک الخ) و شهید فرموده از زیارات

مخصوصه زیارت عفیله است و از در نصف ماه رجب است پس هرگاه خواهی
که در آنوقت زیارت کنی الخ و عفیله اگر اسم این الفاظ زیارت باشد
نشود که غیر مروی باشد چه نشود زیارت تالیف شده دیگران را
علماء اسم گذارند آنگاه مثل این دو عالم جلیل در مقام فضل این ایام
اسم یاد کنند آنرا برای این وقت معین نمایند و لکن محتملست که اسم
اصل این زیارت مخصوصه باشد یعنی زیارت در نیمه رجب هر
زیارتیکه باشد آنرا عفیله گویند بهر حال این زیارت بعینها همان
زیارت جابر بن عبدالله است در روز اربعین با اختلاف جزئی
در زیاده و نقصان و غیر آن که میشود از اختلاف نسخ باشد و اختصاص
دادن این دو بزرگوار آنرا باین وقت نشود مگر از روی نص صریح و شاهد صحیح

چنانچه در مقام **نیمۀ شعبان** منصف توجیه گذشت

تصریح سید جلیل ابن طاوس که زیارت مخصوصه در آن مرویست
و اینکه این زیارتیست که در اول رجب باید خواند علاوه بر آنکه شیخ مفید
و شهید ره نیز هر دو وارد این زیارت شریک کردند و عبارة شیخ ره
این است (زیارة اول یوم من رجب و لیلة النصف من شعبان فاذا اردت
ذلک الخ) و شهید ره در مزار نیمه رجب را نیز بآن ملحق نموده و این
گونه کلمات با مروی بودن زیارت از پست ترین اهل علم شایسته نیست چه

رسد باکابر دین **لیالی قدر** و رؤساء ملت

در مصباح الزائر فرموده شرح الزیارة و هی مختصة بهذه اللیلة و یزار
بها فی العیدین اذا اردت ذلک الخ این زیارت مختص است بهر شب

۲ ولیلة م

در شب عید فطر و اضحی نیز آن زیارت را حضرت زیارت کنند و محمد بن المشهدی
در مزار فرموده زیارة الحسین بن علی علیهما السلام ایضا مختصر
یزار بها فی لیلة القدر و فی العیدین و بالاسناد عن ابی عبد الله الصادق
جعفر بن محمد علیهما السلام اذا اردت زیارة الحسین بن علی علیهما السلام
الخ زیارة مختصر نیست برای آنحضرت که باید در شب قدر و عیدین
زیارة کرده میشود و این کلام صریح است در اینکه در صدد این خبر
که از حضرت صادق علیه السلام مسندا نقل کرده باید در آخر آن
یا در خبر دیگر تصریح باختصاص شده و الا چگونه میشود عالمی
زیارت مرویه مطلقه را نقل کند و از خود اختصاص دهد آن را بزمان
معینی و نیز شیخ مفید و شهید اول رحمهما الله آن را برای این اوقات
معین کرده اند و علامه مجلسی در بحار و تحفه فرموده از خبر که
محمد بن المشهدی روایت نقل کرده ظاهر میشود که این زیارت مطلقه است
و اختصاصی باین زمانها ندارد و این خدشه با تصریحات این اعلام
مثل ایشان بعید است عید فطر و عید اضحی سید جلیل
علی بن طاوس قدس سره در کتاب اقبال در ضمن اعمال شب فطر فرموده
و منها زیارة الحسین علیه السلام فی لیلة عید الفطر و قد ذکرنا فی
الجزء الثانی من کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر بعض فضلها و
ما اخترناه من الروایة الفاظ الزیارة المختصة فان لم یکن کتابنا عنده
موجودا فی مثل هذا المیقات فلیزر الحسین علیه افضل السلام و الصلوة
بغیر تلک الزیارة من الزیارات المرویة فان لم یجد زیارة من المنقولة

تزوره علیه السلام بما یفتحه الله جل جلاله علیه من التعظیم والتسلیم
له والثناء علیه والاعتراف له علیه السلام بامامته والبرائة من اهل
عداوته والتوسل الی الله جل جلاله بشریف مقاماته فی قضاء ما یعرض
من حاجاته از اعمال شب فطر زیارت حسین علیه السلام است و ما در جزو
دوم کتاب مصباح الزائر بعضی از فضائل و الفاظ زیارت مخصوصه بآن که
از روایات اخبار کردیم ذکر نمودیم پس اگر در آن وقت مصباح در نزد او نباشد
آن حضرت را بیکی از زیارات عمومیه زیارت کند و اگر از زیارات منقوله
چیزی نیافت پس زیارت کند آنحضرت را بآنچه خدا بتعالی بر زبانش جاری
کند از سلام و تعظیم و ثنا بر جنابش و اعتراف بامامتش و بیزاری از
دشمنانش و متوسل شود بمقامات شریفه اش بجهت بر آورده شدن
حاجاتی که دارد و در این کلمات بالصراحة خبر دادند که زیارت مخصوصه
عید بن مرویست و با وجود آن زیارت خواندنش مقدم است بر خواندن
زیارات مطلقه عمومیه و این نشود مگر با نهایت اطمینان و وثوق بورود
آن از اهل عصمت علیهم السلام **و نیز در اقبال** در اعمال روز
عید قربان فرموده واما الفاظ ما نذکره فی هذا الیوم فی زیارته علیه السلام
فقد ذکرنا فی کتاب مصباح الزائر و جناح المسافر زیارتین تختصان
بهذا المیقات ولیس هذا الکتاب مما نقصد به الزیارات فان وجدت تلک
الزیارتین والا فزر الحسین علیه السلام لیلة الاضحی و یوم الاضحی بما
ذکرناه فی هذا الکتاب من الزیارة لیوم عرفة واما الفاظ مخصوصه که
آن حضرت را در این روز بآن زیارت باید زیارة کرد پس دو زیارة است که

مختص است باین روز و در مصباح الزائر نقل کردیم و چون این کتاب برای ذکر زیارات
نبود آنرا ذکر نکردیم پس اگر اراده زیارت مخصوصه را داشت پس باز زیارت
کند حضرت را در شب و روز عرفه باین و الآن زیارت کند بزیارتی که در اعمال
روز عرفه گذشت و این کلام نیز در افاده هر دو مطلب مثل کلام سابق نیست.

روز عرفه ایضاً سید جلیل مقدم ذکر در اقبال

در اعمال روز عرفه فرموده **فصل** فی ما نذکره من الفاظ الزیارة

المختصة بالحسین علیه السلام یوم عرفة اعلم انه سیأتی فی بعض ما نذکره
من الدعوات یوم عرفة زیارة النبی صلی الله علیه و آله و سلم و الائمة
علیهم افضل الصلوات و انما نذکر فی هذا الفصل زیارة تختص بهذا
الیوم غیر داخلة فی دعواته در این فصل ذکر میکنیم زیارتی که مختص
بآنحضرتست در روز عرفه و خواهد آمد در ضمن دعاهائی که برای روز
عرفه ذکر میکنیم زیارتی برای پیغمبر و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین
ولیکن در اینجا ذکر میکنیم زیارتیکه مختص است باین روز و داخل نیست در
این دعاها و دلالت این کلام نیز بر مأثور بودن آن از ائمه انام علیهم السلام
بر هیچ متأملی مخفی نیست و شیخ مفید و شهید ره نیز تصریح فرموده اند
که این زیارت مختص است باین روز و در مزار محمد بن المشهدی مذکور
است زیارة ابی عبد الله علیه السلام فی یوم عرفة و من لم یمکنه حضور الموقف
للحج و قدر علی اتیان قبر الحسین علیه السلام یوم عرفة فلیحضر آنگاه زیارت را
نقل کرده و گذشت که آنچه در این کتاب ذکر کرده تمام مروی و بطریق ثقات باو

رسیده و شاید متتبع بیش از این شواهد بدست آورده

مقام دوم در ذکر الفاظ زیارات مخصوصه باوقات شریفه

اول رجب

شیخ مفید و علی بن طاوس قدس سرهما تصریح نمودند که این زیارت برای دو وقت
اول رجب و شب نیمه شعبان است ولکن شهید اول در مزار فرموده ذکر
زیارتهای مخصوصه بابی عبدالله الحسین علیه السلام در روزها و
ماهها و آنچه متعلق است باین زیارتها از گفتن و کردن از جمله زیارتها
زیارت روز اول ماه رجب است و شب آن و روز و شب نصف ماه رجب که
شب عفیله گویند و روز آن و شب نصف شعبان و روز آن پس هرگاه خواهی
الخ بفرموده ایشان این زیارت برای شش وقت است و مخفی نماند که در اصل
زیارت حضرت متفق اند ولکن شیخ مفید رحمه الله زیارت علی بن الحسین و
شهداء را ذکر نموده مخالفا آنچه ابن طاوس رحمه الله در مصباح و اقبال
نقل کرده و شهید رحمه الله در مزار هر دو را جمع کرده و ما نیز چنین کنیم

بسم الله الرحمن الرحیم

هرگاه خواهی زیارت کنی ابا عبدالله الحسین علیه السلام را در آن اوقات
که گفته شد غسل کن و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوش و بایست
بر در روضه آنحضرت رو بقبله و سلام بفرست بر آقای ما رسول خدا
صلی الله علیه و آله و سلم و بر امیر المؤمنین علی علیه السلام و بر
فاطمه صلوات الله علیها و بر امام حسن و امام حسین علیهما السلام
و بر باقی ائمه صلوات الله علیهم اجمعین و بعد از آن داخل شو و بایست
نزد قبر آنحضرت و صد بار بگو الله اکبر و بگو

السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن خاتم
النبیین السلام علیک یا ابن سید المرسلین السلام علیک
یا ابن سید الوصیین السلام علیک یا ابا عبد الله السلام
علیک یا حسین بن علی السلام علیک یا ابن فاطمة سیدة
نساء العالمین السلام علیک یا ولی الله وابن ولیه
السلام علیک یا صفی الله وابن صفیه السلام علیک
یا حجة الله وابن حجته السلام علیک یا حبیب الله وابن
حبیبه السلام علیک یا سفیر الله وابن سفیره السلام
علیک یا خازن الکتاب المسطور السلام علیک یا وارث
التوریة والانجیل والزبور السلام علیک یا امین
الرحمن السلام علیک یا شریک القرآن السلام علیک
یا عمود الدین السلام علیک یا باب حکمة رب العالمین
السلام علیک یا باب حطة الذی من دخله کان من
الامنین السلام علیک یا عیبة علم الله السلام
علیک یا موضع سر الله السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره

والوِترَ الموتورِ السّلامُ علیکَ وعلی الارواحِ الّتی حلّت
بفنائکَ واناخت برحلکَ بابی انتَ وامّی ونفسی یا ابا عبدِ
اللہِ لقد عظمتِ المصیبۃُ وجلّتِ الرزیّۃُ بکَ علینا
وعلی جمیعِ اھلِ الاسلامِ فلعنَ اللہُ امّۃً اسّست اساسَ
الظّلمِ والجورِ علیکم اھلَ البیتِ ولعنَ اللہُ امّۃً دفعتکم
عن مقامکم وازالتکم عن مراتبکمُ الّتی رتّبکمُ اللہُ فیھا
بابی انتَ وامّی ونفسی یا ابا عبدِ اللہِ اشھدُ لقد اقشعرّت
لدمائکم اظلّۃُ العرشِ مع اظلّۃِ الخلائقِ وبکتکمُ السّماءُ
والارضُ وسکّانُ الجنانِ والبرِّ والبحرِ صلّی اللہُ علیکَ
عددَ ما فی علمِ اللہِ لبّیکَ داعیَ اللہِ ان کانَ لم یجبکَ بدنی
عندَ استغاثتکَ ولسانی عندَ استنصارکَ فقد اجابکَ
قلبی وسمعی وبصری سبحانَ ربّنا ان کانَ وعدُ ربّنا لمفعولاً
اشھدُ انّکَ طھرٌ طاھرٌ مطھّرٌ طھرتَ وطھرت بکَ
البلادُ وطھرت ارضٌ انتَ بھا وطھرَ حرمکَ اشھدُ انّکَ
قد امرتَ بالقسطِ والعدلِ ودعوتَ الیھما وانّکَ صادقٌ

صِدّیقٌ صَدَقْتَ فیما دَعَوْتَ اِلَیْهِ وَاَنَّکَ ثارُ اللهِ فِی الْاَرْضِ
وَاَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ بَلَّغْتَ عَنِ اللهِ وَعَنْ جَدِّکَ رَسُولِ اللهِ
وَعَنْ اَبیکَ اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ وَعَنْ اَخیکَ الْحَسَنِ وَنَصَحْتَ
وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ اللهِ وَعَبَدْتَهُ مُخْلِصاً حَتّی اَتیٰکَ
الْیَقینُ فَجَزاکَ اللهُ خَیْرَ جَزاءِ السّابِقینَ وَصَلَّی اللهُ
عَلَیْکَ وَسَلَّمَ تَسْلیماً اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ
عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهیدِ قَتیلِ الْعَبَراتِ وَاَسیرِ
الْکُرُباتِ صَلوٰةً نامِیَةً زاکِیَةً مُبارَکَةً یَصْعَدُ اَوَّلُها وَ
لایَنْفَدُ آخِرُها اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلیٰ اَحَدٍ مِنْ اَوْلادِ اَنْبِیائِکَ
الْمُرْسَلینَ یا اِلٰهَ الْعالَمینَ

انگاه قبر را ببوس و روی راست خود را بر قبر گذار بعد از ان روی چپ را
انگاه دور قبر بگرد و طواف کن و چهار جانب قبر را ببوس شیخ مفید
طاب ثراه فرموده انگاه برو بسوی قبر علی بن الحسین ع و بایست نزد قبر انجناب و بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الصِّدّیقُ الطَّیِّبُ الزَّکِیُّ الْحَبیبُ الْمُقَرَّبُ
وَابْنَ رَیْحانَةِ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ مِنْ شَهیدٍ مُحْتَسِبٍ وَ
رَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ ما اَکْرَمَ مَقامَکَ وَاَشْرَفَ مُنْقَلَبَکَ

اَشْهَدُ لَقَدْ شَكَرَ اللّٰهُ سَعْيَكَ وَاَجْزَلَ ثَوَابَكَ وَاَلْحَقَكَ بِالذِّرْوَةِ الْعَالِيَةِ حَيْثُ الشَّرَفُ كُلُّ الشَّرَفِ وَفِي الْغُرَفِ السَّامِيَةِ كَمَا مَنَّ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَجَعَلَكَ مِنْ اَهْلِ الْبَيْتِ الَّذِيْنَ اَذْهَبَ اللّٰهُ عَنْهُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيْرًا صَلَوٰاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَرِضْوَانُهُ فَاشْفَعْ اَيُّهَا السَّيِّدُ الطَّاهِرُ اِلٰى رَبِّكَ فِيْ حَطِّ الْاَثْقَالِ عَنْ ظَهْرِيْ وَتَخْفِيْفِهَا عَنِّيْ وَارْحَمْ ذُلِّيْ وَخُضُوْعِيْ لِلّٰهِ وَلِلسَّيِّدِ اَبِيْكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكُمَا

بعد از ان بیفت بر قبر و بگو

زَادَ اللّٰهُ فِيْ شَرَفِكُمْ فِي الْاٰخِرَةِ كَمَا شَرَّفَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَاَسْعَدَكُمْ كَمَا اَسْعَدَ بِكُمْ وَاَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَعْلَامُ الدِّيْنِ وَنُجُوْمُ الْعَالَمِيْنَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

بعد از ان رو کن بسوی شہداء و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَنْصَارَ اللّٰهِ وَاَنْصَارَ رَسُوْلِهٖ وَاَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيْ طَالِبٍ وَاَنْصَارَ فَاطِمَةَ وَاَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَاَنْصَارَ الْاِسْلَامِ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ لَقَدْ نَصَحْتُمْ لِلّٰهِ وَجَاهَدْتُمْ فِيْ

سَبِیْلِهٖ فَجَزَاکُمُ اللّٰهُ عَنِ الْاِسْلَامِ وَاَهْلِهٖ اَفْضَلَ الْجَزَاۗءِ فُزْتُمْ
وَاللّٰهِ فَوْزًا عَظِیْمًا یَا لَیْتَنِیْ کُنْتُ مَعَکُمْ فَاَفُوْزَ فَوْزًا عَظِیْمًا
اَشْهَدُ اَنَّکُمْ اَحْیَاۗءٌ عِنْدَ رَبِّکُمْ تُرْزَقُوْنَ وَاَشْهَدُ اَنَّکُمُ
الشُّهَدَاۗءُ السُّعَدَاۗءُ وَاَنَّکُمُ الْفَاۗئِزُوْنَ فِی الدَّرَجَاتِ الْعُلٰی
وَالسَّلَامُ عَلَیْکُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهٗ

(حاشیہ: من الاسلام نسخہ)

بعد از آن باز گرد و بیا نزدیک سر مبارک آنحضرت و از زیارت بکن و دعا کن برای خود و پدر و مادر خود و برای برادران مؤمن سید جلیل علی بن طاوس در کتاب اقبال و مصباح بعد از ذکر زیارت حضرت و گذاردن روی راست بر قبر و بوسیدن چهار طرف قبر مطهر و برو و بایست بر سر قبر علی بن الحسین و بگو

اَلسَّلَامُ مِنَ اللّٰهِ وَالسَّلَامُ مِنْ مَلَاۗئِکَتِهِ الْمُقَرَّبِیْنَ وَاَنْبِیَاۗئِهِ الْمُرْسَلِیْنَ
وَعِبَادِهِ الصَّالِحِیْنَ وَجَمِیْعِ اَهْلِ طَاعَتِهٖ مِنْ اَهْلِ السَّمٰوَاتِ وَ
الْاَرَضِیْنَ عَلٰی اَبِیْ عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیٍّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهٗ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَوَّلَ قَتِیْلٍ مِنْ نَسْلِ خَیْرِ سَلِیْلٍ مِنْ سُلَالَةِ
اِبْرٰهِیْمَ الْخَلِیْلِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْکَ وَعَلٰی اَبِیْکَ اِذْ قَالَ فِیْکَ
قَتَلَ اللّٰهُ قَوْمًا قَتَلُوْکَ یَا بُنَیَّ مَا اَجْرَاَهُمْ عَلَی الرَّحْمٰنِ وَعَلٰی
انْتِهَاکِ حُرْمَةِ الرَّسُوْلِ عَلَی الدُّنْیَا بَعْدَکَ الْعَفَا اَشْهَدُ اَنَّکَ

(حاشیہ: علی اول قتیل خ ل)

ابن حجة الله وابن امینه حکم الله علی قاتلیک واصلاهم جهنم وساءت مصیرا وجعلنا الله یوم القیمة من ملاقیک ومرافقیک ومرافقی جدک وابیک وعمک واخیک وامک المظلومة الطاهرة المطهرة ابرء الی الله ممن قتلک وقاتلک وممن نصب علیکم العداوة واسئل الله مرافقتکم فی دار الخلود والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

ودر بعضی از نسخ مصباح الزائر ومزار الشهید این عبارت (السلام علی عبد الله بن الحسین الطفل الرضیع لعن الله رامیه حرملة بن کاهل الاسدی وذویه) نیز مسطور است

السلام علی العباس بن امیر المؤمنین السلام علی جعفر بن امیر المؤمنین السلام علی عبد الله بن امیر المؤمنین السلام علی ابی بکر محمد بن امیر المؤمنین السلام علی عثمان بن امیر المؤمنین السلام علی القاسم بن الحسن السلام علی محمد بن عبد الله بن جعفر بن ابی طالب السلام علی جعفر بن عقیل السلام علی عبد الرحمن بن عقیل السلام

السلام علی عبد الله ابن امیر المؤمنین

علیٰ عبد اللہ بن مسلم بن عقیل السلام علیٰ محمد بن ابی سعید بن عقیل السلام علیٰ عون بن عبد اللہ بن جعفر بن ابیطالب السلام علیٰ عبید اللہ بن مسلم بن عقیل السلام علیکم اہل بیت المصطفیٰ السلام علیکم اہل الشکر والرضا السلام علیکم یا انصار اللہ ورجالہ من اہل الحق والبلویٰ والمجاہدین علیٰ بصیرۃ فی سبیلہ اشہد انکم کما قال اللہ عزوجل وکاین من نبی قاتل معہ ربیون کثیر فما وہنوا لما اصابہم فی سبیل اللہ وما ضعفوا وما استکانوا واللہ یحب الصابرین فما ضعفتم وما استکنتم حتی لقیتم اللہ علیٰ سبیل الحق ونصرہ وکلمۃ اللہ التامۃ صلی اللہ علیکم وعلیٰ ارواحکم وابدانکم وسلم تسلیما فزتم واللہ ولوددت انی کنت معکم فافوز فوزا عظیما ابشروا بموعد اللہ الذی لا خلف لہ انہ لا یخلف المیعاد اشہد انکم النجباء وسادۃ الشہداء فی الدنیا والاخرۃ واشہد انکم جاہدتم فی سبیل اللہ وقتلتم علیٰ منہاج رسول اللہ و

وَانْکُمْ ۱ ۲ ۳

اَنتُمُ السَّابِقُونَ الْمُجَاهِدُونَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَنْصَارُ اللهِ وَاَنْصَارُ رَسُولِهِ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي صَدَقَكُمْ وَعْدَهُ وَاَرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

بعد ازان صوب خیمہ شد و سلام کند بر شہدائی دیگر

اَلسَّلَامُ عَلٰى سَعِيدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْحَنَفِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى زُهَيْرِ بْنِ الْقَيْنِ اَلسَّلَامُ عَلٰى حَبِيبِ بْنِ مُظَاهِرٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى مُسْلِمِ بْنِ عَوْسَجَةَ اَلسَّلَامُ عَلٰى عُقْبَةَ بْنِ سَمْعَانَ اَلسَّلَامُ عَلٰى بُرَيْرِ بْنِ خُضَيْرٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَبْدِ اللهِ بْنِ عُمَيْرٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى نَافِعِ بْنِ هِلَالٍ اَلسَّلَامُ عَلٰى مُنْذِرِ بْنِ الْمُفَضَّلِ الْجُعْفِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَمْرِو بْنِ قُرْظَةَ الْاَنْصَارِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى اَبِي ثُمَامَةَ الصَّائِدِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى جَوْنٍ مَوْلٰى اَبِي ذَرٍّ الْغِفَارِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْاَزْدِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى عَبْدِ اللهِ وَعَبْدِ الرَّحْمٰنِ اِبْنَيْ عُرْوَةَ اَلسَّلَامُ عَلٰى سَيْفِ بْنِ الْحَارِثِ اَلسَّلَامُ عَلٰى مَالِكِ بْنِ عَبْدِ اللهِ الْحَائِرِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى حَنْظَلَةَ بْنِ اَسْعَدَ الشَّامِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى الْقَاسِمِ بْنِ الْحَارِثِ الْكَاهِلِيِّ اَلسَّلَامُ عَلٰى بِشْرِ بْنِ عَمْرٍو الْحَضْرَمِيِّ

حصین ن ا
الحائری ن د
بشر ن د

اَلسَّلَامُ عَلٰی عَابِسِ بْنِ شَبِیْبٍ الشَّاکِرِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی حُجَّاجِ بْنِ مَسْرُوْقِ الْجُعْفِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَمْرِو بْنِ خَلَفٍ وَسَعِیْدٍ مَوْلَاهُ اَلسَّلَامُ عَلٰی حَیَّانَ بْنِ الْحَارِثِ اَلسَّلَامُ عَلٰی مُجَمَّعِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ الْعَائِذِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی نُعَیْمِ بْنِ عَجْلَانَ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَبْدِ الرَّحْمٰنِ بْنِ یَزِیْدَ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَمْرِو بْنِ اَبِیْ کَعْبٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی سُلَیْمَانَ بْنِ عَوْفٍ الْحَضْرَمِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی قَیْسِ بْنِ مُسْهِرٍ الصَّیْدَاوِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی عُثْمَانَ بْنِ فَرْوَةَ الْغِفَارِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی غَیْلَانَ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمٰنِ اَلسَّلَامُ عَلٰی قَیْسِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ الْهَمْدَانِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی عُمَیْرِ بْنِ کَنَادٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی جَبَلَةَ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰی مُسْلِمِ بْنِ کَنَادٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی سُلَیْمَانَ بْنِ سُلَیْمَانَ الْاَزْدِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی حَمَّادِ بْنِ حَمَّادٍ الْخُزَاعِیِّ الْمُرَادِیِّ اَلسَّلَامُ عَلٰی عَامِرِ بْنِ مُسْلِمٍ وَمَوْلَاهُ مُسْلِمٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی بَدْرِ بْنِ رُقَیْطٍ وَابْنَیْهِ عَبْدِ اللّٰهِ وَعُبَیْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلٰی رُمَیْثِ بْنِ عَمْرٍو اَلسَّلَامُ عَلٰی سُفْیَانَ بْنِ مَالِكٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی زُهَیْرِ بْنِ سَیَّارٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی قَاسِطٍ وَکَرْشٍ اِبْنَیْ زُهَیْرٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی کِنَانَةَ بْنِ عَتِیْقٍ

اَلسَّلامُ عَلیٰ عامِرِ بنِ مالِكٍ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَنیعِ بنِ زِيادٍ اَلسَّلامُ عَلیٰ نُعمانِ
بنِ عَمرٍو اَلسَّلامُ عَلیٰ جُلاسِ بنِ عَمرٍو اَلسَّلامُ عَلیٰ عامِرِ بنِ جُليدٍ
اَلسَّلامُ عَلیٰ زائِدَةَ بنِ مُهاجِرٍ اَلسَّلامُ عَلیٰ شَبيبِ بنِ عَبدِ اللهِ
النَّهشَلِيِّ اَلسَّلامُ عَلیٰ حَجّاجِ بنِ يَزيدَ اَلسَّلامُ عَلیٰ جُوَينِ بنِ
مالِكٍ اَلسَّلامُ عَلیٰ ضُبَيعَةَ بنِ عَمرٍو اَلسَّلامُ عَلیٰ زُهَيرِ بنِ
بَشيرٍ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَسعُودِ بنِ الحَجّاجِ اَلسَّلامُ عَلیٰ عَمّارِ بنِ حَسّانٍ
اَلسَّلامُ عَلیٰ جُندَبِ بنِ حُجَيرٍ اَلسَّلامُ عَلیٰ سُلَيمانَ بنِ كَثيرٍ اَلسَّلامُ
عَلیٰ زُهَيرِ بنِ سُلَيمانَ اَلسَّلامُ عَلیٰ قاسِمِ بنِ حَبيبٍ اَلسَّلامُ عَلیٰ
اَنَسِ بنِ الكاهِلِ الاَسَدِيِّ اَلسَّلامُ عَلیٰ الحُرِّ بنِ يَزيدَ الرِّياحِيِّ اَلسَّلامُ
عَلیٰ ضِرغامَةَ بنِ مالِكٍ اَلسَّلامُ عَلیٰ زاهِرٍ مَولیٰ عَمرِو بنِ الحَمِقِ اَلسَّلامُ
عَلیٰ عَبدِ اللهِ بنِ يَقطُرَ رَضيعِ الحُسَينِ عَلَيهِ السَّلامُ اَلسَّلامُ
عَلیٰ مُنجِحٍ مَولَی الحُسَينِ اَلسَّلامُ عَلیٰ سُوَيدٍ مَولیٰ
شاكِرٍ اَلسَّلامُ عَلَيكُم اَيُّهَا الرَّبّانِيُّونَ اَنتُم خِيَرَةٌ اختارَكُمُ اللهُ
لِاَبي عَبدِ اللهِ عَلَيهِ السَّلامُ وَاَنتُم خاصَّةٌ اختَصَّكُمُ اللهُ اَشهَدُ
اَنَّكُم قُتِلتُم عَلَی الدُّعاءِ اِلَی الحَقِّ وَنَصَرتُم وَوَفَيتُم وَبَذَلتُم

مُحِجَّکُمْ مَعَ ابْنِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَاَنْتُمُ الشُّهَدَاءُ سُعِدْتُمْ وَفُزْتُمْ بِالدَّرَجَاتِ الْعُلٰی فَجَزَاکُمُ اللّٰهُ مِنْ اَعْوَانٍ وَاِخْوَانٍ خَیْرَ مَا جَازٰی مَنْ صَبَرَ مَعَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ هَنِیئاً لَکُمْ مَا اُعْطِیتُمْ وَهَنِیئاً لَکُمْ مَا بِهِ حُبِیتُمْ طَافَتْ عَلَیْکُمْ مِنَ اللّٰهِ الرَّحْمَةُ وَبَلَغْتُمْ بِهَا شَرَفَ الْاٰخِرَةِ

انگاه برگرد نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام و نماز زیارت بکن و انچه خواهی نماز بگذار و برای خود و والدین خود و برادران ایمانی دعا کن که مستجاب خواهد شد ان شاء الله

نصفه رجب را از شهور زیارت ماثوره

این زیارت گذشته چنانچه تاج الفقهاء شهید اول ضریح فرموده در مزار که در شب روز نیمه رجب انرا بخواند و عبارت مزار گذشت که در شب زیارتیست که شیخ معید فقیه و شهید در مزار نقل کرده که از زیارات مخصوصه نصف رجب است که انرا غفیله میگویند چون قصد کردی زیارت انحضرت را در این وقت و امدی در صحن شریف پس داخل شو یعنی در حرم مطهر و سه نوبت بگو (اللّٰهُ اَکْبَرُ) و بایست در نزد قبر منور و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا آلَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا صَفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا سَادَةَ السَّادَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا لُیُوثَ الْغَابَاتِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا سُفُنَ النَّجَاةِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِلْمِ الْاَنْبِیَاءِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اٰدَمَ صَفْوَۃِ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ نُوْحٍ نَبِیِّ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اِبْرٰھِیْمَ خَلِیْلِ اللّٰہِ

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ اِسْمٰعِیْلَ ذَبِیْحِ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُوْسٰی کَلِیْمِ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ عِیْسٰی رُوْحِ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیْبِ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ مُحَمَّدِنِ الْمُصْطَفٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ عَلِیِّنِ الْمُرْتَضٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ فَاطِمَۃَ الزَّھْرَآءِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ خَدِیْجَۃَ الْکُبْرٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا شَھِیْدَ بْنَ الشَّھِیْدِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا قَتِیْلَ بْنَ الْقَتِیْلِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللّٰہِ وَابْنَ وَلِیِّہٖ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّۃَ اللّٰہِ وَابْنَ حُجَّتِہٖ عَلٰی خَلْقِہٖ اَشْھَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوۃَ وَاٰتَیْتَ الزَّکٰوۃَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوْفِ وَنَھَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَبَرَرْتَ بِوَالِدَیْکَ وَجَاھَدْتَ عَدُوَّکَ وَاَشْھَدُ اَنَّکَ تَسْمَعُ الْکَلَامَ وَتَرُدُّ الْجَوَابَ وَاَنَّکَ حَبِیْبُ اللّٰہِ وَخَلِیْلُہٗ وَنَجِیْبُہٗ وَصَفِیُّہٗ وَابْنُ حَبِیْبِہٖ وَخَلِیْلِہٖ وَنَجِیْبِہٖ وَصَفِیِّہٖ یَا مَوْلَایَ وَابْنَ مَوْلَایَ زُرْتُکَ مُشْتَاقًا فَکُنْ لِیْ شَفِیْعًا یَا سَیِّدِیْ وَاَسْتَشْفِعُ اِلَی اللّٰہِ بِجَدِّکَ سَیِّدِ النَّبِیِّیْنَ وَبِاَبِیْکَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ وَبِاُمِّکَ فَاطِمَۃَ سَیِّدَۃِ نِسَآءِ الْعٰلَمِیْنَ اَلَا لَعَنَ اللّٰہُ قَاتِلِیْکَ وَلَعَنَ اللّٰہُ ظَالِمِیْکَ وَلَعَنَ اللّٰہُ سَالِبِیْکَ

وَمُفَضِّلِكَ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ
وَاٰلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ

آنگاه قبر مطهر را ببوس و متوجه شو بسوی علی بن
الحسین علیه السلام و آنجناب را زیارت کن و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ لَعَنَ اللّٰهُ قَاتِلِيكَ وَلَعَنَ
اللّٰهُ ظَالِمِيكَ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ بِزِيَارَتِكُمْ وَبِمَحَبَّتِكُمْ وَاَبْرَءُ اِلَى اللّٰهِ
مِنْ اَعْدَائِكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

بعد از آن برو تا پائین پای مقبور شهدا پس بایست و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَرْوَاحِ الْمُنِيخَةِ بِقَبْرِ اَبِي عَبْدِ اللّٰهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا طَاهِرِينَ مِنَ الدَّنَسِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا
مَهْدِيُّونَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا اَبْرَارَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَعَلَى
الْمَلَائِكَةِ الْحَافِّينَ بِقُبُورِكُمْ اَجْمَعِينَ جَمَعَنَا اللّٰهُ وَاِيَّاكُمْ فِي
مُسْتَقَرِّ رَحْمَتِهِ وَتَحْتَ عَرْشِهِ اِنَّهُ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ وَالسَّلَامُ
عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ

بعد از آن برو بحرم عباس بن امیر المؤمنین ع چون آمدی بآنجا پس بایست بر در حرم
آنجناب و بگو سلام الله تا آخر زیارت معروفه که هر جا خواهی

نصف شعبان

در آن نیز دو زیارت مأثور و مروی است **اول** زیارت اول رجب که گذشت و شیخ
مفید و غیره صریحاً فرموده‌اند که آن را در شب نیمه شعبان نیز بخوانند و ابن طاوس قدس سره
در این خصوص روایت نقل کرده چنانچه گذشت و شهید اول ره فرموده در
روز نیمه نیز بخوانند **دوم** زیارتیست که شیخ کفعمی در کتاب بلد الامین روایت
کرده از حضرت امام جعفر صادق ع که فرمود میایستی نزد قبر آن حضرت و میگوئی

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظِیمِ وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الزَّكِیُّ
اُودِعُكَ شَهَادَةً مِنِّی لَكَ تُقَرِّبُنِی اِلَیْكَ فِی یَوْمِ شَفَاعَتِكَ
اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ وَلَمْ تَمُتْ بَلْ بِرَجَاءِ حَیوٰتِكَ حَیِیَتْ قُلُوبُ
شِیعَتِكَ وَبِضِیَاءِ نُورِكَ اهْتَدَی الطَّالِبُونَ اِلَیْكَ وَاَشْهَدُ
اَنَّكَ نُورُ اللّٰهِ الَّذِی لَمْ یُطْفَأْ وَلَا یُطْفَؤُ اَبَداً وَاَنَّكَ وَجْهُ اللّٰهِ الَّذِی
لَمْ یَهْلِكْ وَلَا یَهْلِكُ اَبَداً وَاَشْهَدُ اَنَّ هٰذِهِ التُّرْبَةَ تُرْبَتُكَ
وَهٰذَا الْحَرَمَ حَرَمُكَ وَهٰذَا الْمَصْرَعَ مَصْرَعُ بَدَنِكَ لَا ذَلِیلَ
وَاللّٰهُ مُعِزُّكَ وَلَا مَغْلُوبَ وَاللّٰهُ نَاصِرُكَ هٰذِهِ شَهَادَةٌ لِی عِنْدَكَ
اِلٰی یَوْمِ قَبْضِ رُوحِی بِحَضْرَتِكَ وَالسَّلَامُ عَلَیْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَ
بَرَكَاتُهُ

مجلسی ره در بحار فرموده ظاهر اینست که این زیارت مطلقه است یعنی مخصوص
به نیمه نیست و لیکن کفعمی آن را برای نیمه شعبان نقل کرده (مؤلف گوید)

با آن تصریح کفعمی که برای چند ماه زیارت موظفه است چنانچه سابقاً نقل
کردیم و زیارت مذکوره را از وظیفهٔ این ماه و عمل بنیهٔ آن شمرده لابد در
خبر مذکور باید در خبر دیگر تصریح باختصاص شده زیرا که هرگز عالمی عمل مطلوب را بمیل
خود بوقتی معین نکند و آنرا از وظایف آنوقت نشمرد پس برای ظهور مذکور
محلی نباشد

لیالی قدر شیخ مفید

و محمد بن المشهدی
و ابن طاوس و شهید اول رحمهم الله این زیارت را که محمد بن المشهدی باسناد
معتبر خود روایت کرده از ابی عبد الله الصادق و جعفر بن محمد علیهما السلام
فرمودند مختص است بشبهای قدر و روز فطر و روز قربان حضرت فرمود پس هرگاه
خواهی که زیارت کنی ابا عبد الله الحسین ع را داخل شو در روضهٔ مبارکهٔ آنحضرت
بعد از آنکه غسل کردی و پاکیزه ترین جامه های خود را پوشیدی پس چون ایستادی
نزد قبر آنحضرت رو کن بجانب او و قبله را میان دو کتف خود بگذار و بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ الصِّدِّيقَةِ الطَّاهِرَةِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلايَ يَا اَبَا عَبْدِ اللهِ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَ
آتَيْتَ الزَّكوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ
وَتَلَوْتَ الْكِتَابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ وَجَاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهَادِهِ
وَصَبَرْتَ عَلَى الْاَذىٰ فِي جَنْبِهِ مُحْتَسِباً حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقِينُ

اشهد ان الذین خالفوک وحاربوک والذین خذلوک و

الذین قتلوک ملعونون علی لسان النبی الامی وقد خاب

من افتری لعن الله الظالمین لکم من الاولین والاخرین

وضاعف علیهم العذاب الالیم اتیتک یا مولای یا ابن

رسول الله زائرا عارفا بحقک موالیا لاولیائک معادیا

لاعدائک مستبصرا بالهدی الذی انت علیه عارفا

بضلالة من خالفک فاشفع لی عند ربک

پس بنشین بر قبر و بچسبان خود را بآن و بگذار پیشانی خود را بر آن پس بنشین بجانب سر مقدس و بگو

السلام علیک یا حجة الله فی ارضه وسمائه صلی الله علی

روحک الطیب وجسدک الطاهر وعلیک السلام یا مولای

ورحمة الله وبرکاته

پس بنشین بر قبر و ببوس آن را و بگذار صورت خود را بر آن پس برگرد بجانب سر و دو رکعت نماز زیارت گذار و نماز کن بعد از آن دو رکعت آنچه میسر شود ترا پس از آن برگرد بسمت پا و زیارت کن علی بن الحسین صلوات الله علیه را و بگو

السلام علیک یا مولای وابن مولای ورحمة الله وبرکاته

لعن الله من ظلمک ولعن الله من قتلک وضاعف علیهم

وچون شراب حاضر شد او را بشراب تکلیف نمودند گفت من پسر دیرانیم و دیرانیان شرب خمر نکنند پس او را ببستند و قصد کشتن او
کردند گفت ای قوم مرا مکشید که من بسنده که شما اقرار میکنم پس بسنده که یکی از ایشان اقرار کرد آنگاه از آن جمع او را بیرون برده
بیهودی بسیصد درهم فروختند یهودی از قصه وی تفحص نمود سلمان سرگذشت خود اظهار کرد و گفت مرا گناهی نیست غیر از آنکه
محمد و وصی او را دوست دارم یهودی گفت من ترا و محمد ترا دشمن دارم آنگاه سلمان را بیرون آورد از خانه و ریگ بسیاری
بر در خانه یهودی بود گفت ای روزبه اگر تا صبح بالتمام این ریگ را از این موضع بر نداشته باشی ترا بقتل رسانم سلمان از تب
ناچار بصعوبت آنکار تن درداده ریگ میکشید تا آنکه طاقتش طاق شد دست بدعا برداشته گفت یا رب انک جعلت محمداً
و وصیه الی فرجی وسیلة عجل فرجی و ارحمنی انا فیه و نجات خود از حضرت قاضی الحاجات مسئلت نمود حضرت مرسل الریاح بادی
برانگیخت که آن ریگ را از آنجا برکنده بمکانیکه یهودی گفته بود ریخت چون صبح شد یهودی دید که آن ریگها از آنجا بالتمام نقل شده او
گفت ای روزبه تو ساحر بوده و من مطلع نبودم الحال ترا از این ده اخراج میکنم که مبادا ما را بسحر هلاک گردانی پس وی را از آنجا
بیرون کرد و بزنی سلیمه نام فروخت آن زن سلمان را دوست میداشت و او را باغی بود و بوی گذاشت که از آنچه خواهد از آن بخورد
و بخشد و تصدق کند بعد از آن سلمان مدتی برحسب مشیت حقتعالی در آن باغ مانده و پیوسته چشم از زویش در جستجوی گوهر مقصود
چون شب ظلمانی زمان فرقت در انتظار طلوع آفتاب عالمتاب وجود محمد میگذرانید تا آنکه روزی هفت نفر دید که میایند ابری بر ایشان
سایه افکنده تا داخل باغ شدند و آن ابر همچنان با ایشان حرکت میکرد و میامد سلمان از آن علامت دریافت که میباید در میان اینها
پیغمبری باشد و آن هفت نفر یکی جناب اشرف انبیا و دیگری علی مرتضی و ابا ذر و عقیل بن ابیطالب و مقداد و زید بن حارثه و حمزه
ابن عبد المطلب بود و ایشان از خرماهای زبون آن نخلستان تناول مینمودند و سید عالم میفرمود کلوا الحشف ولا تفسدوا علی
القوم شیئا یعنی بخورید خرماهای زبون را و نوعی کنید که ضرر بصاحب باغ نرسد سلمان چون این نظریه را ملاحظه کرد طبقی از رطب
مرتب ساخت و بخدمت آن صدرنشین مجلس اصطفا گذاشت و گفت این صدقه است و با خود اندیشه کرد که اگر در میان ایشان پیغمبری
هست نخواهد خورد و با این علامت راه بآن گنج نهان خواهم برد پس حضرت رسالت پناه روی مبارک باصحاب کرد فرمود بخورید و آنجناب
با امیرالمؤمنین و عقیل و حمزه از خوردن آن امساک نمودند سلمان با خود گفت این یک نشان پیغمبری پس طبقی دیگر از رطب بخدمت
آنحضرت آورد و گفت این هدیه است آنحضرت دست مبارک دراز کرده فرمود بسم الله بگوئید و بخورید پس همگی از آن خرما تناول
نمودند بعد از آن سلمان بر قفای آنحضرت گردیده میخواست که مهر نبوت را که آن نیز یکی از علامات پیغمبری ایشان بود ملاحظه نماید و صحیفه حسن
عقیده خود را بامهر انور رساند سرور انبیا مکنون خاطر او را دانسته فرمود ای روزبه خاتم نبوت را میطلبی گفت آری آنحضرت کتف خود
باز کرد و مهر نبوت را بوسی نمود سلمان از دیدن آن نشان رسالت و دلالت ایشان چنانچه بدید خاطرشان گردیده و گواهی و گفت اشهد
ان محمدا رسول الله در صحیفه صحیحه وجود حضرت رسالت با مهر خدای نزد وی بثبوت رسید در قدم انور او افتاد و قدم مبارک
آنحضرت را بوسه داد آنحضرت فرمود ای روزبه نزد این زن رو و بگو محمد ابن عبد الله میگوید که این غلام را یعنی سلمان را میفروشی سلمان این
پیغام را باو رسانید گفت میفروشم مگر بچهار صد نخله که نصف آن زرد و نصف دیگر خرمای سرخ باشد چون این جواب بعرض آنجناب رسید
فرمود برخیز یا علی و استخوانهای این خرماها را جمع کن آنگاه آنها را برگرفته کاشت امیرالمؤمنین را فرمود اینها را آب ده هنوز با آخر نرسیده
بود که نخلها رسته شد و همگی نشو و نما یافتند و شاخ در شاخ بافتند پس سلمان را نزد آن زن فرستاد که نخلات خود را تصرف نموده
غلام را تسلیم کند چون این پیغام بزن رسید بیرون آمد و آن نخلات را ملاحظه کرد و گفت والله بمحمد نفروشم مگر بچهار صد نخله زرد پس
جبرئیل نزول کرد و بال خود را بآن نخلات زد تمام آنها زرد شد بار دیگر سلمان را فرستاد آن پیغام داد آن زن تیره دل با وجود
ملاحظه چنین معجزه بشرف ایمان بآنحضرت مشرف نگردید و گفت بخدا قسم که یک نخله از این نخلات نزد من از محمد و [illegible] سلمان
گفت بخدا قسم که یکروز با محمد بودن نزد من بهتر است از تمام مال دنیا تو القصه آنسرور عالم سلمان بنده اقبال را خریده مباهج و [illegible]

الْعَذابَ الْأَلِيمَ (دعا کن بانچه میخواهی پس زیارت کن شهدا را در حالتیکه میل کنی از سمت پا بطرف قبله پس بگو) اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الصِّدِّيقُونَ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الشُّهَداءُ الصّابِرُونَ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ جاهَدْتُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى الْأَذى فِي جَنْبِ اللّهِ وَنَصَحْتُمْ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ حَتّى اَتاكُمُ الْيَقِينُ اَشْهَدُ اَنَّكُمْ اَحْياءٌ عِنْدَ رَبِّكُمْ تُرْزَقُونَ فَجَزاكُمُ اللّهُ عَنِ الْاِسْلامِ وَاَهْلِهِ اَفْضَلَ جَزاءِ الْمُحْسِنِينَ وَجَمَعَ اللّهُ بَيْنَنا وَبَيْنَكُمْ فِي مَحَلِّ النَّعِيمِ

پس برو بزیارتگاه عباس بن امیر المؤمنین ع پس همینکه نزدیک شدی بآنجناب بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الْمُطِيعُ لِلّهِ وَلِرَسُولِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ جاهَدْتَ وَنَصَحْتَ وَصَبَرْتَ حَتّى اَتاكَ الْيَقِينُ لَعَنَ اللّهُ الظّالِمِينَ لَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَاَلْحَقَهُمْ بِدَرْكِ الْجَحِيمِ

عید فطر و عید اضحی

و در این دو روز زیارتی است اول زیارت سابقه بجهت تشبها قدر و آن مخصوص بروز عید فطر و عید قربانست چنانچه شیخ مفید و ابن طاوس و شهید رحمهم الله تصریح کرده اند و محمد بن المشهدی رحمه الله گفته از اد در عیدین نیز بخوانند و ظاهر

این نیز روز است **دوم** زیارتیست که شیخ مفید و رضی الدین علی بن طاوس و شهید اول و محمد بن المشهدی رضوان الله علیهم روایت کردند جز آنکه انسه جلیل این زیارت را از زیارات مختصه شب عید فطر و شب عید قربان شمرده اند از ذکر خول شروع کردند و محمد بن المشهدی اولا آن را در عداد مطلقات شمرده و لکن گفته که در عیدین نیز باین زیارت زیارت کرده میشود و ظاهر از خبر اختصاص اذن دخول در خواندن در غیر نوبتهم داده اند و ثانیا این زیارت را برای عیدین گفته و ظاهر این روز است و ثالثا برای این زیارت قبل از اذن دخول معتد ما تی ذکر کرده لهذا ما این زیارت را از کتاب مزار ایشان که شهادت داده که تمام آن بتوسط رواة ثقات باو رسیده نقل میکنیم چون اراده کنی زیارت آنحضرت را پس سه روز روزه بدار و در روز سیم غسل کن و اهل و عیال خود را ببوی جمع کن و بگو

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْتَوْدِعُكَ الْیَوْمَ نَفْسِی وَ اَهْلِی وَ وَلَدِی وَ مَالِی وَ كُلَّ مَنْ كَانَ بِسَبِیلٍ مِنِّی الشَّاهِدَ مِنْهُمْ وَ الْغَائِبَ اَللّٰهُمَّ احْفَظْنَا بِحِفْظِكَ بِحِفْظِ الْاِیمَانِ وَ احْفَظْ عَلَیْنَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا فِی حِرْزِكَ وَ لَا تَسْلُبْنَا نِعْمَتَكَ وَ لَا تُغَیِّرْ مَا بِنَا مِنْ نِعْمَةٍ وَ عَافِیَةٍ وَ زِدْنَا مِنْ فَضْلِكَ اِنَّا اِلَیْكَ رَاغِبُونَ

آنگاه از منزل خود بیرون برو و بسیار بگو (لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَ اللّٰهُ اَكْبَرُ وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ) و ثنای خداوند و صلوات بر پیغمبر و آل او صلوات الله علیهم و راه بسیت بارامی و وقار و روایت شده که خدای تعالی خلق میکند از زوار قبر حسین علیه السلام از هر عرقی هفتاد هزار ملک بتسبیح میکنند

خداىتعالى را واستغفار ميكند براى او وبراى زوار حسين عليه السّلام تا آنكه روز قيامت برپا شود پس چون تمام شد قبه سامية پس بگو

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ وَسَلامٌ عَلىٰ عِبادِهِ الَّذينَ اصْطَفىٰ آللّٰهُ خَيْرٌ اَمّا يُشْرِكُونَ وَسَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعالَمينَ وَسَلامٌ عَلىٰ آلِ يٰسٓ اِنّا كَذٰلِكَ نَجْزِى الْمُحْسِنينَ وَالسَّلامُ عَلَى الطَّيِّبينَ الطّاهِرينَ الْاَوْصِياءِ الصّادِقينَ الْقائِمينَ بِاَمْرِ اللّٰهِ وَحُجَجِهِ السّاعينَ اِلىٰ سَبيلِ اللّٰهِ الْمُجاهِدينَ فِى اللّٰهِ حَقَّ جِهادِهِ النّاصِحينَ لِجَميعِ عِبادِهِ الْمُسْتَخْلَفينَ فى بِلادِهِ الْمُرْشِدينَ اِلىٰ هِدايَتِهِ وَاِرْشادِهِ پس چون

مشرف شوى بر قطرهٔ علقمى بگو

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ قَصَدَ الْقاصِدُونَ وَفى فَضْلِكَ طَمِعَ الرّاغِبُونَ وَبِكَ اعْتَصَمَ الْمُعْتَصِمُونَ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلَ الْمُتَوَكِّلُونَ وَقَدْ قَصَدْتُكَ وافِداً وَفى رَحْمَتِكَ طامِعاً وَلِعِزَّتِكَ خاضِعاً وَلِاَمْرِهِمْ مُتابِعاً اَللّٰهُمَّ ثَبِّتْنى عَلىٰ مَحَبَّةِ اَوْلِيائِكَ وَلا تَقْطَعْ اَثَرى عَنْ زِيارَتِهِمْ وَاحْشُرْنى فى زُمْرَتِهِمْ وَاَدْخِلْنِى الْجَنَّةَ بِشَفاعَتِهِمْ

پس چون بفرات برسی صد مرتبه بگو الله اکبر و صد مرتبه
بگو لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ و صد مرتبه صلوات بفرست بر پیغمبر آنگاه بگو

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ خَیْرُ مَنْ وَفَدَ اِلَیْهِ الرِّجالُ وَشُدَّتْ اِلَیْهِ الرِّحالُ
وَاَنْتَ سَیِّدی اَکْرَمُ مَزُورٍ وَاَکْرَمُ مَقْصُودٍ وَقَدْ جَعَلْتَ
لِکُلِّ زائِرٍ کَرامَةً وَلِکُلِّ وافِدٍ تُحْفَةً فَاَسْئَلُکَ اَنْ تَجْعَلَ
تُحْفَتَکَ اِیّایَ فَکاکَ رَقَبَتی مِنَ النّارِ وَاشْکُرْ سَعْیی وَارْحَمْ
مَسیری اِلَیْکَ مِنْ اَهْلی بِغَیْرِ مَنٍّ مِنّی عَلَیْکَ بَلْ لَکَ الْمَنُّ
عَلَیَّ اِذْ جَعَلْتَ لِیَ السَّبیلَ اِلیٰ زِیارَةِ ابْنِ نَبِیِّکَ وَعَرَّفْتَنی
فَضْلَهُ وَحَفِظْتَنی بِاللَّیْلِ وَالنَّهارِ حَتّیٰ بَلَّغْتَنی هٰذَا الْمَکانَ
وَقَدْ رَجَوْتُ فَلا تَقْطَعْ رَجائی وَقَدْ اَمَّلْتُكَ فَلا
تُخَیِّبْ اَمَلی وَاجْعَلْ مَسیری هٰذا کَفّارَةً لِذُنُوبی یا
رَبَّ الْعالَمینَ

و برود در آب فرات غسل کن و در وقت غسل کردن بگو

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَعَلیٰ مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ وَالصّادِقینَ عَنِ اللهِ
جَلَّ وَعَزَّ اَللّٰهُمَّ طَهِّرْ قَلْبی وَاشْرَحْ بِهِ صَدْری وَ
نَوِّرْ بِهِ قَلْبی وَیَسِّرْ بِهِ اَمْری اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لی نُوراً وَ

طهوراً و شفاءً من کل داءٍ و آفةٍ و عاهةٍ و سوءٍ مما اخاف و احذر

اللهم اجعله لی شاهداً یوم حاجتی و فقری و فاقتی الیک

یا رب العالمین انک علی کل شیءٍ قدیر

و چون از غسل فارغ شوی پس دو جامه طاهر بپوش و دو رکعت نماز بکن در بیرون شریعه که آن همان مکان است که خداوند عز و جل در شأن او فرموده

وَفِي الْأَرْضِ قِطَعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأُكُلِ

و میخوانی در این دو رکعت نماز در رکعت اول سوره حمد و قل یا ایها الکافرون و در رکعت دوم سوره حمد و قل هو الله احد پس چون سلام نماز گفتی تسبیح بگو و بگو

الحمد لله الواحد المتوحد فی الامور کلها الرحمن الرحیم الذی هدانا لهذا و ما کنا لنهتدی لولا ان هدانا الله لقد جائت رسل ربنا بالحق اللهم لک الحمد حمداً کثیراً ابداً لا ینقطع و لا یفنی حمداً یصعد اوله و لا ینفد آخره حمداً یزید و لا یبید و صلی الله علی محمد البشیر النذیر و علی آله الاخیار الابرار و سلم تسلیماً کثیراً پس چون متوجه حائر شوی بگو

اللهم الیک توجهت و لبابک قرعت و بفنائک نزلت و بحبلک اعتصمت و لرحمتک تعرضت و بولیک توسلت

فصل على محمد واله واجعل زيارتي مبرورة ودعائي
مقبولا

پس برو وكوتاه بردار گامهاى خود را وبوده باش بر حال تأني ووقار
ودل خاشع وتكبير وتهليل وتحميد وتمجيد وثناى خدا بگو وصلوات
بفرست بر رسول خدا صلى الله عليه واله وبيزارى جو از كسانى كه
اول اساس جور وظلم بر اهل بيت گذاشتند وبرطرف كردند مقام
ومراتب ايشان را ومهيا كردند از براى ايشان جنگ را وانكار كردند
حق ايشان را پس چون اذن دخول خواهى بايست بر در روضه ونظر بيفكن
بجانب قبر وبگو يا مولاي يا ابا عبد الله يا ابن رسول
الله عبدك وابن امتك الذليل بين يديك والمصغر
في علو قدرك والمعترف بحقك جائك مستجيرا بك
قاصدا الى حرمك متوجها الى مقامك متوسلا
الى الله تعالى بك ءادخل يا مولاي ءادخل يا ولي الله
ءادخل يا ملائكة الله المحدقين بهذا الحرم المقيمين
في هذا المشهد پس داخل شو ومقدم بدار پاى راست را وبگو بسم الله
وبالله وفي سبيل الله وعلى ملة رسول الله اللهم انزلني

مُنزَلاً مُبارَكاً وَاَنتَ خَيرُ المُنزِلينَ پس بگو اَللهُ اَكبَرُ كَبيراً
وَالحَمدُ لِلّهِ كَثيراً وَسُبحانَ اللهِ بُكرَةً وَاَصيلاً وَالحَمدُ لِلّهِ
الفَردِ الصَّمَدِ الماجِدِ الاَحَدِ المُتَفَضِّلِ المَنّانِ المُتَطَوِّلِ
الحَنّانِ الَّذى مِن تَطَوُّلِهِ سَهَّلَ لى زِيارَةَ مَولاىَ بِاِحسانِهِ
وَلَم يَجعَلنى عَن زِيارَتِهِ مَمنُوعاً وَلا عَن ذِمَّتِهِ مَدفُوعاً
بَل تَطَوَّلَ وَمَنَحَ پس داخل شو وچون بميان روضه رسيدى بايست
محاذى قبر با حال خشوع وگريه وزارى وبگو اَلسَّلامُ عَلَيكَ
يا وارِثَ آدَمَ صَفوَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ نُوحٍ
اَمينِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ اِبرٰهيمَ خَليلِ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ مُوسىٰ كَليمِ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَيكَ يا وارِثَ عيسىٰ رُوحِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا
وارِثَ مُحَمَّدٍ حَبيبِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ عَلِىٍّ
وَلِىِّ اللهِ وَحُجَّتِهِ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا وارِثَ الحَسَنِ
اَلسَّلامُ عَلَيكَ اَيُّهَا الرَّضِىُّ البَرُّ التَّقِىُّ اَلسَّلامُ عَلَيكَ
يا ثارَ اللهِ وَابنَ ثارِهِ وَالوِترَ المَوتُورَ اَشهَدُ اَنَّكَ قَد

الوصىّ بدل

اَقَمْتَ الصَّلٰوۃَ وَاٰتَیْتَ الزَّکٰوۃَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوْفِ
وَنَہَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَجَاہَدْتَ فِیْ سَبِیْلِ اللّٰہِ حَقَّ
جِہَادِہٖ حَتّٰی اسْتُبِیْحَ حُرْمَتُکَ وَقُتِلْتَ مَظْلُوْمًا

پس بایست در نزد سر مبارک
با دل خاشع و چشم گریان پس بگو

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ
رَسُوْلِ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا ابْنَ فَاطِمَۃَ الزَّہْرَآءِ سَیِّدَۃِ نِسَآءِ الْعَالَمِیْنَ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَطَلَ الْمُسْلِمِیْنَ یَا مَوْلَایَ اَشْہَدُ اَنَّکَ
کُنْتَ نُوْرًا فِی الْاَصْلَابِ الشَّامِخَۃِ وَالْاَرْحَامِ الْمُطَہَّرَۃِ
لَمْ تُنَجِّسْکَ الْجَاہِلِیَّۃُ بِاَنْجَاسِہَا وَلَمْ تُلْبِسْکَ مُدْلَہِمَّاتُ
ثِیَابِہَا وَاَشْہَدُ اَنَّکَ مِنْ دَعَآئِمِ الدِّیْنِ وَاَرْکَانِ الْمُسْلِمِیْنَ
وَمَعْقِلِ الْمُؤْمِنِیْنَ وَاَشْہَدُ اَنَّکَ الْاِمَامُ الْبَرُّ التَّقِیُّ
الرَّضِیُّ الزَّکِیُّ الْہَادِی الْمَہْدِیُّ وَاَشْہَدُ اَنَّ الْاَئِمَّۃَ
مِنْ وُلْدِکَ کَلِمَۃُ التَّقْوٰی وَاَعْلَامُ الْہُدٰی وَالْعُرْوَۃُ

الوثقی وَالحجة علی اهل الدنیا

پس صورت بگذار روی خود را بر قبر و میگوئی

اِنّا لِلّهِ وَاِنّا اِلَیهِ راجِعُونَ. یا مَوْلایَ اَنا مُوالٍ لِوَلِیِّکُم وَمُعادٍ لِعَدُوِّکُمْ وَاَنا بِکُمْ مُؤْمِنٌ وَبِاِیابِکُمْ مُوقِنٌ بِشَرایِعِ دینی وَخَواتِیمِ عَمَلی وَقَلْبی لِقَلْبِکُمْ سِلْمٌ وَاَمْری لِاَمْرِکُمْ مُتَّبِعٌ یا مَوْلایَ اَتَیْتُکَ خائِفاً فَامِنّی وَاَتَیْتُکَ مُسْتَجیراً فَاَجِرْنی وَاَتَیْتُکَ فَقیراً فَاَغْنِنی سَیِّدی وَمَوْلایَ اَنْتَ مَوْلایَ حُجَّةُ اللّهِ عَلَی الْخَلْقِ اَجْمَعینَ آمَنْتُ بِسِرِّکُمْ وَعَلانِیَتِکُمْ وَبِظاهِرِکُمْ وَباطِنِکُمْ وَاَوَّلِکُمْ وَآخِرِکُمْ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ التّالی لِکِتابِ اللّهِ وَاَمینُ اللّهِ الدّاعی اِلَی اللّهِ بِالْحِکْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ الْجَمیلَةِ لَعَنَ اللّهُ اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللّهُ اُمَّةً سَمِعَتْ

وَاُمَّةً قَتَلَتْکَ

بِذلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ

پس چهار رکعت نماز بکن در جانب سر آنحضرت پس چون سلام نماز گفتی بگو

اَللّهُمَّ اِنّی لَکَ صَلَّیْتُ وَلَکَ رَکَعْتُ وَلَکَ سَجَدْتُ

وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِأَنَّهُ لَا تَجُوزُ الصَّلٰوةُ وَ الرُّكُوعُ وَ
السُّجُودُ إِلَّا لَكَ لِأَنَّكَ أَنْتَ اللّٰهُ الَّذِي لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَ أَبْلِغْهُمْ عَنِّي أَفْضَلَ
السَّلَامِ وَ التَّحِيَّةِ وَ ارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلَامَ اَللّٰهُمَّ
وَ اجْعَلْ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةً مِنِّي إِلٰى سَيِّدِي الْحُسَيْنِ
بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِهِ وَ
تَقَبَّلْهُمَا مِنِّي وَ اجْزِنِي عَلَيْهِمَا أَفْضَلَ أَمَلِي وَ رَجَائِي فِيكَ
وَ فِي وَلِيِّكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

پس سینہ خود را بر قبر بچسپان و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ قَتِيلِ
الْعَبَرَاتِ وَ أَسِيرِ الْكُرُبَاتِ اَللّٰهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُ أَنَّهُ وَلِيُّكَ
وَ ابْنُ وَلِيِّكَ الثَّائِرُ بِحَقِّكَ أَكْرَمْتَهُ بِكَرَامَتِكَ وَ خَتَمْتَ
لَهُ بِالشَّهَادَةِ وَ جَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَ قَائِدًا مِنَ
الْقَادَةِ وَ أَكْرَمْتَهُ بِطِيبِ الْوِلَادَةِ وَ أَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ
الْأَنْبِيَاءِ وَ جَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ مِنَ الْأَوْصِيَاءِ

فَاَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ النَّصِيحَةَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ حَتَّى اسْتَنْقَذَ عِبَادَكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَ قَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ مِنَ الْآخِرَةِ بِالْاَدْنَى وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ نَبِيَّكَ وَ اَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ اُولِي الشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْاَوْزَارِ وَالْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا مُقْبِلًا غَيْرَ مُدْبِرٍ لَا تَاْخُذُهُ فِي اللّٰهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ حَتَّى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ اَللّٰهُمَّ الْعَنْهُمْ لَعْنًا وَبِيلًا وَعَذِّبْهُمْ عَذَابًا اَلِيمًا

پس میل کن بجانب علی بن الحسین علیهما السلام
کرده طرف پای مبارک حضرت بایست و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْمَظْلُومُ الشَّهِيدُ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي عِشْتَ سَعِيدًا وَقُتِلْتَ مَظْلُومًا شَهِيدًا

پس رو کن بسوی قبور شهداء رضوان الله علیهم و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ اَیُّهَا الذَّابُّونَ عَنْ تَوْحِیدِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَی الدَّارِ بِاَبِی اَنْتُمْ وَ اُمِّی فُزْتُمْ

پس از آن محمد بن المشهدی در باب زیارت عباس بن علی علیه السلام گفته بگو

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْوَلِیُّ الصَّالِحُ وَ الصِّدِّیقُ الْمُوَاسِیُ اَشْهَدُ اَنَّکَ آمَنْتَ بِاللهِ وَ نَصَرْتَ ابْنَ رَسُولِ اللهِ وَ دَعَوْتَ اِلَی سَبِیلِ اللهِ وَ وَاسَیْتَ بِنَفْسِکَ وَ بَذَلْتَ مُهْجَتَکَ فَعَلَیْکَ مِنَ اللهِ اَفْضَلُ التَّحِیَّةِ وَ السَّلَامُ

پس می‌اندازی خود را بر قبر و میگوئی

بِاَبِی اَنْتَ وَ اُمِّی یَا نَاصِرَ دِینِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نَاصِرَ الْحُسَیْنِ الصِّدِّیقِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نَاصِرَ الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ عَلَیْکَ مِنِّی السَّلَامُ مَا بَقِیتُ وَ بَقِیَ اللَّیْلُ وَ النَّهَارُ

پس نماز میکنی در نزد سر آنحضرت دو رکعت و میگوئی بعد از آنچه میگفتی در نزد سر حضرت حسین علیه السلام که مراد دعاء (اَللّٰهُمَّ اِنِّی لَکَ صَلَّیْتُ) تا آخر است پس بر میگردی بسوی مشهد حسین علیه السلام و میمانی نزد او و آنچه خواهی مگر آنکه مستحبست که قرار ندهی آنجا را مکان

و شیخ مفید و سید ابن طاوس و شهید رحمهم الله بعد از زیارت فرموده اند پس برو بمشهد عباس بن علی علیهما السلام و بایست نزد ضریح شریف و بگو السلام علیک یا عم
منه عفی

بیتوته خود یعنی خوابگاه وچون خواهی وداع کنی آنحضرت را پس بایست نزد سر مقدس و گریه کن و بگو اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا قالٍ وَلا سَئِمٍ فَاِنْ اَنْصَرِفْ فَلا عَنْ مَلالَةٍ وَاِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِ ظَنٍّ بِما وَعَدَ اللّٰهُ الصّابِرینَ یا مَوْلایَ لا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنّی لِزِیارَتِکَ وَرَزَقَنِی الْعَوْدَ اِلَیْکَ وَالْمَقامَ فی حَرَمِکَ وَالْکَوْنَ فی مَشْهَدِکَ آمینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ

پس ببوس ضریح را و جمیع بدن خود را برآن بمال بدرستیکه آن باعث امان و حرز تو است و بیرون بیا از نزد آنحضرت در حالتی که رو بجانب قبر باشد پشت بر قبر مکن و میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بابَ الْمَقامِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا شَریکَ الْقُرْآنِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ الْخِصامِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَفینَةَ النَّجاةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا مَلائِکَةَ اللّٰهِ رَبّی الْمُقیمینَ فی هٰذَا الْحَرَمِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَبَداً ما بَقیتُ وَبَقِیَ اللَّیْلُ وَالنَّهارُ و میگوئی اِنّا لِلّٰهِ وَاِنّا اِلَیْهِ راجِعُونَ لا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ اِلّا بِاللّٰهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ

تا آنکه قبر از نظرت غائب شود پس در وقتی که چنین کردی مثل کسی مانی که زیارت

زیارت حضرت سید الشهداء در روز عرفه

کرده خداداد درعرش **روز عرفه** محمد بن المشهدی رحمه

در مزار و سید علی بن طاوس ره در کتاب اقبال و مصباح الزائر و شهید اول
در مزار این زیارت را برای روز عرفه ذکر کرده‌اند و لکن علامه مجلسی قدس سره
در بحار شب عرفه را نیز ملحق بروز کرده و مستند از بهر سنت بنامد چون خواستی
آنحضرت را در این روز زیارت کنی پس اگر تو را ممکن شد از فرات غسل کن
و اگر نشد از هر آبی که تو را ممکن باشد و پاکیزه ترین جامه های خود را
بپوش و قصد زیارت آنحضرت کن در حالتی که با آرامی و وقار و تأنی باشی
پس چون بدر حائر برسی بگو الله اکبر و بگو

اَللهُ اَکْبَرُ کَبِیراً وَ سُبْحانَ اللهِ بُکْرَةً وَ اَصِیلاً وَ الْحَمْدُ لِلّٰهِ
الَّذِی هَدانا لِهذا وَ ما کُنّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لا اَنْ هَدانَا اللهُ لَقَدْ
جاۤئَتْ رُسُلُ رَبِّنا بِالْحَقِّ اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ
وَ اٰلِهِ اَلسَّلامُ عَلی اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ اَلسَّلامُ عَلی فاطِمَةَ الزَّهْراۤءِ
سَیِّدَةِ نِساۤءِ الْعالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَی الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ
عَلی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلی
جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلی مُوسَی بْنِ جَعْفَرٍ اَلسَّلامُ عَلی
عَلِیِّ بْنِ مُوسی اَلسَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلی عَلِیِّ بْنِ
مُحَمَّدٍ اَلسَّلامُ عَلَی الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ اَلسَّلامُ عَلَی الْخَلَفِ الصّالِحِ القائم

الْمُنْتَظِرِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَابْنَ
رَسُوْلِ اللّٰهِ عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ اَمَتِكَ الْمُوَالِی
لِوَلِیِّكَ الْمُعَادِیْ لِعَدُوِّكَ اسْتَجَارَ بِمَشْهَدِكَ وَتَقَرَّبَ اِلَی
اللّٰهِ بِقَصْدِكَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِیْ هَدَانَا لِوِلَایَتِكَ وَخَصَّنِیْ

بِزِیَارَتِكَ وَسَهَّلَ	پس داخل روضہ شو و بایست محاذی سر و بگو	لِیْ قَصْدَكَ

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَارِثَ اٰدَمَ صَفْوَةِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَا وَارِثَ نُوْحٍ نَبِیِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَارِثَ اِبْرٰهِیْمَ
خَلِیْلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَارِثَ مُوْسٰی كَلِیْمِ اللّٰهِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَارِثَ عِیْسٰی رُوْحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْكَ یَا وَارِثَ مُحَمَّدٍ حَبِیْبِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَارِثَ اَمِیْرِ
الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا وَارِثَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَابْنَ مُحَمَّدٍ نِ الْمُصْطَفٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَابْنَ عَلِیِّ نِ الْمُرْتَضٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَابْنَ خَدِیْجَةَ الْكُبْرٰی اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهٖ وَالْوِتْرَ الْمَوْتُوْرَ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ

اقمت الصلوة واتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونھیت عن المنکر واطعت اللہ حتی اتاک الیقین فلعن اللہ امۃ قتلتک ولعن اللہ امۃ ظلمتک ولعن اللہ امۃ سمعت بذلک فرضیت بہ یا مولای یا ابا عبد اللہ اشھد اللہ وملائکتہ وانبیائہ ورسلہ انی بکم مؤمن وبایابکم موقن بشرایع دینی وخواتیم عملی ومنقلبی الی ربی فصلوات اللہ علیکم وعلی ارواحکم وعلی اجسادکم وعلی شاھدکم وغائبکم وظاھرکم وباطنکم السلام علیک یا ابن خاتم النبیین وابن سید الوصیین وابن امام المتقین وابن قائد الغر المحجلین الی جنات النعیم وکیف لاتکون کذلک وانت باب الھدی وامام التقی والعروۃ الوثقی والحجۃ علی اھل الدنیا و خامس اصحاب الکساء (اھل نسخہ) غذتک ید الرحمۃ ورضعت من ثدی الایمان وربیت فی حجر الاسلام فالنفس غیر راضیۃ بفراقک ولاشاکۃ فی حیوتک صلوات اللہ علیک و

عَلى آبائِكَ وَاَبْنائِكَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا صَرِيعَ الْعَبْرَةِ السّاكِبَةِ وَقَرِينَ الْمُصِيبَةِ الرّاتِبَةِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْتَحَلَّتْ مِنْكَ الْمَحارِمَ فَقُتِلْتَ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ مَقْهُوراً وَاَصْبَحَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَ مَوْتُوراً وَاَصْبَحَ دِينُ اللهِ بِفَقْدِكَ مَهْجُوراً اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلى جَدِّكَ وَاَبِيكَ وَاُمِّكَ وَاَخِيكَ وَعَلَى الْاَئِمَّةِ مِنْ بَنِيكَ وَعَلَى الْمُسْتَشْهَدِينَ مَعَكَ وَعَلَى الْمَلائِكَةِ الْحافِّينَ بِقَبْرِكَ وَالشّاهِدِينَ لِزُوّارِكَ الْمُؤْمِنِينَ (بِالْقَبُولِ خ) عَلى دُعاءِ شِيعَتِكَ وَالسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ بِاَبِي اَنْتَ وَاُمِّي يا اَبا عَبْدِ اللهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَجَلَّتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنا وَعَلى جَمِيعِ اَهْلِ السَّماواتِ وَالْاَرْضِ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسْرَجَتْ وَاَلْجَمَتْ وَتَهَيَّأَتْ لِقِتالِكَ يا مَوْلايَ يا اَبا عَبْدِ اللهِ قَصَدْتُ حَرَمَكَ وَاَتَيْتُ مَشْهَدَكَ اَسْئَلُ اللهَ بِالشَّأْنِ الَّذِي لَكَ عِنْدَهُ وَبِالْمَحَلِّ الَّذِي لَكَ لَدَيْهِ اَنْ يُصَلِّيَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ

كتاب فخر

مُحَمَّدٍ وَاَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ بِمَنِّهٖ وَجُودِهٖ وَكَرَمِهٖ

پس بوس ضریح را پس از آن در بالای سر دو رکعت نماز کن و در این دو رکعت هر سوره که خواهی بخوان و چون فارغ شدی پس بگو

اَللّٰهُمَّ لَكَ صَلَّيْتُ وَرَكَعْتُ وَسَجَدْتُ لَكَ وَحْدَكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لِاَنَّ الصَّلٰوةَ وَالرُّكُوعَ وَالسُّجُودَ لَا تَكُونُ اِلَّا لَكَ لِاَنَّكَ اَنْتَ اللّٰهُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْلِغْهُمْ عَنِّي اَفْضَلَ التَّحِيَّةِ وَالسَّلٰمِ وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ التَّحِيَّةَ وَالسَّلَامَ اَللّٰهُمَّ وَهَاتَانِ الرَّكْعَتَانِ هَدِيَّةٌ مِنِّي اِلٰى مَوْلَايَ وَسَيِّدِي وَاِمَامِي الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَقَبَّلْ ذٰلِكَ مِنِّي وَاَجْزِنِي عَلٰى ذٰلِكَ اَفْضَلَ اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي وَلِيِّكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس برخیز و بگرد بسوی پای مبارک حسین علیه السلام و زیارت کن علی بن الحسین علیه السلام را پس بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بْنَ نَبِيِّ اللّٰهِ

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ
الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ السَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الشَّهِیدُ ابْنُ الشَّهِیدِ
السَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا الْمَظْلُومُ ابْنُ الْمَظْلُومِ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً
قَتَلَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْکَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً سَمِعَتْ
بِذٰلِکَ فَرَضِیَتْ بِهِ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَلِیَّ اللهِ وَابْنَ وَلِیِّهِ
لَقَدْ عَظُمَتِ الْمُصِیبَةُ وَجَلَّتِ الرَّزِیَّةُ بِکَ عَلَیْنَا وَعَلٰی
جَمِیعِ الْمُؤْمِنِینَ فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً قَتَلَتْکَ وَاَبْرَءُ اِلَی اللهِ

وَاِلَیْکَ مِنْهُمْ | پس متوجہ ہو جانب شہدا اور زیارت انکی پڑھو | فِی الدُّنْیَا وَالْآخِرَةِ

السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَوْلِیَاءَ اللهِ وَاَحِبَّائَهُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ
یَا اَصْفِیَاءَ اللهِ وَاَوِدَّائَهُ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَنْصَارَ
دِینِ اللهِ وَاَنْصَارَ نَبِیِّهِ وَاَنْصَارَ اَمِیرِ الْمُؤْمِنِینَ وَاَنْصَارَ
فَاطِمَةَ سَیِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِینَ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَنْصَارَ
اَبِی مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ الْوَلِیِّ النَّاصِحِ السَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا اَنْصَارَ
اَبِی عَبْدِ اللهِ الْحُسَیْنِ الشَّهِیدِ الْمَظْلُومِ صَلَوَاتُ اللهِ
عَلَیْهِمْ اَجْمَعِینَ بِاَبِی اَنْتُمْ وَاُمِّی طِبْتُمْ وَطَابَتِ الْاَرْضُ

النّبی فیها دفنتم وفزتم واللهِ فوزاً عظیماً یا لیتنی کنت معکم فافوز معکم فی الجنانِ مع الشّهداء والصّالحین وحسن اولئک رفیقاً والسّلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

پس برگرد بجانب سر امام حسین علیه السّلام و بسیار دعا کن از برای خود و اهل و عیال خود و برادران مؤمن خود و شیخ مفید رحمة الله علیه فرموده که چون اراده کردی بیرون آئی ببند از خود را بر قبر و ببوس آنرا و بگو

السّلام علیک یا حجّة اللهِ السّلام علیک یا صفوة اللهِ السّلام علیک یا خالصة اللهِ السّلام [علیک] یا امین اللهِ سلام مودّعٍ لا قالٍ ولا سئمٍ فان امض فلا عن سوء ظنٍّ بما وعد الله الصّابرین لا جعله الله یا مولای آخر العهد لزیارتک ورزقنی العود الی مشهدک والمقام فی حرمک وان یجعلنی معکم فی الدّنیا والآخرة

ملالة وان اقم فلا عن تهمة

پس بیرون بیا و پشت بقبر مکن و بسیار بگو (انّا لله وانّا الیه راجعون) پس برو بسوی مشهد عبّاس بن علی علیهما السّلام همانکه آنجا رسیدی بایست نزد قبر و بگو

السّلام علیک ایّها العبد الصّالح المطیع للهِ ولرسوله ولامیر المؤمنین والحسن والحسین علیهم السّلام

وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ عَلٰى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ اَشْهَدُ
اللّٰهَ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلٰى مَا مَضٰى الْبَدْرِيُّونَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ
اللّٰهِ الْمُنَاصِحُونَ فِي جِهَادِ اَعْدَائِهِ (الاعداء نسخه) الْمُبَالِغُونَ فِي نُصْرَتِهِ اَوْلِيَائِهِ (فی نصرة اولیائه نسخه)
فَجَزَاكَ اللّٰهُ اَفْضَلَ الْجَزَاءِ وَاَوْفَرَ جَزَاءِ اَحَدٍ مِمَّنْ وَفٰى
بِبَيْعَتِهِ وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَحَشَرَكَ مَعَ النَّبِيِّينَ وَ
الشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَحَسُنَ اُولٰئِكَ رَفِيقًا

پس دو رکعت نماز کن در نزد سر بخوان خدا را بعد از این دو
رکعت هر دعا که خواهی پس چون اراده بیرون آمدن
کنی وداع کن آنجناب را و بگو

اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَاَسْتَرْعِيكَ وَاَقْرَءُ عَلَيْكَ السَّلَامَ اٰمَنَّا
بِاللّٰهِ وَرَسُولِهِ وَبِمَا جَاءَ بِهِ مِنْ عِنْدِ اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْنَا مَعَ
الشَّاهِدِينَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِي قَبْرَ
وَلِيِّكَ وَابْنِ اَخِي نَبِيِّكَ وَارْزُقْنِي زِيَارَتَهُ مَا اَبْقَيْتَنِي وَ
احْشُرْنِي مَعَهُ وَمَعَ اٰبَائِهِ فِي الْجِنَانِ

و دعا کن از برای خود و از برای پدر و مادر و برادران مؤمن خود پس برگرد بسوی
قبر حسین علیه السلام بجهة وداع آنحضرت پس چون خواستی که او را وداع
کنی پس بایست نزد قبر چنانچه در اول مرتبه ایستادی و بگو

زیارت وداع مختصره

السلام علیک یا ولی الله السلام علیک یا ابا عبد الله
انت لی جنة من العذاب وهذا اوان انصرافی غیر راغب
عنک ولا مستبدل بک سواک ولا مؤثر علیک غیرک
ولا زاهد فی قربک اسئل الله تعالی ان لا یجعله آخر العهد
منی ومن رجوعی واسئل الله الذی ارانی مکانک و
هدانی للتسلیم علیک ولزیارتی ایاک ان یوردنی حوضکم
ویرزقنی مرافقتکم فی الجنان مع آبائک الصالحین

پس سلام کن بر پیغمبر و هر یک از امامان ع و دعا کن
بآنچه میخواهی پس رو کن بسوی قبور شهدا و وداع کن ایشان را و بگو

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته اللهم لا تجعله آخر
العهد من زیارتی ایاهم واشرکنی معهم فی صالح ما
اعطیتهم علی نصرهم ابن نبیک وحجتک علی خلیقتک (نسخه: خلقک)
اللهم اجعلنا وایاهم فی جنتک مع الشهداء والصالحین
وحسن اولئک رفیقا استودعکم الله واقرء علیکم
السلام اللهم ارزقنی العود الیهم واحشرنی معهم یا ارحم الراحمین

پس بیرون رو و پشت خود را بقبر مکن تا آنکه از نظرت پنهان شود و بایست بر در رو بسوی قبله و دعا کن بانچه خواهی و برگرد بخود **زیارت** روز عاشورا را بر دو وپنج زیارت وارد شده اول زیارت عاشوراء معروفه که متضمن صد مرتبه لعن و صد مرتبه سلام است و در کیفیت خواندن آن اختلاف عظیمی بین علما شده و برای آن چند وجه گفته اند و بنا بر بعضی وجوه شاید خواندن آن در سه یا در چهار ساعت طول کشد و از این جهة بسیاری از فیض آن محروم مانده و ما مختار خود را اگر مختار بزرگان علمای گذشته و سهلترین آن وجوه است در رساله سلامة المرصاد ذکر کردیم هر که راغب باشد بانجا رجوع کند **دوم** زیارتیست طولانی که از ناحیه مقدسه صادر شده و در آن بسیاری از فضائل و مناقب و مصائب آنحضرت مذکور است با دو رکعت نماز زیارت که در آن سوره انبیا و سوره حشر باید خواند با دعای طولانی و از فیض این زیارت نیز غالب از این محروم هستند **سیم** دعا و زیارتیکه شیخ طوسی ره در مصباح و علی بن طاوس در کتاب اقبال روایت کردند از عبد الله بن سنان از حضرت صادق علیه السلام با اجر عظیم ولکن با اختلافی بینی مابین آن دو روایت و اشتمال عمل بر هزار مرتبه لعن بر قاتل آنحضرت و بعضی جزئیات دیگر که همت اغلب زائرین قاصر است از بجا آوردن آن **چهارم** زیارتیست که نیز سید در اقبال نقل کرده از کتاب مختصر منتخب که مؤلفش معلوم نیست و نسبت نیز نداده بامام **پنجم** زیارتیست که در مزار قدیم که نسخه کهنه از آن بدست آمده و از بعضی قرائن مستفاد میشود که از مؤلفات قطب راوندی یا بعضی از معاصرین او باشد و آن نیز مثل زیارت عاشوراء علقمه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده و چون در ثواب با آن زیارت معروفه شریک و خواندن آن سهل

وبنا بر اختصار و اسان کردن کار است بر تو و لهذا در اینجا بهمان اقتصار کرده میگوئیم
در ان کتاب شریف روایت کرده از علقمة بن محمد الحضرمی از ابی جعفر امام محمد باقر
علیه السلام که فرمود هر کس اراده کرده زیارت کند حسین بن علی بن ابیطالب
علیهما السلام را در روز عاشورا که روز دهم از محرم است پس ان روز را بسر اورد
با حالت گریه و تضرع و اندوه که ملاقات خواهد نمود خداوند عزوجل را با ثواب
دو هزار حج و دو هزار عمره و دو هزار جهاد که ثواب هر حج و عمره و جهاد ان مانند
ثواب انکه حج کند و عمره نماید و جهاد کند با رسول خدا و با ائمه صلوات الله علیهم
اجمعین علقمه بن محمد حضرمی گفت که گفتم بحضرت ابی جعفر علیه السلام فدایت شوم
پس چه کند انکه از کربلا دور بوده در بلاد بعیده است و متمکن نیست از رسانیدن خود
بکربلا در ان روز پس فرمود چون چنین بوده روزی شد یعنی روز عاشورا هر کس که
دوست دارد زیارت کند انحضرت را از بلاد دور یا نزدیک پس غسل کند و برود
بصحراء یا بام خانه انگاه دو رکعت نماز کند و بخواند در ان سوره قل هو الله احد
چون سلام گفت پس اشاره کند بسوی انحضرت و متوجه شود باین سلام و
اشاره و نیت بان جهتی که در ان است ابو عبدالله علیه السلام یعنی رو کند
بکربلای معلی انگاه با خشوع و استکانت بگو (اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ)
تا اخر انچه بیاید ان شاء الله تعالی حضرت صادق علیه السلام فرمود زیارت کنید
حسین بن علی علیهما السلام را باین زیارت نزد قبر امیر المؤمنین صلوات الله علیه
نزد سر انحضرت علقمه بن محمد الحضرمی روایت کرده از حضرت ابی جعفر امام محمد
باقر علیه السلام که انحضرت فرمود ای علقمه اگر توانی هر روز زیارت کنی انحضرت
را باین زیارت در خانه خود و در هر جا که باشی از شهرها و زمین خدا تعالی پس

بجا آورد این زیارت را که تمام این ثوابها برای تو خواهد بود پس سعی و کوشش کن در
لعن بر قاتلان و دشمنان آنحضرت و بوده باشد این عمل در اول روز پیش از زوال آی
علقمه پس ندبه کنند و بگریند بر آنحضرت و هر اینه امر کنید هر که در خانهٔ شماست
بگریستن بر آنحضرت و بگوید یکدیگر را در این روز ملاقات کنید در خانه ها یا هر جا که
باشد با گریه و بگوید یکدیگر را تعزیت بگوئید بمصیبت حسین علیه السلام راوی
گفت گفتم اصلحک الله چگونه تعزیت بگوئیم یکدیگر را فرمود بگوئید
(اَحْسَنَ اللّٰهُ اُجُورَنا بِمُصابِنا بِاَبی عَبْدِاللّٰهِ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلامُ وَجَعَلَنا
مِنَ الطّالِبینَ بِثارِهِ مَعَ الْاِمامِ الْمَهْدِیِّ الْحَقِّ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَیْهِمُ السَّلامُ)
و اگر توانستید در این روز از پی کاری نروید که این روز نحسی است که حاجت
مؤمن در این روز برآورده نمیشود و اگر برآورده شد برکت از آن برداشته شود و خیر
و رشدی در آن نخواهد بود و مبادا ذخیره کند از شما کسی در منزل خود چیزی را
زیرا که برکت برای او ندارد راوی میگوید حضرت باقر علیه السلام فرمود
که من ضامنم برای آنکه چنین کند نزد خدای عزوجل آنچه گذشت از ثوابها
عظیم و خدایش حشر کند در زمرهٔ آنانکه شهید شدند با حضرت امام حسین
علیه السلام راوی گفت خدمت باقر عرض کردم که روزه بگیرم در آن
روز فرمود روزه بگیر بی آنکه در شب نیت روزه کنی و افطار کن نه از روی
شماتت چنانچه دشمنان میکردند و تأمل کن تا وقت عصر پس چون هنگام
عصر شد افطار کن بیک شربت آبی که در آنوقت جنگ برطرف شد از آن
حضرت و اصحاب و در حالتی که همه شهید شده بودند صلوات الله علی
ارواحهم و اجسادهم اجمعین و لعنة الله و سخطه و عذابه و نکاله و نقمته

علی من کان السبب فی قتلہم وجدد علیہم العذاب الالیم امین رب العالمین

زیارت عاشورا کہ درایام عشرہ بخوانند

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ الْبَشِیْرِ
النَّذِیْرِ وَابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ فَاطِمَۃَ
سَیِّدَۃِ نِسَآءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا خِیَرَۃَ اللّٰہِ وَ
ابْنَ خِیَرَتِہٖ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ثَارَ اللّٰہِ وَابْنَ ثَارِہٖ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ اَیُّھَا الْوِتْرُ الْمَوْتُوْرُ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ اَیُّھَا الْاِمَامُ الْھَادِیْ
الزَّکِیُّ وَعَلٰی اَرْوَاحٍ حَلَّتْ بِفِنَآئِکَ وَاَقَامَتْ فِیْ جِوَارِکَ
وَوَفَدَتْ مَعَ زُوَّارِکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ مِنِّیْ مَا بَقِیْتُ وَبَقِیَ
اللَّیْلُ وَالنَّھَارُ فَلَقَدْ عَظُمَتْ بِکَ الرَّزِیَّۃُ وَجَلَّتْ فِی
الْمُؤْمِنِیْنَ وَالْمُسْلِمِیْنَ وَفِیْ اَھْلِ السَّمٰوٰتِ وَاَھْلِ الْاَرَضِیْنَ
اَجْمَعِیْنَ فَاِنَّا لِلّٰہِ وَاِنَّا اِلَیْہِ رَاجِعُوْنَ صَلَوٰتُ اللّٰہِ وَ
بَرَکَاتُہٗ وَتَحِیَّاتُہٗ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰہِ الْحُسَیْنِ وَعَلٰی اٰبَآئِکَ
الطَّیِّبِیْنَ الْمُنْتَجَبِیْنَ وَعَلٰی ذُرِّیَّاتِکُمُ الْھُدَاۃِ الْمَھْدِیِّیْنَ
لَعَنَ اللّٰہُ اُمَّۃً خَذَلَتْکَ وَتَرَکَتْ نُصْرَتَکَ وَمَعُوْنَتَکَ وَ

لعن الله امة اسست اساس الظلم لكم ومهدت الجور
عليكم وطرقت الى اذيتكم وتحيفكم وجارت ذلك في
ديارکم واشياعكم برئت الى الله عز وجل واليكم يا سادا تی
ومواليّ وائمتي منهم ومن اشياعهم واتباعهم واسئل
الله الذي اكرم يا موالیّ مقامكم وشرف منزلتكم وشانكم
ان يكرمني بولايتكم ومحبتكم والائتمام بكم والبراءة من اعدائكم
واسئل الله البر الرحيم ان يرزقني مودتكم وان يوفقني
للطلب بثاركم مع الامام المنتظر الهادي من آل محمد
وان يجعلني معكم في الدنيا والآخرة المقام المحمود
لكم عند الله واسئل الله عز وجل بحقكم وبالشان
الذي جعل الله لكم ان يعطيني بمصابي بكم افضل ما اعطى
مصابا بمصيبة انا لله وانا اليه راجعون يا لها
من مصيبة ما افجعها وانكاها لقلوب المؤمنين و
المسلمين فانا لله وانا اليه راجعون اللهم صل
على محمد وآل محمد واجعلني في مقامي ممن تناله منك

صلوات و رحمة و مغفرة واجعلني عندك وجيها في الدنيا
والاخرة ومن المقربين فاني اتقرب اليك بمحمد وال
محمد صلواتك عليه وعليهم اجمعين اللهم اني اتوسل
واتوجه بصفوتك من خلقك وخيرتك من خلقك
محمد وعلي والطيبين من ذريتهما اللهم فصل على
محمد وال محمد واجعل محياى محياهم ومماتي مماتهم
ولا تفرق بيني وبينهم في الدنيا والاخرة انك
سميع الدعاء اللهم وهذا يوم تجدد فيه النقمة
وتنزل فيه اللعنة على اللعين يزيد وعلى ال يزيد
وعلى ال زياد وعمر بن سعد والشمر اللهم العنهم و
العن من رضي بقولهم وفعلهم من اول واخر لعنا كثيرا
واصلهم حر نارك واسكنهم جهنم وسائت مصيرا
واوجب عليهم وعلى كل من شايعهم وبايعهم وساعدهم
ورضي بفعلهم وافتح لهم وعليهم وعلى كل من رضى
بذلك لعناتك التي لعنت بها كل ظالم وكل غاصب و

كُلَّ جَاحِدٍ وَكُلَّ كَافِرٍ وَكُلَّ مُشْرِكٍ وَكُلَّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ وَكُلَّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ وَآلَ يَزِيدَ وَبَنِي مَرْوَانَ
جَمِيعًا اَللّٰهُمَّ وَضَعِّفْ غَضَبَكَ وَسَخَطَكَ وَعَذَابَكَ
وَنَقِمَاتَكَ عَلٰى اَوَّلِ ظَالِمٍ ظَلَمَ اَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكَ اَللّٰهُمَّ وَ
الْعَنْ جَمِيعَ الظَّالِمِينَ لَهُمْ وَانْتَقِمْ مِنْهُمْ اِنَّكَ ذُو نِقْمَةٍ
مِنَ الْمُجْرِمِينَ اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ آلَ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ
الْعَنْ اَرْوَاحَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَقُبُورَهُمْ
وَالْعَنِ اللّٰهُمَّ الْعِصَابَةَ الَّتِي نَازَلَتِ الْحُسَيْنَ بْنَ بِنْتِ نَبِيِّكَ
وَحَارَبَتْهُ وَقَتَلَتْ اَصْحَابَهُ وَاَنْصَارَهُ وَاَعْوَانَهُ وَاَوْلِيَاۤئَهُ
وَشِيعَتَهُ وَمُحِبِّيهِ وَاَهْلَ بَيْتِهِ وَذُرِّيَّتَهُ وَالْعَنِ اللّٰهُمَّ
الَّذِينَ نَهَبُوا مَالَهُ وَسَبَوْا حَرِيمَهُ وَلَمْ يَسْمَعُوا كَلَامَهُ
وَلَا مَقَالَهُ اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْ كُلَّ مَنْ بَلَغَهُ ذٰلِكَ فَرَضِيَ
بِهِ مِنَ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَالْخَلَائِقِ اَجْمَعِينَ اِلٰى يَوْمِ
الدِّينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الْحُسَيْنِ وَعَلٰى مَنْ
سَاعَدَكَ وَعَاوَنَكَ وَوَاسَاكَ بِنَفْسِهِ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ

سبوا انتم

فِی الذَّبِّ عَنْکَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ وَعَلَیْہِمْ وَعَلٰی
رُوْحِکَ وَعَلٰی اَرْوَاحِہِمْ وَعَلٰی تُرْبَتِکَ وَعَلٰی تُرْبَتِہِمْ
اَللّٰہُمَّ لَقِّہِمْ رَحْمَۃً وَّرِضْوَانًا وَّرَوْحًا وَّرَیْحَانًا اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰہِ یَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِیِّیْنَ وَ
یَا ابْنَ سَیِّدِ الْوَصِیِّیْنَ وَیَا ابْنَ سَیِّدَۃِ نِسَآءِ الْعَالَمِیْنَ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا شَہِیْدُ یَا ابْنَ الشَّہِیْدِ اَللّٰہُمَّ بَلِّغْہُ عَنِّیْ فِیْ
ہٰذِہِ السَّاعَۃِ وَفِیْ ہٰذَا الْیَوْمِ وَفِیْ ہٰذَا الْوَقْتِ وَکُلِّ وَقْتٍ
تَحِیَّۃً وَّسَلَامًا اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ سَیِّدِ الْعَالَمِیْنَ
وَعَلَی الْمُسْتَشْہَدِیْنَ مَعَکَ سَلَامًا مُّتَّصِلًا مَّا اتَّصَلَ
اللَّیْلُ بِالنَّہَارِ اَلسَّلَامُ عَلَی الْحُسَیْنِ بْنِ عَلِیِّ الشَّہِیْدِ
اَلسَّلَامُ عَلٰی عَلِیِّ بْنِ الْحُسَیْنِ الشَّہِیْدِ اَلسَّلَامُ عَلَی الْعَبَّاسِ
بْنِ اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ الشَّہِیْدِ اَلسَّلَامُ عَلَی الشُّہَدَآءِ مِنْ وُّلْدِ
اَمِیْرِ الْمُؤْمِنِیْنَ اَلسَّلَامُ عَلَی الشُّہَدَآءِ مِنْ وُّلْدِ جَعْفَرٍ
وَّعَقِیْلٍ اَلسَّلَامُ عَلٰی کُلِّ مُسْتَشْہَدٍ مِّنَ الْمُؤْمِنِیْنَ اَللّٰہُمَّ
صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّبَلِّغْہُمْ عَنِّیْ تَحِیَّۃً وَّسَلَامًا

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللّٰہِ وَعَلَیْکَ السَّلَامُ وَرَحْمَۃُ اللّٰہِ وَ
بَرَکَاتُہٗ اَحْسَنَ اللّٰہُ لَکَ الْعَزَآءُ فِیْ وَلَدِکَ الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ
عَلَیْکَ یَا اَبَا الْحَسَنِ یَا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ وَعَلَیْکَ السَّلَامُ وَرَحْمَۃُ
اللّٰہِ وَبَرَکَاتُہٗ اَحْسَنَ اللّٰہُ لَکَ الْعَزَآءُ فِیْ وَلَدِکَ الْحُسَیْنِ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکِ یَا فَاطِمَۃُ یَا بِنْتَ رَسُوْلِ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ وَ
عَلَیْکِ السَّلَامُ وَرَحْمَۃُ اللّٰہِ وَبَرَکَاتُہٗ اَحْسَنَ اللّٰہُ لَکِ الْعَزَآءَ
فِیْ وَلَدِکِ الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ وَ
عَلَیْکَ السَّلَامُ وَرَحْمَۃُ اللّٰہِ وَبَرَکَاتُہٗ اَحْسَنَ اللّٰہُ لَکَ
الْعَزَآءَ فِیْ اَخِیْکَ الْحُسَیْنِ اَلسَّلَامُ عَلٰی اَرْوَاحِ الْمُؤْمِنِیْنَ
وَالْمُؤْمِنَاتِ الْاَحْیَآءِ مِنْھُمْ وَالْاَمْوَاتِ وَعَلَیْھِمُ السَّلَامُ
وَرَحْمَۃُ اللّٰہِ وَبَرَکَاتُہٗ اَحْسَنَ اللّٰہُ لَھُمُ الْعَزَآءَ فِیْ مَوْلَاھُمُ
الْحُسَیْنِ اَللّٰھُمَّ اجْعَلْنَا مِنَ الطَّالِبِیْنَ بِثَارِہٖ مَعَ اِمَامٍ
عَدْلٍ تُعِزُّ بِہِ الْاِسْلَامَ وَاَھْلَہٗ یَا رَبَّ الْعَالَمِیْنَ پس
بسجدہ برود بگو اَللّٰھُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلٰی جَمِیْعِ مَا یَاْتِیْ مِنْ خَطْبٍ
وَلَکَ الْحَمْدُ عَلٰی کُلِّ اَمْرٍ وَاِلَیْکَ الْمُشْتَکٰی فِی الْمُھِمَّاتِ

بِخِیَرَتِكَ وَاَوْلِیٰائِكَ وَذٰلِكَ لِمٰا اَوْجَبْتَ لَهُمْ مِنَ الْكَرٰامَةِ
وَالْفَضْلِ الْكَثِیرِ اَللّٰهُمَّ فَصَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَارْزُقْنِی
شَفٰاعَةَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِ السَّلاٰمُ وَالَّذِینَ وٰاسَوْهُ بِاَنْفُسِهِمْ
وَبَذَلُوا دُونَهُ مُهَجَهُمْ وَجٰاهَدُوا مَعَهُ اَعْدٰائَكَ ابْتِغٰاءَ
مَرْضٰاتِكَ وَرَجٰائَكَ وَتَصْدِیقاً بِوَعْدِكَ وَخَوْفاً
مِنْ وَعِیدِكَ اِنَّكَ لَطِیفٌ لِمٰا تَشٰاءُ یٰا اَرْحَمَ الرّٰاحِمِینَ

زیارت اربعین

شیخ طوسی در تهذیب و مصباح بسندهای معتبر روایت کردند از صفوان بن مهران جمال که گفت فرمود بمن مولای من حضرت صادق علیه السلام در زیارت اربعین که زیارت میکنی در هنگامیکه روز بلند شده باشد و میگوئی

اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ وَلِیِّ اللّٰهِ وَحَبِیبِهِ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ خَلِیلِ اللّٰهِ
وَنَجِیبِهِ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ صَفِیِّ اللّٰهِ وَابْنِ صَفِیِّهِ اَلسَّلاٰمُ
عَلَی الْحُسَیْنِ الْمَظْلُومِ الشَّهِیدِ اَلسَّلاٰمُ عَلیٰ اَسِیرِ الْكُرُبٰاتِ
وَقَتِیلِ الْعَبَرٰاتِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَشْهَدُ اَنَّهُ وَلِیُّكَ وَابْنُ
وَلِیِّكَ وَصَفِیُّكَ وَابْنُ صَفِیِّكَ الْفٰائِزُ بِكَرٰامَتِكَ
اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهٰادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعٰادَةِ وَاجْتَبَیْتَهُ بِطِیبِ

الوِلادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّداً مِنَ السَّادَةِ وَقَائِداً مِنَ الْقَادَةِ
وَذَائِداً مِنَ الذَّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَوَارِيثَ الاَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ
حُجَّةً عَلٰى خَلْقِكَ مِنَ الاَوْصِيَاءِ فَاَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنَحَ
النُّصْحَ وَبَذَلَ مُهْجَتَهُ فِيكَ لِيَسْتَنْقِذَ عِبَادَكَ مِنَ
الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ غَرَّتْهُ
الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالاَرْذَلِ الاَدْنٰى وَشَرٰى اٰخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ
الاَوْكَسِ وَتَغَطْرَسَ وَتَرَدّٰى فِي هَوَاهُ وَاَسْخَطَكَ وَاَسْخَطَ
نَبِيَّكَ وَاَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ اَهْلَ الشِّقَاقِ وَالنِّفَاقِ وَحَمَلَةَ
الاَوْزَارِ الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ (للنّار نسخہ) فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِراً
مُحْتَسِباً حَتّٰى سُفِكَ فِي طَاعَتِكَ دَمُهُ وَاسْتُبِيحَ حَرِيمُهُ
اَللّٰهُمَّ وَالْعَنْهُمْ لَعْناً وَبِيلاً وَعَذِّبْهُمْ عَذَاباً اَلِيماً
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَابْنَ سَيِّدِ
الاَوْصِيَاءِ اَشْهَدُ اَنَّكَ اَمِينُ اللّٰهِ وَابْنُ اَمِينِهِ عِشْتَ
سَعِيداً وَمَضَيْتَ حَمِيداً وَمُتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً
وَاَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزٌ لَكَ مَا وَعَدَكَ وَمُهْلِكٌ مَنْ خَذَلَكَ

ومعذب من قتلك واشهد انك وفيت بعهد الله و

جاهدت في سبيل الله حتى اتاك اليقين فلعن الله من

ظلمك ولعن الله من قتلك ولعن الله امة سمعت

بذلك فرضيت به اللهم اني اشهدك اني ولي لمن

والاه وعدو لمن عاداه بابي انت وامي يا ابن رسول الله

اشهد انك كنت نورا في الاصلاب الشامخة والارحام

الطاهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم تلبسك

المدلهمات من ثيابها واشهد انك من دعائم الدين

واركان المسلمين ومعقل المؤمنين واشهد انك الامام

البر التقي الرضي الزكي الهادي المهدي واشهد ان

الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام الهدى و

العروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد اني بكم

مؤمن وبايابكم موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي و

قلبي لقلبكم سلم وامري لامركم متبع ونصرتي لكم معدة

حتى ياذن الله لكم فمعكم معكم لا مع عدوكم صلوات الله

عَلَیْکُمْ وَعَلٰی اَرْوَاحِکُمْ وَاَجْسَادِکُمْ وَشَاهِدِکُمْ وَغَائِبِکُمْ
وَظَاهِرِکُمْ وَبَاطِنِکُمْ اٰمِینَ رَبَّ الْعَالَمِینَ

پس دو رکعت نماز میکنی و دعا میکنی بانچه میخواهی و بر میگردی و سید بن طاوس علیه الرحمة گفته که نافتم من برای این زیارت وداعی که مخصوص است باین واو چنین است
که با بستی پیش روی ضریح و بگوئی

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ عَلِیٍّ
الْمُرْتَضٰی وَصِیِّ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاۤءِ
سَیِّدَةِ نِسَاۤءِ الْعَالَمِینَ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وَارِثَ الْحَسَنِ
الزَّکِیِّ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ فِی اَرْضِهٖ وَشَاهِدَهٗ
عَلٰی خَلْقِهٖ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ الشَّهِیدِ وَ
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَوْلَایَ وَابْنَ مَوْلَایَ اَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ
اَقَمْتَ الصَّلٰوةَ وَاٰتَیْتَ الزَّکٰوةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ
نَهَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَجَاهَدْتَ فِی سَبِیلِ اللّٰهِ حَتّٰی اَتٰیکَ
الْیَقِینُ اَشْهَدُ اَنَّکَ عَلٰی بَیِّنَةٍ مِنْ رَبِّکَ اَتَیْتُکَ یَا مَوْلَایَ
زَائِرًا وَافِدًا رَاغِبًا مُقِرًّا لَکَ بِالذُّنُوبِ هَارِبًا اِلَیْکَ
مِنَ الْخَطَایَا لِتَشْفَعَ لِی عِنْدَ رَبِّکَ یَابْنَ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّی

ع — در تحفة الملک زنی بگویند در صورتی که از دور زیارت کنند منه

محمود

اللّهُ عَلَيْكَ حَيًّا وَمَيِّتاً فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقاماً مَعْلُوماً
وَشَفاعَةً مَقْبُولَةً لَعَنَ اللّٰهُ مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ حَرَمَكَ
وَغَصَبَ حَقَّكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ
خَذَلَكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ دَعَوْتَهُ فَلَمْ يُجِبْكَ وَلَمْ يُعِنْكَ
وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ حَرَمِ اللّٰهِ وَحَرَمِ رَسُولِهِ وَحَرَمِ
اَبِيكَ وَاَخِيكَ وَلَعَنَ اللّٰهُ مَنْ مَنَعَكَ مِنْ شُرْبِ ماءِ الْفُراتِ
لَعْناً كَثِيراً يَتْبَعُ بَعْضُها بَعْضاً اَللّٰهُمَّ فاطِرَ السَّمٰواتِ وَ
الْاَرْضِ عالِمَ الْغَيْبِ وَالشَّهادَةِ اَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبادِكَ
فِيما كانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا اَيَّ
مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ اَللّٰهُمَّ لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ
زِيارَتِهِ وَارْزُقْنِيهِ اَبَداً ما بَقِيتُ وَحَيِيتُ يا رَبِّ وَ
اِنْ مِتُّ فَاحْشُرْنِي فِي زُمْرَتِهِ يا اَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

مؤلف گوید

برای روز اربعین زیارت دیگر در کتب مزار موجود است که از اجابر بخواند
اگر کسی خواست که آن نیز بخواند همان زیارت نیمهٔ رجب را بخواند که فرقی ندارد
جز چند کلمه که شاید از اختلاف نسخ باشد

مقام سیم

در ذکر زیارات مطلقه حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام که قریب بسی زیارت میشود و از مقدمه که در فصل اول ذکر شد معلوم شد که مقدم بر تمام انها زیارتیست که مشایخ عظام در کافی و فقیه و تهذیب نقل کرده باشند و ان منحصر در یک زیارت شریفه است که از جهات عدیده از تمام ان زیارات ممتاز است اولاً انکه چندان مختصر است که از شوق نفس بزیارت چیزی نکاهد و نه چندان طولانی که در خواندنش زائر را ملالت گیرد و از حالت حضور قلب بیفتد و نه آداب مشکله دارد که خصوصاً در اوقات ازدحام از عهده ان تواند بیرون امد و ثانیاً هر سه بزرگوار ان نقل کرده اند در تهذیب و فقیه زیارتیست که ذکر کرده و در کافی و در فقیه غیر ان زیارتی دیگر نقل نکرده و ثالثاً متضمن است مضامین عالیه را که در هیچ زیارتی یافت نمیشود چنانچه بر ناظر بصیر مخفی نیست و رابعاً شهادت شیخ المحدثین شیخ صدوق ره در فقیه بر انکه این زیارت اصح زیارات است علاوه بر ان شهادتیکه در اول کتاب بر صحت تمام اخبار موجوده در ان داده و عبارت فقیه بعد از ذکر ان زیارت این است (وقد اخرجت فی کتاب الزیارات و فی کتاب مقتل الحسین علیه السلام انواعا من الزیارات و اخترت هذه لهذا الکتاب لانها اصح الزیارات عندی من طریق الروایة و فیها بلاغ و کفایة) و من در کتاب زیارات و کتاب مقتل حضرت امام حسین علیه السلام انواعی از زیارات نقل کردم و این زیارت را برای این کتاب برگزیدم زیرا که این زیارت صحیح ترین زیارات است نزد من از جهت سند روایت و در او است انچه زائر را بمقصد برساند و او

آنچه خواهد کفایت نماید با این مناقب شریفه و نعوت جمیله مهجور و بسیار کم خوانده میشود اما جهل عوام کالانعام را که نه خود بصیرتی دارند و نه از بصیری پرسش کنند شیطان از فیض غالب زیارات مأثوره و ثواب الفاظ مروی محروم کرده، زیارت بافته آخوندی بی خبر یا روضه خوان بی سوادی که اسم آن را زیارت مفجعه گذاشته بدست ایشان داده بهمان مشغول و مشعوف از آب زلال گوارا سرابی قانع و از طلای احمر بمغش سفالی راضی از جعال بی سواد کسی پرسید که در تمام زیارات مأثوره از ائمه طاهرین علیهم السلام هرگز اسمی از خواهر و دختران مکرمات آنحضرت برده نشده و مناسبتی هم ندارد سبب این فضولی چه بود کسی نپرسید که این خانمها با این عانقه وصفتیه که باشند دختر کی زن کی خواهر کی و کدام کتاب مذکورند بچه مناسبت سلام بر ایشان کردی و هکذا والحق این زیارت زیان دعای بافته عارف سنی الهی یا اخص صفاتک الخ بعد از آن چون جمع شود مقصد شیطان از محروم نمودن زوار از فیض این حرم مطهر روضه سامیه است بدست آمده و بر بعضی عوام چون حقیقت حال منکشف شده عذر آورده که در این زیارت بعضی فقرات جانسوز و کلمات آتش افروز است که مناسب حال زوار و سبب تکسر قلب و گریستن در این بیت الاحزان است که غایت آمال و آرزوی ایشان است و این عذر بدتر از گناه در بلدی قطار است زیرا که برای چنین اشخاص که راغب تذکر مصائب آنحضرت و گریستن در آن حرم شریفند نزد دستور العمل دادند و زیارت مفجعه مبکیه که بهتر از روضه خواندن مقرر داشتند توضیح این اجمال آنکه یکی از زیارات روز عاشوراء زیارتیست که از ناحیه مقدسه

چنین روضه خوانست

رسیده و مشتملست بر بسیاری از مصائب آنحضرت که اگر آنرا خوانند جمال جمله از
فقرات زیارت منجعه را یافته خود را از ان دور دیده و چون بحسب روایت مختص
بروز عاشورا است زوار غالبا از فیض خواندن ان محروم مند و سید جلیل
علی بن طاوس قده در مصباح الزائر در ضمن زیارات مطلقه زیارتی نقل کرده
که مشتملست بر تمام فقرات ان زیارت ولکن با اندکی طول مبسوطی که در ان
نیز اشاره بجمله از مصائب شده و تقسیم کردن آنکه بعضی را پیش رو و بعضی در پشت
سر و امثال ان باید خواند و سید فرموده این زیارتیست که سید مرتضی بان
زیارت کرده علامه مجلسی ره در بحار این زیارت را از مصباح الزائر نقل
کرده و در اخر ان فرموده مظنون ان است که این زیارت از مؤلفات سید مرتضی
باشد که از فقرات ناحیه مقدسه از ان ترکیب نموده و چیزی بر ان افزوده
و از این جهت این زیارت را در کتاب تحفه نقل نکرده و غالب عوام را گر چه
اداب و سنتی که در کتب ان مرحوم ببینند بکتاب و گفته دیگران اعتنائی ندارند
از فیض این زیارت محروم کرده اند و در مزار قدیم همین زیارت را نقل کرده
و در اول ان فرموده (زیارة اخری تختص بالحسین صلوات الله علیه و هی
مرویة بالاسانید و هی اول زیارة زار بها المرتضی علم الهدی رضوان الله علیه
علیه السلام فاذا بلغت المقتل الخ) حاصل ترجمه این زیارت بچند سند
روایت شده و این اول زیارتیست که بان زیارت کرد علم الهدی سید مرتضی
پس معلوم شد که این زیارت شریفه مرویه و معتبره در هر وقت میشود
خواند و نزد ان مرحوم بی اصل بلکه با طریقه سید مرتضی ابدا مناسبتی ندارد
بهرحال نسخه ان زیارت بسیار هر که راغب تذکر مصائب و سوختن دل و گریستن

برانحضرت براستی انرا بخواند و غرض از اینکلمات اتمام حجت و دفع عذر بود لا
برخبر است که از حقوق لازمه اخوان مؤمنین است که بایست از عهدهٔ ان بر
امد باطن بی غرضی و بینجه نداشتن این و دست نکشیدن عوام و جهال از خواندن
این زیارت مجعوله و گفتن بعضی اکاذیب در ان محضر عظیم الشان و اما نوع دانایان
غالبا از زیارت وارث و زیارت امین الله یا جامعه صغیره نکذرند و اگر موفق
بخوانند زیارت عاشورا انشدند والحمد لله که ظاهر و مکشوف شد
تقدم این زیارت بر همهٔ انها و غیر انها و چون دو نسخه این زیارت که در کافی
و فقیه و تهذیب و کامل الزیارة مرویست فی الجمله اختلافی در بعضی از
کلمات بود و ذکر ان اختلاف موجب تشتت حواس بود ما بهمان نسخه ثقة
الاسلام در کافی قناعت کردیم و در انجا بسند معتبر روایت کرده از حسین بن
ثویر که گفت من و یونس بن ظبیان و مفضل بن عمر و ابو سلمه سراج نشسته
بودیم نزد حضرت ابی عبد الله جعفر بن محمد علیهما السلام و سخن گو در میان
ما یونس بود که سنش از همه ما بزرگتر بود پس بحضرت عرض کردم فدایت
شوم من حاضر میشوم در مجلس این قوم یعنی اولاد عباس پس چه بگویم فرمود
هرگاه حاضر شدی و ما را بیاد اوردی پس بگو (اَللّٰهُمَّ اَرِنَا الرَّخَاءَ
وَالسُّرُوْرَ) که انچه میخواهی یعنی از ثواب یا رجوع در رجعت خواهی
رسید گفتم فدایت شوم من بسیار شود که امام حسین علیه السلام
را یاد کنم پس چه بگویم فرمود بگو (صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ) و این
را سه مرتبه بگو که سلام میرسد بانحضرت از نزدیک و دور پس فرمود
چون ان حضرت شهید شد گریست بر انحضرت هفت اسمان و انچه

در آنها است و آنچه در ما بین آنها است و هر که در بهشت و جهنم است از خلق پروردگار ما و آنچه دیده میشود و دیده نمیشود گریستند بر حضرت ابی عبد الله علیه السّلام مگر سه چیز که بر آنحضرت نگریستند گفتم فدایت شوم آن سه چیز کدامست فرمود نگریست بر آنحضرت بصره و نه دمشق و نه آل عثمان لعنهم الله گفتم فدایت شوم میخواهم بزیارت آنحضرت بروم پس چه بگویم و چه کار کنم فرمود چون بزیارت ابی عبد الله الحسین علیه السّلام رفتی پس غسل کن در کنار شط فرات پس بپوش جامه‌های پاک خود را و روانه شو با پای برهنه بدرستیکه تو در حرمی هستی از حرمهای خدا و حرم رسول خدا صلی الله علیه و آله و بسیار کن در وقت رفتن از ذکر (اَللّٰهُ اَکْبَرُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ) و هر ذکر که متضمن تمجید و تعظیم حقتعالی است و صلوات بفرست بر محمد و آل محمد تا آنکه برسی بدر حایر پس میگوئی (اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکُمْ یَا مَلٰئِکَةَ اللّٰهِ وَزُوَّارَ قَبْرِ ابْنِ بِنْتِ نَبِیِّ اللّٰهِ) پس ده گام بردار پس بایست و سی مرتبه اَللّٰهُ اَکْبَرُ بگو پس برو بسوی قبر از پیش روی پس مقابل کن روی خود را با روی آنحضرت و قرار بده قبله را ما بین دو کتف خود

یعنی پشت بقبله باش پس بگو

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّةَ اللّٰهِ وَابْنَ حُجَّتِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا قَتِیلَ اللّٰهِ وَابْنَ قَتِیلِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ثَارَ اللّٰهِ وَابْنَ ثَارِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا وِتْرَ اللّٰهِ الْمَوْتُورَ فِی السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ اَشْهَدُ اَنَّ دَمَکَ سَکَنَ فِی الْخُلْدِ وَاقْشَعَرَّتْ لَهُ اَظِلَّةُ الْعَرْشِ وَبَکٰی لَهُ

جمیع الخلائق وبکت لہ السموات السبع والارضون السبع وما فیھن وما بینھن ومن ینقلب فی الجنۃ والنار من خلق ربنا وما یری وما لا یری اشھد انک حجۃ اللہ وابن حجتہ واشھد انک قتیل اللہ وابن قتیلہ واشھد انک ثار اللہ وابن ثارہ فی الارض واشھد انک وتر اللہ الموتور فی السموات والارض واشھد انک قد بلغت ونصحت ووفیت واوفیت وجاھدت فی سبیل اللہ ومضیت للذی کنت علیہ شھیدا ومستشھدا وشاھدا ومشھودا انا عبد اللہ ومولاک وفی طاعتک والوافد الیک التمس کمال المنزلۃ عند اللہ وثبات القدم فی الھجرۃ الیک والسبیل الذی لا یختلج دونک من الدخول فی کفالتک التی امرت بھا من اراد اللہ بدء بکم بکم یبین اللہ الکذب وبکم یباعد اللہ الزمان الکلب وبکم فتح اللہ وبکم یختم اللہ وبکم یمحوا اللہ ما یشاء وبکم یثبت وبکم یفک الذل من رقابنا وبکم یدرک اللہ ترۃ کل مؤمن یطلب بھا و

بکم تنبت الارض اشجارها وبکم تخرج الاشجار ثمارها وبکم ینزل السماء قطرها ورزقها وبکم یکشف الله الکرب وبکم ینزل الله الغیث وبکم تسبح الارض التی تحمل ابدانکم وتستقر جبالها عن مراسیها ارادة الرب فی مقادیر اموره تهبط الیکم وتصدر من بیوتکم والصادر عما فصل من احکام العباد لعنت امة قتلتکم وامة خالفتکم وامة جحدت ولایتکم وامة ظاهرت علیکم وامة شهدت ولم تستشهد الحمد لله الذی جعل النار مثویهم وبئس ورد الواردین وبئس الورد المورود والحمد لله رب العالمین

پس سه بار بگو این صلوات را صلی الله علیک یا ابا عبد الله پس سه مرتبه بگو انا الی الله ممن خالفک بریء

پس برمیخیزی میروی نزد قبر فرزند آنحضرت علی بن الحسین علیه السلام که در نزد پای آنحضرت است پس میگوئی

السلام علیک یا ابن رسول الله السلام علیک یا ابن امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن الحسن والحسین السلام علیک یا ابن فاطمة وخدیجة ومیگوئی سه مرتبه صلی الله علیک

لعن الله من قتلك) وسه مرتبه (انا الی الله منهم بریٔ) پس بر میخیزی و
اشاره میکنی بدست خود بسوی شهداء رضی الله عنهم ومیگوئی سه مرتبه
(السلام علیکم) پس میگوئی (فزتم والله فزتم فلیت انی معکم فافوز فوزا
عظیما) پس دور میزنی تا انکه قرار میدهی قبر حضرت ابی عبد الله علیه السلام
را برابر خود یعنی میروی پشت قبر پس شش رکعت نماز میکنی و چون چنین کردی
زیارت تمام میشود پس اگر خواهی انجا بمان و اگر خواهی برو

مؤلف گوید

اگرچه در خبر بیانی نشده از برای این شش رکعت ولکن بگمان حقیر دو رکعت نماز ان
زیارت حضرت باشد که در اخبار عدیده سوره یس و سوره الرحمن را برای
ان معین نموده اند اگر میسر شود دو رکعت برای علی بن الحسین علیه السلام
و دو رکعت برای شهدا رضوان الله علیهم و در یکی از زیارات مبسوطه حضرت
که در کامل الزیارة بسند معتبر از ابی حمزه ثمالی مرویست از حضرت صادق
علیه السلام بعد از ذکر نماز زیارت با سوره یس و الرحمن چنین مذکور است
(فاذا فرغت فصل ما احببت الا ان رکعتی الزیارة لا بد منهما عند
کل قبر) و چون فارغ شدی پس نماز کن انچه خواهی جز انکه ان دو رکعت نماز
زیارت چاره نیست از بجا اوردن ان نزد هر قبری که ان را زیارت کنند و باین
عبارت میشود حکم باستحباب نماز زیارت برای مثل قبور علی بن الحسین
و ابی الفضل و شهداء و امثال ایشان کرد اگر نگوئیم برای قبور همه مؤمنین
چنانچه ظاهر خبر است و برای اختصاص قبر مذکور بقبر امام علیه السلام
شاهدی نیست پس دست از ظاهر ان برداشتن راهی ندارد

مقام چهارم

در بعضی از اعمال این روضه منوره و زیارة ابی الفضل اما اول پس عمده
این دعا است که اجابت تحت قبه سامیه یکی از آنچیزهائیست که در عوض
شهادت حضرت احدیت بآنجناب لطف فرموده زائر باید از غنیمت دانسته
در تضرع و انابه و توبه و عرض حاجات کوتاهی نکند و در بعضی زیارات آن
حضرت پیش از نماز زیارت و بعد از نماز ادعیه بسیار با مضامین عالیه
وارد شده و چون زائرین غالبا نمیدانند چه بگویند و چه بخوانند ایشان را از
این هم فارغ و بیدریوزگی در خانه اجانب آسوده کردند و چون بنا بر اختصار
است ما از آن ادعیه دو دعا اختیار کردیم امید از خوانندگان آن تغافل و
تکاهل نکنند اول دعائیست که در مزار شیخ مفید و مزار محمد بن المشهدی
قبل از نماز زیارت نقل کردند و فرمودند دستها را باسمان بلند کرده بگو

اَللّٰهُمَّ مَنْ تَهَيَّأَ وَتَعَبَّأَ وَاَعَدَّ وَاسْتَعَدَّ لِوِفَادَةٍ اِلَىٰ مَخْلُوقٍ رَجَاءَ
رِفْدِهِ وَجَائِزَتِهِ وَنَوَافِلِهِ وَفَوَاضِلِهِ وَعَطَايَاهُ فَاِلَيْكَ يَا رَبِّ
كَانَتِ الْيَوْمَ تَهْيِئَتِي وَتَعْبِيَتِي وَاِعْدَادِي وَاسْتِعْدَادِي وَسَفَرِي
وَاِلَىٰ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَفَدْتُ وَبِزِيَارَتِهِ اِلَيْكَ تَقَرَّبْتُ رَجَاءَ رِفْدِكَ
وَجَوَائِزِكَ وَنَوَافِلِكَ وَعَطَايَاكَ وَفَوَاضِلِكَ اَللّٰهُمَّ وَقَدْ
رَجَوْتُ كَرِيمَ عَفْوِكَ وَوَاسِعَ مَغْفِرَتِكَ فَلَا تَرُدَّنِي خَائِبًا
فَاِلَيْكَ قَصَدْتُ وَمَا عِنْدَكَ اَرَدْتُ وَقَبْرَ اِمَامِيَ الَّذِي اَوْجَبْتَ
عَلَيَّ طَاعَتَهُ زُرْتُ فَاجْعَلْنِي بِهِ عِنْدَكَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا

وجوائزه نخ

والآخرة ومن المقربين الذين لا خوف عليهم ولا
هم يحزنون واعطني به جميع سؤلي واقض لي به
جميع حوائجي ولا تقطع رجائي ولا تخيب دعائي
وارحم ضعفي وقلة حيلتي ولا تكلني الى نفسي ولا
الى احد من خلقك مولاي فقد افحمتني ذنوبي و
قطعت حجتي وابتليت بخطيئتي وارتهنت بعملي
واوبقت نفسي ووقفتها موقف الاذلاء المذنبين
المجترئين عليك التاركين امرك المغترين بك
المستخفين بوعدك وقد اوبقني ما كان من قبيح
جرمي وسوء نظري لنفسي فارحم تضرعي وندامتي
واقلني عثرتي وارحم عبرتي واقبل معذرتي وعد
بحلمك على جهلي وباحسانك على اسائتي وبعفوك
على جرمي و (فاني) اليك اشكو ضعف عملي فارحمني يا ارحم
الراحمين اللهم اغفر لي فاني مقر بذنبي معترف
بخطيئتي وهذه يدي وناصيتي بالقفر مني يا سيدي

المقربين نخ

۲ استكانة بالقود نخ

فَاقْبَلْ تَوْبَتِي وَنَفِّسْ كُرْبَتِي وَارْحَمْ خُشُوعِي وَخُضُوعِي وَ
أَسَفِي عَلَى مَا كَانَ مِنِّي وَوُقُوفِي عِنْدَ قَبْرِ وَلِيِّكَ وَذُلِّي بَيْنَ
يَدَيْكَ فَأَنْتَ رَجَائِي وَمُعْتَمَدِي وَظَهْرِي وَعُدَّتِي فَلَا
تَرُدَّنِي خَائِبًا وَتَقَبَّلْ عَمَلِي وَاسْتُرْ عَوْرَتِي وَآمِنْ رَوْعَتِي
وَلَا تُخَيِّبْنِي وَلَا تَقْطَعْ رَجَائِي مِنْ بَيْنِ خَلْقِكَ يَا سَيِّدِي
اَللّٰهُمَّ وَقَدْ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُنْزَلِ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ
صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ
عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ يَا رَبِّ وَقَوْلُكَ
الْحَقُّ وَأَنْتَ الَّذِي لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ فَاسْتَجِبْ لِي يَا رَبِّ
فَقَدْ سَأَلَكَ السَّائِلُونَ وَسَأَلْتُكَ وَطَلَبَ الطَّالِبُونَ
وَطَلَبْتُ مِنْكَ وَرَغِبَ الرَّاغِبُونَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ
وَأَنْتَ أَهْلٌ أَنْ لَا تُخَيِّبَنِي وَلَا تَقْطَعَ رَجَائِي فَعَرِّفْنِي الْإِجَابَةَ
يَا سَيِّدِي وَاقْضِ لِي حَوَائِجَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

دوم دعائیست که مزار قدیم و در مصباح الزائر
نقل کرده بعد از نماز زیارت و در بعضی نسخ مصابیح
بعد از نماز ذکر کرده اند و این دعا بمنزله اصلی و تتابع الخضر است

کربتی

حوائجی نسخه

دعا بعد از نماز زیارت آنحضرت

اللّهمّ صلّ على محمّد وآل محمّد وصلّ على الحسين المظلوم الشّهيد قتيل العبرات وأسير الكربات صلوة نامية زاكية مباركة يصعد أوّلها ولا ينفد آخرها أفضل ما صلّيت على أحد من أولاد الأنبياء والمرسلين يا ربّ العالمين اللّهمّ صلّ على الإمام الشّهيد المقتول المظلوم المخذول والسيّد القائد والعابد الزّاهد الوصيّ الخليفة الإمام الصّدّيق الطّهر الطّاهر الطّيّب المبارك الرّضيّ المرضيّ والتّقيّ الهادي المهديّ الزّاهد وسبط الرّسول وقرّة عين البتول صلّى الله عليه وآله وسلّم اللّهمّ صلّ على سيّدي ومولاي كما عمل بطاعتك ونهى عن معصيتك وبالغ في رضوانك وأقبل على إيمانك غير قابل فيك عذرا سرّا وعلانية يدعو العباد إليك ويدلّهم عليك وقام بين يديك يهدم الجور بالصّواب ويحيي السّنّة بالكتاب فعاش في رضوانك مكدودا ومضى على طاعتك وفي أوليائك مكدوحا

(حاشیه: الذّائد المجاهد العالم إمام الهدى نعم — وقتيل)

وقضی الیک مفقودا لم یعصک فی لیل ولا نهار بل جاهد
فیک المنافقین والکفار اللهم فاجزه خیر جزاء الصادقین
الابرار وضاعف علیهم العذاب ولقاتلیه العقاب
فقد قاتل کریما وقتل مظلوما ومضی مرحوما یقول
انا ابن رسول الله محمد وابن من زکی وعبد فقتلوه
بالعمد المعتمد قتلوه علی الایمان واطاعوا فی قتله الشیطان
ولم یراقبوا فیه الرحمن اللهم فصل علی سیدی و
مولای صلوة ترفع بها ذکره وتظهر بها امره وتعجل
بها نصره واخصصه بافضل قسم الفضائل یوم القیمة
وزده شرفا فی اعلی علیین وبلغه اعلی شرف المکرمین
وارفعه من شرف رحمتک فی شرف المقربین فی الرفیع
الاعلی وبلغه الوسیلة والمنزلة الجلیلة والفضل و
الفضیلة والکرامة الجزیلة اللهم فاجزه عنا
افضل ما جازیت اماما عن رعیته وصل علی سیدی و
مولای کلما ذکر وکلما لم یذکر یا سیدی و مولای

جزیت نسخہ

ادخلني في حرزك واستوهبني من ربك وربي فان
لك عند الله جاهاً وقدراً ومنزلةً رفيعةً ان سئلت
اعطيت فان شفعت شفعت الله الله في عبدك
ومولاك لا تخلني عند الشدائد والاحوال لسوء عملي و
قبيح فعلي وعظيم جرمي فانك املي ورجائي وثقتي ومعتمدي
ووسيلتي الى الله ربي وربك لم يتوسل المتوسلون الى
الله بوسيلة هي اعظم حقاً ولا اوجب حرمةً ولا اجل
قدراً عنده منكم اهل البيت لا خلفني الله عنكم
بذنوبي وجمعني واياكم في جنة عدن التي اعدها لكم و
لاوليائكم انه خير الغافرين وارحم الراحمين اللهم
ابلغ سيدي ومولاي تحيةً كثيرةً وسلاماً واردد
علينا منه السلام انك جواد كريم وصل عليه كلما ذكر
السلام وكلما لم يذكر يا رب العالمين

واز جملهٔ اعمال این روضه منوره دعای مظلوم است بر ظالم چنانچه شیخ طوسی
رحمه الله در مصباح متهجد در اعمال روز جمعه فرموده مستحب است که دعا کند بدعای
مظلوم در نزد قبر ابی عبد الله الحسین ع و دعا اینست

اللّهمّ إنّی اعتزّ بدینک واکرم بهدایتک وفلان
یذلّنی بشرّه ویهیننی باذیّته ویعیبنی بولاء أولیائک
ویبهتنی بدعواه وقد جئت الی موضع الدّعاء و
ضمانک الاجابة اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل محمّد واعدنی
علیه السّاعة السّاعة آنگاه برو بیفتد و بگو مولای امامی
مظلوم استعدی علی ظالمه النّصر النّصر (بگو) آنقدر بگو
تا نفس منقطع شود

وبجای فلان نام ظالم را ببرد

و از جمله اعمال دو رکعت نماز است در ماه محرم مطهر با سورهٔ الرحمن و
سورهٔ تبارک هر که آنرا بخواند خداوند منان مینویسد برای او ثواب پنج حجهٔ
مقبولهٔ مبروره که با رسول خدا صلی الله علیه و آله کرده باشد چنانچه سید
علی بن طاوس قده در مصباح الزائر نقل کرده و از جمله اعمال در آن قبهٔ
سامیه استخاره است و آن چنان است که بایستد در بالای سر حضرت امام حسین ع
و صد مرتبه بگوید (اَستخیرُ الله) پس تحمید و تهلیل و تسبیح و تمجید کند حق
تعالی را و ثنا بگوید خدا را بآنچه سزاوار او است و روایت شده از حضرت
صادق علیه السلام چنانچه حمیری در قرب الاسناد ذکر کرده که چنین نمیکند
بنده در امری هرگز مگر آنکه حق تعالی میاندازد در دل او آنچه را که خیر است
از برای او در آن امر و از جمله دعائیست که ابن فهد ره در عدة الداعی از
حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمودند هر که از برای او حاجتی

باشد بسوی خدای عزوجل پس بایستد نزد سر حضرت امام حسین علیه السلام و بگوید

یا اَبا عَبدِ اللهِ اَشهَدُ اَنَّکَ تَشهَدُ مَقامی وَ تَسمَعُ کَلامی وَ عِندَ رَبِّکَ تُرزَقُ

فَاسئَل رَبَّکَ وَ رَبّی فی قَضاءِ حَوائِجی) پس بدرستیکه برآورده میشود حاجت او

و اما زیارت جناب ابی الفضل عباس

انشاء الله تعالی

بن امیر المؤمنین علیه السلام پس بنحویکه شیخ مفید و محمد بن المشهدی ره و غیر ایشان روایت

کرده چنان است که چون بدر حرم رسیدی بایست و بگو

سَلامُ اللهِ وَ سَلامُ مَلائِکَتِهِ المُقَرَّبینَ وَ اَنبِیائِهِ المُرسَلینَ

وَ عِبادِهِ الصّالِحینَ وَ جَمیعِ الشُّهَداءِ وَ الصِّدّیقینَ وَ

الزّاکِیاتُ الطَّیِّباتُ فیما تَغتَدی وَ تَروحُ عَلَیکَ یَا بنَ امیرِ المُؤمِنینَ

اَشهَدُ لَکَ بِالتَّسلیمِ وَ التَّصدیقِ وَ الوَفاءِ وَ النَّصیحَةِ

لِخَلَفِ النَّبِیِّ المُرسَلِ وَ السِّبطِ المُنتَجَبِ وَ الدَّلیلِ العالِمِ

وَ الوَصِیِّ المُبَلِّغِ وَ المَظلومِ المُهتَضَمِ فَجَزاکَ اللهُ عَن

رَسولِهِ وَ عَن اَمیرِ المُؤمِنینَ وَ عَن فاطِمَةَ ثُمَّ وَ عَنِ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ صَلَواتُ اللهِ عَلَیهِم اَفضَلَ

الجَزاءِ بِما صَبَرتَ وَ احتَسَبتَ وَ اَعَنتَ فَنِعمَ عُقبَی الدّارِ

لَعَنَ اللهُ مَن قَتَلَکَ وَ لَعَنَ اللهُ مَن جَهِلَ حَقَّکَ مِن ظُلمِکَ وَ نَحرِ وَ استَخَفَّ

بِحُرمَتِکَ وَ لَعَنَ اللهُ مَن حالَ بَینَکَ وَ بَینَ ماءِ الفُراتِ

اَشْهَدُ اَنَّكَ قُتِلْتَ مَظْلُوماً وَاَنَّ اللّٰهَ مُنْجِزٌ لَكُمْ ما وَعَدَ
جِئْتُكَ يَابْنَ اَميرِ الْمُؤْمِنينَ وافِداً اِلَيْكُمْ وَقَلْبي مُسَلِّمٌ
لَكُمْ وَتابِعٌ وَاَنَا لَكُمْ تابِعٌ وَنُصْرَتي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّى
يَحْكُمَ اللّٰهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحاكِمينَ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لا مَعَ
عَدُوِّكُمْ اِنّي بِكُمْ وَبِاِيابِكُمْ مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَبِمَنْ خالَفَكُمْ
وَقَتَلَكُمْ مِنَ الْكافِرينَ لَعَنَ اللّٰهُ اُمَّةً قَتَلَتْكُمْ بِالْاَيْدي

وبايابكم نسخه
قتلكم نسخه

وَالْاَلْسُنِ پس داخل شو و بیفت بر قبر بگو در حالتیکه رو بقبله باشی اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعَبْدُ الصّالِحُ الْمُطيعُ لِلّٰهِ وَلِرَسُولِهِ وَلِاَميرِ
الْمُؤْمِنينَ وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمْ وَسَلَّمَ وَ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوانُهُ
وَعَلى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ اَشْهَدُ اَنَّكَ مَضَيْتَ عَلى
ما مَضى عَلَيْهِ الْبَدْرِيُّونَ وَالْمُجاهِدُونَ في سَبيلِ
اللّٰهِ الْمُناصِحُونَ لَهُ في جِهادِ اَعْدائِهِ الْمُبالِغُونَ في
نُصْرَةِ اَوْلِيائِهِ الذّابُّونَ عَنْ اَحِبّائِهِ فَجَزاكَ اللّٰهُ
اَفْضَلَ الْجَزاءِ وَاَكْثَرَ الْجَزاءِ وَاَوْفَرَ جَزاءِ اَحَدٍ مِمَّنْ

ارواحهم نسخه

۲ الجزاء واوفى جزاء نسخه

وَفِي بَيْعَتِهِ وَاسْتَجَابَ لَهُ دَعْوَتَهُ وَاَطَاعَ وُلَاةَ اَمْرِهِ

وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَالَغْتَ فِي النَّصِيحَةِ وَاَعْطَيْتَ غَايَةَ

الْمَجْهُودِ فَبَعَثَكَ اللهُ فِي الشُّهَدَاۤءِ وَجَعَلَ رُوحَكَ

مَعَ اَرْوَاحِ السُّعَدَاۤءِ وَاَعْطَاكَ مِنْ جِنَانِهِ اَفْسَحَهَا مَنْزِلاً

وَاَفْضَلَهَا غُرَفاً وَرَفَعَ ذِكْرَكَ فِي الْعِلِّيِّينَ وَحَشَرَكَ

مَعَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاۤءِ وَالصَّالِحِينَ

وَحَسُنَ اُولٰۤئِكَ رَفِيقاً اَشْهَدُ اَنَّكَ لَمْ تَهِنْ وَلَمْ تَنْكُلْ

وَاَنَّكَ مَضَيْتَ عَلٰى بَصِيرَةٍ مِنْ اَمْرِكَ مُقْتَدِياً بِالصَّالِحِينَ

وَمُتَّبِعاً لِلنَّبِيِّينَ فَجَمَعَ اللهُ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ وَبَيْنَ رَسُولِهِ

وَاَوْلِيَاۤئِهِ فِي مَنَازِلِ الْمُخْبِتِينَ فَاِنَّهُ اَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

پس میل کن بجانب سر پس دو رکعت نماز کن بانچہ خواستی بعد از این دو رکعت نماز کن و بسیار بخوان خدا را و بگو در عقب نماز

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَلَا تَدَعْ لِي فِي هٰذَا الْمَكَانِ

الْمُكَرَّمِ وَالْمَشْهَدِ الْمُعَظَّمِ ذَنْباً اِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمّاً اِلَّا

فَرَّجْتَهُ وَلَا مَرَضاً اِلَّا شَفَيْتَهُ وَلَا عَيْباً اِلَّا سَتَرْتَهُ

وَلَا رِزْقاً اِلَّا بَسَطْتَهُ وَلَا خَوْفاً اِلَّا آمَنْتَهُ وَلَا شَمْلاً

اِلاّ جَمَعتَهُ وَلا غائِباً اِلاّ حَفِظتَهُ وَلا دَيناً اِلاّ اَدَّيتَهُ
وَلا حاجَةً مِن حَوائِجِ الدُّنيا وَالآخِرَةِ لَكَ فيها رِضىً وَلِي
فيها صَلاحٌ اِلاّ قَضَيتَها يا اَرحَمَ الرّاحِمينَ

پس برگرد بسوئے ضریح و بایستد در پا بگو

اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا اَبَا الفَضلِ العَبّاسِ بنَ اَميرِ المُؤمِنينَ
اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا بنَ سَيِّدِ الوَصِيّينَ اَلسَّلامُ عَلَيكَ يَا
بنَ اَوَّلِ القَومِ اِسلاماً وَاَقدَمِهِم ايماناً وَاَقوَمِهِم بِدينِ
اللهِ وَاَحوَطِهِم عَلَى الاِسلامِ اَشهَدُ لَقَد نَصَحتَ لِلّهِ
وَلِرَسولِهِ وَلِاَخيكَ فَنِعمَ الاَخُ المُواسي فَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً
قَتَلَتكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتكَ وَلَعَنَ اللهُ اُمَّةً استَحَلَّت
مِنكَ المَحارِمَ وَانتَهَكَت حُرمَةَ الاِسلامِ فَنِعمَ الصّابِرُ
المُجاهِدُ المُحامِي النّاصِرُ وَالاَخُ الدّافِعُ عَن اَخيهِ المُجيبُ
اِلى طاعَةِ رَبِّهِ الرّاغِبُ فيما زَهِدَ فيهِ غَيرُهُ مِنَ الثَّوابِ
الجَزيلِ وَالثَّناءِ الجَميلِ فَاَلحَقَكَ اللهُ بِدَرَجَةِ آبائِكَ
في دارِ النَّعيمِ اَللّهُمَّ اِنّي تَعَرَّضتُ لِزِيارَةِ اَولِيائِكَ رَغبَةً
في ثَوابِكَ وَرَجاءً لِمَغفِرَتِكَ وَجَزيلِ اِحسانِكَ فَاَسئَلُكَ

ان تصلی علی محمد و اٰلہ الطاہرین وان تجعل رزقی بہم دارًا و
عیشی بہم قارًا و زیارتی بہم مقبولۃً وحیاتی بہم طیبۃً وادرجنی
ادراج المکرمین واجعلنی ممن ینقلب من زیارۃ مشاھد
احبائک مفلحًا منجحًا قد استوجب غفران الذنوب و
ستر العیوب وکشف الکروب انک اھل التقوی واھل

المغفرۃ وجون وداع کی اختیار کرنا چاہے بیرون مدینہ پایان قبر کھڑے ہو کر استودعک

اللہ واسترعیک واقرء علیک السلام اٰمنا باللہ وبرسولہ
وبکتابہ وبما جاء بہ من عند اللہ اللھم اکتبنا مع الشاھدین
اللھم لا تجعلہ اٰخر العھد من زیارۃ قبر ابن اخی
رسولک صلی اللہ علیہ واٰلہ وارزقنی زیارتہ ما
ابقیتنی واحشرنی معہ ومع اٰبائہ فی الجنان وعرف
بینی وبینہ وبین رسولک واولیائک اللھم صل
علی محمد واٰل محمد وتوفنی علی الایمان بک والتصدیق
برسولک والولایۃ لعلی بن ابی طالب والائمۃ علیھم
السلام من ولدہ والبرائۃ من عدوھم فانی رضیت بذلک

وصلی الله علی محمد و آل محمد

پس دعا کن از برای خود و بجهت والدین خود و از برای مردمان مؤمن و زنهای مؤمنه و از دعاها
هر دعائیکه میخواهی پس برگرد **مؤلف** گوید در اینجا لازم است تنبیه بر
دو امر لازم که محل حاجت و ابتلاء و سؤال است اول فقره نماز زیارت جناب ابی الفضل
دوم کیفیت ایستادن در حرم آنجناب وقت زیارت اما نماز زیارت پس بدانکه علامه
مجلسی ره در بحار در باب زیارت آنجناب را از کامل الزیاره نقل کرده و آن جزو زیارت
طویله ابو حمزه ثمالی است و در آنجا نماز و زیارت پایین پا را ندارد و بعد از آن فرموده
که گذشت در زیارت عباس در زیارت کبیره که از شیخ مفید نقل شد مبسوط تر
از این و اصحاب در زیارت آنجناب نماز زیارت را ذکر کرده اند و اخبار خالی است از
این و از این جهت بعضی از معاصرین منع کرده اند نماز برای غیر معصوم چون در اخبار
تصریح نشده بکردن نماز برای زیارت غیر ایشان و لکن اگر نماز کند نه بقصد ورود
آن بخصوص بلکه بجهت اخبار عامه که وارد شده در هدیه فرستادن نماز و
صدقه و روزه و سایر افعال خیر برای انبیا و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین و مؤمنین و
مؤمنات و اینکه اینها داخل میشود برای ایشان در قبورشان و با آنها منتفع میشوند
باکی با آن نیست و کار نیکوئی کرده با آنکه مفید و غیر او رحمهم الله از او در کتب خود
ذکر کرده اند و شاید با ایشان خبری رسیده که بما نرسیده و خواهد آمد زیارت
جابر در اربعین که مشتمل است بر نماز زیارت و این فرمایش از مثل ایشان خالی
از تعجب نیست اولا آن زیارت کبیره که از شیخ مفید ره سابقا نقل کردند در
نماز زیارت آنجناب در آن مذکور است نص صریح است در این باب و احتمال
آنکه آن زیارت از تألیف آن شیخ یا دیگران باشد در اینجا نمیاید زیرا که عبارت

شیخ مفید ره در مزار چنانچه خود آن مرحوم در اول آن زیارت نقل کردند این
زیارة اخری له علیه السلام غیر مقیدة بوقت من الاوقات اذا وردت الخ) پس امر
بنماز در بالای سر امام علیه السلام خواهد بود و ثانیاً همین زیارت را محمد بن
المشهدی ره در مزار خود نقل کرده و در بحار نیز بآن نسبت داده و گذشت که در
اول مزار خود تصریح نموده که آنچه در این مزار ذکر میشود از زیارات و دعوات
همه آنها ماثور است از ائمه علیهم السلام بروایت ثقات و ثالثاً گذشت
فرموده حضرت صادق علیه السلام بروایت ابو حمزه ثمالی که چاره نیست از
کردن دو رکعت نماز نزد زیارت هر قبری و مثل آنجناب و شهداء که برای ایشان زیارات
مخصوصه وارد شده البته داخل در این عموم خواهند بود و در آنجا گذشت از
مزار محمد بن المشهدی ره در زیارت عیدین که در غیر آن نیز میشود خواند صریحاً
امر بنماز زیارت آنجناب و برای اثبات فعل مستحبی بیش از این محتاج نیست بدلیل
و تمسک بفعل جابر **و اما کیفیت** ایستادن در وقت
زیارت پس علامه مذکور بعد از کلام سابق فرموده بدانکه ظاهر این روایت
یعنی روایت کامل الزیارة جواز ایستادن نزد قبر آنجنابست بهر نحو که باشد
و اگر بقعه آنجناب در سابق مثل زمان ما بوده یعنی در حرم در رو برو نماز میشده
هر آینه ظاهر این خبر مواجهه آنجنابست وقت زیارت لکن ظاهر اصحاب
و عمل ایشان اینستکه سزاوار نیست در روز زیارت غیر معصوم رو برو شدن بلکه
سزاوار رو کردن بقبله است و ایستادن در پشت سر او و ندیدم در بیشتر
زیارات منقوله تصریحی باین مطلب بلی در زیارت مؤمنین مطلقاً وارد
شده استحباب استقبال قبله چنانچه خواهد آمد ولکن بعید نیست آنکه گفته

بیان من المؤلف رحمه الله

شود که چنانچه امتیاز دادند از سایر مؤمنین باین نیز باز اینکه مشتمل است بر مخاطبات
امتیاز داده باشند از سایر مؤمنین باینکه روبروی ایشان بایستند چنانچه
متعارف است در مکالمات و محاورات لکن در بعضی روایات منقوله امر شده
باستقبال قبله در وقت زیارت کردن بعضی از ایشان مثل علی بن الحسین
علیهما السلام چنانچه وارد شده از ناحیه مقدسه و مخیر بودن زائر در
هر جا که بخصوص نصی نرسیده اظهر است و این کلام نیز در غرابت مثل ما سبق است
اما اولا بجهة آنکه شیخ طوسی قده در تهذیب از مزار شیخ مفید ره همان زیارت
را در بحار از آن مزار و مزار محمد بن المشهدی نقل کرده ایشان نیز نقل کرده اند
و عبارت مزار در نسخ تهذیب چنین است بعد از خواندن زیارت
در حرم (ثم ادخل و انکب علی القبر و قل و انت مستقبل القبلة السلام علیک
ایها العبد الصالح الخ) پس داخل شو و بر قبر بیفت و بگو در حالتی که روی بقبله
کرده باشی و این صریح است در آنکه پشت سر ایستاده باید بود چنانچه در زیارت علی
بن الحسین و سایر شهداء علیهم السلام باید چنین کند چنانچه در زیارت
ناحیه مقدسه تصریح فرمودند که (اذا اردت زیارة الشهداء رضوان
الله علیهم فقف عند رجلی الحسین علیه السلام و هو قبر علی بن الحسین
صلوات الله علیهما فاستقبل القبلة بوجهك الخ) یعنی هرگاه خواهی زیارت
کنی شهداء را پس بایست نزد پاهای امام که آنجا قبر علی بن الحسین است
و روی کن بسوی قبله الخ) و نیز گذشت در زیارت اول رجب بروایت سید در
اقبال و مصباح الزائر که برو و بایست نزد قبر علی بن الحسین و بقبله و بگو
و ظاهرا از نسخه مزار ایشان فقره (و انت مستقبل القبلة) افتاده بود و

لکن جای ایراد هست که با کثرت مراجعه بکافی و تهذیب در این جلد چرا در
این محل مراجعه نفرمودند که چنین بفرمایند پس مکشوف شد که برای تخییر محلی
نماند بعد از بیرون رفتن آن دو بزرگوار و سایر شهداء از آن بجهت وجود نص
صریح و اتحاد حکم ایشان در این جهة با سایر مؤمنین خصوص مثل جناب سلمان فارسی
سلام الله علیه که سید بن طاوس در مصباح الزائر در اول زیارت آنجناب تصریح
نموده که رو بقبله میایستی و همچنین فاطمه دختر حضرت موسی بن جعفر
علیهما السلام در قم چنانچه در بحار از حضرت رضا علیه السلام روایت
کرده پس دیگر محلی نیست برای تخییر زیرا که همه داخل در مؤمنین اند که حکمشان
معلوم شده در اخبار اولا و اما ثانیا پس بر ناظر متتبع مخفی نیست که در بیشتر
زیارات مطلقه و مخصوصه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و سایر ائمه
علیهم السلام در کیفیت دخول و ایستادن برای خواندن زیارت تصریح فرمودند
که رو بایشان و پشت بقبله میکنی و در بسیاری از زیارات حضرت ابی عبد
الله علیه السلام مختصری یا مطولی از زیارت جناب ابی الفضل ذکر شده و ابدا
در آنها اشاره نشده و معلوم است از که بوضوح خود واگذاشتند و بهمان
دستور العملی که برای زیارت قبور مؤمنین مقرر فرمودند قناعت نمودند
و اگر امتیازی بود البته بان اشاره میکردند و اما ثالثا پس احتمال امتیازی که
دادند برای آنجناب بملاحظه امتیاز ایشان باین زیارات متضمن مکالمات
و مخاطبات بعد از چشم پوشیدن از ضعف آن بجهت شراکت جناب سلمان و
سیده فاطمه در این جهت و نداشتن این امتیاز با این حال در نهایت ضعف است
بجهت صدمه زدن بامتیازی دیگر که از جهات عدیده اولی است بمراعات و

حفظ آن امتیاز معصومست چه پیغمبر و چه امام صلوات الله علیهم از سایر مؤمنین بان حکم مخصوص چنانچه از همه آنها ممتاز مند در آنکه معصوم را غسل نمیدهد غیر معصوم علیه السلام و نماز نکند بر او غیر معصوم و مقدار خوابیدن جسد مبارک (و دفن نکند او را غیر معصوم) پیغمبر ما و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین از زمین اشرف است از کعبه معظمه باتفاق جمیع فقها چنانچه شهید ثانی در قواعد تصریح نموده پس حفظ این امتیاز و اختصاص اولی است و اخذ بملاحظه ادای حق امامت و ولایت که بر همه لازم و متحتم است

فصل سیم

در مختصری از تکلیف وارد در کاظمین و سر من رای و در آن چند مقام است

مقام اول

در آنچه متعلق بکاظمین است و زیارات آن حرم انور و بعضی مختص است بهر یک از آن دو بزرگوار و بعضی مشترک میان آن دو امام همام علیهما السلام و بعضی از هر یک از آنها در اینجا ذکر میشود **اما** مختص بحضرت امام موسی بن جعفر علیهما السلام پس شیخ مفید و محمد بن المشهدی و شهید اول رحمهم الله در مزارشان فرموده‌اند چون خواهی زیارت کنی آنجناب را در بغداد پس غسل کن برای زیارت و قصد کن مشهد شریف او را و بایست بر در حرم و اذن دخول بطلب و بهتر آنکه همان اذن دخولیکه در مقدمه کتاب ذکر کردیم بخوانید فرموده آنگاه داخل شود در حالتی که میگوئی

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَالسَّلَامُ عَلَى اَوْلِيَاءِ اللهِ

بعد از آن برو تا مقابل قبر حضرت موسی بن جعفر شوی پس چون ایستادی نزد قبر آنحضرت بگو

زیارت مخصوصہ حضرت موسیٰ بن جعفر

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا نُوْرَ اللّٰہِ فِیْ ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا
وَلِیَّ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا حُجَّۃَ اللّٰہِ اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا بَابَ اللّٰہِ
اَشْھَدُ اَنَّکَ قَدْ اَقَمْتَ الصَّلٰوۃَ وَاٰتَیْتَ الزَّکٰوۃَ وَاَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوْفِ وَنَھَیْتَ عَنِ الْمُنْکَرِ وَتَلَوْتَ الْکِتَابَ حَقَّ تِلَاوَتِہٖ
وَجَاھَدْتَ فِی اللّٰہِ حَقَّ جِھَادِہٖ وَصَبَرْتَ عَلَی الْاَذٰی
فِیْ جَنْبِہٖ مُحْتَسِبًا وَعَبَدْتَہٗ مُخْلِصًا حَتّٰی اَتَاکَ الْیَقِیْنُ
اَشْھَدُ اَنَّکَ اَوْلٰی بِاللّٰہِ وَبِرَسُوْلِہٖ وَاَنَّکَ ابْنُ رَسُوْلِ اللّٰہِ
حَقًّا وَاَبْرَءُ اِلَی اللّٰہِ مِنْ اَعْدَائِکَ وَاَتَقَرَّبُ اِلَی اللّٰہِ
بِمُوَالَاتِکَ اَتَیْتُکَ یَا مَوْلَایَ عَارِفًا بِحَقِّکَ مُوَالِیًا
لِاَوْلِیَائِکَ مُعَادِیًا لِاَعْدَائِکَ فَاشْفَعْ لِیْ عِنْدَ رَبِّکَ

پس خود را بر قبر بیفکن و بوسه کن و گونهای خود را بر او بگذار و بگرد از انجا و بیا بجانب سر و بایست و بگو

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا ابْنَ رَسُوْلِ اللّٰہِ اَشْھَدُ اَنَّکَ صَادِقٌ اَدَّیْتَ
نَاصِحًا وَقُلْتَ اَمِیْنًا وَمَضَیْتَ شَھِیْدًا لَمْ تُؤْثِرْ عَمًی عَلٰی
ھُدًی وَلَمْ تَمِلْ مِنْ حَقٍّ اِلٰی بَاطِلٍ صَلَّی اللّٰہُ عَلَیْکَ وَ
عَلٰی اٰبَائِکَ وَاَبْنَائِکَ الطَّاھِرِیْنَ

پس دو سورهٔ مطهره را در دو رکعت نماز زیارت بگذار
و بعد از این دو رکعت هر نماز که خواهی بکن پس آن سجده و بگو

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَعْتَمَدْتُ وَاِلَيْكَ قَصَدْتُ وَبِفَضْلِكَ رَجَوْتُ
وَقَبْرَ اِمَامِيَ الَّذِيْ اَوْجَبْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ زُرْتُ وَبِهِ اِلَيْكَ
تَوَسَّلْتُ فَبِحَقِّهِمُ الَّذِيْ اَوْجَبْتَ عَلٰى نَفْسِكَ اغْفِرْ لِيْ
وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِيْنَ يَا كَرِيْمُ

پس روی راست خود را بگذار و بگو

اَللّٰهُمَّ قَدْ عَلِمْتَ حَوَائِجِيْ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاقْضِهَا

پس روی چپ را بگذار و بگو اَللّٰهُمَّ قَدْ اَحْصَيْتَ ذُنُوْبِيْ فَبِحَقِّ
مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَاغْفِرْهَا وَتَصَدَّقْ
عَلَيَّ بِمَا اَنْتَ اَهْلُهُ

پس برگرد بسجده و بگو شکراً شکراً تا صد مرتبه پس از آن سر از سجده بردار و دعا کن
با نچه خواهی از برای هر که میخواهی و دوست میداری انزا

مؤلف گوید

سید جلیل علی بن طاوس قده در مصباح الزائر این صلوات بر انحضرت را که متضمن
شمه از فضائل و مناقب و عبادت و مصائب انجنابست بعد از زیارت
نقل کرده البته از خود از فیض خواندن ان محروم نکند

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَصَلِّ عَلٰى
مُوْسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَصِيِّ الْاَبْرَارِ وَاِمَامِ الْاَخْيَارِ وَعَيْبَةِ

الانوار ووارث السكينة والوقار والحكم والآثار الذي
كان يحيي الليل بالسهر الى السحر بمواصلة الاستغفار
حليف السجدة الطويلة والدموع الغزيرة والمناجات
الكثيرة والضراعات المتصلة الجميلة ومقر النهى
والعدل والخير والفضل والندى والبذل ومألف
البلوى والصبر والمضطهد بالظلم والمقبور بالجور
والمعذب في قعر السجون وظلم المطامير ذي الساق
المرضوض بحلق القيود والجنازة المنادى عليها بذل
الاستخفاف والوارد على جده المصطفى وابيه
المرتضى وامه سيدة النساء بارث مغصوب و
ولاء مسلوب وامر مغلوب ودم مطلوب وسم مشروب
اللهم وكما صبر على غليظ المحن وتجرع فيك غصص
الكرب واستسلم لرضاك واخلص الطاعة لك و
محض الخشوع واستشعر الخضوع وعادى البدعة
واهلها ولم يلحقه في شيء من اوامرك ونواهيك

لُومَهُ لائِمٍ صَلِّ عَلَيْهِ صَلوٰةً نامِيَةً مُنيفَةً زاكِيَةً تُوجِبُ
لَهُ بِها شَفاعَةَ أُمَمٍ مِنْ خَلْقِكَ وَقُرُونٍ مِنْ بَراياكَ وَبَلِّغْهُ
عَنّا تَحِيَّةً وَسَلاماً وَآتِنا مِنْ لَدُنْكَ فِي مُوالاتِهِ فَضْلاً
وَإِحْساناً وَمَغْفِرَةً وَرِضْواناً إِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَميمِ وَ
التَّجاوُزِ الْعَظيمِ بِرَحْمَتِكَ يا أَرْحَمَ الرّاحِمينَ

داما زیارت مخصوص حضرت امام محمد تقی علیه السلام پس در همان سه مزار شریف
مسطور است که چون متوجه شوی بسوی قبر ابی جعفر محمد بن علی الجواد علیهما السلام
که در پشت سر جد بزرگوار خود مدفون است و چون ایستادی نزد قبر آنحضرت پس بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وَلِيَّ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا حُجَّةَ اللهِ
اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا نُورَ اللهِ فِي ظُلُماتِ الْأَرْضِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
يَا بْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ آبائِكَ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَبْنائِكَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ وَعَلىٰ أَوْلِيائِكَ
أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ أَقَمْتَ الصَّلوٰةَ وَآتَيْتَ الزَّكوٰةَ وَأَمَرْتَ
بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتَلَوْتَ الْكِتابَ حَقَّ تِلاوَتِهِ
وَجاهَدْتَ فِي اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذىٰ فِي
جَنْبِهِ حَتّىٰ أَتاكَ الْيَقينُ أَتَيْتُكَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّكَ مُوالِياً

لاولیائك معاد بالاعدائك فاشفع لی عند ربك

پس ببوس قبر را و روی خود را بر قبر بنه پس دو رکعت نماز زیارت
گذار و بعد از آن دو رکعت هر نماز که خواهی بجا آر پس سر بسجده گذار و بگو

ارحم من اساء واقترف واستكان واعترف

پس روی راست خود را بگذار و بگو

ان كنت بئس العبد فانت نعم الرب

پس روی چپ خود را گذار و بگو

عظم الذنب من عبدك فليحسن العفو من عندك يا كريم

پس سر بر دار و بگو صد مرتبه شکراً شکراً پس برگرد و بنشین
سید بن طاوس فرموده صلوات بر آنحضرت را بعد از زیارت تعقیب ختم کرد

اللهم صل على محمد واهل بيته وصل على محمد بن
علي الزكي التقي والبر الوفي والمهذب الصفي هادي
الامة ووارث الائمة وخازن الرحمة وينبوع
الحكمة وقائد البركة وعديل القرآن في الطاعة
وواحد الاوصياء في الاخلاص والعبادة وحجتك
العليا ومثلك الاعلى وكلمتك الحسنى الداعي اليك
والدال عليك الذي نصبته علما لعبادك ومترجما
لكتابك وصادعا بامرك وناصرا لدينك وحجة على

خلقك ونور انخرق به الظلم وقدوة تدرك بها الهداية

وشفيعا تنال به الجنة اللهم وكما اخذ في خشوعه

لك حقه (حظه) واستوفى من خشيتك نصيبه فصل

عليه اضعاف ما صليت على ولي ارتضيت طاعته

وقبلت خدمته وبلغه منا تحية وسلاما وآتنا

في موالاته من لدنك فضلا واحسانا ومغفرة و

رضوانا انك ذو المن القديم والصفح الجميل

زیارت دیگر

که مخصوص بآنحضرتست شیخ صدوق ره در فقیه روایت کرده که چون خواهی زیارت کنی آنحضرت را
پس غسل کن و خود را پاکیزه نما و دو جامه پاک بپوش و بگو

اللهم صل على محمد بن علي الامام التقي النقي الرضي المرتضى

حجتك على من فوق الارض ومن تحت الثرى صلوة

كثيرة نامية زاكية متواصلة مترادفة متواترة

كافضل ما صليت على احد من اوليائك والسلام

عليك يا ولي الله السلام عليك يا نور الله في ظلمات الارض

اتيتك زائرا عارفا بحقك معاديا لاعدائك مواليا

لِاَوْلِیٰائِکَ فَاشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ

آنگاه حاجت خود را سؤال کن بعد از آن نماز کن در قبه که در آن قبر حضرت امام محمد تقی علیه السلام است چهار رکعت دو رکعت برای زیارت امام موسی کاظم علیه السلام و دو رکعت برای امام محمد تقی علیه السلام **مؤلف گوید** در سابق قبر مطهر حضرت کاظم علیه السلام از قبر حضرت جواد علیه السلام جدا و قبه و در علیحده داشت بعد از زیارت از آنجا بیرون می آمدند در قبه حضرت جواد علیه السلام میرفتند که از هم در و دیوار و سقف علیحده داشت **و اما** زیارت مشترکه میان دو امام همام علیهما السلام که از برای هر کدام علیحده باید خواند پس شیخ جلیل جعفر بن قولویه در کامل الزیارة از حضرت ابی الحسن یعنی امام علی نقی علیه السلام روایت کرده که در نزد هر کدام از آن دو امام علیه السلام چنین بگوید

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا وَلِیَّ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نُورَ اللّٰهِ فی ظُلُماتِ الْاَرْضِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ بَدا لِلّٰهِ فی شَأْنِهِ اَتَیْتُکَ زائِراً عارِفاً بِحَقِّکَ مُعادِیاً لِاَعْدائِکَ مُوالِیاً لِاَوْلِیائِکَ اِشْفَعْ لی عِنْدَ رَبِّکَ یا مَوْلایَ

و شیخ صدوق علیه الرحمه همین زیارت را در فقیه نقل کرده و فقرهٔ (اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَنْ بَدا لِلّٰهِ) را نقل نکرده و ثقة الاسلام نیز از امام مسنداً روایت کرده با اسقاط چند فقره ولکن فقرهٔ بدا را ذکر کرده و چون روایت کامل اکمل بود از آن ذکر نمودیم **و نیز** در کافی و کامل الزیاره زیارت جامعهٔ صغیرهٔ معروفه که سند آن دو غایت عتبا است برای هر یک از آن دو امام همام علیهما السلام نقل

کردند با تصریح باینکه خواندن آن در سایر مشاهد مشرفه نیز مجرب است و ما آن زیارت را چون
در اواخر خاتمه ذکر خواهیم نمود ان شاء الله اینجا ذکر نکردیم هر که طالب است از آنجا بخواند
و نیز در کتاب نجم ثاقب و رساله جنة المأوی قصه عجیبه نافعه از عدل ثقه
صالح تقی حاجی علی بغدادی که در سنه شرف ملاقات ولی عصر صاحب الزمان
صلوات الله علیه روزی او شده مشتملست بر معجزات بسیار و فواید جمیله بلا
واسطه از مومی الیه نقل کردیم و در آنجا مذکور است که حاجی علی مذکور در خدمت
آنجناب وارد صحن کاظمین شدند نزدیک غروب روز پنجشنبه پس از باب المراد که در
پایین پا است داخل رواق شدند بی اذن خواندن و در حرم مطهر ایستادند و بحاجی
فرمود اذن بخوان که حاجی چون نمیشناخت و عامی بود مستدعی شد که برای من بخوان
پس حضرت روحی له الفداء مشغول شدند بسلام باین نحو (اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا رَسُولَ
اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا اَمیرَ المُؤمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا فاطِمَةَ الزَّهْراءَ) و همچنین
بر هر یک از امامان باین اختصار تا بوالد بزرگوار امام حسن عسکری علیه السلام سلام
کردند و ساکت شدند پس باو فرمودند چون باینجا میرسی چه میگویی عرض کرد میگویم
(اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا صاحِبَ الزَّمانِ) آن فرمود (وَعَلَیْكَ السَّلامُ) و او ملتفت
نشد پس داخل در حرم شدند و مقابل قبر مطهر ایستادند و باو فرمودند زیارت
بخوان عرض کرد نمیدانم شما برای من بخوانید فرمود کدام زیارت را عرض کرد
بهترین زیارات را پس حضرت فرمود بهترین زیارات زیارت امین الله است
آنگاه برای او زیارت امین الله را خواندند باین قسم (اَلسَّلامُ عَلَیْکُما یا اَمینَیِ اللهِ
تا آخر و هر دو امام علیهما السلام را زیارت نمودند تا آخر حکایت که خواندن
آن دل را نورانی و چشم را روشن کند و چون این مقدار از آن مناسب مقام بود
بهمان قناعت کردیم

مقام دوم

و بالله المستعان

در بیان تکالیف و آداب و مناسک مؤمنین در بلده طیبه کاظمین و آن سه چیز است

اول رفتن بمسجد شریف براثا و نماز کردن در آن **دویم** رفتن ببغداد بجهت زیارت نواب اربعه نائب خاص حضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه

سیم رفتن بمداین بجهت زیارت سلمان محمدی علیه السلام **اما**

اول پس بدانکه مسجد براثا از مساجد شریفه معروفه متبرکه است و واقع شده در بین بغداد و کاظمین در راه زوار و غالبا از فیض آن محروم و اعتنائی بان ندارند با همه فضائل و اسباب شرافتی که برای آن ذکر نموده‌اند شیخ جلیل ابو علی پسر شیخ طوسی در امالی خود مسندا روایت کرده از حضرت امام باقر علیه السلام که فرمود چون حضرت امیر المؤمنین علیه السلام از جنگ خوارج نهروان برگشت گذشت بزوراء که محل شهر بغداد بوده است پس گفت بمردم که این زوراء است پس راه بروید و اجتناب کنید از داخل شدن آن که خسف و فرو رفتن بزمین بان نزدیکتر است از فرو رفتن میخ در میان سبوس و چون بموضع دیگر رسید پرسید که این چه موضع است گفتند بجرا است فرمود که این زمین شوره است بجانب راست این زمین میل کنید پس براهبی رسید که در صومعه خود بود بان راهب خطاب نمود که در اینجا فرود آیم راهب گفت که با لشکر خود در اینجا فرود میا فرمود که چرا راهب گفت در این موضع فرود نمی‌آید مگر پیغمبر یا وصی پیغمبر با لشکر خود که جهاد کند در راه خدا چنین خوانده‌ایم ما در کتابهای خود حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که من وصی پیغمبرم پس راهب از صومعه خود فرود آمد بسوی آن آنحضرت و عرض کرد که عرض کن بر من دین اسلام را و بگیر از من بیعتها

از آنکه من در انجیل وصف تو را خوانده ام و خوانده ام که فرود خواهی آمد
در زمین براثا که خانه حضرت مریم علیها السلام و زمین حضرت عیسی است
پس حضرت فرمود باایست و بما چیزی خبر ده که ما بهتر از تو میدانیم پس رفت بموضعی
از صحرا و امر کرد که خاک را دور کردند پس سنگی عظیم ظاهر شد پس رهبانی بر آن
سنگ دوا زیر آن چشمهٔ بزرگی ظاهر شد پس فرمود که این چشمه ایست که از
برای مریم علیها السلام ظاهر گردید پس هفده ذرع از آن چشمه دور شد و فرمود
که بشکافید این مکان را چون شکافتند سنگ سفیدی ظاهر شد فرمود که حضرت
مریم علیها السلام را حضرت عیسی ع از دوش خود گرفت و بر آن سنگ گذاشت
و در این موضع نماز کرد پس حضرت امیر المؤمنین علیه السلام آن سنگ را
نصب کرد و بسوی آن نماز کرد و چهار روز در آنجا ماند و حرم خود را در
موضعی فرود آورده بود که انقدر دور بود که اگر صدا زنند نتوان شنید پس فرمود
که این زمین براثا است این خانه مریم است این موضع مقدسی است که پیغمبران
در آن نماز کرده اند حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ما در کتب یافته
ایم که حضرت ابرهیم علیه السلام پیش از حضرت عیسی علیه السلام در این موضع نماز
کرده است و شیخ شهید اول در کتاب ذکری فرموده

از جمله مساجد شریفه مسجد براثا است که در غربی بغداد است و آن باقیست الی الآن و
من آن را دیدم و در آن نماز کردم و جماعتی روایت کرده اند از جابر انصاری که گفت
امیر المؤمنین علیه السلام با ما نماز کرد در مسجد براثا بعد از برگشتن از
جنگ خوارج و ما زیاده از صد هزار مرد بودیم پس نصرانی از صومعه
خود فرود آمد و پرسید که سرکرده این لشکر کیست ما اشاره بامیر المؤمنین

علیه السلام کردیم که این است پس نزد آنحضرت آمد و سلام کرد و گفت ای
سید من تو پیغمبری فرمود نه پیغمبر سید و آقای من است گفت پس تو وصی پیغمبری
فرمود بلی گفت من این صومعه را از برای این موضع بنا کرده ام که براثا نام
دارد و در کتب آسمانی خوانده ام که در این موضع با این جمعیت نماز نمیکند
مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری پس مسلمان شد و حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
باو فرمود که کی در اینجا نماز کرده است گفت حضرت عیسی و مادرش حضرت
فرمود که حضرت ابرهیم خلیل علیه السلام نیز در اینجا نماز کرده است

روایت است از جابر از انس بن مالک که چون امیرالمؤمنین علیه السلام
از جنگ خوارج برگشت در براثا فرود آمد و در آنجا راهبی در دیر خود
بود آن راهب چون آن لشکر را دید از دیر خود فرود آمد پرسید که سردار
لشکر کیست گفتند امیرالمؤمنین است و از جنگ اهل نهروان برگشته
است پس بخدمت حضرت شتافت و با ادب ایستاد و گفت اَلسَّلامُ عَلَیْکَ
یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ حَقّاً حَقّاً حضرت فرمود که چه میدانی من امیرالمؤمنینم
بحقیقت و راستی گفت چنین خبر داده اند رهبانان و دانایان ما حضرت
فرمود که ای حباب راهب گفت نام مرا چه میدانی فرمود که رسول خدا
صلی الله علیه و آله ما را چنین خبر داده حباب گفت دست دراز
کن که من شهادت میدهم بوحدانیت خدا و برسالت محمد صلوات الله
علیه و آله و شهادت میدهم که تو علی بن ابی طالبی و وصی آنحضرت فرمود
که در کجا میباشی گفت در این دیر میباشم فرمود که بعد از این اینجا مباش و
لکن در اینجا مسجدی بنا کن و باسم بنا کننده اش نام کن از آن پس بنا کرد آن مرد

که نامش براثا بود پس مسجد را براثا نام کرد و امیر المؤمنین ع از راهب پرسید
که از کجا آب میخوری گفت از دجله فرمود که چرا در اینجا چشمه یا چاهی نمیکنی گفت
یا امیر المؤمنین هر چاهی که کندیم آبش شور بود حضرت جائی را نشان داد
فرمود که اینجا چاهی بکن چون کند سنگ بزرگی ظاهر شد که نتوانستند کندن
از آن پس آنحضرت سنگ را کند و از زیرش چشمه ظاهر شد از عسل شیرین تر و
از کره لذیذ تر پس فرمود که ای حباب از این چشمه آب بخور ای حباب و دیر باشد
که در پهلوی مسجد تو شهری بنا شود که جباران در آن بسیار باشند و بلا و
فتنه در آن عظیم باشد حتی آنکه در هر شب جمعه هفتاد هزار فرج را بحرام
جماع کنند و مراد از آن شهر بغداد است **و ابن شهراشوب**
در مناقب مضامین این اخبار را باسانید متعدده نقل کرده و بعد از آن
روایت کرده که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام صیحه زد بآن چاه بزبان
عبرانی که نزدیک من بیا پس چون عبور کرد بمسجد در آنجا درخت عوسجی
بود که خار بسیار داشت پس شمشیر را کشید و خارها را از آن درخت
دور کرد و فرمود در اینجا قبر پیغمبریست از پیغمبران خداوند و امر فرمود آب
را که برگردد پس برگشت و با آنحضرت سیزده کس از اصحابش همراه بودند پس قبله را بخط
مستقیم درست کرد و بسوی آن نماز کرد **مؤلف گوید** از مجموع این
اخبار چند فضیلت برای این مسجد معلوم میشود که هر کدام در هر مسجدی
باشد سزاوار است که انسان منازل طی کند و بفیض نماز و دعای در آن مستفیض
و متبرک شود اول آنکه فرمود خداوند که در آن زمین فرود نیاید رئیسی با
لشکرش بجهت جهاد در راه خداوند و نماز نکند در آن جز پیغمبر یا وصی پیغمبر و

این را در کتب سماویه ثبت نمودن **دوم** آنکه خانه حضرت مریم بتول است
سیم آنکه زمین حضرت عیسی علیه السلام است **چهارم** بودن چشمه
که برای مریم علیها السلام ظاهر شده بود چنانچه خداوند تعالی میفرماید (قد
جعل ربک تحتک سریا) در اینجا **پنجم** ظاهر کردن امیر المؤمنین ع
این چشمه را که آبش لذیذ و گوارا بود باعجاز برای آن جماعت **ششم** بودن
سنگ سفید مبارک که مریم عیسی را بر آن گذاشت در اینجا **هفتم** بیرون آوردن حضرت
آن سنگ را از آنجا باعجاز و نماز کردن بسوی آن یعنی از اینجای دیواری قبلی محراب نماز
خود قرار داد و این سنگ مبارک مقدس هنوز موجود و در اینجا منصوب و
لکن مکرر جهال بیگانگان آنرا در آورده و در چاه میاندازند پس از اطلاع
باز بعضی مؤمنین آنرا در آورده نصب میکنند و چون بجهت غفلت و
بی اعتنائی شیعیان این مسجد عظیم الشان معمور و آباد نیست لهذا این سنگ
باقیست تا بکجا بکشد **هشتم** نماز کردن حضرت امیر المؤمنین و حضرت
مجتبی و سید الشهداء علیهم السلام در اینجا **نهم** توقف نمودن حضرت
در اینجا چهار روز بجهت شرافت مکان و مقدس بودن زمین **دهم**
نماز کردن پیغمبران خصوص حضرت خلیل الرحمن علیه السلام در اینجا یازدهم
بودن قبر پیغمبری از پیغمبران در اینجا **دوازدهم** بر گشتن آفتاب برای
حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در اینجا و این شرافت و فضائل و بروز آیات
الهیه و معاجز حیدریه در آن معلوم نیست از هزار نفر زائر یکی باینجا رود
با آنکه مکرر از پهلوی آن میگذرند و چون بیگانگان بجهت انتفاع جزئی در
مسجد را می بندند که از زوار دینی چند عوضی بگیرند اگر اتفاقا کسی باینجا برود

دادن آن جزئی مضایقه کنند برگردد وگاه شود برای محض تماشا کردن شهر بغداد
و عمارت جبارین مصر فنا کنند چه رسد بمصارف عظیمه مثبت فضول معاش
و امتعه مجه نجسه کفا که گرفتن آن از متممات زیارت بسیاری از زوار است
و در اینجا لازم است تنبیه بر امری و آن آنست که مشهور در نزد اصحاب و
مقتضای اخبار کثیره برگشتن آفتاب است برای حضرت امیر المؤمنین دو مرتبه
اول در حیاة حضرت رسول صلی الله علیه و آله در قریب مسجد قبا که
در آنجا مسجدی بنا کردند و آنرا مسجد رد شمس میگویند و مسجد فضیخ نیز گویند
و فضیخ اسم نخلی است که در آنجا بود و این از مساجدیست که مستحب مؤکد است
که حاجیها چون بمدینه طیبه مشرف شدند که بآنجا باید بروند و نماز
کنند و این مسجد الان سقف و دیواری ندارد **دوم** بعد از وفات
حضرت رسول صلی الله علیه و آله بعد از مراجعت از جنگ نهروان چون بخرا
شهر بابل رسیدند فرود آمدند و نماز ظهر را با اصحاب کردند پس کله
پوسیده در آنجا دیدند فرمودند جمجمه را حاضر کردند و از آن پرسید از
اسم و شغل و حالش پس اسم خود را گفت که یکی از عظمای ملوک جبارین بود
و شرح سلطنت و طغیان و عقوبات بعد از هلاک شدن خود را کلامی طولانی
عرض کرد پس موکب همایون از آنجا حرکت کرد و در عبور از فرات هم معجزات عجیبه
از آنحضرت بروز کرد که در کتب فضائل مسطور است و چون از فرات
گذشتند و بجهت طول کشیدن سخن جمجمه وقت تنگ شد بزمین شوره‌زار
رسیدند که روا نیست نبی یا وصی در آن نماز کند اصحاب را امر کردند بنماز و
خود بسرعت سیر کردند یک نفر یا دو نفر در خدمت آنحضرت بود چون از

زمین کن شتند فرود امدند تا وضو تجدید کردند افتاب غروب کرد و همه افق
را ابر گرفته بود پس افتاب را امر فرمودند بر گردد اطاعت کرد نماز عصر را بجای
اوردند و از محل نماز ظهر تا محل نماز عصر یکفرسخ است تقریبا و در ان دو محل شریف
که یکی محل نماز ظهر و بروز امر باهره سخن گفتن جمجمه بود با انحضرت و دومی که محل نماز
عصر و ظهور معجزه قاهره برگشتن افتاب بود برای انجناب دو مسجد بنا کردند اول
را مسجد جمجمه میگویند و دوم را مسجد رد شمس و چون در سنه ۴۹۸ شهر حله بنا شد
واتفاقا در جنب مسجد رد شمس واقع شد و امرا و ملوک و علما و اعیان ان بلد
غالبا از امامیه و مخلصین اهل بیت علیهم السلام بودند این مسجد همیشه
معمور و اباد و اگر گاهی خرابی بهم رسانده فورا اصلاح شده چنانچه در دو سال قبل الحال
خرابی پیدا کرد بهمت جناب مستطاب عمدة العلماء والسادة ومعدن العلم
والاحسان والفضل والسعادة سیدنا الامجد السید محمد خلف الصدق
سید الفقهاء وتاج العلماء صاحب المناقب الفاخرة السید مهدی القزوینی
الحلی که فعلا ریاست امور شرعیه بلکه انتظام بسیاری از امور عرفیه راجع
بوجود مبارک ایشان است مسجد را در نهایت صفا و اتقان اصلاح نمودند
حتی از حکومت عثمانیه بجهت مصارف ان اعانت نمودند واما مسجد
جمجمه چون در کناره افتاده و از عبور و مرور شیعیان دور و لهذا بمرور ایام متروک و مهجور
وخراب و ویران اندک اندک اسمش هم از میان رفت باانکه جماعتی از بزرگان علما
مثل ابن شهراشوب و قطب راوندی و ابن حمزه طوسی و غیرهم این مسجد شریف را
در باب معاجز و در باب فضائل و مساجد منسوبه بانحضرت ذکر کرده اند
وابن حمزه در ثاقب المناقب گفته که این مسجد تا حال که بسنه است باقیست

وحقیر سابقا شنیده بودم که در بالای حله در کنار فرات قریه ایست که از اجمجمه میگویند
وملتفت نشدم تا چندی نظرم باین موضع از کتب احادیث افتاد احتمال قوی
دادم که مسجد جمجمه همین قریه باشد لهذا در سال گذشته بعزم استکشاف این
مسجد شریف رفتم بحله اولاً از جناب سید سابق الذکر ایده الله جویا شدم
معلوم شد خود و سایر اعیان حله اصلاً از این مسجد خبری ندارند از قریه
جمجمه سؤال کردم گفتند قریه معموره ایست قریب هزار خانه دارد و همه شیعه
اند ولکن ملاکین آن اهل سنت و بغدادیند و در آنجا امام زاده است معروف
بعمران پسر جناب امیر علیه السلام و معروفست در آن اطراف میان شیعه و اهل سنت ببزرگی
و جلالت قدر و بروز کرامات و میگویند در جنگ نهروان مجروح شد در آنجا
وفات کرد باز مایوس نشدم و راه خود را بکربلای معلی بتوسط کشتی از آن طریق
قرار دادیم چون قریب بفرسخی آمدیم بآنجا رسیدیم قریه چنان بود که شنیدیم
و در شرقی شط واقع شده و از طرف شمال متصل است بخرابه شهر عظیم
بابل که بعضی فرنگیان باذن دولت علیه عثمانیه چند سال است با استعداد
آلات و عمله زیاد مشغول کشف شهر و در آوردن اشیاء قدیمه اند و قبه عمران
بین قریه و آن خرابها واقع شده پس از بعضی از اهل آنجا از مسجد پرسیدم
گفت جمجمه را میگوئی گفتم بلی و معلوم شد اسم اصلی آن را فهمیده گفت در
اخر باغات از طرف شرق و دور است و هوا گرم گفتم شد رحال در این سفر
بجهت دیدن او است پس دلیلی نماد چون بآنجا رسیدیم دیدیم در باغ آخر
قریه از طرف شرق در اخر آن باغ تلی است از خاک بشامل جای قبه و صحن معلوم
شد دو رکعت نماز کرده مراجعت کردیم والعجب که اسم این قریه را بجهت

مسجد جمجمه نامیدند و حال فرع باین معموری و آبادی و اصل باین خرابی و ویرانی
چون بنجف اشرف رسیدیم جناب سید معظم آیت الله را از صورت حال
اطلاع دادم و مستدعی کشف مسجد و مقدار مصرف لازمه آن شدم پس
باجماعتی از اعیان و اشراف حله با استاد و معمار که زیاده از پنجاه نفر بودند
بانجا رفتند و خاکها را برداشته اساس قبه و دیوار صحن مکشوف و معلوم
شد در نهایت اتقان بوده پیرمردان قریه حاضر شدند و آن پیرمردان سابق
سابق نقل کردند که قبه این مسجد را درک نموده‌اند و از مسلمات اهل آن قریه
است که اگر کسی از آجر آنجا بجهت خانه یا چاه که در کار شد میبازند بجهت
کشیدن آب که بزبان حالیه آن را چرد میگویند برد و ساخت هرد و خراب
شد لهذا احدی جرئت ندارد از آن چیزی بردارد و دو بیست لیره که قریب
هزار تومان میشود مصرف آنرا معین نمودند و بجهت بعد از اظهار مسرت
و تشکر پیدا شدن مسجد اطلاع دادند و حقیر نیز مشافهه و مکاتبه با اهل
خیر و ثروت اطلاع دادم و تحریص کردم و تعظیم این مشعر بزرگ خداوند را
که افتخار شیعه است بیان کردم بعضی ساکت و بعضی وعده دادند و اکنون
یکسال تمام است گذشته و دیناری از کسی دریافت نشده و عمده سبب
معروف نبودن حقیر است محل خوف و رجای امری که در این عصر مرسوم شده
ملاحظه آن در صرف وجوه بریه و اقدام در امور خیریه و این چند کلمه
را در این مقام بجهت آن نوشتم بامید آنکه شاید در بعضی از مطالعه کنندگان
اثری کند و عرق غیرت دینی و عصبیت مذهبی او را حرکت دهد تنها
یا باعانت و شراکت راغبین در خیر اقدام نموده این خانه خراب خداوند

داد و معماری امیر المؤمنین علیه السلام را معمور و سخنان محو شد که بود سبب
دارند و جماعت شیعه را مفتخر و سرافراز نماید و از زراعت با نضارت
الدّال علی الخیر کفاعله) خوشه نیز بدست جعفر افتد و چون معلوم شد که
آفتاب مطابق اخبار کثیره و مشهور بین امامیه دو مرتبه برای آنجناب
برگشت حال میگوئیم مطابق خبر آخر که از ابن شهر آشوب نقل نمودیم در مسجد براثا
نیز برگشت و این بنظر غریب نماید زیرا که در مقام بروز معجزه فرقی میان دو
مرتبه و ده و صد نیست و برای انحصار در دو نوبت وجهی نیست نهایت
آنکه دو مرتبه مشهور شد مثل جمله از معاجز و بعضی نشد بلکه بزرگان
اهل حدیث بیش از این نقل کردند شیخ جلیل ابن شهر آشوب در مناقب
و حسین بن جبر در نخب و غیر ایشان نقل کردند که آفتاب برگشت برای علی علیه السلام
زیاده از نوزده نوبت و در فصل اطاعت جمادات از آنحضرت در آن دو
کتاب بعد از نقل بسیاری از کتب عامه و خاصه مذکور است که برای ابو
الحسن بن شاذان بیان است یعنی کتابیست که نامیده آنرا بیان برای ردّ
شمس برای علی علیه السلام و ذکر کرده که آفتاب برای آنحضرت مکرر برگشته
(۱) قضیه که از سلمان ذکر کرده (۲) روز بساط (۳) روز خندق (۴) روز
حنین (۵) روز خیبر (۶) روز مر (۷) روز براثا (۸) روز غاضریه (۹)
روز نهروان (۱۰) روز بیعت رضوان (۱۱) روز صفین (۱۲) در نجف
اشرف (۱۳) در بنی مازن در بصره (۱۴) در وادی عقیق (۱۵) روز احد
(۱۶) کلینی روایت کرده برای حضرت در مسجد فضیخ مدینه و اما معروف
پس دو مرتبه است (۱۷) در حیاة پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم در کراع

الغیبه و بعد از وفات آنحضرت در بابل **دوم** از نگالیف وارد در ایام توقف
در مطیبه طیبه کاظمین و غیر بغداد است بقصد زیارت چهار نایب
خاص امام عصر صلوات الله علیه که اگر هر یک از آنها در بلاد بعید
بودند باید رنج سفر کشید و بفیض زیارت ایشان رسید زیرا که در میان
تمام اصحاب خاص ائمه علیهم السلام بزرگی و جلالت قدر ایشان کسی
نمیرسد قریب بهفتاد سال بمنصب سفارت و ساطت میان امام
علیه السلام و رعیت فایز شدند و بر دست ایشان کرامات بسیار
و خوارق عادات بیشمار جاری شد **نقل** کردند از بعضی علماء که قائل
بعصمت ایشان شده و ذکر فضائل و مناقب ایشان مناسب این کتاب
نیست ولکن بجهت ملتفت شدن نوع زوار از عام و خاص بجلالت
قدر ایشان و شوق کردن بزیارت قبور مقدسه ایشان اشاره بدو مطلب
میکنیم **اوّل** آنکه چنانچه آن بزرگواران در حیاة خود واسطه بودند
میان ولی عصر صاحب الزمان صلوات الله علیه و رعیت و از جمله مناصب
ایشان رساندن عرائض و رقعجات حاجت خلق بود بآن حضرت حال
نیز بهمان منصب مفتخرند و باید رقاع حاجت که در شدائد و سختیها
نوشته میشود بتوسط ایشان بآنحضرت برسد چنانچه در باب صورت
این عرایض که دستور العمل داده اند مذکور است که میروی نزد نهر یا غدیری و
قصد میکنی یکی از آن چهار شخص معظم را و میگوئی یا فلان بن فلان سلامٌ
عَلَیْکَ اَشْهَدُ اَنَّ وَفَاتَکَ فِی سَبِیلِ اللهِ وَ اَنَّکَ حَیٌّ عِنْدَ اللهِ مَرْزُوقٌ
وَ قَدْ خَاطَبْتُکَ فِی حَیٰوتِکَ الَّتِی لَکَ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ هٰذِهِ رُقْعَتِی وَ

حاجتی الی مولانا علیه السلام فسلمها الیه فانت الثقة الامین
پس این رقعه را در نهر یا چاه یا غدیر باید انداخت و حاصل معنی انکه ای
فلان بن فلان سلام بر تو باد گواهی میدهم که وفات تو در راه خدا بود
و بدرستی که تو زنده در نزد خدای عز و جل که تو را روزی میدهند
با تو مخاطبه میکنم در این زنده کانی که داری نزد خدای عز و جل و این رقعه حاجت
من است بسوی آقای ما علیه السلام پس انرا با نجناب برسان که تو ثقه
و امینی پس اگر فرض کنیم در یک وقت معین در بلاد های دور از یک
دیگر هزار هزار رقعه حوائج نوشته و در آب اندازند و یکنفر از آن چهار
را مخاطب کنند باید از عهده خدمت خود براید و بر عرض هر یک وا
و عریضه اش را بولی عصر علیه السلام برساند و این نشود مگر با علم
احاطه و قدرتیکه اندازه انرا جز خدای عز و جل کسی نداند **دوم**
انکه برای ایشان زیارت مخصوصه ایست که ما ثور است از نایب سیم
ابی القاسم حسین بن روح که البته از حضرت حجة صلوات الله علیه
و از ان ناحیه مقدسه باو رسیده چنانچه خود ابی القاسم در خبری
تصریح فرموده که انچه میگویم از انجا است و تا بسند نمیگویم و از این جهة
است که علامه مجلسی رحمه الله در کتاب زاد المعاد دعای معروف با فتتاح
الثنا را که در هر شب ماه مبارک رمضان باید خواند نسبت بحضرت صاحب
الامر علیه السلام داده و حال انکه در سند مذکور نیست جز انکه
راوی ان ابو عمرو محمد بن محمد بن نصر سکونی میگوید که از ابی بکر احمد
کردم که بیرون بیاورد برای من ادعیه ماه مبارک رمضان را که عموی

ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید العمری رضی الله عنه که نائب دوم است انرا
میخواند پس دفتری برای من در آورد که جلدش قرمز بود و من از ان ادعیه بسیاری
نسخه کردم که از جمله انها بود که میخواند این دعا را هر شب از ماه رمضان
که دعای این ماه را ملائکه میشنوند و برای صاحبش استغفار میکنند
و این دعا نیست (اَللّٰهُمَّ اِنّی اَفْتَتِحُ الثَّناءَ الخ) با انکه نسبت بامام
نداده از روی اتفاق نسبت داده و در ان کتاب فرموده و بسند معتبر
از حضرت صاحب الامر علیه السلام منقول است که بشیعیان نوشتند
که در هر شب ماه مبارک رمضان این دعا را بخوانند الخ و نیز در ان کتاب بعد
از ذکر اعمال روز فطر فرموده و در حدیث معتبر از حضرت صاحب الامر
علیه السلام منقول است که بعد از نماز صبح روز فطر این دعا را بخوانند اللهم
اِنّی تَوَجَّهْتُ اِلَیْکَ و حال انکه در سند مذکور نیست جز انچه در سند دعای
افتتاح مذکور است و از جمله این دعاها نیست که در ان دفتر جلد قرمز
بوده و ظاهر است که اختصاص دادن امام علیه السلام این جماعه را بزیارات
مخصوصه کاشف از جلالت قدر و علو مقام است و هم ترغیب و تحریص
و امر است بزیارت ایشان و این مقدار برای ترغیب زوار و شوق ایشان
بزیارت کردن این بزرگواران کافیست و اول ایشان ابو عمرو عثمان بن سعید
زیات [illegible] وکالت و نیابت از حضرت امام علی نقی و امام حسن عسکری
علیهما السلام نیز داشت در سنه ۲۲۵ بسفارت و نیابت امام عصر علیه السلام
سرفراز شد [illegible] و وفات کرد و قبرش در [illegible] است اگر
از بغداد [illegible] کنند [illegible] از کاظمین بانجا روند چون از کوچه سرای

و دار الحکومه بگذرند بکوچه دیگر بازارچه رسند در اوائل آن درب
دارد داخل شوند حیاط مختصری که در آن درخت بیداست و ایوان کوچکی که غالبا
در آن معلم اطفال مینشیند و در آنجا قبه مختصری است و قبر معظم در آنجا در
میان صندوقی است و چنانچه زائر بآنجا رفت بآن معلم چیزی بدهد
که برای تنظیف امکان شریف بلکه برای راهنمائی و باز کردن در قبر فواید
بسیاری دارد **دوم** ابو جعفر محمد بن عثمان بن سعید که در حدود سنه ۲۵۷
تاج نیابت بر سر گذاشت و قریب به پنجاه سال باین منصب عظیم مفتخر
بود و در سنه ۳۰۴ یا ۳۰۵ وفات کرد و قبر شریفش در نزدیک دروازه سلمان در
میان قبرستان شیعی با قبه عالیه و بنای محکم که در چند سال قبل بهمت
شیعیان آنجا بر پا شده و در آنجاها معروفست بشیخ خلانی چون در کنار ده
واقع شده و زائر غریب بی دلیل باید بپرسد پس سؤال کند از قبر شیخ
خلانی **سیم** ابو القاسم حسین بن روح بن بحر نوبختی از طایفه جلیله
نوبختیین که از خانواده معروف امامیه اند که اغلب ایشان از علمای متکلمین
و فضلای مؤلفین اند در سنه ۳۰۴ یا ۳۰۵ بمنصب نیابت سرافراز و در سنه ۳۲۶ وفات
کرد قبر شریفش در داخل کوچه در بسته ایست که از وسط بازار عطاران بآنجا داخل
میشود در میان خانه ایست که از قرار مذکور موقوفه است ولکن در سال
طاعون عظیم ارباب وقف از نشئه ملاک و وقفنامه مفقود شد لهذا بدست
دیگران افتاد بایست استیذان کرد و داخل شد ایوان و قبه و صندوق فی
باقیست و هنوز اهل خیری پیدا نشده این خانه را بخرد و صحن مختصر و چند
ایوانی و حوضی بسازد که منافع خیریه آن احصا ندارد علاوه بر تجلیل و

تعظیم صاحب آن قبر شریف زیرا که غالب زوار که شغل خرید وداد وستد
در بغداد دارند یا بزیارت این بزرگواران مشرف شوند محل استراحت
چند ساعتی بجهت خوردن غذا و انقضا شدت گرما و ظهر و نماز
لازم دارند و در بغداد برای شیعه چنین محلی نیست و غالبا خسته و گرسنه
و نماز نکرده در آخر وقت خود را بکاظمین میرسانند و اگر این محل
ساخته شود هزارها اعانت دینی و دنیوی و عرضی و جانی بهزارها
از زوار در هفته و ماه کرده میشود چه مصارفهای عظیم در وجوه خیریه
کرده میشود که جز صورت تعظیم شعائر و نشر اسم بانی فائده ندارد و از امثال این
خیرات جاریه و منافع متواتره غافل بجهت غرور و اعتماد بر عقل ناقص
خود و اعراض و مشورت نکردن از اهل دانش و بینش و از اینجا است
که در چند خبر شریف رسیده که میزان شناختن عقل آدمی دیدن محل
مصارف خیرات او است که بکی میدهد و در چه محل صرف میکند **چهارم**
ابوالحسن علی بن محمد السمری که آخر نواب است و در سنه ۳۲۶ بر مسند نیابت نشست
و در سنه ۳۲۹ دنیا را وداع کرد و روز وفات خود را معین کرد حسب توقیع
مبارک که شرف و زیبش رسیده بود و چون در وقت احتضار بزرگان
شیعه از نایب بعد از او سؤال کردند خبر داد که رشته نیابت منقطع
و ظلمت غیبت کبری عالم را فرو خواهد گرفت قبر شریفش نزدیک
محراب مسجدی بزرگ در میان حجرهٔ د بشباکی که از آن پنجره در میان بازار
هراج باز میشود و از این جهت بعضی همان خواندن فاتحه از مقابل
پنجره در بازار قناعت میکنند که اگر بنای زیارت شد با بیست اذن در

مسجد داخل شد و انجا رفت از قرار مسموع حجره از این وسیع تر بود در وقت بنای مسجد از ان کاهیده شد و بر این افزوده شد **و اما الفاظ زیارت** پس چنوی است که شیخ طوسی رحمه الله در تهذیب و سید جلیل علی بن طاوس در مصباح الزائر نسبت داده اند بابو القاسم حسین بن روح رضی الله عنه که فرمود که سلام میکنی بر رسولخدا صلی الله علیه و اله و بعد از او بامیر المؤمنین علیه السلام و خدیجه کبری و بر فاطمه زهراء سلام الله علیها و بر امام حسن و امام حسین و بر هر یک از ائمه علیهم السلام میشمری تا صاحب الزمان علیه السلام پس میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا فُلانَ بْنَ فُلانٍ اَشْهَدُ اَنَّکَ بابُ الْوَلِیِّ اَدَّیْتَ عَنْهُ وَاَدَّیْتَ اِلَیْهِ ما خالَفْتَهُ وَلا خالَفْتَ عَلَیْهِ قُمْتَ خاصّاً وَانْصَرَفْتَ سابِقاً جِئْتُکَ عارِفاً بِالْحَقِّ الَّذی اَنْتَ عَلَیْهِ وَاَنَّکَ ما خُنْتَ فِی التَّأْدِیَةِ وَالسِّفارَةِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ مِنْ بابٍ ما اَوْسَعَکَ وَمِنْ سَفیرٍ ما اَمَنَکَ وَمِنْ ثِقَةٍ ما اَمْکَنَکَ اَشْهَدُ اَنَّ اللهَ اخْتَصَّکَ بِنُورِهِ حَتّی عایَنْتَ الشَّخْصَ فَاَدَّیْتَ عَنْهُ وَاَدَّیْتَ اِلَیْهِ

پس میکردی و باز سلام میکنی بر رسولخدا تا صاحب الزمان صلوات الله علیهم انگاه میگو

جئتك مخلصاً بتوحيد الله وموالاة أوليائه والبراءة من أعدائهم ومن الذين خالفوك يا حجة المولى وبك إليهم توجهي إلى الله وتوسلي

پس دعا میکنی و هر چه میخواهی از خدا میطلبی که اجابت میشود انشاء الله تعالی

سیم از تکالیف مهمه زوار در کاظمین رفتن بمداین است بجهت زیارت سلمان علیه الرحمه که جلالت قدر و عظمت شانش بر همه معلوم و برای شوق زائرین و رغبتشان بزیارت آنجناب کافیست تامل در اختصاص و امتیازش در میان تمام صحابه و جمیع امت باینکه حضرت امیر المؤمنین علیه السلام باعجاز و طی الارض از مدینه بمداین تشریف آوردند و بدست مبارک او را غسل دادند و از کفنی که با خود آورده بودند او را کفن کردند و نماز کردند با صفوفی از ملائکه بر آنجناب و در قدیم الایام از بعضی فضلا شنیدم روایتی که مضمونش این بود اتمام الزیارة بزیارة سر من رأی و کمالها بزیارة سلمان در عراق بزیارت ائمه سر من رأی علیهم السلام زیارت تمام میشود و بزیارت سلمان کامل میشود و بعد از آنچه تفحص کردم اثری از آن نیافتم حتی در حدیث کتابی مثل خبر دیگر که شهرتی دارد در عراق و اصلی ندارد و در هیچ کتابی دیده نشده چنانچه از حضرت رضا علیه السلام نقل کنند که فرمود هر کس قدرت ندارد بزیارت من بیاید پس زیارت کند قاسم برادرم که در [illegible] که از توابع حله است مدفون است و اهل نجف را عقیده آنست که حضرت سید الشهدا علیه السلام فرمود که هر که نتواند بزیارت من بیاید در ایام زیارات مخصوصه معین مثل اول و نیمه رجب و نیمه شعبان و لیالی قدر و عیدین و عرفه و عاشورا و از

پس زیارت کند پسر عمم مسلم را در کوفه و لهذا در این ایام ازدحام عجیبی شود
در حرم جناب مسلم و برپا شود که در آن روز حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
را در نجف اشرف اصلاً زیارت نکنند و بجهت این خبر که تاکنون کسی از اصل آن
نشان نداده از فیض شریف آن روز خود را محروم نمایند بهرحال علو مقام
جناب سلمان اجل از آن است که برای ترغیب بزیارتش متمسک بامور واهیه
شد کافیست که شیخ طوسی قده در تهذیب بعد از زیارت ائمه علیهم السلام
و شهدا و نواب برای احدی زیارتی نقل نکرده جز برای آنجناب و عالم
جلیل شیخ خضر شلال در مزار خود فرموده سزاوار نیست ترک زیارت
سلمان ره با آنچه ذکر نموده از او در تهذیب از آنچه شکی نیست در روایت

زیارت سلمان ره

بود و از هر چند از امام فرموده بروایت نسبت نداده

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللهِ سَلْمَانُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَابِعَ
صَفْوَةِ اللهِ الرَّحْمٰنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ لَمْ يَتَمَيَّزْ مِنْ أَهْلِ
بَيْتِ الْإِيمَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ خَالَفَ حِزْبَ الشَّيْطَانِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَطَقَ بِالْحَقِّ وَلَمْ يَخَفْ صَوْلَةَ السُّلْطَانِ
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَنْ نَابَذَ عَبَدَةَ الْأَوْثَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا خَيْرَ مَنْ تَبِعَ الْوَصِيَّ زَوْجَ سَيِّدَةِ النِّسْوَانِ السَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا مَنْ جَاهَدَ فِي اللهِ مَرَّتَيْنِ مَعَ النَّبِيِّ وَالْوَصِيِّ أَبِي السِّبْطَيْنِ

السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَنْ صَدَّقَ فَکَذَّبَهُ اَقْوَامٌ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَنْ
قَالَ لَهُ سَیِّدُ الْخَلْقِ (الخلائق) مِنَ الْاِنْسِ وَالْجَانِّ اَنْتَ مِنَّا اَهْلَ الْبَیْتِ
لَا یُدَانِیکَ اِنْسَانٌ السَّلَامُ عَلَیْکَ یَا مَنْ تَوَلّٰی اَمْرَهُ عِنْدَ
وَفَاتِهِ اَبُو الْحَسَنَیْنِ السَّلَامُ عَلَیْکَ جُوزِیتَ عَنْهُ بِکُلِّ
اِحْسَانٍ السَّلَامُ عَلَیْکَ فَلَقَدْ کُنْتَ عَلٰی خَیْرٍ اِذْ بَانَ السَّلَامُ
عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ اَتَیْتُکَ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ زَائِرًا
قَاضِیًا فِیکَ حَقَّ الْاِمَامِ وَشَاکِرًا لِبَلَائِکَ فِی الْاِسْلَامِ
فَاَسْئَلُ اللّٰهَ الَّذِی خَصَّکَ بِصِدْقِ الدِّینِ وَمُتَابَعَةِ الْخَیِّرَیْنِ
الْفَاضِلَیْنِ اَنْ یُحْیِیَنِی حَیٰوتَکَ وَاَنْ یُمِیتَنِی مَمَاتَکَ وَیَحْشُرَنِی
مَحْشَرَکَ وَعَلٰی اِنْکَارِ مَا اَنْکَرْتَ وَمُنَابَذَةِ مَنْ نَابَذْتَ وَالرَّدِّ
عَلٰی مَنْ خَالَفْتَ اَلَا لَعْنَةُ اللّٰهِ عَلَی الظَّالِمِینَ مِنَ الْاَوَّلِینَ
وَالْاٰخِرِینَ فَکُنْ یَا اَبَا عَبْدِ اللّٰهِ شَاهِدًا لِی بِهٰذِهِ الزِّیَارَةِ
عِنْدَ اِمَامِی وَاِمَامِکَ جَمَعَ اللّٰهُ بَیْنِی وَبَیْنَکَ وَبَیْنَهُمْ فِی
مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ اِنَّهُ وَلِیُّ ذٰلِکَ وَالْقَادِرُ عَلَیْهِ اِنْشَاءَ
اللّٰهُ السَّلَامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَکَاتُهُ وَهُوَ قَرِیبٌ

مجیب و صلی الله علی خیرته من خلقه محمد و آله الطاهرین و سلم تسلیما کثیرا

مؤلف گوید

که سید جلیل علی بن طاوس ره در مصباح الزائر فرموده ذکر زیارتیکه مختص است بابی عبدالله سلمان فارسی رضوان الله علیه میایستی بر سر قبر او و رو بقبله میکنی میگوئی آنگاه سه زیارت نقل کرده و این زیارت مذکوره را زیارت چهارم قرار داده و در آخر فرموده آنگاه نماز میکنی نماز زیارت و آنچه خواهی بسیار دعا کن برای خود و برای مؤمنین و چون خواستی از زیارت آنجناب برگردی پس بایست نزد قبر او و برای وداع بگو

السلام علیک یا ابا عبدالله انت باب الله المؤتی منه و المأخوذ عنه اشهد انک قلت حقا و نطقت صدقا ودعوت الی مولای و مولاک اتیتک زائرا و حاجاتی لک مستودعا وها انا ذا مودعک استودعک دینی و امانتی و خواتیم عملی و جوامع املی الی منتهی اجلی و السلام علیک و رحمة الله و برکاته و صلی الله علی محمد و آله الاخیار

آنگاه خدا بتعالی را بسیار بخوان برگرد (مؤلف گوید) چون زائر اینجا مشرف شد و از زیارت فارغ شد دو تکلیف دیگر دارد اول نماز کردن در طاق کسری دو رکعت یا زیاده چون آنجا مصلی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام است چنانچه

خبر انزاد در نفس الرحمن و کتاب مستدرک ذکر کردم دوم زیارت کردن جناب
حذیفه که از بزرگان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و خاصان امیر المؤمنین
علیه السلام است و در میان صحابه مخصوص بود بشناختن منافقین و دانستن
نامهای ایشان و اگر در نماز جنازه کسی حاضر نمیشد خلیفه ثانی بر او نماز نمیکرد
و از جانب او سالها در مداین والی بود پس او را عزل کرد و جناب سلمان
والی آنجا شد و چون وفات کرد دوباره حذیفه والی آنجا شد و مستقر بود تا
نوبت خلافت بشاه ولایت علیه السلام رسید پس از مدینه رقمی مبارک
باو و فرمان همایونی باهل مداین صادر شد و از خلافت خود و استقرار
حذیفه در آنجا بنحویکه بود اطلاع دادند ولکن حذیفه بعد از حرکت آنحضرت
از مدینه بجانب بصره بجهة دفع شر اصحاب جمل و قبل از نزول موکب همایون
بکوفه وفات کرد و در همان مداین مدفون شد و در صحن آنجناب قبری
دیگر هست معلوم نیست کیست معروفست بقبر عبدالله انصاری و معروف
باین اسم دو نفرند یکی عبدالله بن حرام پدر جابر جلیل انصاری و او از شهدا
احد و با شهدا در آنجا مدفونست و دیگری عبدالله انصاری صوفی سنی صاحب
مناجاة معروف و قبر او نیز در هراة است و در جنب حرم جناب سلمان مسجد
جامع مداین است که منسوبست بحضرت امام حسن علیه السلام که از او ساخته
باد در آنجا نماز کرده از فیض دو رکعت نماز تحیه در آن محل شریف خود را محروم نکند
و در میان ضریح مقدس آنجناب ظرف آبخوری سفالی است کهنه خدام آن
آستانرا اعتقاد آنست که این ظرف از خود آنجنابست و در این طول سنین و
مرور ایام و حوادثات بی حساب سالم و از کرامت آنجناب باقی و از زهد

وقناعت از معظم باان بامت وولایت که داشت بیادگار مانده **مقام**

سیم در تکلیف زوار در حرم مطهر عسکریین علیهما السلم

مخفی نماند که از مطاوی اخبار و آثار خاصه وعامه اداب مخصوص برای دخول در
روضات مشرفه و حرمهای منوره معلوم میشود که علمای اعلام جمله از انهارا بترتیب ذکر
کرده اند و ما انشاء الله تعالی در فصل اینده بانها بنحو اختصار اشاره خواهیم
کرد و تمام قباب سامیه و عتبات عالیه در همه ان اداب شریکند و زائر در
تمام مشاهد بایست بقدر میشود انهارا بجای اورد اگر شایق است که بفیض ان
حرم شریف برسد جز یکی از ان اداب که برای بجا اوردن در حرم مطهر
عسکریین علیهما السلام مانعی پیدا شد که از امتثال ان امر الهی زائر معذور
است وان ایستادن نزد قبر مطهر است که حال ضریح منسوب بجای او است
خود را بان بچسباند یا نچسباند چنانچه شهید اول ره در کتاب دروس تصریح
کرده و فرموده توهم انکه دور ایستادن از ادبست وهم است بر انکه نص وارد
شده بر تکیه نمودن بر قبر و بوسیدن ان و اما ان مانع پس باین اشاره فرموده
عالم جلیل و فقیه نبیل صاحب کرامات باهره شیخ خضر شلال نجفی که
قبرش در کوچه سلام بنجف اشرف مقابل مزار عموم مجاورین و محل نذور و تبرکات
ایشان است در کتاب مزار که از اجزای شرح کبیر ان مرحوم است بر شرح لمعه
واین عین عبارات ایشان است بعد از ذکر زیارت و وداع ان دو امام همام
علیهما السلام (نعم لا ریب فی ارجحیة التاخر عن ضریح الهادی علیه السلام
بمقدار ذراع او ازید عند زیارته علیه السلام لما بلغنا انه مقدم علی ...

المنصوب فی عصرنا و یرشد الیه انی قد تشرفت بزیارته مع جماعة من العلماء والصلحاء وفیهم من یحمل العلم من العلویین فاخبرنی بما یقضی بتشویشه واضطرابه من انه وقف قریبا من الضریح المشرف مستدبر القبلة واذا بصوت من الضریح یأمره بالتنحی عن موقفه وما ذاک الا لذلک) حاصل ترجمه انکه شکی نیست در انکه ارجح در وقت زیارت حضرت هادی علیه السلام متاخر بودن از ضریح مبارکست بمقدار یک ذراع یا زیاده زیراکه بما رسیده که قبر مطهر پیش از ضریحی است که در عصر ما منصوبست بر ان قبر شریف و ان همان ضریح پولادی شاه سلطان حسین مرحوم است که در عصر ایشان تاکنون موجود است و تایید میکند این مقاله را که من با جماعتی از علما و صلحا بزیارت انحضرت مشرف شدیم و در میان ایشان بود انکه حامل علم بود از سادات علویین یعنی آیة الله بحر العلوم چنانچه قرائن عدیده بر ان دلالت کند و صریحا از فقیه عصر علامه دهر شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه شنیدم که مراد انمرحوم همان معظم است پس مرا خبر داد بچیزیکه ایشان را مشوش و مضطرب کرده بود باینکه نزد ضریح مقدس پشت بقبله ایستاده بود که ناگاه اوازی از ضریح مبارک بیرون امد که از انجاکه ایستاده بعقب رود و سببی برای دور شدن از ان مکان نیست مگر انکه انچه ذکر شد که قبر مطهر بیرون است از ضریح و هر کدام از این دو وجه خود کافیست برای رعایت ادب در ان حرم شریف و نزدیک نشدن بضریح که سبب شود برای هتک عظیم و ایستادن روی قبر منور انحضرت و اما تکلیف در انجا بعد از رعایت اداب دخول در حرمهای شریفه پس چهار چیز است **اول** زیارت دو امام علیهما السلام بعضی

زیارات خاصه بایشان که اصح آنها زیارتیست که در فقیه و تهذیب و کامل الزیارة و سایر مزارات موجود است و ما از لفظ کامل نقل میکنیم روایت کرده از بعض ائمه علیهم السلام که فرمود بعد از غسل کردن برو بشنود فرود در تهذیب فرموده بعد از غسل خود را پاکیزه کن و دو جامه پاک بپوش و بر در قبر بایست و بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا وَلِيَّيِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا حُجَّتَيِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا نُورَيِ اللهِ في ظُلُماتِ الْاَرْضِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُما يا مَنْ بَدَءَ اللهُ في شَأْنِكُما اَتَيْتُكُما زائِراً عارِفاً بِحَقِّكُما مُعادِياً لِاَعْدائِكُما مُوالِياً لِاَوْلِيائِكُما مُؤْمِناً بِما آمَنْتُما بِهِ كافِراً بِما كَفَرْتُما بِهِ مُحَقِّقاً لِما حَقَّقْتُما مُبْطِلاً لِما اَبْطَلْتُما اَسْئَلُ اللهَ رَبّي وَرَبَّكُما اَنْ يَجْعَلَ حَظّي مِنْ زِيارَتِكُما الصَّلوةَ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْ يَرْزُقَني مُرافَقَتَكُما فِي الْجِنانِ مَعَ آبائِكُمَا الصّالِحينَ وَاَسْئَلُهُ اَنْ يُعْتِقَ رَقَبَتي مِنَ النّارِ وَيَرْزُقَني شَفاعَتَكُما وَمُصاحَبَتَكُما وَيُعَرِّفَ بَيْني وَبَيْنَكُما وَلا يَسْلُبَني حُبَّكُما وَحُبَّ آبائِكُمَا الصّالِحينَ وَاَنْ لا يَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِكُما وَيَحْشُرَني مَعَكُما فِي الْجَنَّةِ بِرَحْمَتِهِ اَللّهُمَّ ارْزُقْني حُبَّهُما وَتَوَفَّني عَلى مِلَّتِهِما اَللّهُمَّ الْعَنْ

بینی [illegible]

٣ ويجمع بيني وبينكما في الجنة مزار شهيدها ومزاره من المشهد عنه

ظالمی آلِ محمّدٍ حقّهم وانتقم منهم اللّهمّ العن الاوّلین منهم والآخرین وضاعف علیهم العذاب وبلّغ بهم وباشیاعهم ومحبّیهم ومتّبعیهم اسفل درکٍ من الجحیم انّک علی کلّ شیءٍ قدیرٌ اللّهمّ عجّل فرج ولیّک وابن ولیّک واجعل فرجنا مع فرجهم یا ارحم الرّاحمین

وسعی میکنی در دعا کردن برای خود وپدر ومادر خود وهر دعا که خواهی بکن واگر تو نزدیک قبر ایشان بروی دو رکعت نماز در نزدیک قبر ایشان بکن واگر نتوانستی داخل در مسجد شو ودو رکعت نماز بکن وهر دعا که خواستی بکن که مستجابست واین مسجد در پهلوی خانه ایشانست وامام علی نقی وامام حسن عسکری علیهما السلام

در آن نماز میکردند

مؤلف گوید که شیخ محمّد بن المشهدی

وشهید وغیره این زیارت را در مزار خود نقل کردند با اختلاف جزئی وبعد از فی الجنّة برحمتک) فرمودند آنگاه برو وبیفت بر هر یک از دو قبر وقبر را ببوس وروی راست وچپ خود را بر قبر بگذار وبعد از آن سر خود را بردار وبگو (اللّهمّ ارزقنی حبّهم وتوفّنی علی ملّتهم) الخ وبعد از آن چهار رکعت نماز بگذار نزدیک سر وبعد از نماز زیارت هر قدر نماز که خواهی بگذار الخ ومستور نماند که این دو بزرگوار در خانه خود دفن شدند وبرای آن دری بود که گاهی باز میکردند وشیعیان داخل میشدند ودر نزد قبر زیارت میکردند وگاهی بسته بود واز بیرون مقابل شباکی که در دیوار مقابل قبر مطهر بود زیارت میکردند ودر صدد همین خبر زیارت مذکور است که غسل میکنی وبنزد قبر ایشان میروی

اگر توانی رفت و اگر نه اشاره میکنی بسلام مقابل شبکه که باز میشود بسوی قبرو حسین
زائر نماز زیارت خود را در مسجد بکند و چون بهمت موالیان آنخانه برداشته شد
و بجای آن رفته و حرم و رواق و ایوان ساخته شد آن مسجد داخل در حرم شد و الآن
معروف است که ایوان مستطیل که در صحن پشت سر عسکریین علیهما السلام متصل
است بر رواق همان مسجد مذکور است بهر حال زوار از این جهت آسوده شدند
و برای این دو بزرگوار زیارت مخصوصه بهر کدام و مشترک میان هر دو بزرگوار
در کتب مزار مذکور است اگر راغب شدند نسخه آن بسیار است ولکن
اگر زائر را حالی و مجالی و اقبالی باشد بسیار مناسبست که زیارت جامعه کبیره
معروفه یا غیر معروفه را که بیاید انشاء الله تعالی در فصل آینده بخواند چه
صدور این کلمات بلیغه دارای تمام مراتب اظهار بندگی و تذلل و اعتراف
بعظمت و جلالت ایشان از مصدر جلال حضرت هادی صلوات الله علیه است
دوم مکرر خواندن این دعای شریف را پیش از نماز زیارت و بعد از آن و در
هر حال چنانچه ابو علی پسر شیخ طوسی در امالی خود روایت کرده از منصوری که
گفت عرض کردم خدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام ای سید من مرا
دعائی تعلیم کن که بآن تقرب جویم بسوی خداوند عز و جل فرمود این دعائی است
که من بسیار میخوانم از او از خدا و خواستم که ناامید نکند کسی را که این دعا
را در روضه من میخواند و آن دعا این است (یا عُدَّتی عِنْدَ العُدَدِ وَیا رَجائی
وَالمُعْتَمَدُ وَیا کَهْفی وَالسَّنَدُ وَیا واحِدُ یا اَحَدُ وَیا قُلْ هُوَ اللهُ اَحَدُ
اَسْئَلُکَ اللّٰهُمَّ بِحَقِّ مَنْ خَلَقْتَهُ مِنْ خَلْقِکَ وَلَمْ تَجْعَلْ فی خَلْقِکَ
مِثْلَهُمْ اَحَداً صَلِّ عَلی جَماعَتِهِمْ وَافْعَلْ بی کَذا وَکَذا) و بجای این حاجات

العدة و نسخه
الفاعل نسخه

نسخه
احداً مثلهم

خود را بخواهد و سید در مصباح الزائر فرموده اند غار ابتدا بخوان سیم
زیارت کردن ملکه دنیا و آخرت و حامل خاتم ولایت نرجس خاتون مادر حضرت
قائم علیه السلام بانچه شیخ مفید و سید و شهید در مزار خود نقل کرده اند محمد بن المشهدی
در مزار خود فرموده که این زیارت را شخصی از اهل بحرین برای من خواند و شنیدم که امام عظیم را باتفاق
زیارت میفرموده اند و این زیارت اینست میایستی در پشت سر ضریح مقدس عسکریین علیهما السلام و میگوئی

اَلسَّلامُ عَلیٰ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ الصّادِقِ الأَمین
اَلسَّلامُ عَلیٰ اَمیرِ المُؤمِنینَ اَلسَّلامُ عَلَی الأَئِمَّةِ الطّاهِرینَ
الحُجَجِ المَیامینِ اَلسَّلامُ عَلیٰ والِدَةِ الإِمامِ وَالمُودَعَةِ اَسرارَ
المَلِكِ العَلّامِ وَالحامِلَةِ لِاَشرَفِ الأَنامِ اَلسَّلامُ عَلَیكِ
اَیَّتُهَا الصِّدّیقَةُ المَرضِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیكِ یا شَبیهَةَ اُمِّ موسیٰ
وَابنَةَ حَوارِیِّ عیسیٰ اَلسَّلامُ عَلَیكِ اَیَّتُهَا التَّقِیَّةُ النَّقِیَّةُ
اَلسَّلامُ عَلَیكِ اَیَّتُهَا الرَّضِیَّةُ المَرضِیَّةُ اَلسَّلامُ عَلَیكِ اَیَّتُهَا
المَنعُوتَةُ فِی الإِنجیلِ المَخطُوبَةُ مِن رُوحِ اللهِ الأَمینِ وَمَن
رَغِبَ فی وُصلَتِها مُحَمَّدٌ سَیِّدُ المُرسَلینَ وَالمُستَودَعَةُ اَسرارَ
رَبِّ العالَمینَ اَلسَّلامُ عَلَیكِ وَعَلیٰ آبائِكِ الحَوارِیّینَ اَلسَّلامُ
عَلَیكِ وَعَلیٰ بَعلِكِ وَوَلَدِكِ اَلسَّلامُ عَلَیكِ وَعَلیٰ رُوحِكِ وَ

بَدَنِكِ الطَّاهِرِ اَشْهَدُ اَنَّكِ اَحْسَنْتِ الْكَفَالَةَ وَ اَدَّيْتِ الْاَمَانَةَ
وَ اجْتَهَدْتِ فِي مَرْضَاتِ اللهِ وَ صَبَرْتِ فِي ذَاتِ اللهِ وَ حَفِظْتِ
سِرَّ اللهِ وَ حَمَلْتِ وَلِيَّ اللهِ وَ بَالَغْتِ فِي حِفْظِ حُجَّةِ اللهِ وَ
رَغِبْتِ فِي وُصْلَةِ اَبْنَاءِ رَسُولِ اللهِ عَارِفَةً بِحَقِّهِمْ مُؤْمِنَةً
بِصِدْقِهِمْ مُعْتَرِفَةً بِمَنْزِلَتِهِمْ مُبْصِرَةً بِاَمْرِهِمْ مُشْفِقَةً
عَلَيْهِمْ مُؤْثِرَةً هَوَاهُمْ وَ اَشْهَدُ اَنَّكِ مَضَيْتِ عَلَى بَصِيرَةٍ
مِنْ اَمْرِكِ مُقْتَدِيَةً بِالصَّالِحِينَ رَاضِيَةً مَرْضِيَّةً تَقِيَّةً
نَقِيَّةً زَكِيَّةً فَرَضِيَ اللهُ عَنْكِ وَ اَرْضَاكِ وَ جَعَلَ
الْجَنَّةَ مَنْزِلَكِ وَ مَاْوٰكِ فَلَقَدْ اَوْلَاكِ مِنَ الْخَيْرَاتِ وَ
مَا اَوْلَاكِ وَ اَعْطَاكِ مِنَ الشَّرَفِ بِمَا بِهِ اَغْنَاكِ فَهَنَّاكِ
اللهُ بِمَا مَنَحَكِ مِنَ الْكَرَامَةِ وَ اَمْرَاكِ (پھر اپنا سر اٹھا کر کہے)
اَللّٰهُمَّ اِيَّاكَ اعْتَمَدْتُ وَ لِرِضَاكَ طَلَبْتُ وَ بِاَوْلِيَائِكَ
اِلَيْكَ تَوَسَّلْتُ وَ عَلَى غُفْرَانِكَ وَ حِلْمِكَ اتَّكَلْتُ وَ بِكَ
اعْتَصَمْتُ وَ بِقَبْرِ اُمِّ وَلِيِّكَ لُذْتُ فَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ اٰلِ
مُحَمَّدٍ وَ انْفَعْنِي بِزِيَارَتِهَا وَ ثَبِّتْنِي عَلَى مَحَبَّتِهَا وَ لَا تَحْرِمْنِي

شفاعتها وشفاعة ولدها وارزقني مرافقتها واحشرني معها
ومع ولدها كما وفقتني لزيارة ولدها وزيارتها اللهم اني
اتوجه اليك بالائمة الطاهرين واتوسل اليك بالحجج
الميامين من آل طه ويس ان تصلي على محمد وآل محمد
الطيبين وان تجعلني من المطمئنين الفائزين الفرحين
المستبشرين الذين لا خوف عليهم ولا هم يحزنون واجعلني
ممن قبلت سعيه ويسرت امره وكشفت ضره وآمنت
خوفه اللهم بحق محمد وآل محمد صل على محمد وآل محمد
ولا تجعله آخر العهد من زيارتي اياها وارزقني العود
اليها ابدا ما ابقيتني واذا توفيتني فاحشرني في زمرتها
وادخلني في شفاعة ولدها وشفاعتها واغفر لي و
لوالدي وللمؤمنين والمؤمنات وآتنا في الدنيا حسنة
وفي الآخرة حسنة وقنا برحمتك عذاب النار والسلام
عليكم يا ساداتي ورحمة الله وبركاته

چهارم زیارت کردن حکیمه خاتون نه حلیه کرد السنة عوالم از شده و ۲ ن

خواتون

[illegible] زیارت حکیمه

معظمه جلیله نجیبه فاضله دختر امام محمد تقی و خواهر امام علی نقی و عمه امام
حسن عسکری علیهم السلام است و چهار امام را درک نموده و خدمت کرده و حضرت
امام علی نقی علیه السلام مکرمه نرجس خاتون را باو سپرد که معالم دین و احکام
شرع را باو بیاموزد و بآداب الهیه تربیت کند و بعد از وفات حضرت امام
حسن عسکری علیه السلام در ایام غیبت خود منصب سفارت داشت از جانب امام
عصر علیه السلام و عرایض خلق را بآنحضرت و توقیعات شریفه که از ناحیه مقدسه
صادر میشد بانها میرسانید مثل سایر نواب و مفتخر شد بقابله گری امام عصر صلوات
الله علیه و رسید که بامور ولادت آنجناب چنانچه عمه این معظمه حکیمه خاتون
دختر حضرت امام موسی کاظم علیه السلام مشرف شده بود بمنصب قابله گری
برادرش امام محمد تقی علیه السلام و این جلیله اول کسی است که بشرف دیدن
حضرت صاحب الزمان علیه السلام مشرف شد بعد از والده مکرمه اش
و اول کسیست که آنجناب را بوسید و در آغوش گرفت و بنزد پدر بزرگوارش
برد و باز بنرجس خاتون برگردانید و بالجمله در میان سادات علویه و بنات
هاشمیه از جهت فضایل و مناقب و عبادت و تقوی و علم ممتاز و بمحل اسرار
امامت سرافراز بود و علما تصریح کرده اند باستحباب زیارت این معظمه که
ضریح علیحده دارد و در پایین پا ملاصق بضریح عسکریین علیهما السلام است
و در کتب زیارت مخصوصه برای ایشان دیده نشده جز در حاشیه نسخه از مصباح
الزائر که ظاهرا جزو متن نبود لهذا نقل نکردیم پس زائر زیارت کند آنجلیله را
بزیارتیکه برای اولاد ائمه علیهم السلام در کتب مزار اصحاب مسطور است چنانچه
شهید اول در مزار آنرا در اینجا نقل کرده و ما در خاتمه آنرا ذکر خواهیم نمود انشا

الله تعالی و معروفست که در نزدیک قبر ایشان قبور جمله از سادات عظام است

مثل حسین پسر امام علی نقی علیه السلام و غیره

مقام چهارم

از فصل ششم در آداب دخول در سرداب مطهر و کیفیت زیارت ولی زمان صاحب
العصر و بقیة الله فی الارضین صلوات الله و سلامه علیه و قبل از شروع باید دو
امر تنبیه نمود **اول** آنکه این سرداب مطهر در السنه و در کتب مزار جمله از متاخرین
مشهور است بسرداب غیبت و آنچه در کتب مختصه و ابواب متعلقه بحالات
شریفه آنحضرت از ولادت تا ظهور موفور السرور تفحص کردم وجهی از برای این نام نیافتم
و سببی برای نامیدن آن بسرداب غیبت ندیدم بلکه کافه علما اهل سنت بمعاشر امامیه
در کتب خود نسبت میدهند که ایشان معتقدند که حضرت حجة بن الحسن
العسکری علیهما السلام در کودکی داخل در آن سرداب شد و مادرش نرجس خاتون
ایشان و نگاه میکرد تا از نظرش غایب شد و مقام آنحضرت تا کنون در همانجا است
و احدی در این طول مدت آنجناب را ندیده و در آنجا باقیست تا از آنجا بیرون آید
و ظهور نماید و دنیا را پر از عدل و داد گرداند و ما در چند سال قبل در رساله
کشف الاستار که در جواب شبهات بعضی از علما بغداد کرده در اصل ولادت
آنجناب کرده و آنها را در ضمن قصیده بنظم در آورده برای علما عتبات عالیه
فرستاده نوشتیم و مکشوف داشتیم که تمام آنچه نسبت داده اند بما در این مقام
افترا است و اصلا در کتب ما از هیچیک از آنها اثری نیست هر که خواست بآنجا
رجوع کند و از حال مولفات آنجماعت مطلع شود و تعجب نماید و در باب
معجزات آنحضرت قضیه از معتضد عباسی بطرق مختلفه موجود است
و خلاصه یکی از آنها آنکه بعد از وفات حضرت امام حسن عسکری علیهما السلام

سواران چند فرستاد بسامره که شب داخل در خانه آنحضرت بشوند و هر که را دیدند
بگیرند آنها رفتند شب داخل شدند و کسی را ندیدند و از سرداب صدای تلاوت
قرآن شنیدند بآنجا رفتند و باچه آبی دیدند و وسط آن حصیری مفروش و کسی
بر روی آن مشغول نماز است یکی از آنها نمو کرده خود را در آب انداخته غرق شد
و نزدیک بهلاکت رسید و رفقا نجاتش دادند دیگری چنین پس هراسان شدند و بنا
بر توبه و استغفار گذاشتند ابدا در این حالات اعتنائی بآنها نشد ما یوس سامرا رجعت
کردند و در شب معتضد را خبر کردند معتضد از ایشان عهد گرفت که این سر
را افشا نکنند و شاید سبب این باشد یا چیز دیگر که در دست ما نیست و هم
آنکه این سرداب مطهر داخل در خانه آن بزرگواران بود و راه دخول در آن سرداب از
قدیم قبل از بنا جدید و ساختن صحن و قبه و حرم از پشت سر نزدیک بقبر
نرجس خاتون بود و شاید حال در رواق باشد آنجا پایین میرفتند و دالان درازی
تاریکی داشت چون از آنجا میگذشتند بدر سرداب غیبت میرسیدند که
حال البته کاری شده و پنجره از آن بسمت عسکریین از طرف قبله باز میشود و در آن
در از وسط این سرداب باز میشود که حال کاشی دیوار بجای آن بشکل محرابی ساختند
و همه اعمال این سه امام علیهم السلام از آن جهت میشد و لهذا شهید اول قده در
مزار بعد از زیارت عسکریین علیهما السلام زیارت سرداب را ذکر کرده پس از
از زیارت حکیمه خاتون و نرجس خاتون را و در یکصد سال و چیزی قبل مؤید سلطنت
احمد خان دنبلی مبلغی خطیر اقدام کرد و صحن از دو امام را بنحویکه الان موجود است
جدا نمود و برای آن روضه و رواق و قبه عالیه بر پا نمود و برای سرداب مطهر صحن
علیحده و ایوانی و راهی و پله جدا و دهلیزی و سردابی مستقل برای زنها ساختند

چنانچه حال دیده میشود از راه اول پلّه‌ها و در سرداب بالمرّة مسدود شده و ثانی
از آنها نیست و محلی برای بجا آوردن بعضی از آداب وارده نمانده و لکن شبهه [illegible] جمله از زیارات
که اصل سرداب شریف است تغییر نکرده و امّا استیذان و خواندن اذن دخول پس
بحسب استقراء در همه زیارات و تصریح علما هر دو مکرر از اخبار مشهور شد دخول
در آن حرم از حرمهائیکه باشد بایست عنایت کرده و در آستانه الهی و خانهٔ پیغمبر
صلّی الله علیه و آله بی اذن نباید داخل شد امّا اذن دخول خاص باین سرداب مطهر
پس همان زیارت معروفه به (اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا خَلیفَةَ الله) است که در آخر
آن استیذان میشود و بایست از در سرداب پیش از پائین رفتن در پلّه‌ها خواند و چون
طولانی است و ما در هیچ مقام اذن دخول خاص یک امام را ذکر نکردیم و همان اذن دخول
عام که در مقدّمه گذشت قناعت نمودیم در اینجا هم چنین کردیم پس از استیذان و
دخول در سرداب مطهر زیارت کند آنحضرت را بآنچه خود دستور العمل داده‌اند
چنانچه شیخ جلیل احمد بن ابی طالب طبرسی در کتاب شریف احتجاج روایت کرده که
از ناحیه مقدّسه بیرون آمد بسوی محمّد حمیری بعد از جواب از مسائلی که از آنحضرت
سؤال کرده بود (بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ لَا لِأَمْرِهِ تَعْقِلُونَ وَلَا مِنْ أَوْلِیَائِهِ
تَقْبَلُونَ حِكْمَةٌ بَالِغَةٌ فَمَا تُغْنِی النُّذُرُ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَیٰ عِبَادِ اللهِ
الصَّالِحِینَ) هرگاه خواستید توجه کنید بوسیله ما بسوی خداوند تبارک و
تعالی و بسوی ما پس بگوئید چنانچه خداوند تبارک و تعالی فرموده

سَلَامٌ عَلیٰ آلِ یٰسٓ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا داعِیَ اللهِ وَرَبّانِیَّ آیاتِهِ
اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا بابَ اللهِ وَدَیّانَ دینِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ یا

خلیفة الله وناصر حقه السلام علیک یا حجة الله ودلیل ارادته

السلام علیک یا تالی کتاب الله وترجمانه السلام علیک فی آناء

لیلک واطراف نهارک السلام علیک یا بقیة الله فی ارضه

السلام علیک یا میثاق الله الذی اخذه ووکده السلام علیک

یا وعد الله الذی ضمنه السلام علیک ایها العلم المنصوب

والغوث والرحمة الواسعة وعدا غیر مکذوب السلام علیک

حین تقوم السلام علیک حین تقعد السلام علیک حین

تقرء وتبین السلام علیک حین تصلی وتقنت السلام

علیک حین ترکع وتسجد السلام علیک حین تهلل وتکبر

السلام علیک حین تحمد وتستغفر السلام علیک حین

تصبح وتمسی السلام علیک فی اللیل اذا یغشی والنهار

اذا تجلی السلام علیک ایها الامام المامون السلام علیک

ایها المقدم المامول السلام علیک بجوامع السلام اشهدک

یا مولای انی اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و

ان محمدا عبده ورسوله لا حبیب الا هو واهله واشهدک

والعلم المصبوب صح

یا مولای نسخه

اَنَّ عَلِیًّا اَمِیْرَ الْمُؤْمِنِیْنَ حُجَّتُهٗ وَالْحَسَنَ حُجَّتُهٗ وَالْحُسَیْنَ
حُجَّتُهٗ وَعَلِیَّ بْنَ الْحُسَیْنِ حُجَّتُهٗ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهٗ وَجَعْفَرَ
بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهٗ وَمُوْسَی بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتُهٗ وَعَلِیَّ بْنَ مُوْسٰی
حُجَّتُهٗ وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهٗ وَعَلِیَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهٗ وَالْحَسَنَ
بْنَ عَلِیٍّ حُجَّتُهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ حُجَّةُ اللّٰهِ اَنْتُمُ الْاَوَّلُ وَالْاٰخِرُ
وَاَنَّ رَجْعَتَكُمْ حَقٌّ لَا رَیْبَ فِیْهَا یَوْمَ لَا یَنْفَعُ نَفْسًا اِیْمَانُهَا لَمْ
تَكُنْ اٰمَنَتْ مِنْ قَبْلُ اَوْ كَسَبَتْ فِیْ اِیْمَانِهَا خَیْرًا وَاَنَّ الْمَوْتَ
حَقٌّ وَاَنَّ نَاكِرًا وَنَكِیْرًا حَقٌّ وَاَشْهَدُ اَنَّ النَّشْرَ حَقٌّ وَالْبَعْثَ
حَقٌّ وَاَنَّ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِرْصَادَ حَقٌّ وَالْمِیْزَانَ حَقٌّ وَ
الْحَشْرَ حَقٌّ وَالْحِسَابَ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقٌّ وَالْوَعْدَ
وَالْوَعِیْدَ بِهِمَا حَقٌّ یَا مَوْلَایَ شَقِیَ مَنْ خَالَفَكُمْ وَسَعِدَ
مَنْ اَطَاعَكُمْ فَاشْهَدْ عَلٰی مَا اَشْهَدْتُكَ عَلَیْهِ وَاَنَا وَلِیٌّ
لَكَ بَرِیْءٌ مِنْ عَدُوِّكَ فَالْحَقُّ مَا رَضِیْتُمُوْهُ وَالْبَاطِلُ مَا
اَسْخَطْتُمُوْهُ وَالْمَعْرُوْفُ مَا اَمَرْتُمْ بِهٖ وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَیْتُمْ عَنْهُ
فَنَفْسِیْ مُؤْمِنَةٌ بِاللّٰهِ وَحْدَهٗ لَا شَرِیْكَ لَهٗ وَبِرَسُوْلِهٖ وَبِاَمِیْرِ

الْمُؤْمِنِينَ وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ اَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ وَ

مَوَدَّتِي خَالِصَةٌ لَكُمْ دعا خوانیدو عقب این زیارت شکینند آمِينَ آمِينَ

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّيَ عَلٰى مُحَمَّدٍ نَبِيِّ رَحْمَتِكَ وَكَلِمَةِ نُورِكَ

وَاَنْ تَمْلَاَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ وَصَدْرِي نُورَ الْاِيمَانِ وَفِكْرِي

نُورَ النِّيَاتِ وَعَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ وَقُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ وَلِسَانِي نُورَ

الصِّدْقِ وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ وَبَصَرِي نُورَ

الضِّيَاءِ وَسَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ

عَلَيْهِمُ السَّلَامُ حَتّٰى اَلْقَاكَ وَقَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ

فَتُغَشِّيَنِي رَحْمَتُكَ يَا وَلِيُّ يَا حَمِيدُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حُجَّتِكَ

فِي اَرْضِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ وَالدَّاعِي اِلٰى سَبِيلِكَ وَ

الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَالثَّائِرِ بِاَمْرِكَ وَلِيِّ الْمُؤْمِنِينَ وَبَوَارِ الْكَافِرِينَ

وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ وَمُنِيرِ الْحَقِّ وَالنَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ

وَكَلِمَتِكَ التَّامَّةِ فِي اَرْضِكَ الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ وَالْوَلِيِّ

النَّاصِحِ سَفِينَةِ النَّجَاةِ وَعَلَمِ الْهُدٰى وَنُورِ اَبْصَارِ الْوَرٰى

وَخَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَارْتَدٰى وَمُجَلِّي الْعَمَاءِ الَّذِي يَمْلَاُ الْاَرْضَ

عدلاً وقسطاً كما ملئت ظلماً وجوراً انك على كل شيء قدير اللهم صل
على وليك وابن اوليائك الذين فرضت طاعتهم واوجبت
حقهم واذهبت عنهم الرجس وطهرتهم تطهيرا اللهم انصره
وانتصر به لدينك وانصر به اولياءك واولياءه وشيعته
وانصاره واجعلنا منهم اللهم اعذه من شر كل باغ وطاغ
ومن شر جميع خلقك واحفظه من بين يديه ومن خلفه و
عن يمينه وعن شماله واحرسه وامنعه من ان يوصل اليه
بسوء واحفظ فيه رسولك وآل رسولك واظهر به العدل
وايده بالنصر وانصر ناصريه واخذل خاذليه واقصم
قاصميه واقصم به جبابرة الكفر واقتل به الكفار و
المنافقين وجميع الملحدين حيث كانوا من مشارق الارض
ومغاربها برها وبحرها واملأ به الارض عدلاً واظهر
به دين نبيك محمد صلى الله عليه وآله واجعلني اللهم
من انصاره واعوانه واتباعه وشيعته وارني في آل محمد عليهم
السلام ما يأملون وفي عدوهم ما يحذرون اله الحق آمين يا

ذا الجلال و الاکرام **مؤلف گوید** یا ارحم الراحمین

در اینجا تنبیه بر چند امر لازم است اول آنکه مرکوز در اذهان کافهٔ شیعیان و
سیرهٔ مستمرهٔ ایشان است که در وقت زیارت آنحضرت چه در سرداب مطهر باشد
یا در سایر روضات ناضرات یا در غیر آنها از بلاد دور و نزدیک رو بقبله کنند و ظاهرا
مستندی در دست ندارند برای این عمل ولکن از بعضی مواضع میشود شاهدی برای آن
سیره تحصیل نمود اولا سید جلیل علی بن طاوس ره در اول زیارات آنحضرت بعد
از ذکر اذن دخول و امر بگفتن تکبیر و تهلیل و تسبیح و تحمید در وقت نزول سرداب فرموده
و چون مستقر شدی بآنجا پس بایست رو بقبله و بگو سلام الله الخ و بعد از آن سایر
زیارات را نقل کرده بدون این مقدمات و از این معلوم میشود که آنچه ذکر
نموده آداب عمومیه است برای زیارت در اینجا و ثانیا در مقام وداع آنحضرت
فرموده چون خواستی از آنجا مراجعت کنی پس برگرد بسرداب شریف و آنچه خواستی
نماز کن پس بایست رو بقبله و بگو الخ و ثالثا در یکی از توسلات بآنجناب که نماید دو
رکعت نماز کرده با سورهٔ انا فتحنا و اذا جاء نصر الله و بعد از آن زیارت کرده آنحضرت
را بزیارتیکه اول آن اینست سلام الله الکامل الخ و در هر جا میشود خواند
ایضا مذکور است پس برخیزد در حالتیکه روی بقبله کرده باشی و بگو سلام الله
الخ دوم آنکه در این زیارت شریفه ذکری از نماز زیارت نشده ولکن در مزار
کبیر بسند معتبر و در مصباح الزائر زیارت مذکوره را بنحو ابسط و در آخر
از دعای دیگر نقل کرده اند و در آنجا امر فرموده اند بنماز زیارت قبل از زیارت
وارد و آن دو رکعت است با سوره قل هو الله پس اگر این عمل را برای زیارتیکه ذکر
کردیم بکنند ظاهرا بجا و مناسبست و اگر نکردیم همان دو رکعت نماز زیارت کند

برای هر امام علیه السلام باید کرد قناعت کند سیما انکه بنای بر اختصار از ذکر زیارات دیگر کرده در ان عمل صفحه است چاره بینیت شیخ محمد المشهدی و سید علی بن طاوس بعد از ذکر اداب در سرداب نقل کرده اند که چون داخل در سرداب شدی دو رکعت نماز در صحن سرداب بکن و بگو

اَللّٰهُ اَکْبَرُ اَللّٰهُ اَکْبَرُ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ وَلِلّٰهِ الْحَمْدُ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِی هَدَانَا لِهٰذَا وَعَرَّفَنَا اَوْلِیَائَهُ وَاَعْدَائَهُ وَوَفَّقَنَا لِزِیَارَةِ اَئِمَّتِنَا وَلَمْ یَجْعَلْنَا مِنَ الْمُعَانِدِینَ النَّاصِبِینَ وَلَا مِنَ الْغُلَاةِ الْمُفَوِّضِینَ وَلَا مِنَ الْمُرْتَابِینَ الْمُقَصِّرِینَ اَلسَّلَامُ عَلٰی وَلِیِّ اللّٰهِ وَابْنِ اَوْلِیَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی الْمُدَّخَرِ لِکَرَامَةِ اَوْلِیَاءِ اللّٰهِ وَبَوَارِ اَعْدَائِهِ اَلسَّلَامُ عَلَی النُّورِ الَّذِی اَرَادَ اَهْلُ الْکُفْرِ اِطْفَائَهُ فَاَبَی اللّٰهُ اِلَّا اَنْ یُتِمَّ نُورَهُ بِکُرْهِهِمْ وَاَیَّدَهُ بِالْحَیَاةِ حَتّٰی یُظْهِرَ عَلٰی یَدِهِ الْحَقَّ بِرَغْمِهِمْ اَشْهَدُ اَنَّ اللّٰهَ اصْطَفَاکَ صَغِیرًا وَاَکْمَلَ لَکَ عُلُومَهُ کَبِیرًا وَاَنَّکَ حَیٌّ لَا تَمُوتُ حَتّٰی تُبْطِلَ الْجِبْتَ وَالطَّاغُوتَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِ وَعَلٰی خُدَّامِهِ وَاَعْوَانِهِ عَلٰی غَیْبَتِهِ وَنَأْیِهِ وَاسْتُرْهُ سَتْرًا عَزِیزًا وَاجْعَلْ لَهُ مَعْقِلًا حَرِیزًا وَاشْدُدِ اللّٰهُمَّ وَطْأَتَکَ عَلٰی مُعَانِدِیهِ وَاحْرُسْ مَوَالِیهِ وَزَائِرِیهِ اَللّٰهُمَّ کَمَا جَعَلْتَ قَلْبِی بِذِکْرِهِ مَعْمُورًا

الله اکبر نیز

فاجعل سلاحی بنصرتہ مشہورًا وان حال بینی وبین
لقائہ الموت الذی جعلتہ علی عبادک حتمًا واقدرت
بہ علی خلیقتک رغمًا فابعثنی عند خروجہ ظاہرًا من
حفرتی مؤتزرًا کفنی حتی اجاہد بین یدیہ فی الصف
الذی اثنیت علی اہلہ فی کتابک فقلت کانہم
بنیان مرصوص اللہم طال الانتظار وشمت
بنا الفجار وصعب علینا الانتصار اللہم ارنا وجہ
ولیک المیمون فی حیاتنا وبعد المنون اللہم انی
ادین لک بالرجعۃ بین یدی صاحب ہذہ البقعۃ
الغوث الغوث الغوث یا صاحب الزمان قطعت
فی صلتک الخلان وہجرت لزیارتک الاوطان واخفیت
امری عن اہل البلدان لتکون شفیعًا عند ربی (ربک) و
الی آبائک وموالی فی حسن التوفیق لی واسباغ النعمۃ
علی وسوق الاحسان الی اللہم صل علی محمد وال محمد
اصحاب الحق وقادۃ الخلق واستجب منی ما دعوتک

شمت بنا

واعطنی

وَاَعْطِنِي مَا لَمْ اَنْطِقْ بِهِ فِي دُعَائِي مِنْ صَلَاحِ دِينِي وَدُنْيَايَ
اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پس داخل در صفه شود و دو رکعت نماز گذارد و بگو

اَللّٰهُمَّ عَبْدُكَ الزَّائِرُ فِي فِنَاءِ وَلِيِّكَ الْمَزُورِ الَّذِي فَرَضْتَ طَاعَتَهُ
عَلَى الْعَبِيدِ وَالْاَحْرَارِ وَاَنْقَذْتَ بِهِ اَوْلِيَائَكَ مِنْ عَذَابِ
النَّارِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا زِيَارَةً مَقْبُولَةً ذَاتَ دُعَاءٍ مُسْتَجَابٍ
مِنْ مُصَدِّقٍ بِوِلَايَتِكَ غَيْرِ مُرْتَابٍ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ
بِهِ وَلَا بِزِيَارَتِهِ وَلَا تَقْطَعْ اَثَرِي مِنْ مَشْهَدِهِ وَزِيَارَةِ اَبِيهِ
وَجَدِّهِ اَللّٰهُمَّ اَخْلِفْ عَلَيَّ نَفَقَتِي وَانْفَعْنِي بِمَا رَزَقْتَنِي
فِي دُنْيَايَ وَآخِرَتِي لِي وَلِاِخْوَانِي وَاَبَوَيَّ وَجَمِيعِ عِتْرَتِي اَسْتَوْدِعُكَ
اللّٰهَ اَيُّهَا الْاِمَامُ الَّذِي يَفُوزُ بِهِ الْمُؤْمِنُونَ وَيَهْلِكُ عَلَى
يَدَيْهِ الْكَافِرُونَ الْمُكَذِّبُونَ يَا مَوْلَايَ يَا ابْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
جِئْتُكَ زَائِرًا لَكَ وَلِاَبِيكَ وَجَدِّكَ مُتَيَقِّنًا الْفَوْزَ بِكُمْ
مُعْتَقِدًا اِمَامَتَكُمْ اَللّٰهُمَّ اكْتُبْ هٰذِهِ الشَّهَادَةَ وَالزِّيَارَةَ
لِي عِنْدَكَ فِي عِلِّيِّينَ وَبَلِّغْنِي بَلَاغَ الصَّالِحِينَ وَانْفَعْنِي

بِحُبِّهِمِ یَا رَبَّ **مؤلف گوید** العَالَمِینَ

درمیان صفه مذکوره و سرداب مقدس شباکی است با دری از چوب ساج که از آن بامر احمد ناصر بالله عباسی در سنه ششصد و دوازده ساختند چنانچه صورت این با بعض آیات شریفه در کتیبه انجا مرقوم است وانچه از مشایخ دست بدست رسیده است که این صفه محل حوضی بود بجهت وضو گرفتن از بزرگواران در ان سرداب و پس از انکه بزرگواران که مزار و محل عبادت و دعا شد این صفه شریفه معین شده بود بجهت گذاشتن و انداختن عرایض و رقاع حاجات که شیعیان بحضرت صاحب الزمان صلوات الله علیه مینوشتند و بانجا میگذاشتند و هر وقت صلاح بود جواب عریضه از انجا یا از خارج بصاحبش میرسد چنانچه بعضی از حکایات انرا سید جلیل علی بن طاوس در اواخر کتاب فرج الهموم نقل کرده و بملاحظه این سیره و عادت در طرف راست در روسته شباک سوراخی بقدر انکه دست درمیان ان برود و رقعه را بیندازد گذاشتند که در طرف دیگر نظیر ندارد و هر کس تامل کند میداند که این سوراخ ساختن برای همین کار بود وان محل درمیان همه این سرداب امتیازی پیدا کرده در بزرگی و شرافت و احترام بوسیدن و استشفا بتربت ان تا انکه صحن وراه سرداب مطهر از ان صحن مقدس جدا شد و از غیر جنس برای ان خدمه پیدا شد و دیدند حرص و رغبت شیعیان را بان محل شریف و غلبه و استیلاء خود را بر ان غربا و زوار و نبی معین لهذا ان را دستگیر قرار دادند و باقسام حیل از انها فایده بردند و کم کم بدادن دیگ و خاک انرا بان بیچارگان و گرفتن چیزی مقداری از انجا گود شد و در چهل و هفت سال قبل از این که اول مشرف شدن حقیر بود بان استانه مبارکه گودی

انجا تا بدین پله رسیده بود و باز زیاد شد تا انکه زمانیکه شیخ عالم جلیل علامه
عصره شیخ عبد الحسین طهرانی طاب ثراه بجهت تذهیب گنبد مطهر و
اصلاح صحن منور بانجا مشرف شدند پس از مشاهده ان خرابی و زیاد
شدن در هر روز و خوف صدمه رسیدن باساس عمارت مقرر فرمودند انجا را پر
کردند تا بمقدار دو پله بنا الامانه و انرا با آجر و گچ محکم نمودند پس از وفات
ان مرحوم چون در سر مهاء ان جماعت و باش بجهت از بنا تخلی پیدا
شده و باره از بنا را خراب کردند و بداد زیارت و سنگ انجا بجهال
زوار و بردن عوام بی لجام کالانعام راد را انجا باسم تبرک تا ذاکر کسب خود
زار و نفع دادند و کم کم بمنزله چاهی شد و اسم انرا چاه صاحب الزمان کذا شتند
وجز مناسک زوار شد که چون بانجا روند از چاه صاحب الزمان
سؤال کنند و بانواع بی ادبی و جسارت خود را در میان چاه افکنند و مقدار
زیارت بردارند تمام این حرکات بی اصل و بی پا و خلاف ادب و احترام بلکه در
بعضی مواضع شبهه حرمت دارد و لکن دود جهل را دوائی جز پرسش از عالم با
تنبه و نهی عالم نیست و هر دو از میان رفته و بالله المستعان

چهارم انکه محل شریف سرداب علاوه بر دارائی شرافت از جهات
عدیده و بودن ان خانه سه امام علیهم السلام و طول مدت اقامت ان
بزرگواران در انجا با ان اعمال و عبادات و بروز ایات باهرات و توجه خاص
امام عصر بان محل چنانچه از شرف ملاقات جمعی از نیکبختان خدمت
انجناب در انجا معلوم میشود حسب تجربه بزرگان و سالکان طریق رشد
و هدایت از تضرع و انابت و دعا و استغاثه در ان محل شریف بفتوحات

خاصه و مقامات سامیه رسیدند حتی از آیة الله بحر العلوم سید مهدی طباطبائی
طاب ثراه معروفست که فرمودند آنچه داشتند بایشان رسیده بود از برکت اعمال
با مسجد سهله بود پس زائر دانا که بحال خرابی خود مطلع و بزحمت بسیار خود را بآنجا
رسانده فرصت غنیمت شمارد و تا تواند با سوز دل و حضور قلب در آنجا بگوید و بگرید
و بخواهد از کردار زشت خود معذرت جوید و آنچه داند بخواند و کمتر از خواندن بعض
دعاهای خاصه و اعمال وارده بمساجد نکند و ما در اینجا بچند امر از آن اشاره
میکنیم اول فرستادن صلوات بر آن وجود مبارک و تقدیم آن بر ذکر حاجات خود و برای آن اقسام
عدیده است و مختصر آن نحویکه سید جلیل ابن طاوس در مصباح الزائر فرموده این است

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَيْتِهِ وَصَلِّ عَلٰى وَلِيِّ الْحَسَنِ
وَوَصِيِّهِ وَوَارِثِهِ الْقَائِمِ بِاَمْرِكَ وَالْغَائِبِ فِي خَلْقِكَ وَ
الْمُنْتَظِرِ لِاِذْنِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَيْهِ وَقَرِّبْ بُعْدَهُ وَاَنْجِزْ وَعْدَهُ
وَاكْشِفْ عَنْ بَأْسِهِ حِجَابَ الْغَيْبَةِ وَاَظْهِرْ بِظُهُورِهِ صَحَائِفَ
الْمِحْنَةِ وَقَدِّمْ اَمَامَهُ الرُّعْبَ وَثَبِّتْ بِهِ الْقَلْبَ وَاَقِمْ
بِهِ الْحَرْبَ وَاَيِّدْهُ بِجُنْدٍ مِنَ الْمَلٰئِكَةِ مُسَوِّمِينَ وَسَلِّطْهُ عَلٰى
اَعْدَاءِ دِينِكَ اَجْمَعِينَ وَاَلْهِمْهُ اَنْ لَا يَدَعَ مِنْهُمْ رُكْنًا اِلَّا هَدَّهُ
وَلَا هَامًا اِلَّا قَدَّهُ وَلَا كَيْدًا اِلَّا رَدَّهُ وَلَا فَاسِقًا اِلَّا حَدَّهُ وَ
لَا فِرْعَوْنًا اِلَّا اَهْلَكَهُ وَلَا سِتْرًا اِلَّا هَتَكَهُ وَلَا عَلَمًا اِلَّا نَكَّسَهُ

وَلا سُلطاناً اِلّا کَبَتَّهُ وَلا رُمحاً اِلّا قَصَفتَهُ وَلا مِطرَداً اِلّا خَرَقتَهُ
وَلا مِنبَراً اِلّا اَحرَقتَهُ وَلا جُنداً اِلّا فَرَّقتَهُ وَلا سَیفاً اِلّا کَسَرتَهُ
وَلا صَنَماً اِلّا رَضَضتَهُ وَلا دَماً اِلّا اَرَقتَهُ وَلا جَوراً اِلّا اَبَدتَهُ
وَلا حِصناً اِلّا هَدَمتَهُ وَلا باباً اِلّا رَدَمتَهُ وَلا قَصراً اِلّا
اَخرَبتَهُ وَلا مَسکَناً اِلّا فَتَّشتَهُ وَلا سَهلاً اِلّا اَوطَئتَهُ وَلا
جَبَلاً اِلّا صَعِدتَهُ وَلا کَنزاً اِلّا اَخرَجتَهُ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

دوم خواندن این دعای شریف در آنجا مکرر چنانچه علما در ضمن اعمال آنجا ذکر کرده اند و در غیر آن مکان نیز وارد شده خواندن آن و این دعا مروی از حضرت صاحب الامر علیه السلام است و در نسخ آن فی الجمله اختلافی است و شیخ مفید و محمد بن المشهدی و شهید رحمهم الله تعالی آن را بعد از نماز زیارت آن حضرت در آنجا نقل کرده اند و موافق نسخه ایشان این است

اَللّٰهُمَّ عَظُمَ البَلاءُ وَبَرِحَ الخَفاءُ وَانکَشَفَ الغِطاءُ
وَضاقَتِ الاَرضُ وَمُنِعَتِ السَّماءُ وَاِلَیکَ یا رَبِّ المُشتَکیٰ
وَعَلَیکَ المُعَوَّلُ فِی الشِّدَّةِ وَالرَّخاءِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الَّذینَ فَرَضتَ عَلَینا طاعَتَهُم فَعَرَّفتَنا بِذٰلِکَ
مَنزِلَتَهُم فَرِّج عَنّا بِحَقِّهِم فَرَجاً عاجِلاً کَلَمحِ البَصَرِ اَو هُوَ
اَقرَبُ مِن ذٰلِکَ یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ یا عَلِیُّ یا مُحَمَّدُ اُنصُرانی فَاِنَّکُما ناصِرایَ

ولا شیطاناً الا

وَاکْفِیَانِی فَإِنَّکُمَا کَافِیَایَ یَا مَوْلَایَ یَا صَاحِبَ الزَّمَانِ الْغَوْثَ
الْغَوْثَ الْغَوْثَ أَدْرِکْنِی أَدْرِکْنِی أَدْرِکْنِی

سیّم

بجا آوردن نماز آن حضرت بجهت مطالب مهمّه و حوائج عظیمه و آن دو رکعت
است با سوره حمد و قل هو الله احد و چون در حمد بآیه مبارکه ایاک نعبد و ایاک
نستعین برسد صد مرتبه بگوید و بهتر آنکه تسبیح رکوع و سجود تسبیح کبری باشد
و آنرا هفت نوبت بگوید و بعد از نماز صد نوبت صلوات بفرستد و بعد از
آن دعای اَللّٰهُمَّ عَظُمَ الْبَلاءُ مذکور را بخواند آنگاه حاجت خود را بخواهد و
این نماز در هر وقت و در هر جا میتوان کرد ولکن در سحر شب جمعه و روز جمعه
مخصوصاً وارد شده و این نماز از اعمال نفیسه و کنوز خفیّه است که نباید از فوائد
خواندن آن غفلت نمود **چهارم** دعای معروف بدعای ندبه که آنرا شیخ جلیل محمد بن المشهدی
و رضی الدین علی بن طاوس و صاحب مزار قدیم نقل کردند از شیخ نبیل محمد بن علی بن ابی
قرّه که او از کتاب ابی جعفر محمد بن الحسین بن سفیان بزوفری این دعا را نقل نمود که مستحبست آنرا در
چهار عید خواندن و ما آنرا از مزار محمد بن المشهدی نقل میکنیم بجهة نکته لطیفه که بعد خواهیم گفت

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیمِ

اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِینَ وَصَلَّی اللّٰهُ عَلٰی سَیِّدِنَا مُحَمَّدٍ نَبِیِّهِ
وَآلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیمًا اَللّٰهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ عَلٰی مَا جَرٰی بِهِ
قَضَاؤُکَ فِی أَوْلِیَائِکَ الَّذِینَ اسْتَخْلَصْتَهُمْ لِنَفْسِکَ وَدِینِکَ
إِذَا اخْتَرْتَ لَهُمْ جَزِیلَ مَا عِنْدَکَ مِنَ النَّعِیمِ الْمُقِیمِ الَّذِی لَا

زَوالَ وَلا اضمِحلالَ بَعدَ اَن شَرَطتَ عَلَيهِمُ الزُّهدَ في زَخارِفِ
هٰذِهِ الدُّنيا الدَّنِيَّةِ وَزِبرِجِها فَشَرَطوا لَكَ ذٰلِكَ وَ
عَلِمتَ مِنهُمُ الوَفاءَ بِهِ فَقَبِلتَهُم وَقَرَّبتَهُم وَقَدَّمتَ لَهُمُ
الذِّكرَ العَلِيَّ وَالثَّناءَ الجَلِيَّ وَاَهبَطتَ عَلَيهِم مَلائِكَتَكَ
وَكَرَّمتَهُم بِوَحيِكَ وَرَفَدتَهُم بِعِلمِكَ وَجَعَلتَهُمُ
الذَّرايِعَ اِلَيكَ وَالوَسيلَةَ اِلىٰ رِضوانِكَ فَبَعضٌ اَسكَنتَهُ
جَنَّتَكَ اِلىٰ اَن اَخرَجتَهُ مِنها وَبَعضٌ حَمَلتَهُ في فُلكِكَ
وَنَجَّيتَهُ وَمَن آمَنَ مَعَهُ مِنَ الهَلَكَةِ بِرَحمَتِكَ وَبَعضٌ اتَّخَذتَهُ
خَليلاً وَسَئَلَكَ لِسانَ صِدقٍ فِي الآخِرينَ فَاَجَبتَهُ
وَجَعَلتَ ذٰلِكَ عَلِيّاً وَبَعضٌ كَلَّمتَهُ مِن شَجَرَةِ العِلمِ تَكليماً
وَجَعَلتَ لَهُ مِن اَخيهِ رِدءً وَوَزيراً وَبَعضٌ اَولَدتَهُ
مِن غَيرِ اَبٍ وَآتَيتَهُ البَيِّناتِ وَاَيَّدتَهُ بِروحِ القُدُسِ
وَكُلّاً شَرَعتَ لَهُ شَريعَةً وَنَهَجتَ مِنهاجَهُ وَتَخَيَّرتَ
لَهُ اَوصِياءَ مُستَحفِظاً بَعدَ مُستَحفِظٍ مِن مُدَّةٍ اِلىٰ مُدَّةٍ
اِقامَةً لِدينِكَ وَحُجَّةً عَلىٰ عِبادِكَ وَلِئَلّا يَزولَ الحَقُّ عَن مَقَرِّهِ

وَيَغْلِبَ الْبَاطِلُ عَلٰى اَهْلِهٖ وَلَا يَقُوْلَ اَحَدٌ لَوْلَا اَرْسَلْتَ
اِلَيْنَا رَسُوْلًا مُنْذِرًا وَاَقَمْتَ لَنَا عَلَمًا هَادِيًا فَنَتَّبِعَ
اٰيَاتِكَ مِنْ قَبْلِ اَنْ نَذِلَّ وَنَخْزٰى اِلٰى اَنِ انْتَهَيْتَ بِالْاَمْرِ
اِلٰى حَبِيْبِكَ وَنَجِيْبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ فَكَانَ
كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدَ مَنْ خَلَقْتَهُ وَصَفْوَةَ مَنِ اصْطَفَيْتَهُ وَ
اَفْضَلَ مَنِ اجْتَبَيْتَهُ وَاَكْرَمَ مَنِ اعْتَمَدْتَهُ قَدَّمْتَهُ عَلٰى
اَنْبِيَائِكَ وَبَعَثْتَهُ اِلَى الثَّقَلَيْنِ مِنْ عِبَادِكَ وَاَوْطَاْتَهُ مَشَارِقَكَ
وَمَغَارِبَكَ وَسَخَّرْتَ لَهُ الْبُرَاقَ وَعَرَجْتَ بِهٖ اِلٰى سَمَائِكَ
وَاَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا يَكُوْنُ اِلَى انْقِضَاءِ خَلْقِكَ ثُمَّ نَصَرْتَهُ
بِالرُّعْبِ وَحَفَفْتَهُ بِجَبْرَئِيْلَ وَمِيْكَائِيْلَ وَالْمُسَوِّمِيْنَ مِنْ
مَلٰٓئِكَتِكَ وَوَعَدْتَهُ اَنْ تُظْهِرَ دِيْنَهُ عَلَى الدِّيْنِ كُلِّهٖ وَلَوْ
كَرِهَ الْمُشْرِكُوْنَ وَذٰلِكَ بَعْدَ اَنْ بَوَّاْتَهُ مُبَوَّاَ صِدْقٍ مِنْ اَهْلِهٖ
وَجَعَلْتَ لَهُ وَلَهُمْ اَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِيْ بِبَكَّةَ
مُبَارَكًا وَهُدًى لِلْعَالَمِيْنَ فِيْهِ اٰيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَقَامُ اِبْرٰهِيْمَ
وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ اٰمِنًا وَقُلْتَ اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ

الرِّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً ثُمَّ جَعَلْتَ اَجْرَ مُحَمَّدٍ
صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَوَدَّتَهُمْ فِي كِتَابِكَ فَقُلْتَ قُلْ لَا
اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْراً اِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى وَقُلْتَ مَا سَئَلْتُكُمْ
عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ وَقُلْتَ مَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ اَجْرٍ
اِلَّا مَنْ شَاءَ اَنْ يَتَّخِذَ اِلَى رَبِّهِ سَبِيلاً فَكَانُوا هُمُ السَّبِيلَ اِلَيْكَ
وَالْمَسْلَكَ اِلَى رِضْوَانِكَ فَلَمَّا انْقَضَتْ اَيَّامُهُ اَقَامَ وَلِيَّهُ
عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمَا وَآلِهِمَا هَادِياً اِذْ
كَانَ هُوَ الْمُنْذِرَ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ فَقَالَ وَالْمَلَاُ اَمَامَهُ مَنْ
كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ اَللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَعَادِ مَنْ
عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ وَقَالَ مَنْ كُنْتُ
اَنَا وَلِيَّهُ فَعَلِيٌّ اَمِيرُهُ وَقَالَ اَنَا وَعَلِيٌّ مِنْ شَجَرَةٍ وَاحِدَةٍ
وَسَائِرُ النَّاسِ مِنْ اَشْجَارٍ شَتَّى وَاَحَلَّهُ مَحَلَّ هَارُونَ مِنْ
مُوسَى فَقَالَ اَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى اِلَّا اَنَّهُ لَا
نَبِيَّ بَعْدِي وَزَوَّجَهُ ابْنَتَهُ سَيِّدَةَ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَاَحَلَّ
لَهُ مِنْ مَسْجِدِهِ مَا حَلَّ لَهُ وَسَدَّ الْاَبْوَابَ اِلَّا بَابَهُ ثُمَّ اَوْدَعَهُ

عِلْمِهِ وَحِكْمَتِهِ فَقَالَ اَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَعَلِيٌّ بَابُهَا فَمَنْ اَرَادَ
الْحِكْمَةَ فَلْيَأْتِهَا مِنْ بَابِهَا ثُمَّ قَالَ اَنْتَ اَخِي وَوَصِيِّي وَوَارِثِي
لَحْمُكَ لَحْمِي وَدَمُكَ مِنْ دَمِي وَسِلْمُكَ سِلْمِي وَحَرْبُكَ حَرْبِي
وَالْاِيمَانُ مُخَالِطٌ لَحْمَكَ وَدَمَكَ كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَدَمِي وَاَنْتَ
غَدًا عَلَى الْحَوْضِ مَعِي وَاَنْتَ خَلِيفَتِي وَاَنْتَ تَقْضِي دَيْنِي وَ
تُنْجِزُ عِدَاتِي وَشِيعَتُكَ عَلَى مَنَابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْيَضَّةً وُجُوهُهُمْ
حَوْلِي فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي وَلَوْلَا اَنْتَ يَا عَلِيُّ لَمْ يُعْرَفِ
الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي فَكَانَ بَعْدَهُ هُدًى مِنَ الضَّلَالِ وَنُورًا
مِنَ الْعَمَى وَحَبْلَ اللهِ الْمَتِينَ وَصِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ لَا يُسْبَقُ
بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَلَا بِسَابِقَةٍ فِي دِينٍ وَلَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبَةٍ
مِنْ مَنَاقِبِهِ يَحْذُو حَذْوَ الرَّسُولِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِمَا وَ
آلِهِمَا وَيُقَاتِلُ عَلَى التَّأْوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللهِ لَوْمَةُ لَائِمٍ
قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَنَادِيدَ الْعَرَبِ وَقَتَلَ اَبْطَالَهُمْ وَنَاهَشَ
ذُؤْبَانَهُمْ وَاَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ اَحْقَادًا بَدْرِيَّةً وَخَيْبَرِيَّةً
وَحُنَيْنِيَّةً وَغَيْرَهُنَّ فَاَضَبَّتْ عَلَى عَدَاوَتِهِ وَاَكَبَّتْ عَلَى

ذُؤْبَانَهُمْ

منابذته حتى قتل الناكثين والقاسطين والمارقين ولما
قضى نحبه وقتله أشقى الآخرين يتبع أشقى الأولين لم يمتثل
أمر الرسول صلى الله عليه وآله في الهادين بعد الهادين و
الأمة مصرة على مقته مجتمعة على قطيعة رحمه وإقصاء
ولده إلا القليل ممن وفى لرعاية الحق فقتل من قتل وسبي
من سبي وأقصي من أقصي وجرى القضاء لهم بما يرجى له
حسن المثوبة إذ كانت الأرض لله يورثها من يشاء من
عباده الصالحين والعاقبة للمتقين وسبحان الله إن
كان وعد ربنا لمفعولا ولن يخلف الله وعده وهو
العزيز الحكيم فعلى الأطائب من أهل بيت محمد وعلي
صلى الله عليهما وآلهما فليبك الباكون وإياهم فليندب
النادبون ولمثلهم فلتذر الدموع وليصرخ الصارخون
ويضج ويعج الجازعون أين الحسن أين الحسين أين أبناء
الحسين صالح بعد صالح وصادق بعد صادق أين
السبيل بعد السبيل أين الخيرة بعد الخيرة أين الشموس

فلتذرف نسخه

ويضج الضاجون ويعج العاجون نسخه

الطّالعة و قواعد العلم این الاقمار المنیرة این الانجم

الزّاهرة این اعلام الدّین و قواعد العلم این بقیّة اللّه

الّتی لا تخلو من العترة الهادیة این المعدّ لقطع دابر

الظّلمة این المنتظر لاقامة الامت والعوج این المرتجی

لازالة الجور والعدوان این المدّخر لتجدید الفرائض

والسّنن این المتخیّر لاعادة الملّة والشّریعة این

المؤمّل لاحیاء الکتاب و حدوده این محیی معالم الدّین

واهله این قاصم شوکة المعتدین این هادم ابنیة

الشّرک والنّفاق این مبید اهل الفسوق والعصیان این

حاصد فروع الغیّ والشّقاق این طامس آثار الزّیغ و

الاهواء این قاطع حبائل الکذب والافتراء این مبید

اهل العناد والمردة این معزّ الاولیاء و مذلّ الاعداء

این جامع الکلمة علی التّقوی این باب اللّه الّذی منه

یؤتی این وجه اللّه الّذی الیه یتوجّه الاولیاء این

السّبب المتّصل بین الارض والسّماء این صاحب

المرتجی نسخہ

يَوْمِ الْفَتْحِ وَنَاشِرُ رَايَةِ الْهُدَى أَيْنَ مُؤَلِّفُ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ
الرِّضَا أَيْنَ الطَّالِبُ بِذُحُولِ الْأَنْبِيَاءِ وَأَبْنَاءِ الْأَنْبِيَاءِ أَيْنَ
الطَّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءَ أَيْنَ الْمَنْصُورُ عَلَى مَنِ اعْتَدَى
وَافْتَرَى أَيْنَ الْمُضْطَرُّ الَّذِي يُجَابُ إِذَا دَعَا أَيْنَ صَدْرُ الْخَلَائِقِ
ذُو الْبِرِّ وَالتَّقْوَى أَيْنَ ابْنُ النَّبِيِّ الْمُصْطَفَى وَابْنُ عَلِيٍّ الْمُرْتَضَى
وَابْنُ خَدِيجَةَ الْغَرَّاءِ وَفَاطِمَةَ الْكُبْرَى بِأَبِي أَنْتَ وَأُمِّي وَ
نَفْسِي لَكَ الْوِقَاءُ وَالْحِمَى يَا ابْنَ السَّادَةِ الْمُقَرَّبِينَ يَا ابْنَ النُّجَبَاءِ
الْأَكْرَمِينَ يَا ابْنَ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ يَا ابْنَ الْخِيَرَةِ الْمُهَذَّبِينَ
يَا ابْنَ الْغَطَارِفَةِ الْأَنْجَبِينَ يَا ابْنَ الْأَطَائِبِ الْمُطَهَّرِينَ يَا ابْنَ
الْخَضَارِمَةِ الْمُنْتَجَبِينَ يَا ابْنَ الْقَمَاقِمَةِ الْأَكْرَمِينَ
يَا ابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِيرَةِ يَا ابْنَ السُّرُجِ الْمُضِيئَةِ يَا ابْنَ الشُّهُبِ
الثَّاقِبَةِ يَا ابْنَ الْأَنْجُمِ الزَّاهِرَةِ يَا ابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ
يَا ابْنَ الْأَعْلَامِ اللَّائِحَةِ يَا ابْنَ الْعُلُومِ الْكَامِلَةِ يَا
ابْنَ السُّنَنِ الْمَشْهُورَةِ يَا ابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ يَا ابْنَ الْمُعْجِزَاتِ
الْمَوْجُودَةِ يَا ابْنَ الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ يَا ابْنَ الْآيَاتِ الْبَيِّنَاتِ

وَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ يَا ابْنَ الْبَرَاهِيْنِ الْبَاهِرَاتِ يَا
ابْنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَاتِ يَا ابْنَ طٰهٰ وَالْمُحْكَمَاتِ يَا ابْنَ يٰسٓ وَ
الذَّارِيَاتِ يَا ابْنَ مَنْ دَنٰى فَتَدَلّٰى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ اَوْ اَدْنٰى
دُنُوًّا وَاقْتِرَابًا مِنَ الْعَلِيِّ الْاَعْلٰى لَيْتَ شِعْرِيْ اَيْنَ اسْتَقَلَّتْ
بِكَ النَّوٰى اَيُّ اَرْضٍ تُقِلُّكَ اَوْ ثَرٰى اَبِرَضْوٰى اَوْ غَيْرِهَا اَمْ ذِيْ
طُوٰى عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ اَرَى الْخَلْقَ وَاَنْتَ لَا تُرٰى وَلَا اَسْمَعُ لَكَ
حَسِيْسًا وَّلَا نَجْوٰى عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِيَ الْبَلْوٰى
وَلَا يَنَالُكَ مِنِّيْ ضَجِيْجٌ وَّلَا شَكْوٰى بِنَفْسِيْ اَنْتَ مِنْ مُغَيَّبٍ لَمْ
يَخْلُ مِنَّا بِنَفْسِيْ اَنْتَ اُمْنِيَّةُ شَائِقٍ يَتَمَنّٰى مِنْ مُؤْمِنٍ وَّمُؤْمِنَةٍ
ذَكَرَا فَحَنَّا بِنَفْسِيْ اَنْتَ مِنْ عَقِيْدِ عِزٍّ لَا يُسَامٰى بِنَفْسِيْ
اَنْتَ مِنْ اَثِيْلِ مَجْدٍ لَا يُجَارٰى بِنَفْسِيْ اَنْتَ مِنْ بِلَادِ نِعَمٍ
لَا تُضَاهٰى بِنَفْسِيْ اَنْتَ مِنْ نَصِيْفِ شَرَفٍ لَا يُسَاوٰى اِلٰى مَتٰى
اَحَارُ فِيْكَ يَا مَوْلَايَ وَاِلٰى مَتٰى وَاَيَّ خِطَابٍ اَصِفُ فِيْكَ
وَاَيَّ نَجْوٰى عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ اُجَابَ دُوْنَكَ وَاُنَاغٰى عَزِيْزٌ عَلَيَّ
اَنْ اَبْكِيَكَ وَيَخْذُلَكَ الْوَرٰى عَزِيْزٌ عَلَيَّ اَنْ يَجْرِيَ عَلَيْكَ

دُونَهُمْ مَا جَرَى هَلْ مِنْ مُعَوِّلٍ فَاُطِيلَ مَعَهُ الْعَوِيلَ وَالْبُكَاءَ هَلْ
مِنْ جَزُوعٍ فَاُسَاعِدَ جَزَعَهُ اِذَا خَلَا هَلْ قَذِيَتْ عَيْنٌ فَتُسْعِدَهَا
عَيْنِي عَلَى الْقَذَى هَلْ اِلَيْكَ يَا ابْنَ اَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى
هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمُنَا مِنْكَ بِغَدِهِ فَنَحْظَى مَتَى نَرِدُ مَنَاهِلَكَ الرَّوِيَّةَ
فَنَرْوَى مَتَى نَنْتَقِعُ مِنْ عَذْبِ مَائِكَ فَقَدْ طَالَ الصَّدَى مَتَى
نُغَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ فَنُقِرَّ عَيْنًا مَتَى تَرَانَا وَقَدْ نَشَرْتَ لِوَاءَ
النَّصْرِ تُرَى اَتَرَانَا نَحُفُّ بِكَ وَاَنْتَ تَؤُمُّ الْمَلَاءَ وَقَدْ مَلَأْتَ
الْاَرْضَ عَدْلًا وَاَذَقْتَ اَعْدَائَكَ هَوَانًا وَعِقَابًا وَاَبَرْتَ الْعُتَاةَ
وَجَحَدَةَ الْحَقِّ وَقَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَاجْتَثَثْتَ اُصُولَ
الظَّالِمِينَ وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ اَللّٰهُمَّ اَنْتَ
كَشَّافُ الْكُرَبِ وَالْبَلْوَى وَاِلَيْكَ اَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى
وَاَنْتَ رَبُّ الْاٰخِرَةِ وَالدُّنْيَا فَاَغِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ
عُبَيْدَكَ الْمُبْتَلَى وَاَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى وَاَزِلْ عَنْهُ
الْاَسَى وَالنَّجْوَى وَبَرِّدْ غُلَّتَهُ يَا مَنْ عَلَى اسْتَوَى وَمَنْ اِلَيْهِ
الرُّجْعَى وَالْمُنْتَهَى اَللّٰهُمَّ وَنَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ اِلَى

وَلِيِّكَ الْمُذَكِّرِ بِكَ وَنَبِيِّكَ خَلَقْتَهُ لَنَا عِصْمَةً وَمَلاذاً وَاَقَمْتَهُ
لَنَا قِوَاماً وَمَعَاذاً وَجَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مِنَّا اِمَاماً فَبَلِّغْهُ عَنَّا
تَحِيَّةً وَسَلاماً وَزِدْنَا بِذٰلِكَ يَا رَبِّ اِكْرَاماً وَاجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ
لَنَا مُسْتَقَرّاً وَمُقَاماً وَاَتْمِمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ اِيَّاهُ اَمَامَنَا حَتّٰى
تُورِدَنَا جِنَانَكَ وَمُرَافَقَةَ الشُّهَدَاۤءِ مِنْ خُلَصَاۤئِكَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ جَدِّهِ رَسُولِكَ السَّيِّدِ
الْاَكْبَرِ وَعَلٰى اَبِيهِ السَّيِّدِ الْاَصْغَرِ وَجَدَّتِهِ الصِّدِّيقَةِ
الْكُبْرٰى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ وَعَلٰى مَنِ اصْطَفَيْتَ مِنْ اٰبَاۤئِهِ الْبَرَرَةِ
وَعَلَيْهِ اَفْضَلَ وَاَكْمَلَ وَاَتَمَّ وَاَدْوَمَ وَاَكْبَرَ وَاَوْفَرَ مَا صَلَّيْتَ
عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَصْفِيَاۤئِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ وَصَلِّ
عَلَيْهِ صَلٰوةً لاَ غَايَةَ لِعَدَدِهَا وَلاَ نِهَايَةَ لِمَدَدِهَا وَلاَ
نَفَادَ لِاَمَدِهَا اَللّٰهُمَّ وَاَقِمْ بِهِ الْحَقَّ وَاَدْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ
وَاَدِلْ بِهِ اَوْلِيَاۤئَكَ وَاَذْلِلْ بِهِ اَعْدَاۤئَكَ وَصِلِ اللّٰهُمَّ
بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ وُصْلَةً تُؤَدِّي اِلٰى مُرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ
يَاْخُذُ بِحُجْزَتِهِمْ وَيَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ وَاَعِنَّا عَلٰى تَاْدِيَةِ حُقُوقِهِ

إِلَيْهِ وَالاِجْتِهادِ فِي طاعَتِهِ وَاجْتِنابِ مَعْصِيَتِهِ
وَامْنُنْ عَلَيْنا بِرِضاهُ وَهَبْ لَنا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ وَدُعائَهُ
وَخَيْرَ ما نَنالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَفَوْزاً عِنْدَكَ وَ
اجْعَلْ صَلوتَنا بِهِ مَقْبُولَةً وَذُنُوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً وَ
دُعائَنا بِهِ مُسْتَجاباً وَاجْعَلْ أَرْزاقَنا بِهِ مَبْسُوطَةً وَ
هُمُومَنا بِهِ مَكْفِيَّةً وَحَوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً وَأَقْبِلْ إِلَيْنا
بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاقْبَلْ تَقَرُّبَنا إِلَيْكَ وَانْظُرْ إِلَيْنا نَظْرَةً
رَحِيمَةً نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكَرامَةَ عِنْدَكَ ثُمَّ لا تَصْرِفْها عَنّا
بِجُودِكَ وَاسْقِنا مِنْ حَوْضِ جَدِّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ
بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيّاً رَوِيّاً هَنِيئاً سائِغاً لا ظَمَأَ بَعْدَها
يا أَرْحَمَ الرّاحِمِينَ

پس میخوانی خدا را بهرچه میخواهی **مؤلف** گوید در اینجا تنبیه بر چند امر
لازم است اول آنکه زمان خواندن این دعا را در مزار محمد بن المشهدی و مصباح
الزائر در اعیاد اربعه یعنی روز فطر و روز قربان و روز غدیر و روز جمعه
معین کرده‌اند ولکن در مزار قدیم که او هم از همان کتاب محمد بن ابی قره نقل
کرده شب جمعه را نیز بر آن افزوده دوم آنکه در مصباح الزائر بعد از ذکر

اینجا فرموده آنگاه نماز زیارت بکن و صف آن گذشت یعنی دوازده رکعت هر
سوره که باشد و ظاهر میشود که دعای مذکور بمنزلهٔ زیارت است و در آن دو مزار
ذکری از نماز نشده و البته بجا آوردن آن بجهته فرموده سید بهتر است
ستم آنکه در مزار محمد بن المشهدی و مزار قدیم که تالیف هر دو مدتها قبل از تالیف
مصباح الزائر شده عبارت دعا چنین است که نقل کردیم (وعرجت به
الی سمائک) و در بعضی نسخ مصباح الزائر که حقیر دیدم نیز چنین بود و لکن
در جمله از نسخ مصباح این فقره چنین است (وعرجت بروحه الی سمائک) و
نسخهٔ مصباح مرحوم مجلسی ره نیز از این نسخ بوده و در بحار و زاد المعاد این دعا
را از آنجا بهمین هیئت نقل کرده و بجهت کثرهٔ اشتغال و نوشتن کتاب ادعیه
و احادیث طولانی در نسخ اصل تالیف چنانچه از مشاهده جمله از آنها معلوم
میشود ملتفت باین اختلاف نشده اند و لهذا در بحار فرموده بعد از
نقل دعا از مصباح الزائر که محمد بن المشهدی این دعا را از کتاب محمد بن ابی قره نقل
کرده بمثل آنچه سید نقل نموده و گمان دارم که سید ره این دعا را از محمد بن المشهدی
نموده و دانستی نسخ مزار مشهدی و مزار قدیم بنحویست که گفتیم و ماخذ هر سه
مزار کتاب ابن ابی قره است پس معلوم میشود در نسخ مصباح تحریفی شده
از بعضی ناسخین که مبتلا بوده ببعضی امراض قلبیه و عقاید فاسده و
عروج جسمانی آنحضرت را که ضرورت مذهب بلکه دین بر آن قائم شده منکر
و باور نموده و از آنجا که ملاذ و مرجع کافه علما و عوام در امثال این مقام
مؤلفات مرحوم مجلسی است و بماخذ کتب آن مرحوم گاهی مراجعه نکنند
لهذا این فقرهٔ محرفه شایع و ذایع و منتشر شده و در السنه و افواه دائر و شهیر

شده در بعضی قلوب مریضه ونفوس ضعیفه واصل صحیح از اصلا در نسبت
نیست وطرف احتمال نشده والحمد لله که اساس شبهه از بیخ منهدم و
خراب شد چنانچه بر اهل بصیرت پوشیده نیست با آنکه بر فرض صحت آن
نسخه نیز دلالت بر صحت آن عقیده فاسده که معراج آن حضرت صلی الله
علیه واله بروح بوده نه بجسم نکند توضیح این مطلب بنحو اجمال آنکه این هیکل
مخصوص که در صورت انسانی است وبرای اشخاص آن نامهای مختلفه گذارند
چون علی وحسن وحسین وغیر آن چون نام یکی از آنها را برند مراد آنچه هیکل آدم
است از اعضا وجوارح داخله وخارجه وقوای ظاهره وباطنه وروح
ونفس وعقل که با این کثرت اجزا واعضا حسب ترکیب الهیه جهت وحدتی
دارد که از او تعبیر کنند در وقت امتیاز بان اسم مخصوص وبرای هر یک از
اعضا وجوارح اسامی مخصوصه است که در وقت حاجت از آن عضو بان اسم
تعبیر کنند مثل سر وچشم وگردن ودست وغیرها واز اعضا وجوارح مختلف
باشند در حاجت آن هیکل بان بعضی چنان باشد که اگر مفقود شود هیکل از
هم گسیخته شود چون سر وگردن وروح ومثل آن وبعضی چنین نباشد مثل
انگشت ودست وزبان وغیرها ودر لغت عرب متعارف است که گاهی
نام یکی از آن قسم اول را برند ومراد ایشان نه آن عضو مخصوص است بلکه
تمام آن هیکل بمناسبت آنکه قوام آن بان عضو است مثل رقبه که بمعنی گردن
است پس گویند امروز رقبه خریدم یا رقبه آزاد کردم ومراد تمام یک هیکل
انسانست که بنده است ودر قرآن مجید در مقام ذکر کفاره جرائم مکرر
فرموده (فتحریر رقبة) یعنی آزاد کردن بنده نه گردن واین مطلب واضح

وامثله آن بسیار است و چون اصل و عمده قوام تمام اعضا و قوای این هیکل
در حال حیاة بروح است لهذا در بسیاری از مواضع روح گویند و تمام آن
هیکل مراد باشد نه خصوص نفس ناطقه چنانچه گویند روحی لک الفداء
و روحی له الفداء و غرض از روحی فدا و قربانی شدن است برای آن دوست
که زندگی او را بر زندگی خود مقدم میدارد و فدا و قربانی از حالات تمام آن
هیکل است مثل خوردن و نوشیدن و خوابیدن و الان در میان عرب متعارف
است در مقام تاکید و مبالغه یکی بدیگری میگوید جئتک بروحی و نیز همچنین
در زبان فارسی نیز موجود است که میگویند خودم آمدم پیش تو مثلا فلان
چیز را خواستم ندادی و مراد از خود روح است چنانچه میگوید فلانی بیخود
شد یعنی غش کرد و بیهوش شد و بالجمله این استعمال شایع و متعارف
و در کلمات فصحا موجود و مسطور است پس ترجمه آن عبارت بنابر صحت
آن نسخه آن باشد که خود شر را باسمان بردی و شاید در این تاکید اشاره
باختصاص این تشریف باشد بآنحضرت چه در معراج روحانی بی
جسد در خواب یا بیداری همه پیغمبران شریک باشند در حالت و فات
اگرچه مختلف باشند در درجات و برای آنحضرت امتیاز و اختصاصی
نباشد جز بمعراج جسمانی که از ضروریات شمرده میشود و نظیر تعبیر کردن
از شخص انسانی دارای تمام اجزاء بروح بمناسبت مذکوره تعبیر کردن
از این هیکل جسمانیست بعد از مردن و مفارقت روح بعظام بملاحظه
آن که قوام این هیکل و امتیاز آن بعد از مردن باستخوانهای او است بانضمام
و ترکیبی که بآن بهم پیوسته شده و چون از یکدیگر بگسلد و پاشیده شد امتیاز

برداشته واز هیکل صوری نماند چنانچه شاعر عرب گفته رَحِمَ اللّهُ اَعظُماً دَفَنُوها بِسِجِستانَ طَلحَةَ الطَّلَحاتِ خداوند رحمت کند استخوانهائی را که دفنش کردند در سیستان و این طلحه شخصی معروفست و معلوم است که مراد از اعظم همان جسد طلحه است چنانچه خود تفسیر کرده و نظیر این قول شاعر در مرثیهٔ حضرت ابیعبدالله ع

اُمرُر عَلی جَدَثِ الحُسَینِ وَقُل لِاَعظُمِهِ الزَّکیَّة یا اَعظُماً لازِلتِ فی وَطفاءَ ساکِبَةٍ رَوِیَّة بگذر بقبر حسین علیه السلام و بگو با استخوانهای پاکیزه او ای استخوانها پیوسته وظاهر است که مراد از آن جسد مبارکست و میتوان گفت مراد از عظام در آیه شریفه (مَن یُحیِی العِظامَ وَهِیَ رَمیمٌ) نیز تمام جسد میت باشد خصوص بعد از ملاحظه آنکه حیوة از خصایص جسد است و اجزا را خدا تعالی زنده کند و برای استخوان در هر حال حیوتی نیست و لهذا داخل شده در آن اجزای بی روح میته که حکم آن در شرع مطهر طهارتست و از این بابست آنچه گذشت در خبر که تعبیر فرمودند از جسد حضرت آدم علیه السلام بعظام از روی بلاغت و تفنن در عبارت چنانچه تعبیر فرمودند از جسد نوح ع ببدن و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بجسم

فصل چهارم

در ذکر آداب زیارت و دخول در مشاهد شریفه و زیارت جامعه و دعا و نماز و وداع که همه از بقاع مطهره در آن اعمال مشترکند و در آن چند مقام است

مقام اول

در آداب و آن بسیار است و بعضی از آنها اگرچه بظاهر مختص بحرم مطهر حسینی علیه

السلام است ولکن بعد از تامل معلوم میشود اختصاصی ندارد مگر در چند فقره
که سببان را ذکر فرموده اند و ما انها را بنحو اختصار و حذف اخبار مگر
در بعضی از انها که از ذکر ان چاره نیست ذکر میکنیم **اول** غسل پیش از
بیرون رفتن برای سفر زیارت **دوم** ترک کلام بیهوده و لغو و مخاصمه و
مجادله در راه **سیم** غسل برای زیارت هر امامی هر چند برای امام دیگر
غسل کرده و هنوز نشکسته **چهارم** خواندن دعای ماثور در وقت
غسل **پنجم** طهارت از حدث کبری مثل جنابه و حیض و نفاس و از حدث صغری
ششم پوشیدن جامهای پاک و پاکیزه **هفتم** سفید بودن رنگ جامه
هشتم نو بودن جامه چنانچه در خبر سید و شیخ شهید رحمه الله در دروس تصریح
نموده **نهم** در وقت رفتن بروضه مقدسه گامها را کوتاه برداشتن
و با رامی و وقار سیر نمودن **دهم** برهنه بودن پا در وقت رفتن بروضه
مقدسه چنانچه در اداب زیارت حضرت رضا صلوات الله علیه رسیده
و ظاهرا اختصاصی نداشته باشد چنانچه بعضی از علمای معاصرین مجاورین
ارض اقدس رضوی رحمه الله خود تصریح کرده و تایید میکند این را انچه در کتاب
دعائم الاسلام روایت نموده از امیر المؤمنین علیه السلام که انجناب پیاده
راه میرفت در پنج موطن با پای برهنه و نعلین در دست چپ مبارکش اویزان
بود و میفرمود اینجاها مواطنی است که مخصوص خدای تعالی و من دوست دارم
که در اینجاها پا برهنه باشم **یازدهم** خوشبو نمودن خود را در غیر زیارت
کربلای معلی **دوازدهم** در وقت رفتن بحرم مطهر زبان را بذکر
تکبیر و تحمید و تسبیح و تهلیل و تمجید خداوند تبارک و تعالی مشغول کردن و

وبصلوات فرستادن بر پیغمبر وآل اطهارش معطر نمودن **سیزدهم**
بر در حرم شریف ایستادن و اذن دخول در آنجا طلبیدن بکلمات مأثوره
با سلام کردن بر پیغمبر و ائمه صلوات الله علیهم و سعی در تحصیل رقت و
سوزش دل و خضوع و شکستگی خاطر نمودن بتصور و فکر در عظمت و جلالت
قدر صاحبان مرقد منور و اینکه می‌بینند ایستادن او را و می‌شنوند کلام
او را و جواب میدهند سلام او را چنانچه بهمه اینها شهادت میدهد
در وقت خواندن اذن دخول و تدبر در محبت و لطف و مکرمتی که بشیعیان
و زایران خود دارند و تامل در خرابیهای حال خود و خلافها که با این بزرگواران
کرده و فرمودهای بجا که از ایشان نشنیده و آزارها و اذیتها که از
او بایشان یا بخاصان و دوستانشان رسانیده که برگشتن بازردن
ایشانست و اگر مراعات این در خود نکرد قدمهایش باز افتد و قلبش هراسان
و چشمش گریان شود و روح تمام آداب بلکه زیارت در همین است که اگر
این نعمت روزی شد بسیاری از آداب قهراً و ندانسته بعمل آید برای
فهمیدن اذن دادن صاحبان مرقد شریف ورود دخول در آن محضر انور
علامت آن باشد شهید اول رحمه الله در دروس فرموده بعد از ذکر این ادب اگر
در قلب خود رقتی دید داخل شود والا در صدد تحصیل زمانی برآید
که در قلب خود رقتی یابد چه غرض اهم حضور قلب است بجهت تلقی
رحمت که از پروردگار فرود میاید یعنی قلب قاسی غافل ساهی قابل نیست برای
نزول اثر رحمت خاصه در آن پس زیارتش جسدی میشود بی روح و لفظی شود
بی معنی مالی رفته و بدنی خسته برایش بماند **چهاردهم**

بوسیدن عتبهٔ علیه و آستانهٔ مبارکه **پانزدهم** سجده کردن برای
خداوند بجهت شکر بر این نعمت سنیه و رسیدن باین تربت زکیه **شانزدهم**
مقدم داشتن پای راست برای داخل شدن و موخر داشتن آن در وقت
بیرون آمدن بعکس پای چپ **هفدهم** دفن نیز نزدیک ضریح مقدس
بنحویکه خود را تواند بآن چسباند مگر در حرم عسکریین علیهما السلام از
طرف پیش و چنانچه گذشت شرح آن **هیجدهم** سجده نکردن بر قبر
مطهر اگر میسر شود **نوزدهم** بوسیدن قبر مطهر **بیستم**
گذاشتن و مالیدن طرفین روی راست و چپ بر آن بیست و یکم پشت بقبله
و رو بقبر منور ایستادن چنانچه گذشت مشروحا **بیست و دوم**
ایستادن در وقت خواندن زیارت اگر عذری ندارد از ضعف و درد کمر و درد پا
و غیرها و این ادب تصریحا و علیحده در کتب زیارات مذکور نیست ولکن در بودن
آن از آداب موکده شبهه نیست اما اولا بجهت ذکر علما آنرا در ذکر آداب دیگر
چنانچه میفرمایند بایستند نزدیک ضریح مقدس الخ و میفرمایند بایستند
پشت بقبله و رو بقبر مطهر و غیر آنکه بر متتبع مخفی نیست واما ثانیا
پس بجهت تصریح آن در اغلب زیارات معتبره ماثوره بعد از ذکر آداب
دخول و رسیدن بضریح مقدس بمثل این عبارت (ثم قف وقل) یا
آنکه (وقف وتقول) و اگر کسی سیر کند در آنموارد مطمئن میشود که هرجا ذکر
نشده از وضوح واگذاشتند و معنی وقوف ایستادن است و بغیر
این کلمه بنظر ندارم تعبیری دیگر کرده باشند واما ثالثا پس بجهت
تصریح باین ادب در زیارات ایشان از دور چنانچه در مصباح الزائر مرویست

از امام جعفر صادق علیه السلام که فرمود هر که خواهد زیارت کند قبر حضرت
رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم را و قبر امیر المؤمنین و فاطمه و حسن و حسین و
قبور ائمه را و در بلد خود است پس غسل کند و دو جامه پاک بپوشد و بصحراء
رود و در روایتی ببام خانه خود انگاه چهار رکعت نماز بجای اورد و در هر
سوره از قران که خواست چون تشهد و سلام را تمام کرد بایستد رو بقبله
و بگوید اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ الخ و چنانچه از دور باید بایستند در
نزدیک رعایت ان از جهات عدیده اهم خواهد بود و اما رابعا پس بجهة
انکه از مطاوی اخبار معلوم میشود که اذن دخول صاحب خانه برای انکه از او اذن
دخول میطلبد کافی نیست از اذن جلوس بلکه هر کس اذن خواست و داخل خانه
شد دو باره اذن نشستن بخواهد اگر اذن داد بنشستن یا ابتدا او را اذن داد
بنشستن بنشیند و الا ننشیند و شاهد این دعوی در مطاوی ان صنف از
اخبار که در انها ذکر دخول اصحاب و اجانب و اقارب است بر ائمه علیهم السلام
و اینکه بعد از دخول تا اذن نمیدادند نمی نشستند بسیار است و ما بذکر خلاصه مضمون
یک خبر قناعت کنیم در کتاب علل الشرایع صدوق مرویست که سالی در
ایام موسم حج حضرت صادق علیه السلام در منی تشریف داشتند و جمعی از
اصحاب در خدمت انجناب مشغول استفاده بودند که ابو حنیفه وارد شد و
اذن دخول خواست اعراض فرمودند و بدیگران مشغول صحبت شدند اذن ندادند
طول کشید باز اذن خواست ندادند و بدیگران مشغول شدند چون خسته شد
بی اذن نشست و بحضرت عرض کرد اصحاب خود را در کوفه منع کن از گفتن بعض
سخنها فرمود میان من و ایشان چه قدر مسافتست گفت فرسخهای بسیار

فرمود میان من و تو چه مقدار راه است عرض کرد چند ذراع فرمود تو بفاصله
چند ذراع عصیان من کردی و بی اذن من نشستی چگونه آنها با این دوری مسافت
مرا اطاعت کنند الخ واین ادب تا حال مرسوم است برای آنانکه داخل شوند
بر ملوک و سلاطین و امراء عظام و هر چند نسبت به بالنسبه بانکه رتبه اش از او بلند
بالاتر است مطابق آداب بشریت و رعایت از علمای عظام و پیشوایان دین در
این در وضعیات مقدسه بانسبت بیشتر باشد چه کافه عوام در امثال این موارد نظر
بکردار و رفتار ایشان دارند و آنچه در در حرم مطهر خوانده میشود اذن دخول
است نه جلوس در وقت مواجهه و مکالمه و دانستی که در هیچ خبری و زیارتی
این اذن نرسیده آنچه دارد بعد از دخول آنست که برو تا نزد ضریح بپا بایست و بگو
بلی بعد از فراغ از سلام و زیارت فرموده برو بالای سر یا پشت سر نماز کن و
دعا کن یا بنشین و چنین بگو و خود بخاطر دارم در ایام مجاورت بکربلای معلی
در ایام یکی از زیارات مخصوصه فخر الشیعة و تاج الشریعة شیخ المشایخ شیخ مرتضی
طاب ثراه باران گرفتن و تنگی در میان پالکی هفت فرسخ راه از کاروانسرای
شور تا کربلا را طی نمود و بمجرد ورود وارد در حرم و تکیه بدیوار داده در
مشغول زیارت عاشورا شدند با تمام لعن و سلام و در خلال الحال متصل
زوار و مجاور مسئله میپرسیدند و ایشان جواب میدادند خدای میداند
ایستادن آن شخص جلیل با ضعف پیری و خستگی راه چه قدر طول کشیده باشد
و گمان ندارم در متعارف مرسوم کسی عذر نشستن خود را باندازه اعذار
ایشان برساند **بیست و سوم** در وقت رفتن بحرم و آنجا
هنگام زیارت سر بزیر انداختن و ببالا و طرف راست و چپ التفات ننمودن

بیست و چهارم گفتن تکبیر پیش از شروع در خواندن زیارت
بآنچه ماثور است در خصوص این زیارت از صد مرتبه و چهل و سی و ده و سه
باختلاف زیارات و اگر در این زیارت که میخواهد ذکری از گفتن تکبیر نشده
باشد باز بگوید چه از استقراء در زیارات مطلقه و مخصوصه ائمه علیهم السلام
ناظر بصیر مطمئن میشود که گفتن تکبیر اجمالاً از آداب حضور در نزد
امام است و مؤید این مقال آنکه شیخ جلیل محمد بن الحسن الصفار در کتاب
بصائر الدرجات روایت کرده بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر که بسعد بن
ظریف فرمود در ضمن ذکر ثواب رفتن خدمت امام علیه السلام پس چون امام
را دید تکبیر بگوید که خواهد بود از برای او در روز قیامت سنگ بزرگی
که در میزان او سنگین تر است از هفت آسمان و هفت زمین و آنچه در آنها
است تا آنکه میفرماید و هر که تکبیری بگوید پیش روی امام علیه السلام
و بگوید (لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیکَ لَهُ) خواهد نوشت خدای تعالی
برای او خوشنودی بزرگ خود را و هر که نوشته شود برای او رضوان اکبر خدا
تعالی واجب شود که جمع شود میان او و میان ابرهیم و محمد و پیغمبران علیهم السلام
در دار جلال و ظاهر این خبر اگرچه ذکر آداب ملاقات کردن امام علیه السلام
است در زمان حیوة ولکن در این قسم مطالب فرقی میان حیوة و ممات و غائب و حاضر
و حرم نباشد **بیست و پنجم** خواندن زیارات وارده ماثوره از سادات
انام که علمای اعلام بعد از رنج و تعب بسیار آنها را جمع نموده در کتب ثبت
کردند و بحمد الله چنان شایع است که دست هر کسی بآن میرسد و ترک کند
خواندن زیارتهای مخترعه نافهمیده بیخردان را تا از فیوضات بی نهایت خود

تحریم نموده باشد **بیست و ششم** بجا آوردن نماز زیارت و اقل آن دو رکعت است و بعد از آن چهار رکعت و بهتر از آن شش رکعت و بالاتر از آن هشت رکعت است چنانچه در خبر صریح فرموده اند **بیست و هفتم** خواندن سوره یس در رکعت اول و سوره الرحمن در رکعت دوم اگر بر ای آن زیارت نمازی بخصوص ذکر نفرموده باشند و آنچه گفتیم ظاهر خبر طولانی ابو حمزه ثمالی است که در هر نماز زیارت بایست چنین کند **بیست و هشتم** خواندن دعا بعد از نماز زیارت بآنچه در آن زیارت خواندن وارد شد یا دعای مخصوص بامام یا آنچه خواندن آن در حرم هر امامی مستحب است و آنچه خواسته از حاجات برای خود و برای اخوان مؤمنین بهره زیارت گرداند از خداوند بخواهد **بیست و نهم** خواندن مقداری از قرآن و هدیه کردن مقداری از آن بروح مقدس صاحب آن مرقد شریف چنانچه شهید اول ره در دروس تصریح فرموده **سی ام** تقدیم نماز واجب بر نماز زیارت اگر بعد از دخول در حرم به جماعت منعقد شده و نماز هم نکرده و اگر مشغول زیارت بود که صدای قد قامت الصلوة را شنید زیارت را ترک کند و مشغول نماز جماعت شود و همچنین اگر داخل در حرم شد و وقت داخل شده و نماز نکرده و انتظار جماعتی نیز ندارد بایستی نماز را مقدم بدارد پس از آن مشغول زیارت شود چه ادای حق خداوند مقدم است بر ادای حق امام و در اینجا فروع متعدده است که ذکر آن مناسب این مختصر نیست **سی و یکم** زیارت کردن برای پدر و مادر و احبا و اقارب و بنیابت ایشان سلام کردن و برای ایشان طلب مغفرت نمودن **سی و دوم** طواف نمودن دور ضریح مقدس و مراد از طواف مجرد دور ضریح گشتن است نه آن طواف

معروف که هفت بار یا خصوصیات بسیار دور کعبه معظمه باید گشت چه از عبادات
مخصوصه این بقعه شریفه معظمه است باستقلال یا در ضمن حج و عمره و مشروع
نیست در غیر این محل هرچند بنا معظم باشد و اما مجرد گشتن دور ضریح که
این را در لغت نیز طواف گویند پس رجحان آن و شمردنش از آداب بجهة چند خبر
است **اول** ثقة الاسلام کلینی ره روایت کرده از محمد بن ابی العلا
گفت بعد از آنکه با یحیی بن اکثم قاضی بغداد مناظره کردم واز او از علوم آل محمد
پرسیدم شنیدم گفت روزی داخل شدم و طواف میکردم دور قبر رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم که دیدم امام جواد محمد بن علی الرضا ع که طواف
میکند با آن قبر پس با او مناظره کردم الخ **دوم** شیخ جلیل علی بن ابراهیم
قمی در تفسیر خود و شیخ طبرسی در کتاب احتجاج بسند معتبر روایت کردند
از حضرت صادق علیه السلام حدیثی طولانی در قصه فدک و در آخر آن
مذکور است که پس فاطمه علیها السلام داخل مسجد شد و دور قبر پدر بزرگوارش
طواف کرد در حالتی که میگریست و میفرمود (إِنَّا فَقَدْنَاكَ فَقْدَ الْأَرْضِ
وَابِلَهَا) الخ **سیم** در زیارت جامعه کبیره معروفه و زیارت ائمة
المؤمنین که از شیخ مشهدی و ابن طاوس در مزار خود روایت کردند بعد از
ذکر جمله از مصائب و رزایای ایشان پس قبر را ببوس و بگو (بِأَبِي وَأُمِّي يَا آلَ
الْمُصْطَفَى إِنَّا لَا نَمْلِكُ إِلَّا أَنْ نَطُوفَ حَوْلَ مَشَاهِدِكُمْ وَنُعَزِّيَ فِيهَا أَرْوَاحَكُمْ
الخ پدر و مادرم فدای شما ای اهل بیت پیغمبر ما را قدرت و توانائی
بر چیزی نیست یعنی بر طلب خون شما و هلاک کردن ظالمین و دشمنان
شما همان توانیم که دور قبر شما بگردیم و ارواح مقدسه شما را تسلی دهیم

تعزیر گوییم **چهارم** گذشت در زیارت مخصوصه حضرت سید الشهداء
علیه السلام در اول رجب و نیمه آن و نیمه شعبان اگر میسر شود پس از تمام شدن
زیارت پس دور ضریح بگردد و چهار جانب آن را ببوسد و این مقدار کافیست از
برای آنچه گفتیم و شیخ حر در مزار وسائل منع فرموده از طواف بقبر و خبری در
نهی از آن نقل کرده و ما در کتاب مستدرک واضح نمودیم که مراد از طواف در
خبر ایشان تخلی کردن بر قبر است که یکی از معانی لغویه او است و لهذا فقهاء
در آداب تخلی ذکر نمودند **مخفی نماناد** که رعایت این ادب در حرم کاظمین
و حرم عسکریین و مشهد حضرت رضا علیه السلام محذوری ندارد اما در
حرمین شریفین نجف و کربلا پس مزاحمی دارد که رعایت آن اهم است اما در اول
پس ملاحظه قبر سر مبارک حضرت ابی عبد الله الحسین ع که گذشت در اخبار
کثیره که محل آن بالای سر است و موضع آن معلوم نیست بلکه محتمل است از حرم بیرون
باشد و لکن چون پا گذاشتن بر آن با معلومیت حرام و افراد واضحه اهانت
و استخفافست لهذا در صورت اشتباه مرجوح و مقتضای احتیاط عبور از
آنجا شایسته نیست که مبادا ابناء دنیا در آن محذور و بزرگ بیفتند و لهذا علماء
راسخین و اتقیاء راشدین از آن طرف عبور نکنند بلکه بعضی از ایشان از صحن از
طرف بالای سر نگذرند و بعضی اگر عبور کنند پا را برهنه کنند و اما در دوم
پس بجهت قبور شهداء رضوان الله علیهم و بعضی از حجر چهارم که مختص بکربلا
بود توهم کردند که امر بگشتن دور ضریح و بوسیدن از چهار جانب تو مکرر
بعد عمر و از قبور شهداء و این شخص جاهل گویا ندانسته که مراد از ضریح در لغت
عرب و در اخبار قبر است و گاهی در این شباک متعارف که بفارسی ضریح میگویند

استعمال نشده و در سابق برای قبر مطهر و قبر علی بن الحسین شباکی نبود بلکه
بقعه کوچکی بود که در بعضی اخبار تعبیر نموده‌اند از آن بسقیفه و برای سایر شهدا
سقیفه بود علیحده و چون از زیارت حضرت فارغ میشدند از آن سقیفه
بیرون میآمدند آنگاه در سقیفه شهدا میشدند و در زیارت مخصوصه عرفه
گذشت که فرمودند بعد از فراغ از زیارت مخصوصه (ثم اخرج من الباب الذی
عند رجلی علی بن الحسین فتوجه هنالک الی الشهدا و زرهم) آنگاه بیرون بیا
از آن در دیگر که در زیر پای علی بن الحسین است پس در آنجا و بشهدا اکر و ایشان را
زیارت کن و چون قبر مطهر در آنوقت معلوم و حد و حد قبور آنها نیز معلوم بود پس
در گردیدند و در قبر حضرت ابدا محذوری نبود و چون آن بنا خراب شد و
وضع تغییر کرد و قبر علی بن الحسین علیهما السلام جدا شد از قبر منور و قبور شهدا
و آن ممر بسته شد و شباکی باین عظمت بر دور این دو قبر احاطه کرد جائی برای امثال
این امر نماند و بگردیدن بدور این ضریح موجود اگرچه طواف است بلی دور قبر مطهر
ولکن بحث و اهانت لگد زدن بقبور شهدا را دارد و خبر گذشته بملاحظه
آنچه گفتیم دفع آن نکند **سی و سیم** با موزه و کفش و بخوان داخل در حرم مطهر
نشدن **سی و چهارم** ترک نمودن سخنان ناشایسته و کلمات لغو و بیهوده
و اشتغال بصحبتهای دنیویه که همیشه در هر جا مذموم و قبیح و مانع رزق و جالب
قساوت قلب است خصوص در این بقاع مطهره و قباب سامیه که خدای
تعالی خبر میدهد از بزرگی مقامش و جلالت شانش در کلام مجید خود که (فی
بُیُوتٍ اَذِنَ اللهُ اَنْ تُرْفَعَ وَ یُذْکَرَ فِیهَا اسْمُهُ یُسَبِّحُ لَهُ فِیهَا بِالْغُدُوِّ وَ الْاٰصَالِ
رِجَالٌ لَا تُلْهِیهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللهِ وَ اِقَامِ الصَّلٰوةِ وَ اِیتَاءِ الزَّکٰوةِ

یخافون یوماً تتقلب فیه القلوب والابصار لیجزیهم الله احسن ما عملوا و
یزیدهم من فضله والله یرزق من یشاء بغیر حساب) و ما در کتاب کلمهٔ طیبه
توضیح نمودیم که خانهای مذکوره خاصه خانهای ایشان است در حیات و مشاهد
شریفه ایشانست بعد از وفات و اگر مراد بیوت انبیا و اوصیا باشد باز داخل
باشند پس مردانی که خدا تعالی ایشان را مدح نموده و عمل ایشان را در آنها بیان
نموده زائرین و مجاورین باشند که در این مشاهد شریفه مشغول ذکر خداوند
باشند بتسبیح و تقدیس و سایر عبادات مناسب بمقام که ذکر خداوند است
تمام آنها را و نیز امر فرموده که اینها را بر پا داشت و بلند مرتبه انگاشت که نام
کنند در آنها خدا تعالی را پس هر کس در آنجا مشغول شود بغیر عبادت امتثال
این فرمان الهی نکرده و از حوزه عصابه مهتدیه (رجال لا تلهیهم) بیرون رفته
و از فیض جزای وافر بیحساب خود را محروم نموده و آخر کارش بجائی رسد که داخل در
آیات بعد از آن آیات شود که شرح آن طولی دارد و در مذمت صحبت امور
دنیویه و کلمات بیهوده در خصوص مساجد اخبار بسیار رسیده و مشاهد شریفه
شریکست با آنها در این احکام **سی و پنجم** بلند نکردن آواز خود را در مشاهد
شریفه برای هر چه باشد چنانچه علامه مجلسی ره و غیره تصریح نموده اند و مستند قول
خدا تعالی است که فرموده (یا ایها الذین آمنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی
ولا تجهروا له کجهر بعضکم لبعض ان تحبط اعمالکم وانتم لا تشعرون ان
الذین یغضون اصواتهم عند رسول الله اولئک الذین امتحن الله قلوبهم
للتقوی لهم مغفرة واجر عظیم) ای گروهیکه ایمان آوردید بلند مکنید
آواز خود را بالای آواز پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و آواز خود را بلند مکنید

بالقول

برای انجناب بگفتار مانند بلند کردن اواز بعضی از شما برای بعضی که مبادا هیچ و نابود
شود کردارهای شما بدرستی که انانکه پست میکنند صداهای خود را نزد رسول
خدا صلی الله علیه و اله و سلم ایشان کسانیند که ازموده است خدا تعالی دل
ایشان را برای پرهیزکاری از برای ایشانست امرزش گناهان و مزدی بزرگ و ظاهر
انچنانست که در محضر انور نبوی هنگام سخن گفتن و سوال کردن و جواب دادن
چنان کنند که اواز پست تر باشد از اواز انحضرت پس اگر برای جنابش بظاهر
اوازی نباشد مثل بعد از وفات پس این حکم برای انانکه در حضور قبر شریفش
سخن گویند نباشد زیرا که اوازی نیست تا اواز خود را از حد بلندی ان اواز
پست تر کنند و لکن شیخ کلینی رحمه الله در کافی بسند معتبر حدیثی طولانی
روایت کرده در وفات امام حسن علیه السلام و در انجا مذکور است که
چون برادران حضرت نماز کردند و داخل مسجد نمودند و نزد قبر رسول خدا انگاهش
داشتند و عایشه امد و مانع شد از دفن کردن انجناب در انجا گفت پسر خود
را دور کنید از خانه من که در او دفن نمیشود و پرده عظمت و جلالت رسول خدا
دریده نمیشود پس حضرت امام حسین علیه السلام فرمود ای عایشه برادرم
امر نموده که او را نزد پدرش رسول خدا برم که با او عهد خود را تازه کند
و برادرم داناترین مردم بود بحرمت رسول خدا و بمعنی کتاب خدا و بلندتر از ان
بود که هتک حرمت رسول خدا کند زیرا که حقتعالی میفرماید (یا ایها
الذین امنوا لا تدخلوا بیوت النبی الا ان یؤذن لکم) و داخل کردی تو در
خانه رسول خدا مردانرا بی رخصت او و بتحقیق که خدای فرموده (یا ایها
الذین امنوا لا ترفعوا اصواتکم فوق صوت النبی) تو و عمر برای پدرت

ابوبکر نزد گوش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم کلنگها زدید و حال آنکه خدای
میفرماید آنانکه صداها آهسته و پست میکنند نزد رسول خدا آنها گروهیند که
آزموده است خدا دل ایشان را برای پرهیزکاری و بجان خود قسم که داخل کردی
تو و عمر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بنزدیکی ایشان آزارها و رعایت نکردید
از حق او و آنچه خدا بان امر فرموده بود بر زبان پیغمبرش بدرستیکه خدای حرام
کرده است از مؤمنان در حال مردن ایشان آنچه را که حرام کرده در زندگی ایشان

مؤلف گوید مجلسی مرحوم در کتاب بحار و تحفه از این آیه و روایت
استظهار فرموده که بلند نمودن آواز در حرم مطهر نبوی و مشاهد شریفه چه در
زیارت و چه در غیر آن منهی و مذموم است چه بنک فرموده و این ادبیست خاص که
در مرحله احترام و تعظیم رسول خدا و ذریه طاهره اش را باز امتیاز و اختصاص داده
و پرده ناموس برای تکریم و توقیر ایشان در میانشان گذاشته پس هرکه آواز را بلند
کند هرچند در عبادتی باشد که بلند نمودن صدا در آن ممدوح باشد مانند
اذان پرده ناموس الهی را دریده باشد بلند نمودن آواز در اذان مرغوبست اما در
مکان رفیع مثل مناره و بام مساجد و امثال آن که این محذور و مزاحمت بر اینها نیست
چنانچه در اینجا است و نظیر آنکه چشم پیغمبر یا امامی در خواب رفته جاهلی
برای نماز باواز بلند اذان بگوید و خواب را از چشم ایشان بیرون برد و از اینجا معلوم
میشود قباحت و شناعت آنچه متعارف و مرسوم شده در حرم مطهر علوی
و بقعه منوره حسینی که در اوقات نماز خصوص در صبح و شام جماعت بسیاری
که گاه باشد عدد ایشان زیاده باشد از عدد گوش کنندگان بغایت بلندی
آواز برخیزند اذان گویند و دعا کنند و صداها در هم پیچد و فقرات اذان در

بلکه که مخلوط شود عبادات محل را از این ببرند و نمازگذاران و منصرف گردند
از کار خود باز دارند و داخل در زمرهٔ صادین عن سبیل الله شوند و پاس حرمت
نبوت و امامت را از هم درند و حکایات ذاکرین که اکثر از مستحبات اکید است آن
میان بر نهج سامع نداند که کدام را حکایت کند با این مفاسد غیر آن
دارد ثوابی برده و بفیض رسید و حال آنکه با ایشان از منکرات شرع
شمرده شود عبادات و در موبقات داخل شوند قربات **سی و ششم**
وداع کردن امام علیه السلام در وقت بیرون رفتن از بلد آنحضرت با آنچه از
ایشان رسید با آدابیکه برای آن مقرر فرمودند **سی و هفتم** بوسیدن
زمین در روبروی امام علیه السلام شیخ صدوق در اکمال الدین روایت
کرده که چون حضرت امام حسن عسکری علیه السلام وفات کرد قافله از قم و
اطراف آن با اموالیکه هر ساله رسم بود که برای آنجناب می بردند وارد شدند و
چون بسر من رای رسیدند با ایشان گفتند که آنحضرت وفات کرد پس جعفر برادر
آنجناب آن اموال را از ایشان مطالبه کرد باو ندادند و بعد از ناامیدی چون
از بلد بیرون آمدند بقصد مراجعت غلامی از پشت سر ایشان را صدا زد و نام یک
یک از ایشان را برد و گفت اجابت نمائید آقای خود را یعنی شما را طلبیده پس نقل کرد
برگشتن و دخول ایشان را بر امام عصر صلوات الله علیه و بیان کرد آنجناب اوصاف
و علامات آن اموال را تا اینکه راوی میگوید پس همه ما بروی زمین افتادیم
برای شکر خدا تعالی که امام ما را بما شناسانید و زمین را در پیش روی آن
حضرت بوسیدیم آنگاه آنچه خواستیم از جنابش پرسیدیم و جوابش دادند و
ظاهر خبر آنستکه این عمل مرسوم بود و نهی نکردند آنحضرت از آن عمل در آن محضر

انور خالی از اعتبار دلالت کند بر جواز بلکه رجحان آن و دانستی که احترام مؤمن چه
رسد بامام علیه السلام در حال حیوة و وفات فرقی نکند و نظیر این خبر است
آنچه روایت کرده شیخ صدوق ره نیز در کتاب عیون الاخبار از صفوان بن
یحیی که گفت ابو قرة صاحب جاثلیق از من خواست که او را نزد حضرت رضا علیه السلام
برسانم پس اذن خواستم فرمود بیاورش نزد من پس چون داخل شد بر آنحضرت
بوسید بساط آنجناب را و گفت در دین ما یعنی دین عیسی بر ما لازم است که چنین
کنیم باشراف زمان خود و اگر در شرع ما جایز بلکه راجح بود و نیز آنشخص در
گفته خود صادق بود البته آنحضرت انکار میفرمود و این ادب از خصایص این
کتاب است و مؤید این دو خبر است آنچه علامه مجلسی ره در بحار از جمعی
ثقات نقل کرده از قصه وزیر ناصبی حاکم بحرین که اناری بحاکم داد که در
پوستش نقش بود (لا اله الا الله محمد رسول الله) ابوبکر و عمر و عثمان (و علی
خلفاء الله) و حاکم را وا داشت که شیعیان را مخیر کند میان سه چیز جواب از
این برهان یا جزیه دادن بخواری یا کشتن مردان و اسیر کردن زنان و نهب اموال
پس شیعیان سه روز مهلت خواستند و هر شب یکی از صلحا میرفت بصحرا
و انابه و تضرع میکرد و متوسل میشد بامام عصر علیه السلام شب سیم اصلح و اتقی
و ازهد ایشان محمد بن عیسی با سر و پای برهنه بیرون رفت و مشغول استغاثه شد
در آخر شب شرفیاب حضور مبارک شد و تدلیس وزیر را بیان فرمود که قالبی از
گل درست کرده بشکل انار و دو نصف آن کلمات را بر آن نقش نمود و در خانه اش
درخت اناریست انار کوچکی را داخل در آن قالب کرد چون بزرگ شد آن خط بر آن
نقش بست و آن قالب در میان کیسه سفیدیست در طاقچه فلانی در غرفه خانه

باو زیر و خاکم با بخار و و از ایکه بر بدن بخاکم و شاهد دیگر آنکه چون آن او را
و زیر پشکافند و دود و خاکستری از آن بصورت و ریش او خواهد و سید چون
محمد بن عیسی این کلام معجز نشان را از آنحضرت شنید شاد گردید و در مقابل جنابش
زمین را بوسید با سرور با اهل خود برگردید تا آخر حکایت و مجلسی فرموده
این قصه نزد اهل بحرین معروفست و قبر محمد بن عیسی نزد ایشان و او را زیارت
میکنند **سی و هشتم** بیرون آمدن از حرم مطهر بقهقری
و پشت نکردن بضریح مقدس پا بامی و اندک اندک تا آنکه از نظر زایر غایب
شود و این ادب علاوه بر آنکه موافق تعظیم و توقیر متعارف رعایا با ملوکست
در چند خبر معتبر بتصریح بیان شده **سی و نهم** بیرون رفتن از بلد
امام است پیش از انتظار جمعه چنانچه شیخ طوسی در تهذیب روایت کرده
که هر که از مکه یا مدینه یا مسجد کوفه یا حایر امام حسین ع بیرون رود پیش از
آنکه انتظار روز جمعه را بکشد ندا کنند او را ملائکه که کجا میروی خدا
تو را برنگرداند و علما در این خبر دو احتمال داده اند یکی آنکه غرض کردن نماز
روز جمعه باشد و این تهدید برای کسانی که پیش از ظهر روز جمعه مسافرت
کنند و انتظار نکشند که نماز جمعه را بکنند و بنابراین در این اعصار که در
مشاهد مشرفه اقامه جمعه نمیشود از مسافرت پیش از ظهر روز جمعه
از این جهت نهی نباشد دوم آنکه چون جمعه نزدیک شود انتظار کشد که
بفیوضات زیارت و ادعیه شب و روز جمعه برسد پس در روز پنجشنبه از آن
بلد بیرون نرود و احتمال اول اظهر است **چهلم** قصد مراجعت
داشتن بحرم مطهر و عود بزیارت هر وقت که برگشت بمنزل خود مادامیکه

در آن مشهد شریف اقامه دارد چنانچه شهید و مجلسی و دیگران فرمودند و از مستحبات
شمردند و بعضی مورد این مستحب را بعد از قصد مراجعت و بیرون آمدن از بلد
امام علیه السلام دانستند و جمع هر دو ممکن و در کتاب حسین بن شریك
مرویست که حضرت امام محمد باقر علیه السلام فرمود که هر که از مکه بیرون
بیاید و قصد نداشته باشد عود باینجا را پس بتحقیق که اجلش و عذابش نزدیك شده
و این فی الجمله تاییدی از دوام میکند بجهت مشارکت کعبه معظمه و مشاهد
مشرفه در بسیاری از این امور و امثال **فصل یکم** بهتر کردن حال و کردار و
گفتار خود را بعد از فراغ از زیارت از آنچه دارا بود از آنها پیش از زیارت
چنانچه شهید و مجلسی و غیر ایشان ذکر نمودند و فرمودند در حرم مطهر توبه
کند و عزم نماید بر ترك و این مطلب اگرچه از آداب شمرده شده ولکن بهتر آنکه
از علامات و دلالات قبولی زیارات محسوب دارند چنانچه در سایر عبادات
مرغوبه مثل نماز و روزه و حج چنین است چه اگر زیارتش قبول نشود گناهانش
آمرزیده نشود و چون آمرزیده و بی گناه شد البته اطوار و افعالش تغییر کند
(لا یستوی اصحاب النار و اصحاب الجنة) و شرح این مقام طولانی و رساله
را گنجایش از بیست و در اینجا بدو حدیث قناعت کنیم و در کتاب شریف جعفریات
مرویست از امیر المؤمنین علیه السلام که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود علامت قبول حج ترك بندی است که گناهانی را که بآن مشغول بود و در خبر
دیگر فرزند همین مضمون را فرمود و بعد از آن فرمود و اگر برگشت و ببندت
مشغول شد بگناهانیکه داشت از زنا یا خیانت یا معصیت پس بتحقیق که حج
او را بر او رد کردند و در کامل الزیارة مرویست از محمد بن مسلم که گفت عرض کردم

خدمت حضرت امام محمد باقر علیه السلام که چون ما بزیارت حسین بن علی میرویم
آیا نه انستکه مادر حجیم فرمود بلی گفت گفتم پس بر ما لازم میشود آنچه بر حاجیان
باید است از ترک کنند در حال احرام فرمود بر تو لازم است که نیکو مصاحبت
کنی با آنکه رفیق تو است و بر تو لازم است کم گفتن سخن مگر خیر و لازم
بر تو که یاد خداوند بسیار کنی و لازم است بر تو پاکیزه کردن جامه و لازم
است بر تو غسل پیش از آنکه داخل حایر شوی و لازم است بر تو خشوع
و بسیار نماز کردن و صلوات بر محمد و آل محمد بسیار فرستادن و باید
خود را نگاه داری از کردن آنچه سزاوار تو نیست و باید که دیده
خود را از حرام و شبهه بپوشانی و لازمست که احسان کنی بر فقراء
برادران مؤمن خود اگر دیدی وا مانده و با انها مواساة کنی و لازمست
بر تو تقیه که قوام دین بانست و پرهیزکاری از آنچه خدا تعالی ترا از
ان نهی کرده و خصومت و بسیار قسم خوردن و مجادله کردن انها سوگند
خورند پس چون چنین کردی حج و عمره ات تمام میشود و مستحق
شوی از جانب انکه طالب ثواب او باشی بوسیله مالی که خرج او
کردی و غریبی که از اهل خود کشیدی و از ایشان دور افتادی و شوق
و رغبت بانچه باز راغب شدی یعنی زیارت ابی عبدالله علیه السلام
انکه برگردی با مغفرت و رحمة و خوشنودی خدا تعالی) (مولفه
گوید) (در فضایل زیارت حضرت امیرالمؤمنین و امام رضا علیهما
السلام نیز ذکر حج و عمره و افضلیت زیارت ان دو بزرگوار از ان دو
عمل شده و علاوه اغلب زوار مقصد اصلی ایشان از مسافرت بعراق

زیارت حضرت سید الشهداء صلوات الله علیه است پس این خبر شامل زوار عراق علیهم السلام خواهد بود و بملاحظه خبر اول علامت قبولی زیارت بدست خواهد رسید و متجاهرین بمعاصی خصوص متظاهرین از ایشان مثل تراشندگان که صورت بران ضریح مقدس مالند و با ریش مانند صورت را تبرک کنند و هنوز از مشاهد شریفه بیرون نیامده صورت را بدست دلاک دهند آن موهای تبرک شده را در مزبله ریزند و شرم نکنند فکری برای مال رفته و رنج کشیده خود کنند که از زیارت جز خسارت در دنیا و آخرت محصولی ندارد **چهل و دوم** انفاق کردن بقدر میسور و توانائی بر خاصان حقیقی آستانه مبارکه یعنی آنان که براستی مشغول خدمات لازمه اند از تنظیف و حراست و محافظت زوار و غیر آن چنانچه شهید و مجلسی و دیگران تصریح فرموده اند و آن خلی با جرت زیارت نامه خواندن ندارد و شرح این مقام طولانی با این رساله مناسبت ندارد **چهل و سیم** انفاق و احسان بر فقراء مجاورین و مساکین متعففین از سادات و اهل علم و منقطعین که بمرارت غربت و تنگدستی مبتلا و همواره از علم تعظیم شعائر الله را بر پا نموده و در ایشان جهات عدیده است که ملاحظه هر یک از آنها کافیست در لزوم اعانت و رعایت و ما آنها را مشروحا در کتاب کلمه طیبه ذکر نموده ایم بلکه غرض اصلی از تالیف آن کتاب دستگیری مجاورین است و در آن فوائد بسیار است که در هیچ کتابی یافت نشود امید بان رجوع نمایند و تکلیف خود را بالنسبة بایشان در سفر

زیارت ملائکه در رجعت نیز بدانند و بالله التوفیق

مقام دوم

در زیارت جامعه و آن بسیار است و ما این گریك جامعه کبیره و دو جامعهٔ صغیره

اما جامعه کبیره

قناعت کنیم

پس بدانکه شیخ جلیل نبیل شیخ ابرهیم کفعمی در کتاب بلد الامین روایت کرده از امام علی نقی صلوات الله علیه بعد از ذکر صد تکبیر که آن بزرگوار را چنین زیارت کنند

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ يا اَهْلَ بَيْتِ النُّبُوَّةِ وَمَوْضِعَ الرِّسالَةِ وَمُخْتَلَفَ الْمَلائِكَةِ وَمَهْبِطَ الْوَحْيِ وَخُزّانَ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَمَعْدِنَ الرَّحْمَةِ وَمَاْوَى السَّكِينَةِ وَاُصُولَ الْكَرَمِ وَقادَةَ الْاُمَمِ وَعَناصِرَ الْاَبْرارِ وَدَعائِمَ الْجَبّارِ وَساسَةَ الْعِبادِ وَاَرْكانَ الْبِلادِ وَاَبْوابَ الْاِيمانِ وَاُمَناءَ الرَّحْمنِ وَسُلالَةَ النَّبِيِّينَ وَصَفْوَةَ الْمُرْسَلِينَ وَآلَ يٰسۤ وَعِتْرَةَ رَسُولِ رَبِّ الْعالَمِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدى وَمَصابِيحَ الدُّجى وَكُهُوفَ الْوَرى وَبُدُوَّ الدُّنيا وَاَعْلامَ التُّقى وَذَوِي النُّهى وَاُولِي الْحِجى وَذُرِّيَّةَ

وَاَوْلِياءَ النِّعَمِ

الانبیاء والمثل الاعلی والدعوة الحسنی وورثة
الانبیاء والحجة علی من فی الارض والسماء والاخرة
والاولی ورحمة الله وبرکاته السلام علی محال
معرفة الله ومساکن برکة الله ومشاکی نور الله و
معادن حکمة الله وورثة رسول الله واوصیائه و
ذریته صلی الله علیه واله وبرکاته السلام علی الدعاة
الی الله والادلاء علی مرضاة الله والمؤدین عن الله
والقائمین بحق الله والناطقین عن الله والمستقرین
فی امر الله والمخلصین فی توحید الله والصادعین
بامر الله والثابتین فی محبة الله والمظهرین لامر الله
ونهیه وعباده المکرمین الذین لا یسبقونه بالقول
وهم بامره یعملون ورحمة الله وبرکاته السلام علی
الائمة الدعاة والقادة الهداة والسادة الولاة
والذادة الحماة واهل الذکر واولی الامر وبقیة الله
وحزبه وخیرته وعیبة علمه وحجته وعینه و

وخزنة علم الله وحفظة سر الله وحملة کتاب الله

جَنْبِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَشْهَدُ اَلَّا
اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللّٰهُ لِنَفْسِهِ وَ
شَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَاُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا اِلٰهَ اِلَّا
هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجَبُ وَرَسُولُهُ
الْمُرْتَضٰى وَنَبِيُّهُ الْمُصْطَفٰى وَاَمِينُهُ الْمُرْتَضٰى اَرْسَلَهُ بِالْهُدٰى
وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ
فَصَدَعَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ بِاَمْرِ رَبِّهِ وَبَلَّغَ مَا حَمَّلَهُ
وَنَصَحَ لِاُمَّتِهِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ رَبِّهِ وَدَعَا اِلَيْهِ
بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَصَبَرَ عَلٰى مَا اَصَابَهُ فِي
جَنْبِهِ وَعَبَدَ صَادِقًا حَتّٰى اَتَاهُ الْيَقِينُ فَصَلَّى اللّٰهُ
عَلَيْهِ وَاٰلِهِ وَاَشْهَدُ اَنَّ الدِّينَ كَمَا شَرَعَ وَالْكِتَابَ كَمَا
تَلٰى وَالْحَلَالَ كَمَا اَحَلَّ وَالْحَرَامَ كَمَا حَرَّمَ وَالْفَصْلَ كَمَا قَضٰى
وَالْحَقَّ كَمَا قَالَ وَالرُّشْدَ كَمَا اَمَرَ وَاَنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا وَخَالَفُوا
عَلَيْهِ وَجَحَدُوا حَقَّهُ وَاَنْكَرُوا فَضْلَهُ وَاتَّهَمُوهُ وَ
ظَلَمُوا وَصِيَّهُ وَحَلُّوا عَقْدَهُ وَنَكَثُوا بَيْعَتَهُ وَاعْتَدَوْا

عَلَيْهِ وَغَصَبُوا خِلَافَتَهُ وَنَبَذُوا أَمْرَهُ فِيهِ وَأَسَّسُوا
الْجَوْرَ وَالْعُدْوَانَ عَلَى أَهْلِهِ وَقَتَلُوهُمْ وَتَوَلَّوْا غَيْرَهُمْ
ذَائِقُوا الْعَذَابِ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنْ نَارِ جَهَنَّمَ لَا يُخَفَّفُ
عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ مَلْعُونُونَ مَتْعُوبُونَ
نَاكِسُوا رُؤُسِهِمْ يُعَايِنُونَ النَّدَامَةَ وَالْخِزْيَ الطَّوِيلَ مَعَ
الْأَذَلِّينَ الْأَشْرَارِ قَدْ كُبُّوا عَلَى وُجُوهِهِمْ فِي النَّارِ وَالَّذِينَ
الَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَصَدَّقُوهُ وَنَصَرُوهُ وَوَقَّرُوهُ وَعَزَّرُوهُ
وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ
فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ وَالْفَوْزِ الْعَظِيمِ وَالثَّوَابِ الْمُقِيمِ الْكَرِيمِ
وَالْغِبْطَةِ وَالسُّرُورِ وَالْفَوْزِ الْكَبِيرِ فَجَزَاهُ اللهُ
عَنَّا أَحْسَنَ الْجَزَاءِ وَخَيْرَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ وَ
رَسُولًا عَمَّنْ أُرْسِلَ إِلَيْهِ وَخَصَّهُ بِأَفْضَلِ قِسَمِ الْفَضَائِلِ
وَبَلَّغَهُ أَعْلَى مَحَلِّ شَرَفِ الْمُكْرَمِينَ مِنَ الدَّرَجَاتِ الْعُلَى
فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ
عِنْدَ مَلِيكٍ مُقْتَدِرٍ وَأَعْطَاهُ حَتَّى يَرْضَى وَزَادَهُ بَعْدَ

زيارة جامعهٔ كبيره

الرِّضا وَجَعَلَهُ اَقْرَبَ النَّبِيّينَ مَجْلِسًا وَاَدْناهُمْ اِلَيْهِ
مَنْزِلًا وَاَعْظَمَهُمْ عِنْدَهُ جاهًا وَاَعْلاهُمْ لَدَيْهِ كَعْبًا
وَاَحْسَنَهُمْ اَتْباعًا وَاَوْفَرَ الْخَلْقِ نَصيبًا وَاَجْزَلَهُمْ حَظًّا في
كُلِّ خَيْرٍ اللهُ قاسِمُهُ بَيْنَهُمْ وَنَصيبًا وَاَحْسِنِ اللّهُمَّ مُجازاتَهُ
عَنْ جَميعِ الْمُؤْمِنينَ مِنَ الْاَوَّلينَ وَالْآخِرينَ وَاَشْهَدُ
اَنَّكُمُ الْاَئِمَّةُ الرّاشِدُونَ الْمَهْدِيُّونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكَرَّمُونَ
الْمُقَرَّبُونَ الصّادِقُونَ الْمُصْطَفَوْنَ الْمُطيعُونَ لِلّهِ الْقَوّامُونَ
بِاَمْرِهِ الْعامِلُونَ بِاِرادَتِهِ الْفائِزُونَ بِكَرامَتِهِ اصْطَفاكُمْ
بِعِلْمِهِ وَاصْطَنَعَكُمْ لِنَفْسِهِ وَارْتَضاكُمْ لِغَيْبِهِ وَاخْتارَكُمْ
لِسِرِّهِ وَاجْتَباكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَاَعَزَّكُمْ بِهُداهُ وَخَصَّكُمْ
بِبُرْهانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ وَاَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ
خُلَفاءَ في اَرْضِهِ وَجَعَلَكُمْ حُجَجًا عَلى بَرِيَّتِهِ وَاَنْصارًا
لِدينِهِ وَحَفَظَةً لِحِكْمَتِهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعًا
لِسِرِّهِ وَتَراجِمَةً لِوَحْيِهِ وَاَرْكانًا لِتَوْحيدِهِ وَشُهَداءَ
عَلى خَلْقِهِ وَاَسْبابًا اِلَيْهِ وَاَعْلامًا لِعِبادِهِ وَمَنارًا

فِي بِلَادِهِ وَسَبِيلًا اِلَى جَنَابِهِ وَاَدِلَّاءَ عَلَى صِرَاطِهِ
عَصَمَكُمُ اللهُ مِنَ الذُّنُوبِ وَبَرَّاكُمْ مِنَ الْعُيُوبِ وَائْتَمَنَكُمْ
عَلَى الْغُيُوبِ وَجَنَّبَكُمُ الْآفَاتِ وَوَقَاكُمْ مِنَ السَّيِّئَاتِ
وَطَهَّرَكُمْ مِنَ الدَّنَسِ وَالزَّيْغِ وَنَزَّهَكُمْ مِنَ الزَّلَلِ وَالْخَطَاءِ
وَاَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمْ تَطْهِيرًا وَاٰمَنَكُمْ مِنَ
الْفِتَنِ وَاسْتَرْعَاكُمُ الْاَنَامَ وَعَرَّفَكُمُ الْاَسْبَابَ وَ
اَوْرَثَكُمُ الْكِتَابَ وَاَعْطَاكُمُ الْمَقَالِيدَ وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا خَلَقَ فَعَظَّمْتُمْ
جَلَالَهُ وَاَكْبَرْتُمْ شَانَهُ وَهِبْتُمْ عَظَمَتَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَ
اَدَمْتُمْ ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ مِيثَاقَهُ وَاَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ
وَنَصَحْتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ اِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ
وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَبَذَلْتُمْ اَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَ
صَبَرْتُمْ عَلَى مَا اَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ وَصَدَعْتُمْ بِاَمْرِهِ وَتَلَوْتُمْ
كِتَابَهُ وَحَذَّرْتُمْ بَاْسَهُ وَذَكَّرْتُمْ بِاَيَّامِهِ وَاَوْفَيْتُمْ بِعَهْدِهِ
وَاَقَمْتُمُ الصَّلٰوةَ وَاٰتَيْتُمُ الزَّكٰوةَ وَاَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ
وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَجَادَلْتُمْ بِالَّتِي هِيَ اَحْسَنُ وَجَاهَدْتُمْ

فِي اللّٰهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتّىٰ أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَقَمَعْتُمْ عَدُوَّهُ
وَاَظْهَرْتُمْ دِينَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَاَقَمْتُمْ حُدُودَهُ
وَشَرَعْتُمْ اَحْكَامَهُ وَسَنَنْتُمْ سُنَّتَهُ وَصِرْتُمْ فِي ذٰلِكَ
اِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَآءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ
مَنْ مَضىٰ فَالرَّاغِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَ
الْمُقَصِّرُ عَنْكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَاِلَيْكُمْ
وَاَنْتُمْ اَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ النُّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَاِيَابُ
الْخَلْقِ اِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ الْخِطَابِ
عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ اللّٰهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ
مَعَكُمْ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَاَمْرُهُ نَازِلٌ اِلَيْكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ
فَقَدْ وَالَى اللّٰهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللّٰهَ وَمَنْ اَحَبَّكُمْ
فَقَدْ اَحَبَّ اللّٰهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ بِاللّٰهِ اَنْتُمْ
يَا مَوَالِيَّ نِعْمَ الْمَوَالِي لِعَبِيدِهِمْ اَنْتُمُ السَّبِيلُ الْاَعْظَمُ
وَالصِّرَاطُ الْاَقْوَمُ وَشُهَدَآءُ دَارِ الْفَنَآءِ وَشُفَعَآءُ دَارِ
الْبَقَآءِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالْاَمَانَةُ

المحفوظة والباب المبتلى به الناس من اتيكم نجى
ومن لم يأتكم هلك ومن ابيكم هوى الى الله
تدعون وعليه تدلّون وبه تؤمنون وله تسلّمون
وبامره تعملون والى سبيله ترشدون وبقوله تحكمون
واليه تنيبون واياه تعظّمون سعد والله بكم من
والاكم وهلك من عاداكم وخاب من جهلكم وضلّ
من فارقكم وفاز من تمسّك بكم وامن من لجأ اليكم
وسلم من صدّقكم وهدى من اعتصم بكم من اتّبعكم
فالجنّة مأويه ومن خالفكم فالنار مثواه ومن جحدكم
كافر ومن حاربكم مشرك ومن ردّ عليكم ففى اسفل
درك من الجحيم اشهد انّ هذا سابق لكم فيما مضى وجار
لكم فيما بقى وانّ انواركم واشباحكم وسناءكم وظلالكم
وارواحكم وطينتكم واحدة جلّت وعظمت وبوركت
وقدّست وطابت وطهرت بعضها من بعض لم تزالوا بعين
الله وعنده فى ملكوته انوارا تأمرون وله تخافون واياه

تسبّحون وبعرشه محدقون وبه حافّون حتّى منّ بكم
علينا فجعلكم في بيوتٍ اذن الله ان ترفع ويذكر فيها اسمه
تولّى عن ذكره تطهيرها ورضي من خلقه بتعظيمها فرفعها
على كلّ بيتٍ قدّسه واعلاها على كلّ بيتٍ طهّره في السّماء
لا يوازيها خطر ولا يسموا الى سمائها النّظر ولا يقع على
كنهها الفكر ولا يطمح الى ارضها البصر ولا يغادر
سكّانها البشر يتمنّى كلّ احدٍ انّه منكم ولا يتمنّون
انّكم من غيركم اليكم انتهت المكارم والشّرف وفيكم
استقرّت الانوار والعظم والمجد والسّودد فما فوقكم
احدٌ الّا الله ولا اقرب اليه ولا اخصّ لديه ولا اكرم
عليه منكم انتم سكن البلاد ونور العباد وعليكم
الاعتماد يوم التّناد كلّما غاب منكم حجّة او افل منكم
علمٌ اطلع الله على خلقه من عقب الماضي خلفاً اماماً
ونوراً هادياً وبرهاناً مبيناً نيّراً داعياً عن داعٍ و
هادياً بعد هادٍ وخزنة وحفظة لا يغيظ بكم غوره و

وَلَا تَنْقَطِعُ عَنْكُمْ مَوَادُّهُ وَلَا يُسْلَبُ عَنْكُمْ اَرِيْجُهُ سَبَبًا
مَوْصُوْلًا مِنَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةً مِنْهُ عَلَيْنَا يُرْشِدُنَا اِلَيْهِ
وَيُقَرِّبُنَا مِنْهُ وَيُزْلِفُنَا لَدَيْهِ وَجَعَلَ صَلٰوتَنَا عَلَيْكُمْ وَ
ذِكْرَنَا لَكُمْ وَمَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وِلَايَتِكُمْ وَ عَرَّفَنَاهُ مِنْ
فَضْلِكُمْ طِيْبًا لِخَلْقِنَا وَطَهَارَةً لِاَنْفُسِنَا وَتَزْكِيَةً لَنَا
وَكَفَّارَةً لِذُنُوْبِنَا اِذْ كُنَّا عِنْدَهُ بِكُمْ مُؤْمِنِيْنَ مُسَلِّمِيْنَ
وَبِفَضْلِكُمْ مَعْرُوْفِيْنَ وَبِتَصْدِيْقِنَا اِيَّاكُمْ مَشْكُوْرِيْنَ وَ
بِطَاعَتِنَا لَكُمْ مَشْهُوْرِيْنَ فَبَلَّغَ اللّٰهُ بِكُمْ اَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكَرَّمِيْنَ
وَاَفْضَلَ شَرَفِ الْمُشَرَّفِيْنَ وَاَعْلٰى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِيْنَ وَاَرْفَعَ
دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِيْنَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَلَا يَفُوْقُهُ فَائِقٌ
وَلَا يَسْبِقُهُ سَابِقٌ وَلَا يَطْمَعُ فِيْ اِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتّٰى لَا يَبْقٰى مَلَكٌ
مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَلَا صِدِّيْقٌ وَلَا شَهِيْدٌ وَلَا عَالِمٌ
وَلَا جَاهِلٌ وَلَا دَنِيٌّ وَلَا فَاضِلٌ وَلَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَلَا
فَاجِرٌ طَالِحٌ وَلَا جَبَّارٌ عَنِيْدٌ وَلَا شَيْطَانٌ مَرِيْدٌ وَلَا خَلْقٌ
فِيْمَا بَيْنَ ذٰلِكَ شَهِيْدٌ اِلَّا عَرَّفَهُمْ جَلَالَةَ اَمْرِكُمْ وَعِظَمَ خَطَرِكُمْ

وَكِبَرِ شَأْنِكُمْ وَتَمَامِ نُورِكُمْ وَصِدْقِ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتِ مَقَامِكُمْ
وَشَرَفِ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتِكُمْ
لَدَيْهِ وَقُرْبِ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَ
مَالِي وَأُسْرَتِي يَا سَادَتِي وَأَئِمَّتِي أُشْهِدُ اللهَ وَأُشْهِدُكُمْ أَنِّي
مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَبِمَا آمَنْتُمْ بِهِ وَكَافِرٌ بِعَدُوِّكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ
مُسْتَبْصِرٌ بِشَأْنِكُمْ عَارِفٌ بِضَلَالَةِ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ
وَلِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَمُعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سَالَمَكُمْ
وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ
مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقِرٌّ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُقْتَدٍ
بِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ
بِرَجْعَتِكُمْ مُنْتَظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِدَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ
عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ عَائِذٌ بِكُمْ لَائِذٌ
بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ بِكُمْ مُتَقَرِّبٌ إِلَيْهِ
بِمَحَبَّتِكُمْ وَمُقَدِّمُكُمْ أَمَامَ طَلِبَتِي وَمَسْأَلَتِي وَحَوَائِجِي وَ
إِرَادَتِي وَمُتَوَسِّلٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَمُقَدِّمُكُمْ بَيْنَ يَدَيْ فِي كُلِّ

أَحْوالِي وَأُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَعَلانِيَتِكُمْ وَشاهِدِكُمْ وَغائِبِكُمْ وَأَوَّلِكُمْ وَآخِرِكُمْ وَمُفَوِّضٌ فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ إِلَيْكُمْ وَمُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سِلْمٌ وَرَأْيِي لَكُمْ تَبَعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتّٰى يُحْيِيَ اللّٰهُ تَعالٰى دِينَهُ بِكُمْ وَيَرُدَّكُمْ فِي أَيّامِهِ وَيُظْهِرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَيُمَكِّنَكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ إِنْشاءَ اللّٰهُ لَا مَعَ غَيْرِكُمْ آمَنْتُ بِكُمْ وَتَوالَيْتُ آخِرَكُمْ بِما تَوالَيْتُ بِهِ أَوَّلَكُمْ وَبَرِئْتُ إِلَى اللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ أَعْدائِكُمْ وَمِنَ الْجِبْتِ وَالطّاغُوتِ وَأَوْلِيائِهِمْ وَالشَّياطِينِ وَحِزْبِهِمِ الظّالِمِينَ لَكُمْ وَالْجاحِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَالْمارِقِينَ مِنْ دِينِكُمْ وَوِلايَتِكُمْ وَالْغاصِبِينَ لِإِرْثِكُمْ وَالشّاكِّينَ فِيكُمْ وَالْمُنْحَرِفِينَ عَنْكُمْ وَمِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَكُمْ وَكُلِّ مُطاعٍ سِواكُمْ وَمِنَ الْأَئِمَّةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النّارِ فَثَبَّتَنِيَ اللّٰهُ أَبَداً ما حَيِيتُ عَلىٰ مُوالاتِكُمْ وَمَحَبَّتِكُمْ وَدِينِكُمْ وَوَفَّقَنِي لِطاعَتِكُمْ وَرَزَقَنِي شَفاعَتَكُمْ وَجَعَلَنِي مِنْ خِيارِ مَوالِيكُمْ وَالتّابِعِينَ إِلىٰ ما دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَجَعَلَنِي مِمَّنْ

يَقْتَصُّ آثارَكُمْ وَيَسْلُكُ سَبيلَكُمْ وَيَهْتَدي بِهُداكُمْ وَ
يُحْشَرُ في زُمْرَتِكُمْ وَيَكِرُّ في رَجْعَتِكُمْ وَيُمَلَّكُ في دَوْلَتِكُمْ
وَيُشَرَّفُ في عافِيَتِكُمْ وَيُمَكَّنُ في اَيّامِكُمْ وَتَقَرُّ عَيْنُهُ غَداً بِرُؤْيَتِكُمْ بِاَبي اَنْتُمْ وَاُمّي وَ
مالي وَاُسْرَتي مَنْ اَرادَ اللهَ بَدَءَ بِكُمْ وَمَنْ وَحَّدَهُ قَبِلَ
عَنْكُمْ وَمَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مَوالِيَّ لا اُحْصي ثَنائَكُمْ
وَلا اَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ كُنْهَكُمْ وَمِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَاَنْتُمْ
نُورُ الْاَنْوارِ وَخِيَرَةُ الْاَخْيارِ وَحُجَجُ الْجَبّارِ بِكُمْ فَتَحَ اللهُ
وَبِكُمْ يَخْتِمُ اللهُ وَبِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَالرَّحْمَةَ وَبِكُمْ يُمْسِكُ
السَّماءَ اَنْ تَقَعَ عَلَى الْاَرْضِ اِلّا بِاِذْنِهِ وَبِكُمْ يُنَفِّسُ الْهَمَّ
وَيَكْشِفُ الضُّرَّ وَعِنْدَكُمْ ما نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَهَبَطَتْ بِهِ
مَلائِكَتُهُ وَاِلى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمينُ

واگر زیارت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه باشد
بجای وَاِلى جَدِّكُمْ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمينُ (بگو) وَاِلى
اَخيكَ بُعِثَ الرُّوحُ الْاَمينُ (پس بگو)

وَبِمِفْتاحِ مَنْطِقِكُمْ نَطَقَ كُلُّ لِسانٍ وَبِكُمْ يُسَبِّحُ الْقُدُّوسُ

النّبوح وبتسبیحکم جرت الالسن بالتسبیح واللہ بمنہ اتکم ما لم یوت احدا من العالمین طاطا کل شریف لشرفکم وبخع کل متکبر لطاعتکم وخضع کل جبار لفضلکم وذل کل شیء لکم واشرقت الارض بنورکم وفاز الفائزون بولایتکم بکم یسلک الی الرضوان وعلی من جحد ولایتکم غضب الرحمن بابی انتم وامی ونفسی واھلی ومالی ذکرکم فی الذاکرین واسمائکم فی الاسماء واجسادکم فی الاجساد وارواحکم فی الارواح وانفسکم فی النفس وآثارکم فی الآثار وقبورکم فی القبور فما احلی اسمائکم واکرم انفسکم واعظم شانکم واجل خطرکم واوفی عھدکم و اصدق وعدکم کلامکم نور وامرکم رشد ووصیتکم التقوی وفعلکم الخیر وعادتکم الاحسان وسجیتکم الکرم وشانکم الحق وکلامکم الصدق وطبعکم الرفق وقولکم حکم وحتم ورایکم علم وحلم وکرم وامرکم عزم وحزم ان ذکر الخیر کنتم اولہ واخرہ واصلہ وفرعہ و

مَعْدِنُهُ وَمَأْواهُ وَاِلَیْکُمْ مُنْتَهاهُ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی وَنَفْسی وَاَهْلی
وَمالی کَیْفَ اَصِفُ حُسْنَ ثَنائِکُمْ وَاُحْصی جَمیلَ بَلائِکُمْ
بِکُمْ اَخْرَجَنَا اللهُ مِنَ الذُّلِّ وَاَطْلَقَ عَنّا رَهائِنَ الْغُلِّ وَفَرَّجَ عَنّا
غَمَراتِ الْکُرُوبِ وَاَنْقَذَنا مِنْ شَفا جُرُفِ الْهَلَکاتِ وَمِنْ
عَذابِ النّارِ بِاَبی اَنْتُمْ وَاُمّی وَنَفْسی وَاَهْلی وَمالی بِمُوالاتِکُمْ عَلَّمَنَا
اللهُ مَعالِمَ دینِنا وَاَصْلَحَ ما کانَ فَسَدَ مِنْ دُنْیانا وَبِمُوالاتِکُمْ
تَمَّتِ الْکَلِمَةُ وَعَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَکَمُلَتِ الْمِنَّةُ وَائْتَلَفَتِ
الْفُرْقَةُ وَبِمُوالاتِکُمْ تُقْبَلُ الْاَعْمالُ وَلَکُمُ الطّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ
وَالْمَوَدَّةُ الْواجِبَةُ وَالدَّرَجاتُ الرَّفیعَةُ وَالْمَکانُ الْمَحْمُودُ
وَالْمَقامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْجاهُ الْعَظیمُ وَ
الشَّأْنُ الْکَبیرُ وَالشَّفاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنا آمَنّا بِما اَنْزَلْتَ
وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاکْتُبْنا مَعَ الشّاهِدینَ رَبَّنا لا تُزِغْ
قُلُوبَنا بَعْدَ اِذْ هَدَیْتَنا وَهَبْ لَنا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ
اَنْتَ الْوَهّابُ سُبْحانَ رَبِّنا اِنْ کانَ وَعْدُ رَبِّنا لَمَفْعُولاً

پس ببند از خود را بر ضریح و آنرا ببوس و بگو

یا ولیّ الله انّ بینی و بین الله عزّ و جلّ ذنوباً کثیرة لا یأتی علیها
الّا رضی الله و رضاکم فبحق من ائتمنکم علی سرّه واسترعاکم
امر خلقه وقرن طاعتکم بطاعته وموالاتکم بموالاته
لمّا استوهبتم ذنوبی وکنتم شفعائی الی الله تعالی فانّی
لکم مطیع من اطاعکم فقد اطاع الله ومن عصاکم فقد
عصی الله ومن احبّکم فقد احبّ الله ومن ابغضکم فقد
ابغض الله پس بلند کن دستهای خود را بسوی آسمان و بگو اللّهمّ انّی
لو وجدت وسیلة اقرب الیک من محمّد واهل بیته الاخیار
الائمّة الابرار علیه وعلیهم السّلام لجعلتهم شفعائی
الیک اللّهمّ فبحقّهم الّذی اوجبت لهم علیک
اسئلک ان تدخلنی فی جملة العارفین بهم وبحقّهم
وفی زمرة المرحومین بشفاعتهم انّک انت ارحم الرّاحمین

مؤلف گوید

این زیارت همان زیارت جامعهٔ کبیرهٔ معروفه مرویه از همان امام
همام امام علی نقی علیه السّلام است با زیادتی در مواضع حدیث و ظاهر

این جامعه معروفه مختصری باشد از آن و این اختصار میشود از خود آن امام
بزرگوار باشد با اینکه بعض اصحاب طولانی آن را القا فرمودند و بعد دیگری این
مختصر را و میشود اذن مخصوص داده باشند در خصوص این مورد
یا مطلق زیارات و ادعیه مطوله و خبرهای طولانی که خود علمای
رواة آنها را بنحوی که اختلالی پیدا نشود در متن خبر مختصر کنند و این
احتمال قریب است در نظر حقیر و بر اکثر نظایر برای این دو جامعه در طول و
اختصار در بین اخبار مکرر دیده شده مثل خبر شریف هفتاد حق
که بر آدمی است و باید که از عهده بر آنها برآید و آن را ابوحمزه ثمالی از
حضرت امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده و کتاب ابو
حمزه که در احوالش نوشته‌اند همین یک حدیث حقوق است و این خبر
را شیخ صدوق در کتاب خصال و کتاب فقیه روایت کرده و نیز
شیخ کلینی رحمه الله در کتاب رسائل الائمه و حسن بن علی بن
شعبه در کتاب تحف العقول روایت نموده‌اند با زیادتی بر خبر صدوق
بقدر ثلث تقریبا و مثل خبر زندیقی که خدمت حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام عرض کرد که اگر در قرآن آیات متناقضه نمیداشت اسلام
میآوردم فرمودند که آنها کدام است پس دسته دسته از آنها را عرض
میکرد و جواب میشنید و این خبر طولانی را شیخ صدوق قدس سره
در کتاب توحید روایت کرده و نیز آن را شیخ طبرسی در کتاب احتجاج
نقل کرده با زیادتی بسیار که شاید بقدر ثلث آن خبر شود و مثل اعمال مسجد
کوفه معروفه و آنچه ما بحمد الله تعالی پیدا کردیم در رساله سلامة المر

نقل نمودیم و در زیاده و نقصان غریب بانیست و خبر است و نظایر آن که بر اهل خبره
مخفی نیست بهر حال اگر قصد تکبیر اولی را با آن ترتیب زیارت جامعه معروفه
بخواند بهتر است که سی از آن را در وقت دیدن ضریح مقدس و سی از آن را
بعد از رفتن چند قدم بایستد و بگوید و چهل دیگر را چون بمقام زیارت رسید
و در اینجا نکته مختصریست که ناچاریم از ذکر آن و آن اینست که شیخ جلیل محمد بن
المشهدی در مزار خود زیارت جامعه معروفه را نقل کرده باسناد متصل
تا بشیخ صدوق و از او بسندی که آن مرحوم دارد و در تمام فقرات مطابق
است با روایت صدوق جز آنکه بعد از فقره (اَلسَّلامُ عَلی مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ)
این فقره (وَمَشاکی نُورِ اللهِ) را دارد و بعد از آن مطابق است تا آخر و دانستنی
که این فقره در جامعه طویله نیز هست پس معلوم میشود این فقره شریفه
از قلم شیخ صدوق ساقط شده و جزو جامعه معروفه است و اگر خود
شیخ مختصر کرده باشد از قلم ناسخ فقیه افتاده بهر حال زائرین بعد از مطالعه
این مقام این فقره شریفه را البته داخل نموده در وقت خواندن جامعه
معروفه را خواهند خواند **واما دو جامعه صغیره پس**
اول آن زیارت امین الله است که بنص صریح امام عصر صلوات
الله علیه افضل و اکمل زیارات است چنانچه گذشت و جمله از علماء مثل
علامه مجلسی و دیگران نیز تصریح کرده اند که این زیارت بحسب سند و اعتبار
و الفاظ متن صحیح ترین و کاملترین زیارات مذکوره است باسانید عدیده
در زیارات مطلقه حضرت امیرالمؤمنین و در مخصوصه روز غدیر و در
زیارات جامعه و در آنها فی الجمله اختلافیست در زیادتی و نقصان و اختلاف

زیارت جامعه صغیره

روایت صفحه ۱۹۰

کلمات وما بذکر یک قناعت کنیم جعفر بن محمد بن قولویه در کامل الزیارة
روایت کرده باسناد معتبر از حضرت امام زین العابدین علیه السلام که آنجناب
زیارت کرد قبر امیر المؤمنین علی بن ابی طالب را وایستاد نزد قبرش گریست آنگاه گفت

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ یا اَمینَ اللهِ فی اَرْضِهِ وَحُجَّتَهُ عَلی عِبادِهِ اَشْهَدُ
لَقَدْ جاهَدْتَ یا اَمیرَ الْمُؤْمِنینَ فِی اللهِ حَقَّ جِهادِهِ وَعَمِلْتَ
بِکِتابِهِ وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِیِّهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ حَتّی
دَعاکَ اللهُ اِلی جِوارِهِ وَقَبَضَکَ اِلَیْهِ بِاخْتِیارِهِ لَکَ کَریمَ
ثَوابِهِ وَاَلْزَمَ عَلَیْکَ الْحُجَّةَ فی قَتْلِهِمْ اِیّاکَ مَعَ مالَکَ مِنَ
الْحُجَجِ الْبالِغَةِ عَلی جَمیعِ خَلْقِهِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ
وَاجْعَلْ نَفْسی مُطْمَئِنَّةً بِقَدَرِکَ راضِیَةً بِقَضائِکَ
مُولَعَةً بِذِکْرِکَ وَدُعائِکَ مُحِبَّةً لِصَفْوَةِ اَوْلِیائِکَ مَحْبُوبَةً
فی اَرْضِکَ وَسَمائِکَ صابِرَةً عِنْدَ نُزُولِ بَلائِکَ شاکِرَةً
لِفَواضِلِ نَعْمائِکَ ذاکِرَةً لِسَوابِغِ آلائِکَ مُشْتاقَةً اِلی
فَرْحَةِ لِقائِکَ مُتَزَوِّدَةً التَّقْوی لِیَوْمِ جَزائِکَ مُسْتَنَّةً
بِسُنَنِ اَوْلِیائِکَ مُفارِقَةً لِاَخْلاقِ اَعْدائِکَ مَشْغُولَةً

عن الدنیا بحمدک وثنائک

پس روی مبارک خود را بر قبر گذاشت و گفت

اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوبَ الْمُخْبِتِینَ اِلَیْکَ وَالِهَةٌ وَسُبُلَ الرَّاغِبِینَ اِلَیْکَ شَارِعَةٌ وَاَعْلَامَ الْقَاصِدِینَ اِلَیْکَ وَاضِحَةٌ وَاَفْئِدَةَ الْعَارِفِینَ مِنْکَ فَازِعَةٌ وَاَصْوَاتَ الدَّاعِینَ اِلَیْکَ صَاعِدَةٌ وَاَبْوَابَ الْاِجَابَةِ لَهُمْ مُفَتَّحَةٌ وَدَعْوَةَ مَنْ نَاجَاکَ مُسْتَجَابَةٌ وَتَوْبَةَ مَنْ اَنَابَ اِلَیْکَ مَقْبُولَةٌ وَعَبْرَةَ مَنْ بَکٰی مِنْ خَوْفِکَ مَرْحُومَةٌ وَالْاِغَاثَةَ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِکَ مَوْجُودَةٌ وَالْاِعَانَةَ لِمَنِ اسْتَعَانَ بِکَ مَبْذُولَةٌ وَعِدَاتِکَ لِعِبَادِکَ مُنْجَزَةٌ وَزَلَّاتِ مَنِ اسْتَقَالَکَ مُقَالَةٌ وَاَعْمَالَ الْعَامِلِینَ لَدَیْکَ مَحْفُوظَةٌ وَاَرْزَاقَ الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْکَ نَازِلَةٌ وَعَوَائِدَ الْمَزِیدِ اِلَیْهِمْ وَاصِلَةٌ وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِینَ مَغْفُورَةٌ وَحَوَائِجَ خَلْقِکَ عِنْدَکَ مَقْضِیَّةٌ وَجَوَائِزَ السَّائِلِینَ عِنْدَکَ مُوَفَّرَةٌ وَعَوَائِدَ الْمَزِیدِ مُتَوَاتِرَةٌ وَمَوَائِدَ الْمُسْتَطْعِمِینَ مُعَدَّةٌ وَمَنَاهِلَ الظِّمَاءِ لَدَیْکَ مُتْرَعَةٌ

اللّهمّ فاستجب دعائی واقبل ثنائی واجمع بینی و
بین اولیائی واحبّائی بحقّ محمّد وعلیّ وفاطمة والحسن والحسین
والائمّة من ذرّیة الحسین علیهم السّلام انّهم ائمّتی انّک ولیّ
نعمائی ومنتهی مُنای وغایة رجائی فی منقلبی ومثوای
انت الهی وسیّدی ومولای اغفر لاولیائنا وکفّ عنّا
اعدائنا واشغلهم عن اذانا واظهر کلمة الحقّ واجعلها
العلیا وادحض کلمة الباطل واجعلها السّفلی انّک علی
کلّ شیءٍ قدیر

مؤلف گوید

درجمله از روایات این زیارت شریفه وافئدة العارفین منک مضبوط شده
ودر بعضی از انها وافئدة الوافدین الیک مثبت شده وبنا بر نسخهٔ اول
فازعة بازای معجمه وعین مهمله از فزع بمعنی هول وترس است یعنی دلها
عارفین از تو ترسان و هراسان است چه هر کس معرفتش بیشتر است خوف
وخشیتش زیاد تر است وبنا بر نسخه دوم فارغة باراء بی نقطه وغین با
نقطه است از فراغ بمعنی تهی وخالی یعنی دلهای وارد شونده گان بر تو
تهی و پرداخته شده از یاد غیر از هر غم واندوهی زیرا که میدانند که تو بحال
ایشان میرسی و ایشان را بنا نیست در فکر خویشتن بودن با آنکه از لذت
بورود بخدمت جنابت شاد واز هر اندوه وهم وغمی وا آزاد اند ومخفی نماند
که اول این زیارت بملاحظه سایر روایات السّلام علیک یا امین الله

وان سلام اول که حضرت سجاد علیه السلام در زیارت امیر المؤمنین علیه
السلام است افزوده زائر در زیارات ائمه علیهم السلام نخواند اولا
بجهت نبودن آن در خبر یکه آنرا از جامعه محسوب داشته و ثانیا بجهت
اختصاص این لقب شریف بآن وجود مقدس و حرمت نامیدن احدی
از امامان یا غیر ایشان را باین اسم که در حیات رسول خدا صلی الله علیه و
آله و سلم از جانب رب العزة جبرئیل مامور شد که آنجناب را باین لقب
بخواند و بر او سلام کند و او اول کسیست که آن حضرت را باین لقب سلام
کرد و حذیفه شنید و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مامور شد
که اعلام کند سایرین را که آنحضرت را سلام کنند باین لقب و شرحی
طولانی که اصل آن در ارشاد القلوب دیلمی است و در آن فواید بسیار است

وَ اَمّا جامعهٔ صغیره که دوم

پس بدان که عالم جلیل شیخ شرف الدین نجفی تلمیذ محقق ثانی رحمهما
الله در کتاب شریف تاویل الآیات الباهرة در سوره مبارکه نحل در
ذیل آیه شریفه (وَاَوْحیٰ رَبُّكَ اِلَى النَّحْلِ) این زیارت را از مزار یکه
در خزانه عامره غرویه دیده بود نقل کرد

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى الْقُبَّةِ الْهاشِمِيَّةِ وَالْمِشْكٰوةِ الْباهِرَةِ
النَّبَوِيَّةِ وَالدَّرَجَةِ الْمُبارَكَةِ الْاَحْمَدِيَّةِ وَالشَّجَرَةِ
الْمَيْمُونَةِ الرَّضِيَّةِ الَّتي تَنْبَعُ بِالنُّبُوَّةِ وَتَفَرَّعُ بِالرِّسالَةِ

وَنُثْمِرُ بِالْإِمَامَةِ وَيَنَابِيعِ الْحِكْمَةِ وَنَسْقِي مِنْ مُصَفَّى الْعَسَلِ وَالْمَاءِ الْعَذْبِ الْغَدَقِ الَّذِي فِيهِ حَيٰوةُ الْقُلُوبِ وَنُورُ الْأَبْصَارِ الْمُوحَى إِلَيْهِ بِأَكْلِ الثَّمَرَاتِ وَاتِّخَاذِ الْبُيُوتَاتِ مِنَ الْجِبَالِ وَالشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ السَّالِكُ سُبُلَ رَبِّهِ الَّذِي مَنْ رَامَ غَيْرَهَا ضَلَّ وَمَنْ سَلَكَ سِوَاهَا هَلَكَ يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ.

مولف گوید

عالم مذکور بعد از ذکر این آیه شریفه چند خبر معتبر نقل کرده در تاویل آن باینکه مراد از نحل ائمه اطهار علیهم السلام است و جبال و اشجار و عروش مذکوره در آن کنایست نحل در آنها منزل بگیرد شیعیان ایشانند از عرب و عجم و عسل انواع علوم ایشان است که شفا در آنها است از امراض قلوب پس از آن فرموده و تایید میکند این اخبار را آنچه دیدیم تا آخر آنچه گذشت و واضح است که زیارت غراء بالخصوص این زیارت اگر مامور نبود از ائمه علیهم السلام چنین عالمی از اخبار معتبره را بآن تایید نمیکرد بلکه مضامین عالیه و کلمات بلیغه آن خود گواهی است صادق و شاهدیست ناطق بر صدور آن از ینابیع حکمت و بیوت طهارت و شدت حلاوت آن در دلهای اهل بینش و معرفت نیز خبر میدهد از بودن آن عسل مصفی و شهد منقی که در آن است شفاء امراض صدور و انواع اسقام قلوب والله العالم **مقام سیم** در بعضی از ادعیه مرویه

که در همه مشاهد مشرفه بعد از زیارت بایست خواند و آن بسیار است و احسن
انها بحسب عبارت و مضامین این دعا است .

اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ ذُنُوبِي قَدْ اَخْلَقَتْ وَجْهِي عِنْدَكَ وَحَجَبَتْ
دُعَائِي عَنْكَ وَحَالَتْ بَيْنِي وَبَيْنَكَ فَاَسْئَلُكَ اَنْ تُقْبِلَ
عَلَيَّ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَتَنْشُرَ عَلَيَّ رَحْمَتَكَ وَتُنْزِلَ عَلَيَّ مِنْ
بَرَكَاتِكَ وَاِنْ كَانَتْ مَنَعَتْ اَنْ تَرْفَعَ لِي اِلَيْكَ صَوْتاً اَوْ تَغْفِرَ
لِي ذَنْباً اَوْ تَتَجَاوَزَ عَنْ خَطِيئَةٍ مُهْلِكَةٍ فَهَا اَنَا ذَا مُسْتَجِيرٌ بِكَرَمِ
وَجْهِكَ وَعِزِّ جَلَالِكَ مُتَوَسِّلٌ اِلَيْكَ مُتَقَرِّبٌ اِلَيْكَ
بِاَحَبِّ خَلْقِكَ اِلَيْكَ وَاَكْرَمِهِمْ اِلَيْكَ وَاَوْلَاهُمْ بِكَ وَ
اَطْوَعِهِمْ لَكَ وَاَعْظَمِهِمْ مَنْزِلَةً وَمَكَاناً عِنْدَكَ مُحَمَّدٍ وَ
بِعِتْرَتِهِ الطَّاهِرِينَ الْاَئِمَّةِ الْهُدَاةِ الْمَهْدِيِّينَ الَّذِينَ فَرَضْتَ
عَلَى خَلْقِكَ طَاعَتَهُمْ وَاَمَرْتَ بِمَوَدَّتِهِمْ وَجَعَلْتَهُمْ وُلَاةَ
الْاَمْرِ مِنْ بَعْدِ رَسُولِكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُذِلَّ كُلِّ
جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَيَا مُعِزَّ الْمُؤْمِنِينَ بَلَغَ مَجْهُودِي فَهَبْ لِي
نَفْسِي السَّاعَةَ رَحْمَةً مِنْكَ تَمُنُّ بِهَا عَلَيَّ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

انگاه قبر مطهر را ببوسد و طرف خسار
خود در آن بمالد و بگو

اللهم ان هذا مشهد لا يرجو من فاتته فيه رحمتك
ان ينالها في غيره ولا احدا اشقى من امرئ قصده مؤملا
فآب عنه خائبا اللهم اني اعوذ بك من شر (سوء)
الاياب وخيبة المنقلب والمناقشة عند الحساب و
حاشاك يا ربّ ان تقرن طاعة وليك بطاعتك وموالاته
بموالاتك ومعصيته بمعصيتك ثم تؤيس زائره والمتحمل
من بعد البلاد الى قبره وعزتك يا ربّ لا ينعقد على
ذلك ضميري اذ كانت القلوب اليك بالجميل تشير
(انگاه بگو) يا ولي الله ان بيني وبين الله عزّ وجلّ ذنوبا
لا يأتي عليها الا رضاك فبحق من ائتمنك على سره و
استرعاك امر خلقه وقرن طاعتك بطاعته وموالاتك
بموالاته تولّ صلاح حالي مع الله عزّ وجلّ واجعل حظي
من زيارتك تخليطي بخالصي زوارك الذين تسئل الله
عزّ وجلّ في عتق رقابهم وترغب اليه في حسن ثوابهم

وَهَا اَنَا الْيَوْمَ بِقَبْرِكَ لَائِذٌ وَبِحُسْنِ دِفَاعِكَ عَنِّي عَائِذٌ فَتَلَافَنِي يَا مَوْلَايَ وَاَدْرِكْنِي وَاسْئَلِ اللهَ عَزَّ وَجَلَّ فِي اَمْرِي فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللهِ مَقَامًا كَرِيمًا وَجَاهًا عَظِيمًا صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَسَلَّمَ تَسْلِيمًا

انگاه قبر مطهر را ببوس و رو کن بقبله
و دست را بلند کن و بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ لَمَّا فَرَضْتَ عَلَيَّ طَاعَتَهُ وَاَكْرَمْتَنِي بِمُوَالَاتِهِ عَلِمْتُ اَنَّ ذٰلِكَ لِجَلِيلِ مَرْتَبَتِهِ عِنْدَكَ وَنَفِيسِ حَظِّهِ لَدَيْكَ وَلِقُرْبِ مَنْزِلَتِهِ مِنْكَ فَلِذٰلِكَ لُذْتُ بِقَبْرِهِ لِوَاذَ مَنْ يَعْلَمُ اَنَّكَ لَا تَرُدُّ لَهُ شَفَاعَةً فَبِقَدِيمِ عِلْمِكَ فِيهِ وَحُسْنِ رِضَاكَ عَنْهُ اِرْضَ عَنِّي وَعَنْ وَالِدَيَّ وَلَا تَجْعَلْ لِلنَّارِ عَلَيَّ سُلْطَانًا وَلَا سَبِيلًا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مؤلف گوید

بهتر انست که زائر چون خواهد در مشاهد مشرفه دعا کند بلکه هر دعا کننده در هر کجا باشد برای هر مطلبی که خواهد مقدم دارد برای خود دعای برای سلامتی وجود مبارک امام عصر صاحب الزمان صلوات الله علیه را و این مطلب بسیار مهم و انرا در باب هم کتاب نجم ثاقب مشروحا ذکر نمودیم با فوائد نافعه و ادعیه مخصوصه مختصر ترین انها که فرمودند در همه

اما در هر حالت که باشی نشسته یا ایستاده در رکوع یا سجود باید بخوانی بعد از حمد خداوند تبارک و تعالی را و صلوات بر پیغمبر صلوات الله علیه و اله آنکه بگوئی اَللّٰهُمَّ کُنْ لِوَلِیِّكَ (فُلانِ بْنِ فُلانٍ) (و بجای فلان بن فلان) (بگوید) الحُجَّةِ بْنِ الحَسَنِ المَهْدِیِّ فِی هٰذِهِ السّاعَةِ وَ فِی کُلِّ ساعَةٍ وَلِیّاً وَ حافِظاً وَ ناصِراً وَ دَلیلاً وَ قائِداً وَ عَیْناً حَتّی تُسْکِنَهُ اَرْضَكَ طَوْعاً وَ تُمَتِّعَهُ فیها طَویلاً

مقام چهارم

در ذکر نماز یکه بجا آوردن آن در مشاهد مشرفه اجری عظیم دارد بدانکه علامه مجلسی رحمه الله در بحار نقل کرده از خط شیخ جلیل حسین بن عبد الصمد والد شیخ بهاء الملة و الدین رحمهما الله که شیخ ابو الطیب حسین بن احمد فقیه راضی رحمه الله ذکر نموده که هر کس زیارت کند جناب امام رضا علیه السلام یا یکی از ائمه علیهم السلام را پس در نزد آن امام بجای آورد نماز جعفر را پس بدرستیکه نوشته میشود برای او بهر رکعتی ثواب کسی که هزار مرتبه حج کرده باشد و هزار نوبت عمره بجای آورده باشد و هزار بنده در راه خدا آزاد نموده باشد و هزار مرتبه در راه خدا جهاد کرده باشد با پیغمبر مرسلی و برای اوست بهر گامی که برمیدارد ثواب صد حج و صد عمره و آزاد کردن صد بنده در راه خدا تعالی و نوشته شود برای او صد حسنه و ریخته شود از او صد سیئه **مؤلف گوید** نماز جعفر در میان شیعه امامیه معروف و در انجاح حوائج و کشف

شدائد تاثیر عجیبی دارد و برای ان اداب ادعیه بسیاری است ولکن کفایت میکند برای درک ثواب مذکور دران خبر شریف انکه چهار رکعت نماز بقصد نماز جعفر بکند هر دو رکعت بیک سلام بهر سوره که خواسته و بهتر انکه در اول حمد و سوره اذا زلزلت و در دوم حمد و سوره والعادیات و در سیم حمد و سوره اذا جاء نصر الله و در چهارم حمد و سوره قل هو الله احد را بخواند و سیصد مرتبه در این چهار رکعت بگوید (سُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَاللّٰهُ اَکْبَرُ) و این عدد را بر ان چهار رکعت تقسیم کند پس در هر رکعتی هفتاد و پنج مرتبه میشود و این عدد را در هر رکعت باین قسم بخواند بعد از قرائت پانزده مرتبه و در رکوع و بعد از ان در حال ایستادن و در سجود و بعد از سر برداشتن و در سجده دوم و بعد از ان در حال نشستن و این شش محل در هر کدام ده مرتبه و بهتر انکه این دعا را در سجده اخر نماز بخواند (سُبْحَانَ مَنْ لَبِسَ الْعِزَّ وَالْوَقَارَ سُبْحَانَ مَنْ تَعَطَّفَ بِالْمَجْدِ وَتَکَرَّمَ بِهِ سُبْحَانَ مَنْ لَا یَنْبَغِی التَّسْبِیحُ اِلَّا لَهُ سُبْحَانَ مَنْ اَحْصٰی کُلَّ شَیْءٍ عِلْمُهُ سُبْحَانَ ذِی الْمَنِّ وَالنِّعَمِ سُبْحَانَ ذِی الْقُدْرَةِ وَالْکَرَمِ سُبْحَانَ ذِی الْعِزِّ وَالْفَضْلِ سُبْحَانَ ذِی الْقُوَّةِ وَالطَّوْلِ اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِکَ وَمُنْتَهَی الرَّحْمَةِ مِنْ کِتَابِکَ وَبِاسْمِکَ الْاَعْظَمِ وَکَلِمَاتِکَ التَّامَّاتِ الَّتِی تَمَّتْ صِدْقًا وَعَدْلًا اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ وَاَنْ تَفْعَلَ بِی کَذَا وَکَذَا) و بجای کذا و کذا حاجات خود را بخواند

مقام پنجم

در ذکر وداع ائمه علیهم السلام مخفی نماند که در غالب زیارات مطلقه و
مخصوصه مأثوره وداعی رسیده که ظاهراً مخصوص بآن زیارت باشد ولکن
برای زیارت جامعه کبیره معروفه وداعی است که داراست مضامین غالب زیارات
وداع را بازیادتی وظاهر علما اینست که این وداع مخصوص بجامعه نیست که اگر زائر این
زیارت جامعه را نخواند نتواند بقصد ورود آنرا بخواند بلکه بآن هر امامی را
وداع کند چه جامعه را خوانده یا نخوانده باشد وشاهد بر این دعوی چند
چیز است اول آنکه شیخ محمد بن المشهدی در مزار کبیر زیارت جامعه را نقل کرده
با سند او وبعد از زیارات ائمه بقیع ومشهد مقدس وبلد کاظمین و بعض
زیارات جامعه دیگر را نقل کرده آنگاه فرموده (باب الوداع لسائر الائمة
علیهم السلام تقول) و وداع معهود را ذکر کرده دوم آنکه سید علی بن طاوس
در فصل هجدهم که در آن زیارات جامعه را جمع نموده جامعه کبیره را نقل
نکرده اصلاً نه در آنجا ونه در غیر آنجا واول زیارت جامعه معروفه بائمة
المؤمنین را نقل کرده وپس از آن فرموده وچون خواستی وداع کنی و برگردی پس
بگو السلام علیکم تا آخر وداع مذکور سیم آنکه شهید اول در فصل اول
خاتمه مزار خود زیارت جامعه صغیره معروفه را نقل کرده وغیر آن جامعه
دیگر نقل ننموده وپس از آن فرموده پس هرگاه بخواهی که باز گردی وداع کن ایشان را
وبگو در وداع تا آخر آنچه بیاید واز این کلمات معلوم میشود که این زیارت را
عمل مستقل دانستند وجزو جامعه نفهمیدند بهر حال ما متابعت ایشان
کنیم وبرای وداع زیارات بهمین وداع قناعت کنیم

اَلسَّلامُ عَلَیْکُمْ یا اَهْلَ بَیْتِ النُّبُوَّةِ وَمَعْدِنَ الرِّسالَةِ

سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ عَلَيْكُمْ
اَهْلَ الْبَيْتِ اِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ سَلامَ وَلِيٍّ غَيْرِ راغِبٍ عَنْكُمْ
وَلا مُنْحَرِفٍ عَنْكُمْ وَلا مُسْتَبْدِلٍ بِكُمْ وَلا مُؤْثِرٍ عَلَيْكُمْ
وَلا زاهِدٍ فِي قُرْبِكُمْ لا جَعَلَهُ اللهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَةِ
قُبُورِكُمْ وَاِتْيانِ مَشاهِدِكُمْ وَالسَّلامُ عَلَيْكُمْ وَحَشَرَنِيَ
اللهُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَاَوْرَدَنِي حَوْضَكُمْ وَاَرْضاكُمْ عَنِّي وَمَكَّنَنِي
فِي دَوْلَتِكُمْ وَاَحْيانِي فِي رَجْعَتِكُمْ وَمَلَّكَنِي فِي اَيّامِكُمْ وَشَكَرَ
سَعْيِي بِكُمْ وَغَفَرَ ذُنُوبِي بِشَفاعَتِكُمْ وَاَقالَ عَثْرَتِي بِحُبِّكُمْ
وَاَعْلى كَعْبِي بِمُوالاتِكُمْ وَشَرَّفَنِي بِطاعَتِكُمْ وَاَعَزَّنِي بِهُداكُمْ
وَجَعَلَنِي مِمَّنْ يَنْقَلِبُ مُفْلِحاً مُنْجِحاً سالِماً غانِماً مُعافاً غَنِيّاً
فائِزاً بِرِضْوانِ اللهِ وَفَضْلِهِ وَكِفايَتِهِ بِاَفْضَلِ ما يَنْقَلِبُ بِهِ
اَحَدٌ مِنْ زُوّارِكُمْ وَمَوالِيكُمْ وَمُحِبِّيكُمْ وَشِيعَتِكُمْ وَرَزَقَنِيَ
اللهُ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ثُمَّ الْعَوْدَ ما اَبْقانِي رَبِّي بِنِيَّةٍ صادِقَةٍ
وَاِيمانٍ وَتَقْوىً وَاِخْباتٍ وَرِزْقٍ واسِعٍ حَلالٍ طَيِّبٍ اَللّهُمَّ
لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيارَتِهِمْ وَذِكْرِهِمْ وَالصَّلوةُ

عَلَيْهِمْ وَاَوْجِبْ لِي الْمَغْفِرَةَ وَالرَّحْمَةَ وَالْخَيْرَ وَالْبَرَكَةَ وَالنُّورَ
وَالْاِيمَانَ وَحُسْنَ الْاِجَابَةِ كَمَا اَوْجَبْتَ لِاَوْلِيَائِكَ الْعَارِفِينَ
بِحَقِّهِمْ الْمُوجِبِينَ طَاعَتَهُمْ وَالرَّاغِبِينَ فِي زِيَارَتِهِمْ
الْمُتَقَرِّبِينَ اِلَيْكَ وَاِلَيْهِمْ بِاَبِي اَنْتُمْ وَاُمِّي وَنَفْسِي وَمَالِي وَ
اَهْلِي اِجْعَلُونِي مِنْ هَمِّكُمْ وَصَيِّرُونِي فِي حِزْبِكُمْ وَاَدْخِلُونِي
فِي شَفَاعَتِكُمْ وَاذْكُرُونِي عِنْدَ رَبِّكُمْ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَبْلِغْ اَرْوَاحَهُمْ وَاَجْسَادَهُمْ عَنِّي تَحِيَّةً كَثِيرَةً
وَسَلَامًا وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

مؤلف گوید

سوز قلب زائر در وقت وداع و تلخی کامش در مقام مهاجرت و فرقت از آن
روضه مقدسه باندازه شوق و انبساط و فرح و نشاط او است در اول
ورود و درجات آن مختلف است بحسب درجات معرفت و محبت که بآن
ذوات مقدسه و ارواح طیبه دارد اگر صادق است در آن دعوی و
پست‌ترین مرتبه آن است که براستی وجود مقدس امام علیه السلام
نزد او محبوب‌تر باشد از اهل و مال و اولاد و آنچه با آنها دل بسته و علاقه
دارد پس اگر در وقت وداع حالش چنان است که میخواهد از عزیزترین
خلق و محبوب‌ترین ایشان در نزد او مفارقت کند و از او جدا شود پس ناچار

دلش بزبان و اشکش بر آن و پایش لرزان خواهد بود پس خدای را شکر کند بر این نعمت
عظیم و الّا در دعوی کاذب و رجایش خایب

خاتمه

در ذکر زیارت انبیاء علیهم السلام و امام زادگان و بعضی مطالب متفرقهٔ
نافعه و در آن سه مقام است

مقام اوّل

در زیارت انبیاء عظام علیهم السلام که تکریم و تعظیم و توقیر ایشان عقلاً
و شرعاً لازم (لا نُفَرِّقُ بَیْنَ اَحَدٍ مِنْ رُسُلِه) و زیارت ایشان راجح و پسندیده
و علما نیز تصریح نموده اند باستحباب زیارت ایشان و عدد ایشان اگرچه زیاده
از صد هزار است لکن قبور معلومهٔ ایشان بسیار کم مثل جناب آدم و نوح علیهما
السّلام که در مرقد منوّر حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام مدفونند و
جمله از انبیاء بنی اسرائیل که در بیت المقدس قبورشان در نزد اهل آنجا معلوم
و جمله از آنها مشتبه مثل قبر جناب هود و صالح که در اخبار محل آن مختلف
و آنچه در قبرستان وادی السّلام نسبت میدهند بایشان سندی درستی ندارد
و مثل قبر جناب یونس علیه السّلام که در شریعهٔ کوفه قبّه ایست منسوب بایشان
و ابن طاوس و غیره در ضمن آداب نجف زیارتی برای ایشان ذکر کرده اند و نیز در
شرقی دجله در کنار شهر موصل در بالای تپه صحن بسیار باصفا و مسجدی و قبر و
ضریح و قبّهٔ باصفا است منسوب بآنجناب و مظنون همین است چه آن
حضرت مبعوث بر اهل نینوی بود که در قدیم شهر عظیمی بود چند فرسخی از
موصل دور است و آثار آن موجود است و در بیت المقدس نیز قبّه و قبری است

منسوب

منسوب بایشان و در شهر موصل قبر جرجیس است و آن نیز مظنونست چه آن
حضرت بر اهل بلده مبعوث بود و در بیرون شهر قبر شیث هبة الله است
و در شوشتر قبر دانیال نبی است و در خارج حله قبریست منسوب بایوب نبی
و بنظر بسیار موهونست و مرقد حضرت خلیل الرحمن در قدس خلیل که نزدیک
بیت المقدس است معروف و مشهور و مزاریست برای عامه مسلمین انجد و
ولکن در جمله از اخبار معلوم میشود که قبر آنحضرت در عراق در نزدیک نجف
اشرفست و قبر جناب اسمعیل که در مسجد الحرام است و قبر یوشع که در خارج
کاظمین است در قبلی مسجد براثا است و قبر جناب زکریا در حلب و قبر جناب
یحیی در بیروت و غیر اینها که بعضی شواهد بر صدق دارند و بعضی مشتبه و
مشکوکست بهر حال در اخبار زیارت مخصوص برای این بزرگواران بنظر
نرسیده جز آنچه شیخ جلیل محمد بن المشهدی در مزار و بعد از او رضی الدین
علی بن طاوس در مصباح الزائر در آداب دخول کوفه نقل کردند که چون داخل
کوفه شدی پس بگو بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلىٰ
مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْنِي مُنْزَلاً
مُبارَكاً وَاَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

آنگاه دو رکعت نماز بکن بجهت تحیة منزل
آنگاه برو و بگو

سُبْحانَ اللهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ وَلا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاللهُ اَكْبَرُ

تا بتوانی و داخل شود در مسجد یونس نبی علیه السلام و زیارت کن آنجناب را باین زیارت میگوئی

اَلسَّلامُ عَلیٰ اَوْلِیآءِ اللهِ وَاَصْفِیآئِهٖ اَلسَّلامُ عَلیٰ اُمَناءِ اللهِ
وَاَحِبّآئِهٖ اَلسَّلامُ عَلیٰ اَنْصارِ اللهِ وَخُلَفآئِهٖ اَلسَّلامُ عَلیٰ
مَحالِّ مَعْرِفَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَعادِنِ حِکْمَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ
مَساکِنِ ذِکْرِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلیٰ عِبادِ اللهِ الْمُکْرَمِینَ الَّذِینَ لا
یَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِاَمْرِهٖ یَعْمَلُونَ اَلسَّلامُ عَلیٰ مَظاهِرِ
اَمْرِ اللهِ وَنَهْیِهٖ اَلسَّلامُ عَلَی الْاَدِلّاءِ عَلَی اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَی الْمُسْتَقِرِّینَ فِی مَرْضاتِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَی الْمُمَحِّصِینَ فِی
طاعَةِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَی الَّذِینَ مَنْ والاهُمْ فَقَدْ والَی اللهَ
وَمَنْ عاداهُمْ فَقَدْ عادَی اللهَ وَمَنْ عَرَفَهُمْ فَقَدْ عَرَفَ اللهَ
وَمَنْ جَهِلَهُمْ فَقَدْ جَهِلَ اللهَ وَمَنِ اعْتَصَمَ بِهِمْ فَقَدِ اعْتَصَمَ
بِاللهِ وَمَنْ تَخَلّیٰ عَنْهُمْ فَقَدْ تَخَلّیٰ مِنَ اللهِ اُشْهِدُ اللهَ اَنِّی
حَرْبٌ لِمَنْ حارَبَکُمْ وَسِلْمٌ لِمَنْ سالَمَکُمْ مُؤْمِنٌ بِما اٰمَنْتُمْ
بِهٖ کافِرٌ بِما کَفَرْتُمْ بِهٖ مُحَقِّقٌ لِما حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِما اَبْطَلْتُمْ
مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَعَلانِیَتِکُمْ مُفَوِّضٌ فِی ذٰلِكَ کُلِّهٖ اِلَیْکُمْ
لَعَنَ اللهُ عَدُوَّکُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْاِنْسِ

دعای استقاله

آنگاه تربت را ببوس و دو رکعت نماز کن برای تحیّت مسجد و دو رکعت نماز کن برای زیارت و آنچه خواهی برای خود دعا کن و برای هر کس که خواهی و مستحبّست که بخوانند دعائی را که حضرت امام زین العابدین علیه السّلام از او میخواندند در آن مشهد و از دعای استقاله میباشد و آن اینست

اللّهمّ یا من برحمته یستغیث المذنبون و یا من الی ذکر احسانه یفزع المضطرّون یا انس کلّ متوحّش غریب و یا فرج کلّ محزون کئیب و یا عون کلّ مخذول فرید و یا عضد کلّ محتاج طرید انت الذی وسعت کلّ شیء رحمة و علما و لجعلت لکلّ مخلوق فی نعمک سهما و انت الذی عفوه انسانی عقابه و انت الذی تسعی رحمته امام و انت الذی عطاؤه اکثر من منعه و انت الذی لا یرغب فی جزاء من اعطاه و انت الذی لا یفرط فی عقاب من عصاه و انا عبدک الذی امرته بالدّعاء فقال لبّیک و سعدیک ها انا ذا بین یدیک و انا الذی اوقرت الخطایا ظهره و انا الذی افنت الذّنوب عمره و انا الذی بجهله عصاک و لم تکن اهلا لذاک هل انت راحم من دعاک فابلغ

نعمک نه

من نعمک نه

فابلغ نه

دعاء استقالة

فی الدعاء او انت غافر لمن بکی الیک فاسرع فی البکاء ام انت
متجاوز عمن عفر لک وجهه تذللا ام انت مغن من شکی الیک فقره
توکلا الهی لا تخیب من لا یجد مطلبا غیرک ولا تخذل من لا یستغنی
عنک باحد دونک اللهم صل علی محمد وال محمد ولا تعرض
عنی وقد اقبلت علیک ولا تحرمنی وقد رغبت الیک ولا
تجبهنی بالرد وقد انتصبت بین یدیک انت وصفت نفسک
بالرحمة فصل علی محمد وال محمد واعف عنی فقد تری یا الهی
فیض دمعی من خیفتک ووجیب قلبی من خشیتک وانتقاض
جوارحی من هیبتک کل ذلک حیاء منی لسوء عملی ولذلک
خمد صوتی عن الجار الیک وکل لسانی عن مناجاتک یا
الهی فلک الحمد فکم من عائبة سترتها علی فلم تفضحنی وکم من
ذنب غطیته علی فلم تشهرنی وکم من شائبة المت بها فلم
تهتک عنی سترها ولم تقلدنی مکروه شنارها ولم تبد سوءاتها لمن
یلتمس معایبی من جیرتی وحسدة نعمتک عندی ثم لم
ینهنی ذلک عن ان جریت الی سوء ما عهدت منی فمن اجهل
یا الهی برشده ومن اغفل منی عن حظه ومن ابعد منی
من استصلاح نفسه حین انفق ما اجریت علی من رزقک
فیما نهیتنی عنه من معصیتک ومن ابعد غورا فی الباطل

فاسرع خ — معطیا خ — تجبهنی خ — وانت الذی سمیت نفسک بالعفو خ — جنانی خ

بکاء

وَاَشَدُّ اِقْداماً عَلَى السُّوءِ مِنّي حينَ اَقِفُ بَيْنَ دَعْوَتِكَ وَدَعْوَةِ
الشَّيْطانِ فَاَتَّبِعُ دَعْوَتَهُ عَلى غَيْرِ عَمىً مِنّي في مَعْرِفَةٍ بِهِ وَلا
نِسْيانٍ مِنْ حِفْظي لَهُ وَاَنَا حينَئِذٍ مُوقِنٌ بِاَنَّ مُنْتَهى دَعْوَتِكَ
اِلَى الْجَنَّةِ وَمُنْتَهى دَعْوَتِهِ اِلَى النّارِ سُبْحانَكَ ما اَعْجَبَ
ما اَشْهَدُ بِهِ عَلى نَفْسي وَاُعَدِّدُهُ مِنْ مَكْتُومِ اَمْري وَاَعْجَبُ
مِنْ ذلِكَ اَناتُكَ عَنّي وَاِبْطاؤُكَ عَنْ مُعاجَلَتي وَلَيْسَ ذلِكَ
مِنْ كَرَمي عَلَيْكَ بَلْ تَاَنِّياً مِنْكَ لي وَتَفَضُّلاً مِنْكَ عَلَيَّ لِاَنْ
اَرْتَدِعَ عَنْ مَعْصِيَتِكَ الْمُسْخِطَةِ وَاُقْلِعَ عَنْ سَيِّئاتِيَ الْمُخْلِقَةِ
وَلِاَنَّ عَفْوَكَ عَنّي اَحَبُّ اِلَيْكَ مِنْ عُقُوبَتي بَلْ اَنَا يا اِلهي
اَكْثَرُ ذُنُوباً وَاَقْبَحُ آثاراً وَاَشْنَعُ اَفْعالاً وَاَشَدُّ فِي الْباطِلِ
تَهَوُّراً وَاَضْعَفُ عِنْدَ طاعَتِكَ تَيَقُّظاً وَاَقَلُّ لِوَعيدِكَ
اِنْتِباهاً وَارْتِقاباً مِنْ اَنْ اُحْصِيَ لَكَ عُيُوبي اَوْ اَقْدِرَ عَلى ذِكْرِ
ذُنُوبي وَاِنَّما اُوَبِّخُ بِهذا نَفْسي طَمَعاً في رَأْفَتِكَ الَّتي بِها
صَلاحُ اَمْرِ الْمُذْنِبينَ وَرَجاءً لِرَحْمَتِكَ الَّتي بِها فَكاكُ
رِقابِ الْخاطِئينَ اَللّهُمَّ وَهذِهِ رَقَبَتي قَدْ اَرَقَّتْهَا الذُّنُوبُ
فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَعْتِقْها بِعَفْوِكَ وَهذا ظَهْري قَدْ اَثْقَلَتْهُ
الْخَطايا فَصَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَخَفِّفْ عَنْهُ بِمَنِّكَ يا اِلهي لَوْ
بَكَيْتُ اِلَيْكَ حَتّى تَسْقُطَ اَشْفارُ عَيْنَيَّ وَانْتَحَبْتُ حَتّى يَنْقَطِعَ

دعاء استقالة

صتوی وقمت لك في ليلي حتى تتشقق قدماي وركعت لك حتى ينخلع صلبي وسجدت لك
حتى تتفقأ حدقتاي واكلت تراب الارض طول عمري وشربت ماء الرماد آخر
دهري وذكرتك في خلال ذلك حتى يكل لساني ثم لم ارفع طرفي الى آفاق السماء
استحياء منك ما استوجبت بذلك محو سيئة واحدة من سيئاتي وان كنت
تغفر لي حين استوجب مغفرتك وتعفو عني حين استحق عفوك فان ذلك
غير واجب لي باستحقاق ولا انا اهل له باستيجاب اذ كان جزائي منك
في اول ما عصيتك النار فان تعذبني فانت غير ظالم لي الهي فاذ قد تغمدتني
بسترك فلم تفضحني وتانيتني بكرمك فلم تعاجلني وحلمت عني بتفضلك
فلم تغير نعمتك علي ولم تكدر معروفك عندي فارحم طول تضرعي و
شدة مسكنتي وسوء موقفي اللهم صل على محمد وآله وقني من المعاصي واستعملني
بالطاعة وارزقني حسن الانابة وطهرني بالتوبة وايدني بالعصمة واستصلحني
بالعافية واذقني حلاوة المغفرة واجعلني طليق عفوك وعتيق رحمتك
واكتب لي امانا من سخطك وبشرني بذلك في العاجل دون الآجل بشرى
اعرفها وعرفني فيه علامة اتبينها ان ذلك لا يضيق عليك في وسعك و
ولا يتكادك في قدرتك انك على كل شيء قدير وصلى الله على محمد و
آله المطهرين

مؤلف گوید بدانکه اولا کراین دعا دو همان دعای
جامعه نصر و غیر صغیره کرد در زیارت حضرت کاظم صلوات الله علیه مخصوصا وارد شده و فرمودند
خواندن این دعا و زیارت مشاهد مشرفه کافیست و لهذا از اوادر باب زیارات جامعه نیز ذکر میکنند فی الجمله

شده زیاده از این اختلاف و ما در حاشیه باز اشاره کردیم که اگر کسی خواست
آن را در مشاهد شریفه بخواند و احتیاط رعایت کند چنان بخواند
اگرچه بنظر حقیر خواندن همین مجرّبست و ثانیا که این جامعه معروفه را
جماعتی از بزرگان در زیارت حضرت موسی بن جعفر علیهما السلام نقل
کردند با اذن در خواندن آن در جای دیگر ولکن عبارت روایت در اینمقام
مختلفست ثقة الاسلام در کافی وصدوق در عیون چنین نقل کردند
که فرمودند (و یجزی فی کلها ان تقول اَلسَّلامُ عَلٰی اَوْلِیاءِ اللّهِ الخ و
هذا یجزی فی الزیارات کلّها) و ابن قولویه در کامل الزیارة نقل کرده (و
یجزی فی المواطن کلها) و در آخر (و هذا یجزی فی الزیارات) و در بعضی
نسخ (و فی المشاهد کلها) الخ و ظاهر اختلافی در معنی نباشد و مراد از
مواطن و مواضع و مشاهد مطلق مزارهای شریفه مقدسه است که بایست
در آنجا زیارت کرد و تضرع نمود و در اول نظر چنان است که مراد از آنها
مراقد شریفه ائمه باشد ولکن ظاهرا شامل باشد مراقد انبیا و سائر
اوصیا علیهم السلام را اگر در اوصاف مذکوره در این زیارت سهیم و شریک نمی باشند
با آن ذوات مقدسه هرچند در درجات مختلف باشند خصوص
بملاحظه فقره اخیره که در همه زیارات این زیارت کافیست یعنی در
مقابر شریفه که بایست مخصوصا زیارت کرد بآن قناعت میتوان کرد
و معلومست که قبور انبیاء و اوصیا داخلست در آن و گذشت در چند
خبر که حاصلش آنکه چون زیارت کنی حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
را زیارت خواهی کرد جناب آدم و نوح علیهما السلام را و در این کلام

تحریص و ترغیب شدید بیست بزیارت کردن آن دو بزرگوار زیرا که از فضیلت
زیارت آن حضرت شمردند بودن آن وسیله رسیدن باین فیض عظیم
ونتیجه این کلمات آنست که این زیارت جامعه را در مراقد شریفه
انبیاء علیهم السلام بخوانند بلکه در حرم مطهر علوی بجهت زیارت
جناب آدم و نوح علیهما السلام واحتمال قوی میرود که شیخ محمد بن المشهدی
و سید بن طاوس که این زیارت را در مشهد جناب یونس نقل نمودند
از روی همین کلیه باشد که بیان شد واحتمال میرود که بجهت خصوص
زیارت انبیاء خبری دیده باشند بهتر آنکه زائر همین نسخه مذکوره را
بخواند وثالثاً مستور نماند که نقل زیارت جناب یونس در این مکان
معلوم چندان صراحتی ندارد که باید قبر شریفش در اینجا باشد زیرا که از
انمکان تعبیر فرمودند بمشهد ومشهد اگرچه ظهوری دارد در مرقد و
محل دفن ولکن مطلق مکانی که امتیاز مخصوصی داشته باشد بشخص شریف
مرو واز آن تعبیر میکنند بمشهد یعنی محل حضور او چنانچه در دعای اذن
دخول مسجد کوفه مذکور است (اَلسَّلامُ عَلیٰ مَولانا اَمیرِ الْمُؤْمِنینَ عَلِیِّ
بْنِ اَبی طالِبٍ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ وَعَلیٰ مَجالِسِهِ وَمَشاهِدِهِ وَمَقامِ
حِکْمَتِهِ وَآثارِ آبائِهِ آدَمَ وَنُوحٍ وَاِبْرٰهیمَ) الخ ومراد از مشاهد در
اینجا امکنه مخصوصه ایست که امتیاز خاصی داشته باشد بآنحضرت
مثل محراب اینجا که محل مناجات وعبادت وشهادت آن حضرت بود وجای
منبر که محل بیرون آمدن درهای غلطان بی بهای خطب حکمت ومواعظ
ونصیحت بود از صدف مطهر دهان مبارکش وبیت الطشت که موضع

ظهور معجزهٔ غریبهٔ الهیه بود از آن نبأ عظیم و دکة القضا که مجلس فصل خصومت
و بسط معدلت بود از آن علی حکیم و هکذا و بنا بر این احتمال قوی میرود که
این محل بیرون انداختن ماهی باشد جناب یونس را از دهان خود و بروز آن همه
آیات عجیبهٔ الهیه در حفظ و حراست و تقویت اش تا آنگاه که بقوم خود در
نینوا مراجعت نمود و البته چنین مکانی در نهایت شرافت خواهد بود و بجهت
امتیازش با آنجناب زیارتش مناسب مثل زیارت حضرت سید الشهدا
علیه السلام در مسجد حنانه چنانچه گذشت و اما مسجد یکه در اخر
زیارت ذکر کردند که در آن دعای استقاله حضرت امام زین العابدین را باید
خواند مسجد شریفی است و برای آن اعمال مخصوصه است و ربطی بزیارت
جناب یونس ندارد و ظاهر اصل مرقد در زوایای مسجد بود اگرچه حال
جدا شده و صاحب مزار قدیم روایت مبسوطی در اعمال و ادعیهٔ مسجد
کوفه نقل کرده و در آنجا بعد از ورود کوفه و ذکر غسل در آنجا و دعای آن
مذکور است که پس پاکیزه ترین جامهای خود را بپوش و دو رکعت نماز کن در
مسجد یکه نزد شریعه است که آن موضع شریفی است و چون از نماز فارغ
شدی بگو اَللّهمّ تا آخر دعا آنگاه دو رکعت نماز تحیت مسجد را بکن و
پس از آن بگو اللّهمّ تا آخر دعا آنگاه متوجه شو بسوی کوفه یعنی مسجد و
ما این دو دعای شریف را در رسالهٔ سلامة المرصاد نقل کردیم و در آن
مزار اصلا ذکری از جناب یونس و مقبره و زیارت نیست و این خود نیز مؤید
است آنچه را ذکر نمودیم که قبر آنجناب در نینوا نزدیک موصل است نزد در
اینجا و نیز در بیت المقدس نیز معلوم شد که از آداب زائر در نجف اشرف آمدن

بائین مسجد شریف است و کردن چهار رکعت نماز و خواندن سه دعای شریف دارای مضامین عالیه که از خصایص انجاست

مقام دوم

در ذکر زیارت امام زاده گان عظام و شاهزادگان والامقام که قبورشان محل فیوضات و برکات و موضع نزول رحمت و عنایات الهیه است و علمای اعلام تصریح نمودند باستحباب زیارت قبور ایشان که بحمد الله تعالی در غالب بلاد مؤمنین موجود بلکه در قریه و بر بیر و اطراف کوهها و دره ها و پیوسته ملاذ درماندگان و ملجا واماندگان و پناه مظلومین و تسلی دلهای پژمردگان بوده و خواهند بود تا یوم قیام و از بسیاری از ایشان کرامات و خوارق عادات مشاهده شده و لکن مخفی نماند که امام زادگان که انسان باطمینان خاطر محض درک فیوضات و کشف کربات بار سفر بندد و شد رحال کند بسمت قبر شریفش باید اول دو مطلب را درست کرده انگاه قصد مقصد کند اول جلالت قدر و عظمت شان صاحب ان مرقد علاوه بر شرافت نسب و علاقه نبوت بحسب انچه از کتب احادیث و انساب معلوم میشود دوم معلوم بودن قبر ان سید جلیل و صحت نسبت ان قبر با و جمع این دو بسیار کم است چه بسیاری از قبوری که نسبت میدهند بان بزرگواران نه حال صاحبانش معلوم و نه مدفون بودن در انجا و جمله دفن در انجا معلوم و حال صاحبش مجهول و پاره جلالت قدر ان امام زاده معلوم و لکن مرقد شریفش مشتبه مثل سید جلیل علی پسر حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و تربیت کرده برادر بزرگوارش که از بزرگان راویان و صاحب تصنیف که تاکنون در

دانسته است بجهة آنکه و چهار یا پنج امام را درک نموده و خدمت کرده
ولکن قبر شریفش مشتبه و سه موضع است که باو نسبت میدهند
اول در بیرون قلعه سمنان در میان باغچه با نضارت با قبه عالیه در صحن
و عمارت مختصر با نزاهتی دوم در بلدهٔ طیبهٔ قم در قبه عالیه و صحن
وسیع و آثار قدیمه که سبب ضمیمان تمام اهل آن بلد است در بودن
قبر شریفش در آنجا سیم بکفرسخی مدینه طیبه در قریهٔ عریض که ملک
آن جناب و محل سکنای خودش و ذریه‌اش بود و لهذا او را علی عریضی
و اولادش نیز بهمین لقب در کتب انساب و غیرها معروفند و در آنجا
نیز بر قبر شریفش قبهٔ ابیت عالیه و ما در خاتمه کتاب مستدرک
در شرح مشیخهٔ صدوق در مقام ذکر احوال آن بزرگوار واضح و روشن
نمودیم که صحیح همین است و آنجناب اصلا بقم نرفته هرکه خواهد بآنجا
رجوع کند و چند نفر از ذریهٔ او و ذریهٔ جعفر پسر امام علی نقی علیه السلام
نیز معروف و نام ایشان علی پسر جعفر محتمل است آن دو قبر منسوب بایشان
باشد باقی ماند قلیلی که هر دو جهت آن مکشوف است مثل قبر اسمعیل
پسر امام جعفر صادق علیه السلام که در بقیع نزدیک ائمه بقیع علیهم
السلام معلوم است و جمله از اولاد حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
مثل سید جلیل عظیم القدر و الشان احمد معروف بشاه چراغ که در
داخل شهر شیراز مدفون در ظاهر نیز از جهت قبه و صحن و ضریح
و خدمه و موقوفات شتّی و تعظیم و احترام تمام دارد و برادر دیگرش
سید جلیل القدر صاحب فضل و صلاح محمد که با احمد از اعاظم …

معروفست در شهر شیراز عبیر سید محمد و در نزدیکی قبر برادرش است
و دارای بقعه و ضریح و خدمه است و تعظیم و احترام تمام دارد و برادر
دیگرش قاسم که در هشت فرسخی حله مدفونست و قبر شریفش زیارت
گاه عامه خلق است و پیوسته علما و اخیار بزیارت روند و حکایتی
در السنه معروفست قریب باین مضمون که حضرت امام رضا
علیه السلام فرمود هر کس قادر نیست بر زیارت من پس زیارت
کند قاسم برادرم را و این خبر در جائی دیده نشده و تا کنون کسی از اصل
آن نشانی نداده و لکن بزرگی جلالت و علو رتبت جناب قاسم اجل از
آن است که برای ترغیب بزیارتش متمسک شود انسان باین خبر بی اصل
و نشان چه آنکه در اصول کافی خبریست که دلالت میکند بر عظمت شان
و بزرگی مقام او تا آنجا که عقل تصور نمیکند ثقة الاسلام در باب اشارة
و نص بر حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام خبری طولانی نقل کرده از یزید بن سلیط از
حضرت کاظم علیه السلام در راه مکه و در آنجا مذکور است که آنحضرت باو فرمود خبر دهم ترا
ای ابا عماره بیرون آمدم از منزلم پس وصی قرار دادم پسر فلان را یعنی جناب امام رضا ع
را و شریک کردم با او پسران خود را در ظاهر و وصیت کردم با او در باطن پس اراده
کردم تنها او را و اگر امر راجع بسوی من بود هر آینه قرار میدادم امامت را در قاسم
پسرم بجهت محبت من او را و مهربانی من بر او و لکن این امر راجع بسوی خداوند
عز و جل است قرار میدهد آنرا هر کجا که میخواهد الخ و علامه مجلسی در حال او گفته
است که از جمله امام زاده های مشهور امام زاده قاسم فرزند امام موسی علیه السلام
که در حوالی نجف اشرف مدفونست و قبرش معروفست و سید بن طاوس ترغیب

بزیارت او نموده است انتهی و مثل برادر دیگرش امامزاده حمزه که با امامزاده
احمد و محمد از یک مادرند و قبر شریفش در ری نزدیک قبر حضرت عبدالعظیم
است و مادامیکه عبدالعظیم در ری زنده بود پیوسته بزیارت او میامد
چنانچه خواهد آمد در حکایت حال او و این سید جلیل القدر الان در ری صاحب
قبه و بارگاه و ضریح و صحن و خدمه است و هر که بزیارت عبدالعظیم میاید
قصد آنجا را نیز میکند و درک فیض زیارت او را مینماید و بسیار صاحب تعظیم
و احترام است و بدانکه در جزیره که در جنوب حله و بین دجله و فرات
قبریست که مشهور بقبر حمزه پسر حضرت کاظم علیه السلام است مردم او را
زیارت میکنند و برای او کرامات بسیار نقل میکنند و لکن این مشهور بی
اصل است بلکه حمزه فرزند موسی کاظم علیه السلام همانست که ذکر شد
در ری مدفونست و این حمزة بن قاسم بن علی بن حمزة بن حسن بن عبدالله بن
عباس بن علی بن ابیطالب علیه السلام ابو یعلی ثقه جلیل القدر است که شیخ
نجاشی و دیگران در رجال او را ذکر نموده اند چنانچه تصریح باین فرموده
امام عصر صلوات الله علیه در حکایت تشرف سید العلماء و سناد الفقهاء
وحید عصره جناب سید مهدی قزوینی طاب ثراه ساکن در حله بخدمت
آنحضرت صلوات الله علیه و مجمل الحکایت چنین است که وقتی سید مرحوم
بجزیره تشریف بردند و مهمان شدند بر اهل قریه که در آن جزیره است پس
اهل آنجا مستدعی شدند از جناب ایشان که زیارت کنند حمزه را سید امتناع
نمودند و فرمودند نزد من بصحت نرسیده که حمزه پسر موسی علیه السلام
در ری مدفونست با عبدالعظیم و صاحب این مزار را نمیشناسم و هذا

زیارت نکنم پس از انجا حرکت نمودند وشب را در قریه نزد بعضی از سادات
بخوابند فرمودند وقت سحر قافله شب را بجا اورده ومنتظر طلوع فجر بودند
که ناگاه داخل شد براو جناب صاحب الامر صلوات الله علیه بهیئت
سیدی که معروف بوده در نزد مرحوم سید از اهل انقریه پس بعد سلام
ونشستن فرمودند یا مولانا دیروز میهمان اهل قریه حمزه شدی واورا
زیارت نکردی گفت اری فرمود چرا عرض کرد زیرا که زیارت نمیکنم کسیرا که
نمیشناسم وحمزه پسر حضرت موسی علیه السلام مدفونست در دهی
پس انجناب فرمودند (رُبَّ مَشْهُورٍ لَا أَصْلَ لَهُ) بسا چیزها که شهرت کرده
واصلی ندارد واین قبر حمزه پسر حضرت موسی کاظم علیه السلام نیست هرچند
چنین مشهور شده بلکه او قبر ابو یعلی حمزة بن قاسم علوی عباسی است
یکی از علماء اجازه واهل حدیث واورا اهل رجال ذکر کرده اند واورا
ثنا کرده اند بعلم وورع وبعد از ان سید برخواست وبرفت تا آخر
حکایت چنانچه در نجم ثاقب است ومثل ابی حمزه امیر علی بن ابی حمزة بن موسی
الکاظم علیه السلام که قبر شریفش در شیراز خارج باب اصطخر است چنانچه
در عمدة الطالب وغیره ذکر شد ومثل سیده جلیله معظمه فاطمه دختر
امام موسی مدفونه بقم در نهایت جلالت وعلو مقامست ودر سنه
دویست ویك که پس از یکسال بود جناب امام رضا علیه السلام از مدینه سنه
با مر مامون بمرو تشریف برده بودند بجهت شوق ملاقات برادر از
مدینه بیرون امد بطلب انحضرت وتشریف اورد تا ساوه همینکه بانجا
رسید مریضه شد پرسید که تا قم چند است گفتند ده فرسخ است پس خادم

خود را فرمود که مرا بقم ببر همینکه خبر رسید باشعریین از آل سعد پس اتفاق
کرده باستقبال آن حضرت شتافتند و استدعا کردند که آن مخدّره
در قم نزول فرماید پس موسی بن خزرج بن سعد که بزرگ آنها
بود از همه سبقت کرده و مهار ناقه را گرفت و کشید تا وارد ساخت آن
مکرّمه را بقم در خانه خود پس آن معظمه نزول اجلال داد در خانه او و نمودند تا
مدت شانزده یا هفده روز مکث فرمودند پس از دنیا رحلت کرده
و بآبا طاهرین خود پیوست رضوان الله علیها پس او را دفن کردند در بابلان
بتفصیلی که در تاریخ قم ذکر شد و مزارش در بابلان که اسم همان مکان
است معلوم و معروفست و دارای قبه عالیه و صحن متعدد و ضریح و خدام
بسیار و موقوفات و تعظیم و احترام تمام دارد و قبر شریفش ملاذ و
معاذ عامه خلق است و در هر سال جماعت بسیار از بلاد بعیده شد رحال
کنند و تعب سفر کشند بجهت درک فیوضات از زیارت آن معظمه و از برای او
زیارتیست مرویه از حضرت امام رضا علیه السلام که بسعد اشعری
تعلیم فرمودند و علامه مجلسی (ره) در کتاب تحفه ذکر فرموده و در
فضیلت زیارتش روایات بسیار وارد شده از آنجمله شیخ فاضل متبحر
ماهر حسن بن محمد قمی که معاصر شیخ صدوق است در تاریخ قم که بجهة
کافی الکفاة صاحب بن عباد نوشته بسند خود روایت کرده که جناب
صادق علیه السلام فرمودند بدرستیکه از برای حق تعالی حرمی است
و آن مکه است و از برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم حرمیست
و آن مدینه است و برای امیر المؤمنین علیه السلام حرمیست و آن کوفه

است و از برای اهل بیت علیهم السلام حرمیست و آن قم است و بعد از این زود

در آنجا زنی از اولاد من که نامش فاطمه میشود مدفون شود هر که او را زیارت کند بهشت

از برای او واجب شود راوی گفت وقتی که حضرت این را فرمود هنوز حامله

نشده بود مادر حضرت موسی علیه السلام باز امام بزرگوار و بروایت

دیگر منقولست که زیارت فاطمه معادل با بهشت و بدان که جماعت بسیاری

از بنات فاطمیه و سادات علویه در قم در قبه ستی فاطمه علیها السلام مدفونند

مثل جمله از دختران حضرت جواد علیه السلام چنانچه خواهد ذکر شد و

بسیاری از دختران موسی علیه السلام مبرقع مثل ام محمد و خواهرش میمونه

و خواهر دیگرش بریهه و خواهر محمد بن موسی و غیر ایشان مثل ام اسحق جاریه

محمد بن موسی و ام حبیب جاریه محمد بن احمد الرضا چنانچه فاضل متقدم

در تاریخ خود فرموده پس از آن فرموده که از جمله قبور دیگر در قم است

قبر ابیجعفر موسی بن محمد بن علی الرضا علیهما السلام است و او اول

کسیست که از سادات رضویه که وارد قم شد و پیوسته برقع بر روی گذاشته

بود پس بزرگان عرب او را از قم بیرون کردند پس از آن پشیمان شدند بخدمتش

شتافتند و از او اعتذار خواستند مکرما بقم واردش کردند و گرامی

داشتند او را و از اموال خود برای او خانه و مزرعه ها خریدند و مال

موسی در قم نیکو شد تا آنکه از مال خود قریه ها و مزارع خرید پس از آن

وارد شد بر او خواهرانش زینب و ام محمد و میمونه دختران حضرت جواد

علیه السلام پس بریهه دختر موسی و تمام اینها مدفون شدند نزد

فاطمه سلام الله علیها و موسی شب چهارشنبه هشتم ماه ربیع الاخر

سنه دویست و نود و شش از دار دنیا رفت و مدفون شد در موضعیکه الحال
معروفست قبرش پس از ان ذکر کرده قبور بسیاری از سادات صوبه و کثیری از
اولاد محمد بن جعفر الصادق علیه السلام و جمله از اولاد علی بن جعفر و قبور
جمعی از سادات حسینیه که محل ذکر انها اینجا نیست بلی لازمست که جزئی اشاره
شود بحال موسی علامه مجلسی رحمه الله در تحفه فرموده که در قم قبور بسیار
هست که منسوب باولاد ائمه طاهرین علیهم السلام است و بعضی از انها
انتسابش بانها معلوم نیست و بعضی احوال ایشان معلوم نیست مثل
موسی مبرقع فرزند امام محمد تقی علیه السلام که از بعضی احادیث مذمت
او ظاهر میشود و ظاهر مراد جنابش از بعضی احادیث حدیثی است که
شیخ مفید طاب ثراه در کتاب ارشاد در باب نصوص و معجزات ابی الحسن
هادی علیه السلام از حسین بن حسن از یعقوب بن یاسر نقل میکند
که فی الجمله دلالت دارد بر انکه موسی در زمان عنفوان عزو جوانی
شرب نبیذ میکرد ولیکن ان خبر ضعیف است بجهات چند اولا بجهت
جهالت در راوی انخبر بلکه یعقوب که راوی متن خبر است ظاهرا از نسبکان
متوکل است و خبر را اگر چه شیخ مفید طاب ثراه ذکر فرموده که مقدم
بر علما و شیخ محدثین و متکلمین و فقها است بلکه غیر انجناب از دیگران
اما در باب فضائل و مناقب و معجزات و امثال ان در نقل اخبار مسامحه
و مساهله داشتند بلکه اگر راوی از اعدا و مخالفین باشد در ذکران بیشتر
اعتنا داشتند و ثانیا انکه گوینده کلماتی که در عیب موسی است مثل
موسی قصاف عزاف یاکل و یشرب الخ همه از فساق و اتباع متوکل بودند

که شهادت تمام ایشان در شرع مطهر ثابت نشود نه جرحی و نه تعدیلی و ثالثاً
معارض بودن آن با خبری که شیخ کلینی رحمه الله در کافی ذکر نموده که متضمن
است گواه گرفتن حضرت جواد علیه السلام موسی را بر شجره وصیت و در
آن تصریح شده که موسی از جانب پدر بزرگوار مستقلاً متولی بود بر جمله از
موقوفات آنحضرت بی مشارکت احدی حتی برادر بزرگوارش خود متصرف
باشد در آنها و تولیت وقف از جانب امام علیه السلام از شواهد عدالت
و امانت و دیانت است چنانچه مخفی نیست و غیر اینها که تفصیل آن در محلش مشروح
است پس ظاهر شد که بمجرد این خبر نتوان در موسی قدح کرد و متعرض او شد
با آنکه موسی نعوذ بالله شارب الخمر بود و امثال آن که در لسان بعض بیخبران
و بیخردان از عوام دایر شده کاشف است از بی باکی و قلت مبالات وجه
بیانش فرموده علامه مجلسی قده در مزار بحار الانوار که وارد شده بعضی
اخبار در ذم موسی لکن قدحی بهم نرساند با ایشان بمجرد بعض خبرهای نادره با
وجود آنکه رسیده در خبری نهی از قدح در آنها و متعرض شدن بآنها
بجهت این نوع خبرها انتهی و بدانکه این موسی همان است که از کثرت فضایل
و مناقب و تقوی و سکوت نفس و حسن رفتار والی قم او را تشبیه بائمه
کرده قابل امامت میدانست او را و از اتقان و احکام محدثین قم بر همه
ظاهر و معلوم است که اگر شخصی از ضعیفی یا مجهول الحال یا دروغگوئی روایت
کند او را طرد میکردند هر چند بزرگ و صاحب شأن و منزلت بود و دانستی
احترام و اکرام ایشان آن سید را او در طبقه خود مثل احمد بن محمد بن
عیسی الاشعری و احمد بن اسحق و محمد بن یحیی و امثال ایشان بوده که جمع کرده

بودند میان دنیا و آخرت و علما در کتب حدیث از او روایت میکنند
چون ثقة الاسلام در کافی و شیخ الطایفه در تهذیب در باب میراث
خنثی و حسن بن علی بن شعبه در تحف العقول و غیر ایشان و مثل معظمه نجیبه حضرت
حکیمه خاتون دختر امام محمد تقی که چهار امام را درک نموده و بانها خدمت کرده و در
میان سادات علویه و بنات هاشمیه از جهت فضائل و مناقب و عبادت و علم
ممتاز و محل اسرار امامت و بمنصب سفارت و رساندن عرایض خلق با امام
عصر علیه السلام و رساندن توقیعات شریفه سرافراز بود و قبر شریفش در
قبه سامیه عسکریین است و برخی از جلالت شان او در سابق گذشت و لکن
علما بجهت آن مکرمه زیارتی ذکر نفرموده اند پس باید زیارت نمود او را بزیارتی
که برای مطلق اولاد ائمه بعد از این ذکر میشود و **مثل امامزاده**
لازم التعظیم جناب عبد العظیم که نسب شریفش بچهار
واسطه منتهی میشود بامام حسن مجتبی ع و قبر شریفش در ری معلوم و مشهور است
و بعلو مقام و جلالت شان معروف و از اکابر محدثین و اعاظم علما و زهاد
و عباد و صاحب ورع و تقوی و قائل بتوحید و عدل بوده و از اصحاب حضرت
جواد و حضرت هادی علیهما السلام است و نهایت توسل و انقطاع بخدمت
ایشان داشته و احادیث بسیار از ایشان روایت کرده و او است صاحب کتاب
خطب امیر المؤمنین علیه السلام و حقیر یافتم نسخه از نهایت شیخ طوسی رحمه الله
بخط بعض علما که تاریخ کتابت او روز سه شنبه پانزدهم ربیع الاول از سنه پانصد و
هفده هجری بوده در آخر جزء اول آن نوشته بود بسیاری از فضائل و علو مقام و
علم و زهد و نسب جناب عبد العظیم را از آنجمله در وصف علم او نوشته بود که

روایت کرده ابوتراب رویانی گفت شنیدم از ابوحماد رازی که میگفت وارد شدم
بر حضرت امام علی نقی علیه السلام در سر من رای پس سؤال کردم از آنحضرت پاره
از مسائل حلال و حرام پس جواب داد مسائل مرا تا آنکه زمانیکه خواستم بیرون بیایم
بوداع آنحضرت رفتم همینکه وداع کردم آنحضرت را فرمود ندای حماد وقتیکه
مشکل شد چیزی از امور دینت در ناحیه خود پس سؤال کن آنها را از عبد
العظیم بن عبد الله حسنی و سلام مرا باو برسان الخ و محقق داماد در رواشح
گفته که احادیث بسیار در فضیلت و زیارت عبد العظیم وارد شده
هر که زیارت کند قبر او را بهشت براو واجب شود و شیخ شهید ثانی ره
در حواشی خلاصه همین روایت را از بعض نسابین نقل فرموده و ابن بابویه
و ابن قولویه بسند معتبر روایت کرده اند که مردی از اهل ری بخدمت حضرت
امام علی نقی علیه السلام رفت حضرت از او پرسید که کجا بودی عرض کرد
که بزیارت امام حسین علیه السلام رفته بودم فرمود که اگر زیارت میکردی
قبر عبد العظیم را که نزد شما است هر آینه مثل کسی بودی که زیارت امام حسین ع
کرده باشد و شیخ نجاشی در رجال بسند معتبر از احمد بن محمد بن خالد برقی
روایت کرده که جناب عبد العظیم از خلیفه گریخت و بشهر ری آمد در خانه مردی از
شیعیان در سکة الموالی و در آنجا عبادت خدا میکرد و پیوسته روزها روزه
میداشت و شبها بنماز میایستاد و پنهان میامد و زیارت میکرد قبری را
که در مقابل قبر او است و راه که در بین است و میگفت این قبر مردی از فرزندان
امام موسی علیه السلام است و پیوسته در آنجا میبود و یکی دو از شیعه
خبر میشدند از احوال او تا آنکه اکثر مردم ری او را شناختند پس شخصی از شیعه

حضرت رسالت صلی الله علیه وآله وسلم در خواب دید که آنحضرت فرمود
مردی از فرزندان مرا از سکة الموالی بر خواهند داشت و مدفون خواهند کرد نزد
درخت سیب در باغ عبد الجبار بن عبد الوهاب و اشاره فرمود بهمان مکان
که در آنجا مدفون است پس آن شخص رفت که آن درخت و مکان را از صاحب
باغ بخرد گفت از برای چه میخری این درخت و جای آن را آن شخص خواب خود را نقل
کرد صاحب باغ گفت که من نیز چنین خواب دیده ام و موضع این درخت را
با جمیع باغ وقف کرده ام بر آن سید و سایر شیعیان که در آنجا مردهای خود را
دفن کنند پس عبد العظیم بیمار شد و برحمت ایزدی واصل گشت چون او را برهنه
کردند که غسل دهند در جیبش رقعه یافتند که در آنجا نسب شریف خود را
نوشته بود که منم ابو القاسم عبد العظیم بن عبد الله بن علی بن حسن بن زید
بن حسن بن علی بن ابی طالب علیه السلام

مؤلف گوید

در زاویه که طرف شمالی صحن جناب عبد العظیم است مزار دیگری است
صاحب بقعه و قبه رفیعه و پیوسته محل زیارت مردم است و معروفست
بامامزاده طاهر و از برای او زیارتی تألیف کرده اند که بعض فقراتش
مشعر است بانکه این امامزاده در سابق معلوم نبوده و تازه ظاهر شده

واما الفاظیکه امامزادگان بآن زیارت

کرده میشوند پس چنان است که سید اجل علی بن طاوس رضی الله عنه در مصباح
الزائر ذکر نموده فرموده وقتی که قصد کردی زیارت کنی یکی از اولاد ائمه را
مثل قاسم فرزند حضرت کاظم علیه السلام یا عباس فرزند امیر المؤمنین ع

یا علی بن الحسین که مقتول بطف است و هر کدام که جاری مجرای ایشان هستند
در حکم پس با سبب نزد قبر ایشان بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ اَیُّهَا السَّیِّدُ الزَّکِیُّ الطّاهِرُ الْوَلِیُّ وَالدّاعِی
الْحَفِیُّ اَشْهَدُ اَنَّکَ قُلْتَ حَقّاً وَنَطَقْتَ حَقّاً وَصِدْقاً
وَدَعَوْتَ اِلی مَوْلایَ وَمَوْلاکَ عَلانِیَةً وَسِرّاً فازَ مُتَّبِعُکَ
وَنَجی مُصَدِّقُکَ وَخابَ وَخَسِرَ مُکَذِّبُکَ وَ
الْمُتَخَلِّفُ عَنْکَ اِشْهَدْ لی بِهذِهِ الشَّهادَةِ عِنْدَکَ
لِاَکُونَ مِنَ الْفائِزینَ بِمَعْرِفَتِکَ وَطاعَتِکَ وَتَصْدیقِکَ
وَاتِّباعِکَ وَالسَّلامُ عَلَیْکَ یا سَیِّدی وَابْنَ سَیِّدی اَنْتَ
بابُ اللهِ الْمُؤْتی مِنْهُ وَالْمَأْخُوذُ عَنْهُ اَتَیْتُکَ زائِراً
وَحاجاتی لَکَ مُسْتَوْدِعاً وَها اَنَاذا اَسْتَوْدِعُکَ دینی
وَاَمانَتی وَخَواتیمَ عَمَلی وَجَوامِعَ اَمَلی اِلی مُنْتَهی اَجَلی
وَالسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ

مؤلف گوید

که قاسم بن کاظم علیه السلام که سید بن طاوس ذکر نموده همان سید جلیل

الغرض که مذکور شد واین عبارت سید نیز دلالت تام دارد بر بزرگی شان آنجناب و نیز سید رضی فرموده زیارتی دیگر است که زیارت کرده میشوند اولاد ائمه بآن وآن چنان است که میگوئی

اَلسَّلامُ عَلیٰ جَدِّكَ الْمُصْطَفیٰ اَلسَّلامُ عَلیٰ اَبِیكَ الْمُرْتَضَی الرِّضا اَلسَّلامُ عَلَی السَّیِّدَیْنِ الْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ اَلسَّلامُ عَلیٰ خَدیجَةَ اُمِّ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ اَلسَّلامُ عَلیٰ فاطِمَةَ اُمِّ الْاَئِمَّةِ الطّاهِرینَ اَلسَّلامُ عَلَی النُّفُوسِ الْفاخِرَةِ وَبُحُورِ الْعُلُومِ الزّاخِرَةِ شُفَعائی فِی الْآخِرَةِ وَاَوْلِیائی عِنْدَ عَوْدِ الرُّوحِ اِلَی الْعِظامِ النَّخِرَةِ اَئِمَّةِ الْخَلْقِ وَوُلاةِ الْحَقِّ اَلسَّلامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الشَّخْصُ الشَّریفُ الطّاهِرُ الْكَریمُ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَمُصْطَفاهُ وَاَنَّ عَلِیّاً وَلِیُّهُ وَمُجْتَباهُ وَاَنَّ الْاِمامَةَ فی وُلْدِهِ اِلیٰ یَوْمِ الدّینِ نَعْلَمُ ذٰلِكَ عِلْمَ الْیَقینِ وَنَحْنُ لِذٰلِكَ مُعْتَقِدُونَ وَفی نَصْرِهِمْ مُجْتَهِدُونَ

مقام سیم

در بعضی مطالب متفرقه نافعه و در آن هشت مطلب است

در توسل برسول خدا وائمه طاهرین

اول — توسل برسولخدا وائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین در ایام هفته
شیخ طوسی طاب ثراه در مصباح از ائمه علیهم السلام روایت کرده که مستحب است
آدمی در روز جمعه هشت رکعت نماز بگذارد و بعد از هر دو رکعت سلام
بگوید و چهار رکعت را هدیه حضرت رسولخدا صلی الله علیه واله وسلم
بگرداند و چهار رکعت را هدیه حضرت فاطمه سلام الله علیها و در روز
شنبه چهار رکعت بکند و هدیه حضرت امیرالمؤمنین صلوات الله علیه گرداند
و همچنین هر روز چهار رکعت کند هدیه امامی کرداند بترتیب تا آنکه در روز
پنجشنبه چهار رکعت و هدیه امام جعفر صادق علیه السلام کرداند و باز در روز
جمعه هشت رکعت کند و چهار رکعت را هدیه حضرت رسول صلی الله علیه واله و
سلم و چهار رکعت را هدیه حضرت فاطمه علیها السلام کرداند در روز شنبه
چهار رکعت هدیه امام موسی علیه السلام کرداند و همچنین هر روز چهار
رکعت بگذارد و با مامی هدیه کرداند بترتیب تا روز پنجشنبه چهار رکعت
را هدیه امام عصر عجل الله فرجه کرداند و ما بین هر دو رکعت از این نمازها
این دعا بخواند

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَاِلَيْكَ يَعُودُ السَّلَامُ
حَيِّنَا رَبَّنَا مِنْكَ بِالسَّلَامِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الرَّكَعَاتِ هَدِيَّةٌ
مِنِّي اِلٰى وَلِيِّكَ فُلَانٍ فَصَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَبَلِّغْهُ اِيَّاهَا
وَاَعْطِنِي اَفْضَلَ اَمَلِي وَرَجَائِي فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفِيهِ

پس هر دعائی که میخواهد بکند و بجای فلان اسم معصوم را میگوید که نماز را

برای هدیه او بجای آورد

مؤلف گوید

که نسبت ایام بپنج معصومین صلوات الله علیهم بحسب اعمال و اورادیکه باید بآنها
متوسل شد بایشان بجهة رسیدن بمنافع داخلیه و خارجیه دنیویه و اخرویه
و دفع کردن بلاهای آسمانی و زمینی و شرور شیاطین انسی و جنی مختلف
رسیده اما در توسل بحضرت رسول و ائمه بوسیله نماز و بردن هدیه
نماز در نزد ایشان پس چنانست که ذکر شد و اما بوسیله زیارت و توسل
بسلام و ثناء گوئی و مدحت پس بنحویستکه سید ابن طاوس رضی الله عنه
درکتاب جمال الاسبوع ذکر نموده (شنبه منسوبست برسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم) (و یکشنبه بامیرالمؤمنین علیه السلام) (و دوشنبه بامام حسن و امام حسین)
(و سه شنبه بامام سجاد و امام محمد باقر و امام جعفر صادق علیهم السلام)
(و چهارشنبه بحضرت کاظم و امام رضا و امام محمد تقی و امام علی نقی ع)
(و پنجشنبه بامام حسن عسکری علیه السلام) (و روز جمعه منسوبست
بامام عصر صلوات الله علیه و باسم او است و آن روزی است که ظاهر
خواهد شد در آن روز و برای هر روز زیارتی ذکر نموده و در هر یک
از آنها اشاره شده باین مطلب که امروز روز شما است و من در این روز
میهمان شما یم پناه بشما آورده ام مرا ضیافت کنید و پناه دهید و این
ترتیب مطابق است با دو روایت که از حضرت هادی علیه السلام رسیده
یکی را صدوق از صقر بن ابی دلف و دیگری را قطب راوندی از ابی
سلیمان بن اورمه نقل نموده اند و ذکر این خبر و زیارت منافات با اختصاص

دارد طالبین از موضعش اخذ نمایند مخفی نماند که چنانچه از برای ایام هفته وساعات روز تقسیمی است بائمه از برای ایام ماه نیز تقسیمی است منسوب بایشان که در هر روز باید خوانده شود تسبیحی است مختص بان حجة که آن روز منسوب باواست وسید فضل الله راوندی در کتاب دعواتشان تسبیحها را ذکر نموده **دوم** رقعه استغاثه است بحضرت صاحب الامر عجل الله فرجه شیخ کفعمی در جنة الواقیة ومحقق سبزواری در مفاتیح النجاة ودیگران ذکر کرده اند که استغاثه است بحضرت مهدی صلوات الله علیه مینویسی انچه راکه ذکر میکنیم ومیاندازی او را بر چیزی از قبور ائمه یا رقعه را می بندی و مهر میکنی و در میان گل پاکیزه میگذاری و میاندازی او را در نهر یا چاه یا در غدیری که آن رقعه میرسد بحضرت صاحب الامر صلوات الله علیه وان جناب خود متکفل میشود براوردن حاجت تو را وانچه در رقعه مینویسی این است

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

كَتَبْتُ يَا مَوْلَايَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ عَلَيْكَ مُسْتَغِيثاً وَشَكَوْتُ مَا نَزَلَ بِي مُسْتَجِيراً بِاللّٰهِ عَزَّ وَجَلَّ ثُمَّ بِكَ مِنْ أَمْرٍ قَدْ دَهَمَنِي وَأَشْغَلَ قَلْبِي وَأَطَالَ فِكْرِي وَسَلَبَنِي بَعْضَ لُبِّي وَغَيَّرَ خَطِيرَ نِعْمَةِ اللّٰهِ عِنْدِي أَسْلَمَنِي عِنْدَ تَخَيُّلِ وُرُودِهِ الْخَلِيلُ وَتَبَرَّأَ مِنِّي عِنْدَ تَرَائِي إِقْبَالِهِ إِلَيَّ الْحَمِيمُ وَعَجَزَتْ عَنْ دِفَاعِهِ حِيلَتِي وَخَانَنِي فِي تَحَمُّلِهِ صَبْرِي وَقُوَّتِي فَلَجَأْتُ فِيهِ إِلَيْكَ وَتَوَكَّلْتُ فِي الْمَسْأَلَةِ لِلّٰهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ عَلَيْهِ وَعَلَيْكَ فِي دِفَاعِهِ عَنِّي عِلْماً بِمَكَانِكَ مِنَ اللّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَلِيِّ التَّدْبِيرِ وَمَالِكِ الْأُمُورِ وَاثِقاً بِكَ فِي الْمُسَارَعَةِ فِي الشَّفَاعَةِ إِلَيْهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ

حجة
رقعه استغاثه بحضرت

فی امری متیقنا الاجابة تبارك وتعالی ایاك باعطاء سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی وتصدیق املی فیك فی امری كذا وكذا

وبجای كذا وكذا حاجت خود را بنویسد

فیما لاطاقة لی بحمله ولا صبر لی علیه وان كنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی وتفریطی فی الواجبات التی لله عز وجل فاغثنی یا مولای صلوات الله علیك عند اللهف وقدم المسئلة لله عز وجل فی امری قبل حلول التلف وشماتة الاعداء فبك بسطت النعمة علی واسئل الله جل جلاله لی نصرا عزیزا وفتحا قریبا فیه بلوغ الامال وخیر المبادی وخواتیم الاعمال والامن من المخاوف كلها فی كل حال انه جل ثناؤه لما یشاء فعال وهو حسبی ونعم الوكیل فی المبدء والمآل

پس میروی نزد نهر یا غدیر آبی و قصد میكنی یكی از نواب صاحب الامر صلوات الله علیه كه عثمان بن سعید عمری یا پسر او محمد بن عثمان یا حسین بن روح یا علی بن محمد سمری رحمهم الله كه از جماعت وكلاء و نائبان آنحضرت بودند در غیبت صغری پس ندا میكنی یكی از ایشانرا كه یا فلان بن فلان سلام علیك اشهد ان وفاتك فی سبیل الله وانك حی عند الله مرزوق وقد خاطبتك فی حیوتك التی لك عند الله عز وجل وهذه رقعتی وحاجتی الی مولانا صلوات الله علیه فسلمها الیه فانت الثقة الامین ای فلان بن فلان سلام بر تو باد گواهی میدهم كه وفات تو در راه خدا بود و تو زنده در نزد خدای عز وجل كه تو را روزی میدهد و با تو مخاطبه

میکنم در این بندگانی که داری بر نزد خداوند عز و جل و این رقعه حاجت منست بسوی مولای من پس برسان و تسلیم کن او را بآن جناب که نوشته و امینی پس بعد از آن رقعه را در نهر یا در چاه یا در غدیر آب طاهر رها کرده شود حاجت تو انشاء الله تعالی

و نیز شیخ کفعمی که ربّه الاجمعین روایت کرده

روایت کرده از حضرت صادق علیه السلام که هرگاه ترا حاجتی بسوی خدا باشد یا از امری خائف و ترسان باشی بنویس در کاغذی بعد از (بسم الله الرحمن الرحیم اللّهمّ انّی اتوجّه الیک باحبّ الاسماء الیک و اعظمها لدیک و اتقرّب و اتوسّل الیک بمن اوجبت حقّه علیک بمحمّد و علیّ و فاطمة و الحسن و الحسین) و نام مبیری یکیک از ائمه علیهم السلام را پس مینویسی (اکفنی کذا و کذا) یعنی حاجت خود را ذکر میکنی پس میپیچی رقعه را و میگذاری او را در بندقه از گل و میاندازی او را در آب جاری یا چاهی که خداوند تعالی فرج کرامت فرماید

مؤلف گوید

که نسخه رقعه استغاثه بسوی حضرت حجت صلوات الله علیه بانحاء کثیره روایت شده و بسیاری از آنها علامه مجلسی رحمه الله در کتاب مزار بحار که محل آنها است ذکر فرموده ولکن نسخه بنظر رسیده که نزد ما در آن دو کتاب نه در کتب ادعیه متداوله ذکر شده لهذا نقل آن را در اینجا لازم دیدم فاضل متبحر محمد بن محمد الطیب از علماء دولت صفویه در کتاب انیس العابدین که علامه مجلسی در بحار و فاضل خبیر میرزا عبد الله اصفهانی در صحیفه ثالثه از آن نقل میکنند نقل کرده از کتاب سعادات بانی

عبارت دعای توسل برای هر مهمی و حاجتی

بِسْمِ اللهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ تَوَسَّلْتُ إِلَيْكَ يَا أَبَا الْقَاسِمِ مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ النَّبَأَ الْعَظِيمَ وَالصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ وَعِصْمَةَ اللَّاجِينَ بِأُمِّكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَبِآبَائِكَ الطَّاهِرِينَ وَبِأُمَّهَاتِكَ الطَّاهِرَاتِ بِيٰسٓ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَالْجَبَرُوتِ الْعَظِيمِ وَحَقِيقَةِ الْإِيمَانِ وَنُورِ النُّورِ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ أَنْ تَكُونَ سَفِيرِي إِلَى اللهِ تَعَالَى فِي الْحَاجَةِ لِفُلَانٍ أَوْ هِلَاكِ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ

و این رقعه را در گل پاکی بگذار و در آب جاری یا چاهی بیندازد و در آن حال بگو

يَا سَعِيدَ بْنَ عُثْمَانَ وَيَا عُثْمَانَ بْنَ سَعِيدٍ أَوْصِلَا قِصَّتِي إِلَى صَاحِبِ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ

نسخه چنین بود لکن بملاحظهٔ روایات و طریقه بعضی از رقاع که از انجمله رقعه ایست که اول ذکر شد باید چنین باشد یا عثمان بن سعید و یا محمد بن عثمان الخ والله العالم

ستیم در ذکر عملی برای برآمدن حوائج

ثقة الاسلام در کافی بسند معتبر روایت کرده از عبد الرحیم قصیر که گفت وارد شدم بر حضرت صادق علیه السلام و عرض کردم فدایت شوم بدرستیکه من از پیش خود دعائی اختراع کردم آنحضرت فرمود واگذار مرا از آنچه خود اختراع کرده هرگاه ترا حاجتی رو دهد پس پناه ببر برسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دو رکعت نماز کن و هدیه کن آنرا بسوی حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم چگونه کنم این نماز را فرمود

غسل میکنی و دو رکعت نماز میگذاری و افتتاح میکنی این دو رکعت را مثل افتتاح فریضه و تشهد بخوان بنحوی که در نماز واجب خود میخوانی پس چون فارغ شدی از تشهد و سلام گفتی میگوئی

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَاِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنِّي السَّلَامَ وَاَرْوَاحَ الْاَئِمَّةِ الصَّادِقِينَ سَلَامِي وَارْدُدْ عَلَيَّ مِنْهُمُ السَّلَامَ وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكْعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي اِلٰى رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ فَاَثِبْنِي عَلَيْهِمَا مَا اَمَّلْتُ وَرَجَوْتُ فِيكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ

پس بسجده میروی و میگوئی چهل مرتبه یَا حَيُّ يَا قَيُّومُ يَا حَيًّا لَا يَمُوتُ يَا حَيُّ لَا اِلٰهَ اِلَّا اَنْتَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْاِكْرَامِ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

پس جانب راست روی را بر زمین میگذاری و میگوئی این دعا را نیز چهل مرتبه پس جانب چپ روی را بر زمین میگذاری و باز چهل مرتبه میخوانی پس سر از سجده برمیداری و دستها را بلند میکنی و چهل مرتبه میخوانی پس دستها را بگردن خود میگذاری و انگشت شهادت دست راست را بجانب راست و چپ حرکت میدهی و چهل مرتبه میگوئی پس میگیری ریش خود را بدست چپ و گریه میکنی و اگر گریه ات نیاید تباکی میکنی و میگوئی

يَا مُحَمَّدُ يَا رَسُولَ اللّٰهِ اَشْكُو اِلَى اللّٰهِ وَاِلَيْكَ حَاجَتِي وَاَشْكُو اِلٰى اَهْلِ بَيْتِكَ الرَّاشِدِينَ حَاجَتِي وَبِكُمْ اَتَوَجَّهُ اِلَى اللّٰهِ فِي حَاجَتِي

پس بسجده میروی و میگوئی يَا اَللّٰهُ يَا اَللّٰهُ تا نفس منقطع شود

صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی کَذَا وَکَذَا

و بجای افعل کذا و کذا حاجت خود را طلب میکنی پس حضرت صادق علیه السلام فرمود که من ضامنم بر خدای عز و جل که از جای خود حرکت نمیکنی مگر آنکه حاجت تو بر آورده شده

چهارم نماز استغاثه

شیخ کفعمی در بلد الامین ذکر نموده و شیخ جلیل ابو الحسن سلیمان بن الحسن صهرشتی که از مشاهیر تلامذه شیخ طوسی است در کتاب قبس المصباح آن را روایت کرده از مفضل بن عمر که حضرت صادق علیه السلام فرمود هرگاه ترا حاجتی باشد بسوی خداوند و سینه ات از آن تنگ شده باشد پس دو رکعت نماز بکن و چون سلام دادی بگوئی سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیح بکن تسبیح فاطمه را پس بسجده برو و بگو صد مرتبه

یَا مَوْلَاتِی یَا فَاطِمَةُ اَغِیثِینِی

پس جانب راست روی را بر زمین گذار و همین را صد مرتبه بگو پس جانب چپ روی را بر زمین گذار و صد مرتبه بگو پس باز بسجده رو و صد و ده مرتبه بگو و حاجت خود را یاد کن بدرستیکه خداوند بر میآورد آنرا انشاء الله تعالی

پنجم ذکر چند دعائی که از تو سلات از

جناب ابی عبد الله الحسین علیه السلام و متضمن است مضامین عالیه را سزاوار است که انسان از فیض خواندن آن خود را محروم نکند اول شیخ مفید در ارشاد روایت کرده از حضرت علی بن الحسین علیه السلام که فرمود چون صبح روز عاشورا شد و سواران رو بآنجناب آوردند حضرت حسین دست را بلند کرد و عرض کرد

اَللّٰهُمَّ اَنْتَ ثِقَتِی فِی کُلِّ کَرْبٍ وَاَنْتَ رَجَائِی فِی کُلِّ شِدَّةٍ وَاَنْتَ لِی فِی کُلِّ اَمْرٍ نَزَلَ بِی ثِقَةٌ وَعُدَّةٌ کَمْ مِنْ کَرْبٍ یُضْعِفُ فِیهِ الْفُؤَادُ

وَتَقِلُّ عَنْهُ الْحِيلَةُ وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ
اَنْزَلْتُهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ اِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّي اِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ فَفَرَّجْتَهُ
وَكَشَفْتَهُ فَاَنْتَ وَلِيُّ كُلِّ نِعْمَةٍ وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ

دوم عالم جلیل سید فضل الله

راوندی در کتاب دعوات روایت کرده از امام زین العابدین علیه السلام که فرمود
پدرم مرا در بر گرفت و بسینه خود چسبانید در آن روز که کشته شد (والدماء
تغلی) و خون نهاد در بدن مبارکش جوش میخورد و فرمود ای پسر من حفظ کن از
من دعائی را که تعلیم فرمود او را بمن فاطمه علیها السلام و تعلیم فرمود باو رسول
خدا صلی الله علیه و اله و سلم و تعلیم نموده بانجناب جبرئیل علیه السلام از
برای حاجت و مهم و اندوه و بلاهای سخت که نازل میشود و امر عظیم دشوار
و فرمود بگو

بِحَقِّ يس وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ وَبِحَقِّ طه وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ يَا مَنْ يَقْدِرُ عَلَى
حَوَائِجِ السَّائِلِينَ يَا مَنْ يَعْلَمُ مَا فِي الضَّمِيرِ يَا مُنَفِّسُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ يَا
مُفَرِّجُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ يَا رَاحِمَ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ يَا رَازِقَ الطِّفْلِ الصَّغِيرِ
صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِي كَذَا وَكَذَا

و بجای کذا و کذا حاجات خود را بخواهد

سیم شیخ طوسی ره در کتاب

مصباح متهجد در ضمن اعمال روز سیم ماه شعبان فرموده که بخوان دعای حسین علیه السلام
را و آن آخر دعائیست که خواند از آن روز که لشکر بر آنجناب احاطه کرده بود
اَللّٰهُمَّ مُتَعَالِي الْمَكَانِ عَظِيمُ الْجَبَرُوتِ الخ که ذکر تمام آن با اختصار منافی

وارد و ما در صحائف النور آنرا ذکر کردیم

ششم در بیان آداب زیارت بنیابت بدانکه

زیارت هر یک از رسول خدا و ائمه هدی صلوات الله علیهم اجمعین را هدیه
روح مقدس هر یک از ایشان میتوان کرد و هم چنین بروح هر یک از مؤمنین
و زیارت بنیابت ایشان میتوان کرد چنانچه شیخ طوسی در تهذیب بسند
معتبر روایت کرده از داود صرمی که گفت بخدمت حضرت امام علی نقی
علیه السلام عرض کردم که من زیارت کردم پدرت را و ثوابش را از برای شما
قرار دادم حضرت فرمود که از برای تو است از جانب حق تعالی اجر و ثواب عظیم
و از جانب ما حمد و ثنای و شیخ محمد بن المشهدی در مزار خود گفته که روایت
کردند اصحاب ما جمیعا که حضرت صادق علیه السلام طلبید یکی از شیعیان
را و درهمی نزد او آورد و فرمود این درهم را بگیر و حج کن از جانب پسرم اسمعیل
تا بوده باشد از برای تو نه قسمت از ثواب و از برای اسمعیل یک قسمت
و نیز در مزار گفته که امام علی نقی علیه السلام فرستاد شخصی را بمشهد ابی عبد
الله الحسین علیه السلام که از جانب او زیارت کند و فرمودند بدرستیکه
مکانهائی چند است که حقتعالی دوست میدارد که در آنها خوانده شود
و اجابت فرماید و بدرستیکه حایر امام حسین علیه السلام از جمله آن
مکانها است و شیخ شهید ره در دروس فرموده و مستحبست برای کسیکه
بزیارتی مشرف میشود زیارت کند از برای پدر و مادر و دوستان و جمیع مؤمنان
پس بگوید «اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مَوْلایَ مِنْ فُلانِ بْنِ فُلانٍ اَتَیْتُکَ زائِراً
عَنْهُ فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّکَ» و دعا کند از برای او و شیخ کلینی در

کافی و شیخ طوسی در تهذیب بسند معتبر نقل کرده‌اند از ابرهیم حضرمی که گفت وقتی که از مکه معظمه مراجعت کردم و بمدینه شرفیاب شدم بخدمت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در مسجد رسولخدا صلی الله علیه واله و سلم رسیدم و آنحضرت مابین قبر و منبر نشسته بود پس عرض کردم بآنجناب که یابن رسول الله وقتیکه من از ولایت بیرون آمدم بسمت مکه بنا گذاشت کسی که طواف از جانب من هفت شوط و دو رکعت نماز گذارد پس شد که من غفلت کردم از او و بجا نیاوردم الحال که مراجعت ببلد کنم ندانم چه گویم او را آنجناب فرمود وقتی که بروی بمکه و مناسک اعمال خود را بجا آوردی پس یک اسبوع یعنی هفت شوط طواف کن و دو رکعت نماز گذار و بگو

اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا الطَّوافَ وَهاتَیْنِ الرَّکْعَتَیْنِ عَنْ اَبی وَاُمّی وَزَوْجَتی وَعَنْ وُلْدی وَعَنْ حامَّتی وَعَنْ جَمیعِ اَهْلِ بَلَدی حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَاَبْیَضِهِمْ وَاَسْوَدِهِمْ

پس هرگاه بگوئی بمردی از اهل بلد که من از جانب تو طواف کردم و دو رکعت نماز کردم مگر آنکه بدرستیکه تو صادق و راستگو بوده و همچنین وقتیکه زیارت قبر مطهر رسولخدا صلی الله علیه اله و سلم بنمائی و از اعمال زیارت خود فارغ شوی پس دو رکعت نماز گذار و بایست نزد سر رسولخدا صلی الله علیه واله و سلم پس بگو

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا نَبِیَّ اللهِ مِنْ اَبی وَاُمّی وَزَوْجَتی وَوُلْدی وَحامَّتی وَمِنْ جَمیعِ اَهْلِ بَلَدی حُرِّهِمْ وَعَبْدِهِمْ وَاَبْیَضِهِمْ وَاَسْوَدِهِمْ

پس هرگاه از اهل بلد خود بگوئی که من برسولخدا از جانب تو زیارت کردم

صادق

صادق خواهی بود و شیخ محمد بن المشهدی در مزار گفته روایت شده که از بعض
ائمه صادقین علیهم السلام سؤال کردند از مردی که دو رکعت نماز میکند یا
یک روز روزه میدارد یا حجه یا عمره بجا میاورد یا زیارت میکند رسول
خدا یا یکی از ائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین را و هر کدام را که بجا
آورد ثواب و را از برای والدین خود یا برادر مؤمن خود قرار میدهد آیا او را ثوابی
هست فرمودند بدرستیکه ثواب این عمل میرسد بکسیکه از برای او قرار داده
شده بی آنکه از ثواب و اجر او چیزی کم شود و شیخ طوسی در تهذیب فرموده
است کسیکه بنیابت برادر مؤمن خود بزیارت رود با جرت چون فارغ شود
از غسل زیارت یا از عمل زیارت چنانچه در بعض نسخ است بگوید
اَللّٰهُمَّ مَا اَصَابَنِي مِنْ تَعَبٍ اَوْ نَصَبٍ اَوْ شَعَثٍ اَوْ لُغُوبٍ فَاْجُرْ فُلانَ بْنَ فُلانٍ
و بجای فلان بن فلان اسم آنشخص و پدر او را ذکر کند
اَنْتُمْ زَائِرًا عَنْهُ فَاشْفَعْ لَهُ عِنْدَ رَبِّكَ
پس هر دعا که خواهد از برای او بکند

هفتم در آداب ملاقات زوار

شیخ شهید ره در دروس فرموده مستحب مؤکد است زیارت خوان فی الله
پس همینکه بزیارت و رود نماز ایشود هر حکم او و خدمت نفرماید برادران که
تکلیف و انداز او را مستحب است و کرا استقبال کند برادر زوار که از زیارت
امده و مصافحه و معانقه کند و ببوسد هر یک پیشانی یکدیگر را و اگر دیدند
زائر را بوسه دهد جایز است و بخصوص صحبت علما و در خبر رسول خدا
بجهت فرموده حضرت صادق علیه السلام بوسه داده نشود دست احدی

مگر دست کسی که اراده شده باشد او رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم
و روایت شده بو سیدن حاجی را وقتی که از حج امده تا آن که فرموده
روایت کرده است شیخ کلینی از ابی حمزه از حضرت صادق علیه السلام
هر که زیارت کند برادرش را برای حق تعالی موکل گرداند بر او حق تعالی هفتاد
هزار ملک که ندا کنند او را که پاکیزه شدی و پاکیزه و گوارا باد برای تو بهشت
و علامه مجلسی ره در بحار گفته که روایت شده در بعض مؤلفات اصحاب ما
از معلی بن خنیس که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه شخصی از برادران
مؤمن شما بر گردد از زیارت ما از زیارت قبرهای ما پس او را استقبال کنید
و بر او سلام کنید و او را تهنیت و مبارک باد بگوئید بان کرامتی که خداوند باو
عطا فرموده که اگر چنین کنید شما را ثوابی مثل ثواب او خواهد بود و فرو گیرد
شما را رحمة الهی که او را فرو گرفته است بدرستیکه هر که زیارت کند ما را
یا قبرهای ما را البته رحمة الهی او را فرو گیرد و گناهانش امرزیده شود

هشتم در فضیلت و کیفیت زیارت اموات مؤمنین است

شیخ عالم کامل جعفر بن قولویه در کامل بسند معتبر از
عمرو بن عثمان رازی روایت کرده که گفت شنیدم از ابو الحسن اول حضرت
موسی ع که میفرمود هر که قادر نباشد بر زیارت ما پس زیارت کند صلحای
موالیان ما را تا نوشته شود برای او ثواب زیارت ما و کسیکه قادر نباشد
بر صله و نیکی بما پس صله و نیکی کند با صالحان موالیان ما تا از برای او
نوشته شود ثواب صله و نیکی بما و نیز ابن قولویه بسند صحیح روایت کرده
از محمد بن احمد بن یحیی الاشعری که گفت من در فید که اسم منزلی است در راه

مکر با علی بن بلال دوانر شد پس سر قبر محمد بن اسمعیل بن بزیع پس علی بن بلال برای من گفت که صاحب این قبر روایت کرد از برای من از حضرت رضا علیه السلام که فرمود هر که بیاید بنزد قبر برادر مومن خود و دست بر قبر گذارد هفت مرتبه بخواند سورهٔ انا انزلناه را ایمن گردد از ترس بزرگ روز قیامت و در روایت دیگر همین مثل را نقل کرده مگر آنکه دارد رو بقبله کند و نیز در کامل الزیارة بسند معتبر منقولست که عبدالرحمن بن ابی عبدالله بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چگونه بگذارم دست خود را بر قبور پس حضرت دست خود اشاره بزمین فرمود و دست بر زمین گذاشت در حالی که آنحضرت مقابل قبله بود و نیز بسند صحیح منقولست که عبدالله بن سنان بحضرت صادق علیه السلام عرض کرد که چگونه سلام باید کرد بر اهل قبور فرمود میگوئی

اَلسَّلامُ عَلٰی اَهْلِ الدِّیارِ مِنَ الْمُؤْمِنینَ وَالْمُسْلِمینَ اَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَنَحْنُ اِنْ شاءَ اللّٰهُ بِکُمْ لاحِقُونَ

و از حضرت امام حسین ع روایت شده که هر که داخل قبرستان شود و بگوید

اَللّٰهُمَّ رَبَّ الْاَرْواحِ الْفانِیَةِ وَالْاَجْسادِ الْبالِیَةِ وَالْعِظامِ النَّخِرَةِ الَّتی خَرَجَتْ مِنَ الدُّنْیا وَهِیَ بِکَ مُؤْمِنَةٌ اَدْخِلْ عَلَیْهِمْ رَوْحاً مِنْکَ وَسَلاماً مِنّی) بنویسد حقتعالی از برای او حسنات بعدد خلق از زمان آدم تا قیام قیامت

و از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام منقولست که هر که داخل قبرستان شود و بگوید (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحیمِ اَلسَّلامُ عَلٰی اَهْلِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنْ اَهْلِ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یا اَهْلَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِحَقِّ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ کَیْفَ وَجَدْتُمْ قَوْلَ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ مِنْ لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ یا لا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ بِحَقِّ

لا اله الا الله اغفر لمن قال لا اله الا الله واحشرنا فی زمرة من قال لا
اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله) حقتعالی سبحانه ثواب
پنجاه سال عبادت برای او بنویسد و گناه پنجاه سال را از او و از پدرش و
مادرش محو گرداند و در روایت دیگر وارد شده است که بهتر سخنی که در
قبرستان بگوئی چون از آن بگذری این است که بایستی و بگوئی

اللهم ولهم ما تولوا واحشرهم مع من احبوا

و سید اجل علی بن طاوس رضی الله عنه در مصباح الزائر گفته در وقتی
که قصد کنی زیارت مؤمنین را سزاوار است که روز پنجشنبه باشد و اگر نه هر وقت
که خواستی و کیفیت زیارت ایشان چنین است که رو بقبله کنی و بگذاری دست
خود را بر قبر و بگوئی

اللهم ارحم غربته وصل وحدته وانس وحشته وامن روعته
واسکن الیه من رحمتک رحمة یستغنی بها عن رحمة من سواک
والحقه بمن کان یتولاه

پس میخوانی سوره انا انزلناه را هفت مرتبه و روایت شده در صفت
زیارت ایشان و ثواب و حدیثی دیگر از فضیل که گفت هر که بخواند سوره
انا انزلناه را هفت مرتبه نزد قبر مؤمنی حق تعالی ملکی بسوی قبر او فرستد
که عبادت کند خداوند را نزد قبر او و بنویسد حقتعالی از برای میت ثواب
عمل این ملک را پس چون از قبرش بیرون شود بهیچ هولی از اهوال قیامت
نگذرد مگر آنکه حقتعالی بگرداند آن هول را از او و بسبب این ملک تا خدا داخل
بهشت گرداند او را و با هفت مرتبه سوره انا انزلناه سوره حمد و دو سوره قل

اعوذ و سوره قل هو الله احد و آیة الکرسی هر یک سه مرتبه بخواند و نیز روایت
شده در وصف زیارت آنها روایت دیگری از محمد بن مسلم که گفت بخدمت
جناب صادق علیه السلام عرض کردم که مردگان را زیارت بکنم فرمود بلی گفتم
آیا آنها میدانند که بزیارت آنها رفته ایم فرمودند بلی قسم بخدا میدانند و شاد
میشوند و با شما انس میگیرند عرض کردم که چه بگوئیم وقتی که بزیارت ایشان رویم
فرمود بگو

اَللّٰهُمَّ جافِ الْاَرْضَ عَنْ جُنُوبِهِمْ وَ لَقِّهِمْ مِنْكَ رِضْواناً وَ اَسْكِنْ اِلَيْهِمْ
مِنْ رَحْمَتِكَ ما تَصِلُ بِهِ وَحْدَتَهُمْ وَ تُونِسُ وَحْشَتَهُمْ اِنَّكَ عَلى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

پس سید فرموده و در وقتی که بوده باشی بین قبرها بخوان یازده مرتبه قل
هو الله احد را و هدیه کن آنرا از برای ایشان بتحقیق که روایت شده که حق تعالی
بعدد مردگان ثواب میدهد انتهی و عالم جلیل سید فضل الله راوندی در
دعوات ذکر کرده که جناب ابی ذر رضه فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
بمن فرمود ای ابوذر وصیت میکنم ترا پس حفظ کن آنرا شاید خداوند برساند
بتو نفعی بسبب آن مجاور شو با قبور تا متذکر شوی بآنها آخرت را و زیارت کن
قبور را در اوقات روزها و زیارت نکن آنها را بشب

مؤلف گوید

مشهور اینست که بر روی قبر راه رفتن بی ضرورتی مکروه است و در من لا
یحضره الفقیه حدیث معتبری از موسی بن جعفر علیه السلام منقولست
که چون بقبرستان وارد شوی بر روی قبرها راه رو که هر که مؤمن است راحت مییابد
و هر که منافق است متألم میشود و اکثر علما این حدیث را حمل بضرورت

کرده اند و بیان کرده که زیارت قبور مسلمین ثواب بسیار و اجر بیشمار دارد و فواید عظیمه در
اینست باعث عبرت و آگاهی و زهد در دنیا و رغبت بآخرت میشود و دوستانی که
بسیار و شادی بسیار باید بعبرت نهاده و کرده در قبرستان عبرت بگیرد از ایشان تا
حلاوت دنیا از دلش برود و شدت شهد کالای دنیوی در کامش تلخ شود و تفکر
کند در فنای دنیا و تقلب احوال آن و بخاطر بیاورد که او نیز عنقریب مثل ایشان
خواهد گردید و دستش از عمل کوتاه خواهد شد و پشیمانی و ندامت برای
او سودی نبخشد و نباید که در قبرستان بخندد و حرفهای لغو و بیهوده و سخنان
ناشایسته و بی فائده را اظهار کند که هر چیز اثرش بیشتر است در قساوت قلب و سختی
دل تا آنکه از زیارت قبور و مجاورت موتی منتفع شود و باید امتیاز دهد در تعظیم
و تکریم و کثرت زیارت مراقد اصحاب نبی و ائمه صلوات الله علیهم اجمعین که حال
ایشان معلوم و علو مقامشان معروف چون جناب سلمان و ابی ذر و مقداد
و عمار و حذیفه و جابر و میثم تمار و رشید هجری و کمیل و قنبر و زراره و محمد مسلم و
بریک و ابی بصیر و فضیل بن یسار و امثال ایشان از افاضل اصحاب ائمه که حال ایشان
معلوم است از کتب رجالیه و عدد شان زیاده بر آنست که در اینجا درج شود با دانستن
موضع قبرشان و همچنین مشاهیر از محدثین و اکابر علما حافظین آثار ائمه طاهرین مثل
شیخ کلینی و شیخ صدوق و شیخ طوسی و شیخ مفید و علم الهدی و سید رضی و
سید بن طاوس و محقق و آیت الله و علامه مجلسی و غیر ایشان از قدما و متأخرین
رضوان الله علیهم که ذکرشان با اختصار منافات دارد و بسیاری از علما و
محدثین در قم هست که باید درک زیارت آنها را نمود مثل علی بن بابویه و محمد بن قولویه
و زکریا بن آدم و زکریا بن ادریس و آدم بن اسحق و قطب راوندی و محقق قمی و غیره

ایشان قدس الله ارواحهم که بزیارت آنها آثار عظیمه و فوائد جلیله و مثوبات
جزیله مترتب است بلکه سزاوار است از برای خصوص اهل علم که
زیارتشان علما و صلحا و صاحبان نفوس کامله را زیادتر باشد از سایرین
و توقفشان در آنجا بیشتر چه آنکه از برای تلطیف ذهن و واضح شدن مشکلات
علوم و درک فیوضات و تجلی اشراقات مدخلیت تام دارد و باین جهت است وقتی
که خاتم الحکماء الیونانیین ارسطوطالیس در مدینه اسطاغیرا که بلدی بود
خود تجدیدش کرده بود از دنیا رفت اهل اسطاغیرا جمع کردند استخوانهای
او را پس از آنکه پوسیده شده بود و ظرفی از مس گذاردند و او را دفن کردند
در موضعی که معروف و منسوب باسم خود ارسطوطالیس و آن مکان را مجمع خود قرار
داده در آنجا جمع میشدند از برای مشاورت و کارهای بزرگ و امورات
جلیله هر وقتی بر ایشان مشکل میشد مطلبی از فنون علم و حکمت قصد آنجا
مینمودند و سر قبر او مینشستند مشغول بمناظره و مباحثه میشدند در فنون
خود تا آنکه واضح میشد بر ایشان آنچه مشکل شده بود و چنان اعتقاد داشتند
که آمدن بموضعی که ارسطو در آن دفن شده بر عقل و ذکاء ایشان می افزاید
و اذهان ایشان را تلطیف و پاکیزه میکند و نیز این را تعظیمی برای ارسطو
میدانستند در بعد مرگ او و باعث تأسف بر فراق و حزن
و اندوه بران فجیعه و مصیبت فقدان ینابیع حکمت او
میدانستند هذا آخر ما اراد قدس سره فی هذه الرسالة الشریفة
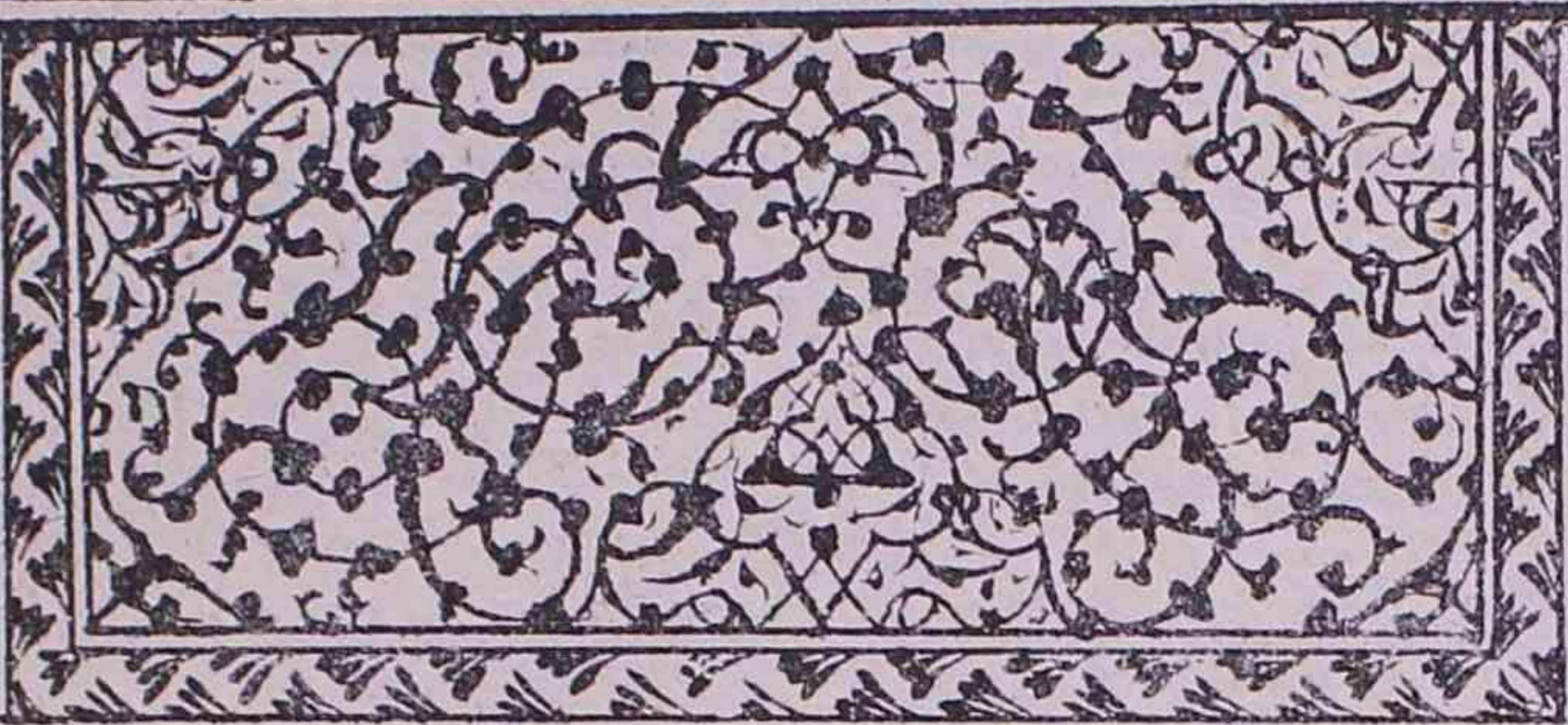
ملحقات کتاب مستطاب

چون در این کتاب کیفیت و آداب زیارت حضرت رسول و حضرت فاطمه و ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین و سایر اعمال مدینه منوره علی ساکنیها الاف الثناء و التحیة ذکر نشده بود و همچنین کیفیت و آداب زیارت ثامن الائمة علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه این اقل خدام شریعت مطهره باشاره بعضی از علماء اعلام مد ظلالهم از کتاب مزار مجلسی علیه الرحمه در ضمن دو باب این زیارات را نقل نموده و در اینجا ایراد نمودم تا زائرین را حاجت بکتابی دیگر نباشد

باب اول

در فضیلت و کیفیت زیارت حضرت رسول خدا و فاطمه زهرا و ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین و در آن چند فصل است

فصل اول

در فضیلت زیارت ایشان — در روایت معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که هرگاه احدی از شما حج کند باید که ختم کند حجش را بزیارت ما زیرا
که این از تمامی حج است — و در حدیث دیگر فرمود که رسول خدا صلی الله علیه و
آله و سلم فرمود که هر که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از فوت من
شفیع او گردم من در روز قیامت — و در حدیث معتبر از حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله علیه منقول است که تمام کنید حج خود را بزیارت
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم که ترک زیارت آن حضرت بعد
از حج جفا و خلاف ادبست و شما را امر باین کرده اند — و بروید بزیارت قبور
چند که خدا لازم گردانیده است بر شما حق آنها و زیارت آنها را و روزی
از خدای تعالی طلب کنید نزد آن قبرها — و بسند معتبر از حضرت امام رضا
علیه السلام منقولست که حقتعالی پیغمبر ما محمد صلی الله علیه و آله و
سلم را افضل گردانید از جمیع خلقش از پیغمبران و ملائکه و اطاعت او را
اطاعت خود شمرده و بیعت او را بیعت خود شمرده و زیارت او را در دنیا
و آخرت زیارت خود شمرده — و حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود که هر که مرا زیارت کند در حال حیات یا بعد از فوت چنانست که حق
تعالی شانه را زیارت کرده باشد — و بسندهای معتبر از حضرت صادق
علیه السلام منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که
هر که بسوی مکه آید برای حج و مرا زیارت نکند در مدینه جفا کنم او را در روز
قیامت — و هر که بزیارت من بیاید واجب شود برای او شفاعت من و هر که
واجب شود او را شفاعت من بهشت او را واجب گردد — و هر که در حرم مکه

در فضیلت زیارت حضرت رسول و فاطمه و ائمه

یا حرم مدینه بمیرد او را در قیامت حساب نکنند و مرده باشد هجرت کننده بسوی نبی
خدا و محشور شود در روز قیامت با شهیدان بدر و بچندین سند معتبر
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که حضرت امام حسن علیه السلام
از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم پرسید که چه ثواب دارد کسی که ترا
زیارت کند فرمود ای فرزند هر که مرا زیارت کند در حال حیات من یا بعد از
موت من یا پدرت را زیارت کند یا تو را زیارت کند لازمست بر من که او را
زیارت کنم در روز قیامت پس خلاص کردانم او را از گناهانش و او را داخل
بهشت کردانم و ایضا در احادیث معتبره منقولست که روزی حضرت امام
حسن علیه السلام در دامن حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم نشسته بود پس سید
که ای پدر چه ثوابست کسی را که تو را بعد از موت تو زیارت کند فرمود ای فرزند هر
که مرا بعد از موت من زیارت کند از برای اوست بهشت و هر که پدر تو را بعد از موت
او زیارت کند از برای اوست بهشت و هر که برادرت را بعد از موت او زیارت کند از
برای اوست بهشت و هر که تو را بعد از موت تو زیارت کند از برای اوست بهشت
و بسند معتبر از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و سلم فرمود که هر که بزیارت من بیاید من شفیع او باشم در روز قیامت و در
حدیث صحیح و قوی منقولست که از حضرت امام محمد تقی علیه السلام پرسیدند که چه ثواب
دارد کسی که زیارت کند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را بقصد زیارت آمده باشد
فرمود که از برای اوست بهشت و از حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم روایتست
هر که مرا زیارت کند در حیات من یا بعد از وفات من در جوار من باشد در روز قیامت
و در حدیث معتبر دیگر منقولست که فرمود هر که مرا زیارت کند بعد از وفات من چنانست

که مرا زیارت کرده باشد در حیات من و من گواه و شفاعت کننده او باشم در روز قیامت و در حدیث معتبر از علی بن الحسین علیهما السلام منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم فرمود که هر که قبر مرا زیارت کند بعد از موت من چنانست که هجرت کرده باشد بسوی من در حیات من و اگر نتواند زد و سلام بفرستد بسوی من که بمن میرسد و در حدیث معتبر از امام محمد باقر علیه السلام منقولست که زیارت قبر رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم برابر است با حج مقبولی که با رسول خدا صلی الله علیه و اله و سلم بجا اورده باشند و در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم را زیارت کند چنانست که حقتعالی را در عرش عبادت کرده باشد و بسند معتبر مرویست که از حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام سؤال نمودند که کدام بهتر است کسیکه بحج برود و بزیارت حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم نرود یا بزیارت انحضرت برود و بحج نرود حضرت از سائل پرسید که شما چه میگوئید در این باب گفت ما زیارت حضرت امام حسین علیه السلام را بهتر از حج میدانیم چون زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم را بهتر بدانیم حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام روز عیدی در مدینه بود و رفت بزیارت حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم و بران حضرت سلام کرد و فرمود که ما بر همه اهل شهرها فضیلت داریم خواه مکه و خواه غیر مکه بسبب زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم و در حدیث معتبر منقولست که شخصی بخدمت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام رفت حضرت از او پرسید که برای چه امده گفت از برای طلب برکت و ثواب فرمود که پدرم مرا خبر داد که هر که بر او و بر من سه روز سلام کند حقتعالی بهشت

را از برای او واجب گردانید آن شخص گفت در حیات او و شما فرمود در حیات ما و بعد از
موت ما و در حدیث معتبر از عبدالله بن عباس منقولست که حضرت رسول
صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که حضرت امام حسن علیه السلام را در بقیع زیارت
کند قدمش بر صراط ثابت باشد در روزی که قدمها از آن بلغزد و از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که هر که مرا زیارت کند گناهانش آمرزیده شود
و پریشان نمیرد و از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که هر که
زیارت کند امام جعفر صادق و پدرش امام محمد باقر علیهما السلام را آزار چشم نکشد
و بیماری و دردی باو نرسد و مبتلا به بلای بدی نشود تا بمیرد و در حدیث معتبر از
هشام منقولست که بحضرت صادق علیه السلام عرض نمودم که آیا پدر تو را زیارت میتوان
کرد فرمود بلی گفتم چه ثواب است کسی را که او را زیارت کند فرمود که بهشت
ثواب او است اگر اعتقاد بامامت او داشته باشد و متابعت او کند و هر که بخواهد
زیارت او را و ترک کند حسرت خواهد داشت در روز قیامت

فصل دوم

در بیان کیفیت زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و آداب آن بدانکه
غسل کردن سنت است و علما دو غسل را مستحب دانسته اند یکی برای داخل شدن مدینه
مشرفه و یکی برای زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و آنچه از احادیث
ظاهر میشود آنست که یک غسل سنت است و آنرا اگر پیش از دخول مدینه واقع سازد بهتر
است و اگر در غسل قصد دخول مدینه و دخول مسجد و زیارت حضرت رسول صلی الله
علیه و آله و سلم و حضرت فاطمه علیها السلام بلکه توبه از گناهان بکند شاید
بهتر باشد و بهتر است که در در مسجد بایستد و رخصت داخل شدن بطلبد

و بعد از حضور رفتن با خضوع و خشوع و حضور قلب و آداب دخول چنانچه در باب سابق مذکور شد و اگر دعای اذن که علما ذکر کرده اند بخواند خوبست (و دعا این است)

اَللّٰهُمَّ اِنِّي وَقَفْتُ عَلٰى بَابٍ بَيْتٍ مِنْ بُيُوتِ نَبِيِّكَ وَ اٰلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ وَقَدْ مَنَعْتَ النَّاسَ الدُّخُولَ اِلٰى بُيُوتِهِ اِلَّا بِاِذْنِ نَبِيِّكَ فَقُلْتَ يَا اَيُّهَا الَّذِيْنَ اٰمَنُوْا لَا تَدْخُلُوْا بُيُوتَ النَّبِيِّ اِلَّا اَنْ يُؤْذَنَ لَكُمْ اَللّٰهُمَّ وَاِنِّي اَعْتَقِدُ حُرْمَةَ نَبِيِّكَ فِي غَيْبَتِهِ كَمَا اَعْتَقِدُ فِي حَضْرَتِهِ وَاَعْلَمُ اَنَّ رُسُلَكَ وَخُلَفَاءَكَ اَحْيَاءٌ عِنْدَكَ يُرْزَقُوْنَ يَرَوْنَ مَكَانِي فِي وَقْتِي هٰذَا وَ زَمَانِي وَيَسْمَعُوْنَ كَلَامِي فِي وَقْتِي هٰذَا وَيَرُدُّوْنَ عَلَيَّ سَلَامِي وَاَنَّكَ حَجَبْتَ عَنْ سَمْعِي كَلَامَهُمْ وَفَتَحْتَ بَابَ فَهْمِي بِلَذِيْذِ مُنَاجَاتِهِمْ فَاِنِّي اَسْتَاْذِنُكَ يَا رَبِّ اَوَّلًا وَ اَسْتَاْذِنُ رَسُوْلَكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ ثَانِيًا وَاَسْتَاْذِنُ خَلِيْفَتَكَ الْمَفْرُوْضَ عَلَيَّ طَاعَتُهُ فِي الدُّخُوْلِ فِي سَاعَتِي هٰذِهِ اِلٰى بَيْتِهِ وَ اَسْتَاْذِنُ مَلَائِكَتَكَ الْمُوَكَّلِيْنَ بِهٰذِهِ الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ الْمُطِيْعَةِ لِلّٰهِ السَّامِعَةِ السَّلَامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الْمَلَائِكَةُ الْمُوَكَّلُوْنَ بِهٰذِهِ

الْمَشَاهِدِ الْمُبَارَكَةِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ بِإِذْنِ اللهِ وَإِذْنِ رَسُولِهِ وَإِذْنِ خُلَفَائِهِ وَإِذْنِكُمْ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْكُمْ أَجْمَعِينَ أَدْخُلُ هٰذَا الْبَيْتَ مُتَقَرِّبًا إِلَى اللهِ وَبِاللهِ وَرَسُولِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ فَكُونُوا مَلَائِكَةَ اللهِ أَعْوَانِي وَكُونُوا أَنْصَارِي حَتَّى أَدْخُلَ هٰذَا الْبَيْتَ وَأَدْعُوَ اللهَ بِفُنُونِ الدَّعَوَاتِ وَأَعْتَرِفَ لِلّٰهِ بِالْعُبُودِيَّةِ وَلِلرَّسُولِ وَلِأَبْنَائِهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ بِالطَّاعَةِ

پس بگوید بسم الله و داخل شود و علما گفته اند که بگوید

بِسْمِ اللهِ وَبِاللهِ وَفِي سَبِيلِ اللهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطَانًا نَصِيرًا

و در اکثر کتب مذکور است که بعد از داخل شدن صد مرتبه الله اکبر بگوید پس بیاید بجانب بالای سر آنحضرت و در پیش ستون دوم که برابر سر مبارک حضرت است و بقبله بایستد و زیارت کند و اگر بقبله باشد برابر روی حضرت برود و زیارت کند چنانچه سنّیان میکنند و در حدیث صحیح از امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی داخل بشوی پیش از داخل شدن یا بعد از ان غسل میکنی و میروی بنزد قبر رسول صلی الله علیه و آله و سلم پس سلام میکنی بران حضرت پس میایستی نزد ستون پیش که از جانب راست قبر است

روبقبله که دوش چپ بجانب قبر باشد و دوش راست بجانب منبر کرد آن موضع سر رسول خدا صلی الله علیه و آله است و میگوئی

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریك له واشهد ان محمدا عبده ورسوله واشهد انك رسول الله وانك محمد بن عبد الله واشهد انك قد بلغت رسالات ربك ونصحت لامتك وجاهدت فی سبیل الله وعبدت الله حتی اتاك الیقین بالحکمة والموعظة الحسنة وادیت الذی علیك من الحق وانك قد رؤفت بالمؤمنین وغلظت علی الکافرین فبلغ الله بك افضل شرف محل المکرمین الحمد لله الذی استنقذنا بك من الشرك والضلالة اللهم اجعل صلواتك وصلوات ملائکتك المقربین وعبادك الصالحین وانبیائك المرسلین واهل السموات والارضین ومن سبح لك یا رب العالمین من الاولین والاخرین علی محمد عبدك ورسولك ونبیك وامینك ونجیبك وحبیبك وصفیك وخاصتك وصفوتك وخیرتك من خلقك

ونجیبك نسخه

اَللّٰهُمَّ وَاَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْاَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اَللّٰهُمَّ اِنَّكَ قُلْتَ وَلَوْ اَنَّهُمْ اِذْ ظَلَمُوا اَنْفُسَهُمْ جَاؤُكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا رَحِيمًا وَاِنِّي اَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي وَاِنِّي اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَا مُحَمَّدُ اِنِّي اَتَوَجَّهُ بِكَ اِلَى اللّٰهِ رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي

واگر ترا حاجتی باشد بگردان قبر حضرت رسول را پشت کتف خود و رو بقبله کن و دستها را بردار و حاجت خود را طلب بدرستیکه سزاوار است که برآورده شود انشاء الله تعالی وابن بابویه گفته است که داخل مسجد شو از در جبرئیل **مؤلف گوید** که در جبرئیل آن دریست که بجانب بقیع مفتوح میشود یا در دیگر در آن سمت بوده است وگویا مراد بگردانیدن قبر در پشت کتفها آن باشد که از آن محل که زیارت کرده است اندکی پیشتر رود که محاذی قبر نباشد وچون مقابل حقیقی قبر نیست باکی نیست واز کلام جمعی موافق ظاهر بعضی از اخبار ظاهر میشود که اگر محاذی قبر نیز پشت بقبر و رو بقبله کند بقصد استظهار بآن حضرت و توجه بجناب مقدس الهی خوبست وآنچه اول مذکور شد بنظر حقیر احوط و اولی است با آنکه در این زمانها با عثبار تقیه غالبا موجب ضرر عظیم است و مشروع نیست وبسند معتبر از محمد بن مسعود منقولست که گفت دیدم حضرت صادق علیه السلام را که نزد منبر حضرت رسول صلی الله علیه و

اله آمد و دست مبارک خود را بر قبر گذاشت و فرمود

اَسْئَلُ اللهَ الَّذِی اجْتَبَاكَ وَاخْتَارَكَ وَهَدَاكَ وَهَدٰی بِكَ
اَنْ یُصَلِّیَ عَلَیْكَ
پس فرمود
اِنَّ اللهَ وَمَلٰئِكَتَهُ
یُصَلُّوْنَ عَلَی النَّبِیِّ یَا اَیُّهَا الَّذِیْنَ اٰمَنُوْا صَلُّوْا عَلَیْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِیْمًا

و بسند معتبر از ابن ابی نصر منقولست که شخصی بخدمت حضرت امام رضا علیه السلام
عرض کرد که چگونه سلام باید کرد بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نزد قبرش فرمود که

اَلسَّلَامُ عَلٰی رَسُوْلِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَا حَبِیْبَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ یَا صَفْوَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ
یَا اَمِیْنَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ
فِیْ سَبِیْلِ اللهِ وَعَبَدْتَهُ حَتّٰی اَتَاكَ الْیَقِیْنُ فَجَزَاكَ اللهُ
اَفْضَلَ مَا جَزٰی نَبِیًّا عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَاٰلِ
مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ مَا صَلَّیْتَ عَلٰی اِبْرٰهِیْمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِیْمَ اِنَّكَ حَمِیْدٌ مَجِیْدٌ

و در حدیث معتبر دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه
السلام از شخصی سؤال کرد که چه میگوئید در سلام کردن بر حضرت رسول صلی الله علیه و
آله و سلم گفت هر چه میدانیم و روایت بما رسیده است حضرت فرمود آیا تعلیم نکنم
تو را چیز دیگر بهتر از این باشد گفت بلی فرمود که چون بایستی نزد قبر آنحضرت بگو

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهٗ لَا شَرِيكَ لَهٗ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
رَسُولُ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ
خَاتَمُ النَّبِيِّينَ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَةَ رَبِّكَ وَنَصَحْتَ
لِاُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهٗ حَتّٰى اَتٰكَ
الْيَقِينُ وَاَدَّيْتَ الَّذِي عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَجِيبِكَ وَاَمِينِكَ وَصَفِيِّكَ
وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَنْبِيَائِكَ
وَرُسُلِكَ اَللّٰهُمَّ سَلِّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا سَلَّمْتَ عَلٰى
نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ وَامْنُنْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا مَنَنْتَ
عَلٰى مُوسٰى وَهٰرُونَ وَبَارِكْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ
عَلٰى اِبْرٰهِيمَ وَاٰلِ اِبْرٰهِيمَ اِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ اَللّٰهُمَّ صَلِّ
عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ وَتَرَحَّمْ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَاٰلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ رَبَّ
الْبَيْتِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ
وَرَبَّ الْبَلَدِ الْحَرَامِ وَرَبَّ الْحِلِّ وَالْحَرَامِ وَرَبَّ الْمَشْعَرِ
الْحَرَامِ بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهٖ مِنِّي السَّلَامَ

و در حدیث معتبر منقولست که حضرت امام زین العابدین ع می ایستادند نزد قبر حضرت رسول صلی الله علیه و اله وسلم و سلام میکردند و شهادت میدادند از برای آنحضرت بتبلیغ رسالت و آنچه میتوانستند دعا میکردند پس پشت میدادند بجانب قبر آنحضرت بر سنگ مرمر سبز نازکی که نزدیک قبر است و پشت را بر قبر میچسبانیدند و بقبله میکردند و این دعا میخواندند

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ اَلْجَاْتُ اَمْرِي وَاِلٰى قَبْرِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ اَسْنَدْتُ ظَهْرِي وَالْقِبْلَةَ الَّتِي رَضِيتَ لِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اسْتَقْبَلْتُ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَصْبَحْتُ لَا اَمْلِكُ لِنَفْسِي خَيْرَ مَا اَرْجُو لَهَا وَلَا اَدْفَعُ عَنْهَا شَرَّ مَا اَحْذَرُ عَلَيْهَا وَاَصْبَحَتِ الْاُمُورُ بِيَدِكَ وَلَا فَقِيرَ اَفْقَرُ مِنِّي اِنِّي لِمَا اَنْزَلْتَ اِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ اَللّٰهُمَّ ارْدُدْنِي مِنْكَ بِخَيْرٍ وَلَا رَادَّ لِفَضْلِكَ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَعُوذُ بِكَ مِنْ اَنْ تُبَدِّلَ اسْمِي اَوْ تُغَيِّرَ جِسْمِي اَوْ تُزِيلَ نِعْمَتَكَ عَنِّي اَللّٰهُمَّ زَيِّنِّي بِالتَّقْوٰى وَجَمِّلْنِي بِالنِّعَمِ وَاغْمُرْنِي بِالْعَافِيَةِ وَارْزُقْنِي شُكْرَ الْعَافِيَةِ

و در اکثر کتب زیارات مذکور است که بعد از این دعا یازده مرتبه سوره حمد و

انا انزلناه بخوانند و در بعضی از کتب معتبره قبل از اینها ذکر کرده اند گفته
اند که بعد از این دو رکعت نزد ستونی که نزدیک منبر است و مقام حضرت رسول است
دو رکعت یا چهار رکعت نماز زیارت بکنند و بعضی شش رکعت یا هشت
رکعت ذکر کرده اند و از روایتی که در سابق ذکر شد مفهوم میشود و بعضی ذکر
کرده اند که در نماز زیارت در رکعت اول بعد از حمد یس بخوانند و در رکعت دوم
سوره الرحمن و در باب اول گذشت و در تحفه رضویه مذکور است که
در زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در بالای سر آنحضرت بایست و رو بقبله و بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ يَا اَبَا الْقَاسِمِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْاَوَّلِينَ
وَالْآخِرِينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يَا زَيْنَ الْقِيٰمَةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
يَا شَفِيعَ الْقِيٰمَةِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ
لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّكَ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ بَلَّغْتَ الرِّسَالَةَ وَ
اَدَّيْتَ الْاَمَانَةَ وَنَصَحْتَ اُمَّتَكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ
رَبِّكَ حَتّٰى اَتَاكَ الْيَقِينُ صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلٰى اَهْلِ
بَيْتِكَ طِبْتَ حَيًّا وَطِبْتَ مَيِّتًا صَلَّى اللهُ عَلَيْكَ وَعَلٰى
اَخِيكَ وَوَصِيِّكَ وَابْنِ عَمِّكَ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَعَلٰى
اِبْنَتِكَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ وَعَلٰى وَلَدَيْكَ

الحسن والحسین افضل السلام واطیب التحیة واطهر الصلوة
وعلینا منکم السلام ورحمة الله وبرکاته

ودعا میکنی از برای خود و بسیار دعا کن از برای پدر و مادر خود و سایر مؤمنان
و در حدیث موثق منقولست که ابن فضال بحضرت امام رضا علیه السلام عرض
نمود که دیدم شما را که سلام میکردید بر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم
در غیر این موضعی که ما سلام میکنیم رو بروی قبر حضرت فرمود تو سلام کن در
آن موضعی که دیگران سلام میکنند پس از این حدیث ظاهر میشود که زیارت را
در بالای سر باید کرد و در وقت تقیه رو بروی قبر خوبست و بسند موثق
دیگر از ابن فضال مرویست که گفت دیدم حضرت امام رضا علیه السلام را که
میخواست وداع کند حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم را برای رفتن بعمره
پس آمد ببالای سر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم بعد از نماز شام و
سلام کرد بر آن حضرت و خود را بقبر چسبانید
نزدیک ستونی که برابر ستونی است که نزد سر رسول
خدا صلی الله علیه و آله و سلم است پس شش رکعت نماز یا هشت رکعت
نماز گذارد با نعلین که در پا داشت و رکوع و سجودش بقدر سه تسبیح بود یا بیشتر
پس چون از نماز فارغ شد سجده طولانی کرد که از عرق مبارکش سنگریزه مسجد تر
شد و در روایت دیگر وارد است که دو طرف روی مبارک خود را بزمین
چسبانید و بسند صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که نماز کنید
بجانب قبر پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم هر چند نماز مؤمنان میرسد بآن حضرت
هر جا که باشد و احتمال دارد که مراد این باشد که صلوات بفرستید بر آن حضرت

نزد قبر هر چند صلوات مؤمنان هر جا که بفرستند بآن حضرت میرسد در حدیث
صحیح از ابن ابی نصر منقولست که شخصی از حضرت امام رضا علیه السلام پرسید که
چگونه سلام باید کرد بر حضرت رسول خدا نزد قبرش فرمود که میگوئی

اَلسَّلامُ عَلیٰ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا خِیَرَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا حَبیبَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا صِفْوَةَ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللهِ اَشْهَدُ اَنَّکَ رَسُولُ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ وَاَشْهَدُ اَنَّکَ قَدْ نَصَحْتَ لِاُمَّتِکَ وَجاهَدْتَ فی سَبیلِ رَبِّکَ وَعَبَدْتَهُ حَتّیٰ اَتیٰکَ الْیَقینُ فَجَزاکَ اللهُ اَفْضَلَ ما جَزیٰ نَبِیّاً عَنْ اُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلیٰ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ اَفْضَلَ ما صَلَّیْتَ عَلیٰ اِبْرٰهیمَ وَآلِ اِبْرٰهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ

فصل سیوم

در بیان فضیلت مسجد حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و اعمال یکه در مسجد حضرت
است در آن مسجد بجا آورند بسندهای معتبر از معویة بن عمار منقولست که

صادق علیه السلام فرمود که چون از دعای نزد قبر فارغ شوی برو نزد منبر و دستهارا
بمال بر دو رمانه پایین منبر را بگیر و چشمها و روی خود را بر آن بمال که میگویند
باعث شفای چشم میشود و بایست نزد منبر حمد و ثنای الهی بجا آور و حاجت
خود را بطلب بدرستیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم گفت که میان
منبر و خانه من باغیست از باغهای بهشت و منبر من بر دریست از درهای
بهشت و ستونهای منبر در بهشت ترتیب یافته است یا نصب شده
است پس برو نزد ستونیکه مقام حضرت رسولست و هرچه خواهی
نماز کن و هر وقت که بمسجد آئی و بیرون روی این اعمال را بجا بیاور و صلوات
بر پیغمبر و آل او بسیار بفرست و بسند حسن از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که میان خانه من و منبر باغیست
از باغهای بهشت سائل از حضرت صادق پرسید که امروز هم باغیست فرمود
که بلی اگر پرده گشوده شود هر آینه خواهید دید **مؤلف گوید** که وصف این موضع
بباغ بهشت از جهت این است که این موضع چون در عصر حضرت رسالت
پناه منبت اشجار یانعه حقایق و مواعظ بوده است که هر یک مثمر انواع
ریاحین و ثمار طاعات و عبادات گشته باین سبب آنرا تشبیه بریاض بهشت فرموده
اند و آنچه حضرت صادق علیه السلام فرمود گویا مراد این است که اگر پرده
غفلت و حجب حب شهوات دنیا از پیش دیده دل برخیزد هر آینه معلوم خواهد
شد که باغستانهای معنوی مرغوبتر از جنات صوریست و درختهای حقایق و معارف
و میوه های طاعات و عبادات برای تقویت عقل و روح اقوی و انفع و خوش
آینده ترند از اشجار و انهار و ثمار ظاهره که موجب تقویت و تفریح قوای جسمانی

میکردند محتملست که محمول بر ظاهر باشد که در زیر این موضع باغی از باغهای
بهشت بوده باشد یا اینکه در قیامت این محل شریف را به بهشت برند
و وسعت دهند و بهترین باغستانهای بهشت کردانند و حد روضه در
طول از قبر مقدس حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم است تا منبر
و در عرض از منبر است تا منتهای ستون که بشماری از مسجد چنانچه از حضرت صادق
صلوات الله علیه پرسیدند که حد روضه چیست فرمودند که چهار
ستون میشماری از منبر بسوی آنچه سقف دارد از مسجد پرسیدند
که از صحن مسجد چیزی در روضه داخل است فرمودند نه و در حدیث
صحیح منقولست که ابو بصیر از آنحضرت پرسید از حد روضه فرمودند که تا آنجا است
که سقف دارد از مسجد و حد مسجد تا دو ستونیست که از جانب راست منبر
منتهی میشود براه از جانب سوق اللیل مؤلف گوید که گویا در این زمان
سقف مسجد را زیاد کرده اند پس منافات با حدیث سابق ندارد و در حدیث
معتبر دیگر از آن حضرت منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و اله و سلم
فرمود که میان منبر و خانهای من روضه ایست از روضهای بهشت و منبر من
بر ترعه ایست از ترعهای بهشت و یک نماز در مسجد من برابر است با هزار
نماز در مسجدهای دیگر بغیر از مسجد الحرام راوی از حضرت صادق علیه السلام
پرسید که خانهای پیغمبر و خانه امیر المؤمنین صلوات الله علیهما داخل این داخلست
فرمود بلی افضل و بهتر است مؤلف گوید که ترعه بمعنی در کوچک آمده است
و بمعنی پایه و بمعنی باغ اعلی است و همه مناسبست و در احادیث معتبره
منقولست که نماز در مسجد رسول صلی الله علیه و اله و سلم برابر است با ده هزار

نماز و بسند حسن بلکه صحیح از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون داخل
مسجد مدینه شوی اگر توانی سه روز در مدینه اقامت نما روز چهارشنبه
و پنجشنبه و جمعه و این سه روز را روزه بدار پس روز چهارشنبه
نماز کن در میان قبر و منبر نزد ستونی که در پهلوی قبر است پس خدای
را بخوان نزد آن ستون و هر حاجت دنیا و آخرت که خواهی از خدا سؤال
کن و روز دوم نزد ستون توبه که ستون ابی لبابه میگویند و روز جمعه
نزد مقام نبی مقابل آن ستونیکه خلوق بسیار بر آن میباشد پس خدا را
بخوان نزد آن ستون برای هر حاجتی و در حدیث صحیح دیگر از آن حضرت
منقولست که روزه بدار روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را و شب و
روز چهارشنبه نزد ستونیکه نزدیک سر حضرت رسول است نماز کن
و شب و روز پنجشنبه نزد ستون ابی لبابه نماز کن و شب و روز جمعه نزد ستونی
که در پهلوی مقام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است نماز کن و این دعا
را برای حاجت خود بخوان

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْئَلُكَ بِعِزَّتِكَ وَقُوَّتِكَ وَقُدْرَتِكَ وَجَمیعِ
ما اَحاطَ بِهِ عِلْمُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاَنْ
تَفْعَلَ بی كَذا وَكَذا

و حاجات خود را طلب و در حدیث صحیح دیگر فرمود که برو نزد مقام جبرئیل
و آن در زیر ناودان است و آن مقامی است که چون جبرئیل بسوی حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم نازل میشد بآنجا می ایستاد و رخصت می طلبید

و بعد از رخصت داخل میشد و بگو

اَیْ جَوَادُ اَیْ کَرِیمُ اَیْ قَرِیبُ اَیْ بَعِیدُ اَسْئَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ وَ اَسْئَلُکَ اَنْ تَرُدَّ عَلَیَّ نِعْمَتَکَ

پس فرمود هر زنی که خون استحاضه اش منقطع نشود اگر رو بقبله
کند و این دعا را بخواند البته استحاضه اش برطرف میشود و ابن بابویه
علیه الرحمه در من لا یحضر این دعا را باین نحو ذکر کرده است

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِکُلِّ اِسْمٍ هُوَ لَکَ اَوْ تَسَمَّیْتَ بِهِ
لِاَحَدٍ مِنْ خَلْقِکَ اَوْ هُوَ مَاثُورٌ فِی عِلْمِ الْغَیْبِ عِنْدَکَ
وَ اَسْئَلُکَ بِاِسْمِکَ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ وَ بِکُلِّ حَرْفٍ
اَنْزَلْتَهُ عَلٰی مُوسٰی وَ بِکُلِّ حَرْفٍ اَنْزَلْتَهُ عَلٰی عِیسٰی وَ بِکُلِّ
حَرْفٍ اَنْزَلْتَهُ عَلٰی مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُکَ عَلَیْهِ وَ اٰلِهِ وَ عَلٰی
اَنْبِیَاءِ اللّٰهِ اِلَّا فَعَلْتَ بِی کَذَا وَ کَذَا

و حاجات خود را میطلبد و اگر زن مستحاضه بخواند بجای اِلَّا فَعَلْتَ
میگوید (اِلَّا اَذْهَبْتَ عَنِّی هٰذَا الدَّمَ) و در حدیث دیگر منقول است
که از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمودند که کجا است مقام جبرئیل فرمود
که در زیر ناودان است که هرگاه بیرون میروی از دری که از آن در فاطمه میگویند
هرگاه محاذی در باستی که ناودان در بالای سرت باشد و در از پشت سرت
اگر توانی کرد دو رکعت نماز در آنجا بکنی بکن که هیچکس در آنجا دعا نمیکند مگر
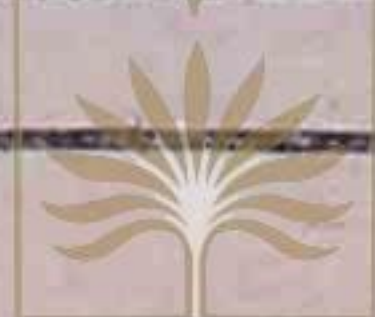
اینکه دعایش مستجاب میشود و در حدیث معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که روزه گرفتن در مدینه و نماز کردن نزد ستونها واجب نیست ولکن
هر که خواهد روزه بدارد بهتر است از برای او و بسیار بکنید نماز در این مسجد تا
توانید که بهتر است از برای شما و بدانید که آدمی گاه هست زیرک میباشد در
کار دنیا مردم او را مدح میکنند که چه بسیار زیرکست فلانی پس چون باشد
کسی که در آخرت زیرک باشد و در حدیث صحیح از آن حضرت منقولست که
اگر اقامت در مدینه ترا میسر شود سه روز روزه میداری و شب چهارشنبه
نماز میکنی نزد ستون ابی لبابه که خود را بران ستون بست تا توبه او از آسمان نازل
شد و روز چهارشنبه نزد آن ستون مینشینی پس میروی شب پنجشنبه نزد
ستونیکه بعد از او است و پهلوی مقام رسولست پس مینشینی نزد آن ستون
در آن شب و آن روز روزه میداری در روز پنجشنبه پس میروی نزد ستونیکه
متصل بمقام پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم است در شب جمعه و در آن شب
و روز در آنجا نماز میگذاری و روز جمعه را روزه میداری و اگر توانی در
این سه روز سخن مگو بقدر ضرورت و از مسجد بیرون مرو مگر از برای حاجت
و در شب و روز بخواب مکن بدرستیکه این عمل فضیلت عظیم دارد پس در روز
جمعه حمد و ثنای الهی بجا آور و صلوات بر رسول خدا و آلش صلوات الله
علیهم بفرست و حاجت خود را سؤال کن و باید که این دعا را بخوانی

اَللّٰهُمَّ مَا كَانَتْ لِي إِلَيْكَ مِنْ حَاجَةٍ شَرَعْتُ أَنَا فِي طَلَبِهَا
وَالْتِمَاسِهَا أَوْ لَمْ أَشْرَعْ سَأَلْتُكَهَا فَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ

محمد صلی الله علیه واله نبی الرحمة فی قضاء حوائجی صغیرها وکبیرها

اگر چنین کنی سزاوار است که حاجتت براورده شود ودر کتاب فقه رضوی مذکور است که چون از زیارت حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم فارغ شوی نماز میکنی نزد ستون توبه ونزد حنانه ودر روضه ونزد منبر وتا توانی نماز بسیار در اینمواضع بکن وبرو نزد مقام جبرئیلؑ وان نزد ناودان است هرگاه بیرون روی از دری که ان را درگاه فاطمه سلام الله علیها میگویند وان در بیت کرد دربرابر بازار بقیع است بیرون رو انجا نماز بکن وبگو (دو رکعت) یا جواد یا کریم یا قریبا غیر بعید اسئلک بانک انت الله لیس کمثلک شیء ان تعصمنی من المهالک وان تسلمنی من افات الدنیا والاخرة ووعثاء السفر وسوء المنقلب وان تردنی سالما الی وطنی بعد حج مقبول وسعی مشکور وعمل متقبل ولا تجعله اخر العهد منی من حرمک وحرم نبیک صلی الله علیه واله

فصل چهارم

در وداع حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم در احادیث صحیحه ومعتبره از حضرت صادق علیه السلام منقولست که چون خواهی از مدینه بیرون روی غسل بکن وبرو بنزد قبر پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم بعد از انکه از کارهای خود فارغ شده باشی وبعمل اور انچه پیشتر میکردی نزد داخلشدن مسجد وبگو

اللهم لا تجعله آخر العهد من زيارة قبر نبيك فإن توفيتني
قبل ذلك فإني أشهد في مماتي على ما شهدت عليه في
حياتي أن لا إله إلا أنت وأن محمدا عبدك ورسولك

و بسند موثق از آنحضرت منقولست که در زیارت وداع میگوئی
صلى الله عليك السلام عليك لا جعله الله آخر تسليمي
عليك

و ابن بابویه گفته است که چون خواهی بیرون آئی از مدینه برو ببالای سر حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم و سلام کن بر آنحضرت پس برو نزد منبر و
صلوات بر آنحضرت و آل او بفرست و دعا از برای دین و دنیای خود
آنچه خواهی بکن پس برگرد بسوی قبر و بچسبان دوش چپ خود را بقبر تبرکا
بستونیکه بعد از ستونیست که مخلوق بر آن میباشند نزد سر پیغمبر صلی الله
علیه و آله و سلم و هشت رکعت یا هشت رکعت نماز بکن و در هر رکعت
حمد و سوره بخوان و در هر دو رکعت قنوت بخوان پس چون فارغ شوی
رو بقبر کن و وداع کن و بگو

صلى الله عليك السلام عليك لا جعله الله آخر
تسليمي عليك اللهم لا تجعله آخر العهد

تا آخر آنچه مذکور شد در روایت اول و در فقه رضوی مذکور است که
چون خواهی از مدینه بیرون آئی وداع کن قبر آنحضرت را و بکن آنچه پیشتر میکردی و بگو

اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَةِ قَبْرِ نَبِيِّكَ وَحَرَمِهِ فَاِنِّي اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ فِي حَيَاتِي اِنْ تَوَفَّيْتَنِي قَبْلَ ذٰلِكَ وَاَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَرَسُولُكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَاٰلِهِ

و وداع قبر مکن مگر با غسل و اگر غسل ممکن نباشد وضو بنا تمام شد عبادت تحفه رضوی و بدان که تصدق کردن در مدینه خصوصاً در مسجد فضیلت عظیم دارد بدرستیکه در روایت معتبره وارد شده است که درهمی در آنجا تصدق کنند برابر است با ده هزار درهم که در جاهای دیگر تصدق کنند و زیارت حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در اوقات شریفه و ایام متبرکه ثوابش مضاعف است خصوصاً ایامیکه وقایعی چند در آنها واقع شده است که اختصاص به آن حضرت دارد مثل روز ولادت آن حضرت که موافق مشهور در میان شیعه و احادیث معتبره روز هفدهم ماه ربیع الاولست و بعضی دوازدهم نیز گفته اند و اول اقوی است و روز وفات آنحضرت که مشهور آنست که روز بیست و هشتم ماه صفر است و روز مبعث آنحضرت که بیست هفتم ماه رجبست و روز فتح بدر که هفدهم ماه رمضان است و روز فتح مکه که بیستم ماه رمضان است و روز جنگ احد که هفدهم شوالست و روز فتح خیبر که بیست و چهارم رجبست و ایام سایر فتوحات آنحضرت چنانچه در کتاب احوال آن حضرت بیان کرده ام و روز مباهله که روز بیست چهارم ماه ذی الحجه است

وبعضی بیست و پنجم گفته‌اند وشب هجرت آنحضرت از مکه بمدینه که شب اول ماه ربیع الاولست وروزیکه داخل مدینه شدند آنحضرت که دوازدهم ماه ربیع الاولست وروزیکه از شعب ابی طالب بیرون آمدند که آن پانزدهم ماه رجبست و شبی که آمنه رضی الله عنها بآنحضرت حامله شد که نوزدهم جمادی الآخره است وشب معراج که شب بیست و یکم ماه رمضان است وبعضی گفته‌اند که نهم ماه ذی الحجه است وبعضی گفته‌اند که هفدهم ماه ربیع الاولست وروزیکه حضرت خدیجه را بعقد خود درآورده که دهم ماه ربیع الاولست وهم چنین زیارت حضرت خدیجه که قبر شریفش در مکه معظمه است در این روز وسایر روزها که اختصاصی بآنحضرت دارد انسب واولی است وآنچه ذکر کردیم موافق اقوال مشهوره است ودر بعضی از اینها اقوالی دیگر هست چنانچه در غیر کتاب بحار الانوار اشاره بآنها کرده ام

فصل پنجم

در بیان فضیلت زیارت آنحضرت است در شهرهای دیگر غیر مدینه طیبه وکیفیت آن از حضرت رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم منقولست که خدا را ملکی چند هست که میگردند در زمین و هر که از امت من بر من سلام میفرستد بمن میرسانند وبسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که ملکی از ملائکه از خدا سؤال نمود که هرچه بندگان خدا گویند او بشنود وحقتعالی باو عطا کرد پس آن ملک ایستاده است تا روز قیامت وهر که از مؤمنان بگوید (صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَسَلَّمَ) البته آن ملک میگوید (وَعَلَيْكَ) یعنی بر تو باد نیز سلام پس آن ملک میگوید یا رسول

الله فلان شخص سلام رسانید بر شما پس حضرت میفرمایند (وعلیه السلام)
یعنی بر او باد نیز سلام و بسند معتبر نیز از حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم فرمود که هر که در هر جای
زمین بر من سلام کند بمن میرسد و هر که نزد قبر من بر من سلام کند من میشنوم
و در حدیث حسن از حضرت منقولست که حضرت صادق علیه السلام مرا
امر فرمود که در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم بسیار نماز کنم تا توانم
و فرمود که همیشه ترا میسر نمیشود که باین مکان شریف بیائی و فرمود که
نزد قبر رسول صلی الله علیه وآله وسلم میروی گفتم بلی فرمود که بدرستیکه
سلامی که از نزدیک میکنی آنحضرت میشنود و اگر دور باشی سلامت بآنحضرت
میرسد و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقولست که بروید بمدینه
و سلام کنید بر رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم هر چند صلوات مؤمنان هر جا
که باشند بآنحضرت میرسد و در حدیث صحیح از آنحضرت منقولست که صلوات
فرستید بر حضرت رسول صلی الله علیه وآله وسلم در پهلوی قبر آنحضرت هر چند
صلوات مؤمنان هر جا که باشند بر آنحضرت میرسد و این حدیث احتمال
نماز هدیه دارد که در نزدیک قبر دو رکعت نماز کنند و ثوابش را هدیه روح مقدس
آنحضرت کنند و احادیث صلوات و سلام بر آنحضرت و زیارت آنحضرت
در شهرهای دور بسیار است و بسند صحیح منقولست که ابن ابی نصر بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که بعد از نماز چگونه صلوات و سلام بر
رسول الله صلی الله علیه وآله وسلم باید فرستاد فرمود که میگوئی

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یَا رَسُولَ اللهِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ اَلسَّلَامُ

السَّلامُ عَلَيْكَ يا خِيَرَةَ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِ اللّٰهِ السَّلامُ

عَلَيْكَ يا صَفْوَةَ اللّٰهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يا حَبيبَ اللّٰهِ السَّلامُ

عَلَيْكَ يا أَمينَ اللّٰهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ رَسُولُ اللّٰهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ

مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجاهَدْتَ

في سَبيلِ رَبِّكَ وَعَبَدْتَهُ حَتّى أَتاكَ الْيَقينُ فَجَزاكَ اللّٰهُ

يا رَسُولَ اللّٰهِ أَفْضَلَ ما جَزى نَبِيّاً عَنْ أُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ

عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ ما صَلَّيْتَ عَلى إِبْراهيمَ وَآلِ إِبْراهيمَ

إِنَّكَ حَميدٌ مَجيدٌ

مخلصاً

و در روایت معتبر دیگر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که هر که خواهد
زیارت کند قبر حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم و قبر امیر المؤمنین و فاطمه
و حسن و حسین علیهم السلام را و قبرهای حجتهای خدا را و او در شهر خود باشد پس غسل
کند در روز جمعه و جامه پاکیزه بپوشد و بیرون رود بصحرائی پس چهار رکعت نماز
بگذارد با هر سوره که میسر شود پس بایستد رو بقبله و بگوید

السَّلامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ السَّلامُ عَلَيْكَ

أَيُّهَا النَّبِيُّ الْمُرْسَلُ وَالْوَصِيُّ الْمُرْتَضى وَالسَّيِّدَةُ الزَّهْراءُ

وَالسِّبْطانِ الْمُنْتَجَبانِ وَالْأَوْلادُ الْأَعْلامُ وَالْأُمَناءُ الْمُنْتَجَبُونَ

جِئْتُ انْقِطاعاً إِلَيْكُمْ وَإِلى آبائِكُمْ وَوَلَدِكُمُ الْخَلَفِ عَلى بَرَكَةِ

أَلْحَقُّ فَقَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَحْكُمَ اللهُ لِدِينِهِ
فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَا مَعَ عَدُوِّكُمْ إِنِّي لَمِنَ الْقَائِلِينَ بِفَضْلِكُمْ مُقِرٌّ
بِرَجْعَتِكُمْ لَا أُنْكِرُ لِلّٰهِ قُدْرَةً وَلَا أَزْعَمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللهُ سُبْحَانَ
اللهِ ذِي الْمُلْكِ وَالْمَلَكُوتِ يُسَبِّحُ اللهَ بِأَسْمَائِهِ جَمِيعُ خَلْقِهِ
وَالسَّلَامُ عَلَى أَرْوَاحِكُمْ وَأَجْسَادِكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ

ودر روایت دیگر وارد است که این زیارت را در بام خانه خود بکن و در حدیث معتبر
دیگر از مبشر بن عبد العزیز منقولست که گفت نزد حضرت صادق علیه السلام بودم
شخصی آمد و گفت فدای تو شوم من پریشانم حضرت فرمود که روز چهارشنبه و پنجشنبه
و جمعه را روزه بدار پس چون چاشت روز جمعه شود زیارت کن رسول خدا صلی
الله علیه و آله و سلم را از بالای بام خانه ات یا در بیابانی از زمین در جائیکه نبیند
تو را کسی پس دو رکعت نماز بگذار پس بدو زانو در آی و زانوهای خود
را بخاک برسان در حالتی که رو بقبله کرده باشی و دست راست خود را بر بالای
دست چپ گذاشته باشی و بگو

اللّٰهُمَّ أَنْتَ أَنْتَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ إِلَّا مِنْكَ وَخَابَتِ الْآمَالُ
إِلَّا فِيكَ يَا ثِقَةَ مَنْ لَا ثِقَةَ لَهُ لَا ثِقَةَ لِي غَيْرُكَ اجْعَلْ لِي
مِنْ أَمْرِي فَرَجًا وَمَخْرَجًا وَارْزُقْنِي مِنْ حَيْثُ أَحْتَسِبُ وَمِنْ حَيْثُ
لَا أَحْتَسِبُ

پس سجده کن و رو بزمین و بگو یَا مُغِيثُ اجْعَلْ لِي رِزْقًا مِنْ فَضْلِكَ

اگر چنین کسی طالع نمیشود بر تو روز شنبه مگر بار روزی تازه یکی از راویان اینحدیث گوید که من گفتم بمحمد بن عثمان عمری که یکی از نایبان حضرت صاحب الامر است که هرگاه کسی که دعای روزی کند و در مدینه نباشد چکند گفت که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم را زیارت کند در بالای سر امامی که قبرش در آن شهر باشد پرسید که اگر در آن شهر قبر امامی نباشد فرمود که نزد قبر یکی از صالحان برود یا بیرون رود بصحرای و بجانب دست راست آن صحرا اراده راه برود و آنچه مذکور شد بکند که حاجتش روا است انشاءالله تعالی

مؤلف گوید

که سؤال راوی بعد از آنچه در اصل حدیث مذکور شده است خالی از غرابتی نیست و جواب محمد بن عثمان نیز فی الجمله منافی با اصل حدیث دارد و چون از معتمدین و نواب حضرت صاحب ع بوده و از پیش خود هرگز چیزی نمیگفته اند اگر بگفته او عمل نمایند خوبست **و بدانکه** از اخبار سابقه معلوم شد که بهتر آنستکه اگر انحضرت را از دور خواهند زیارت کنند بصحرا یا بامی بروند و بهتر آنستکه بلندترین بامهای خانه باشد و زیارت کنند و اگر هر جا باشند زیارت کنند بی آنکه بر بام خانه یا صحرا روند بعمومات اکثر اخبار خصوصاً زیارت بعد از نماز بد نخواهد بود و کیفیت نماز زیارت بعید و عددش در باب سابق مذکور شد و علما ذکر کرده اند که مخیر است میان دو رکعت و چهار رکعت

فصل ششم

در بیان کیفیت زیارت حضرت فاطمه علیها السلام است بدانکه چون حضرت فاطمه صلوات الله علیها وصیت نمود که آن دو ملعون که باعث شهادت او شدند و اعوان ایشان بر او نماز نکذارند آن حضرت را در شب مخفی دفن کردند و باین سبب محل قبر شریف آن حضرت مختلف فیه است میان علمای خاصه و عامه و ظاهر اکثر احادیث معتبره آن است که آن حضرت در

خانهٔ خود مدفون کردید است که متصل بحجرهٔ حضرت رسول است و اکنون ضریح
نیز برای آنحضرت ساخته‌اند و بعضی گفته‌اند که در روضه مدفونست که
میان قبر و منبر باشد و بعضی گفته‌اند که در بقیع نزدیک بقبر ائمه بقیع مدفون است
و احوط آنست که در هر سه موضع زیارت کنند اگرچه اظهر آنست که در خانه خود
مدفونست چنانچه منقولست بسند معتبر که ابن ابی نصر از حضرت امام رضا
علیه السلام سؤال نمود از قبر حضرت فاطمه ع فرمود که در خانه خود مدفون شد پس چون
زیاد کردند بنی امیه مسجد را داخل مسجد شد و بسند صحیح باز منقولست از ابن ابی نصر
که از آنحضرت این سؤال نمود حضرت فرمود که حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
فرمود که در خانه خود مدفونست و در حدیث معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که آنحضرت در روضه مدفون است و باین سبب حضرت رسول صلی
الله علیه و آله و سلم فرمود که روضه او از روضه‌های بهشت است زیرا که قبر فاطمه ع
باغی از باغهای بهشت است و بسوی آن گشوده است دری از درهای بهشت

و فرمود که در خانه از درهای بهشت است

مؤلف گوید که چون سابقاً مذکور شد که روضه بقدر چهار ستون عرض
دارد و مذکور شد که پاره از خانهٔ حضرت فاطمه علیها السلام را داخل
مسجد کرده‌اند پس ممکنست جمع میان این حدیث و احادیث پیش کردن که
حضرت در خانه خود مدفون شده باشد در جانب مسجد که محاذی ما بین قبر
و منبر و داخل روضه باشد و مؤید این است آنچه در روایت سابق مذکور
شد که خانه حضرت داخل روضه و بهترین جاهای روضه است و در حدیث
موثق منقولست که یونس بن یعقوب از حضرت صادق صلوات الله علیه پرسید
که نماز در خانه حضرت فاطمه علیها السلام افضل است یا در روضه فرمود

که در خانه فاطمه علیها السلام و در حدیث معتبر دیگر از آنحضرت منقول است
که نماز در خانه فاطمه بهتر از نماز در روضه است و در حدیث صحیح دیگر از
آن حضرت منقولست که خانه علی و فاطمه علیهما السلام میان خانه ایست که
حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم در آنجا مدفون است و راهی که منتهی میشود
بدری که محاذی بازار بقیع است که اگر از آن در داخل مسجد شوی و واست بیائی
دوش چپ بدیوار خانه میرسد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که چون از در بقیع
داخل مسجد شوی خانه امیرالمؤمنین علیه السلام در جانب چپ تو است بقدر
آنکه بزی تواند رفت و متصلست بخانه حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله
و سلم و درهای ایشان مقرون نیکدیگر است و بسند معتبر از حضرت امام محمد تقی
علیه السلام منقولست که شخصی از سادات فرمود که چون میروی بسوی قبر جده
خود فاطمه علیها السلام بگو

یَا مُمْتَحَنَةُ امْتَحَنَكِ اللهُ الَّذِی خَلَقَكِ قَبْلَ اَنْ یَخْلُقَكِ فَوَجَدَكِ
لِمَا امْتَحَنَكِ صَابِرَةً وَ زَعَمْنَا اَنَّا لَكِ اَوْلِیَاءُ وَ مُصَدِّقُونَ وَ
صَابِرُونَ لِكُلِّ مَا اَتَانَا بِهِ اَبُوكِ وَ اَتَانَا بِهِ وَصِیُّهُ فَاِنَّا نَسْئَلُكِ
اِنْ كُنَّا صَدَّقْنَاكِ اِلَّا اَلْحَقْتِنَا بِتَصْدِیقِنَا لَهُمَا لِنُبَشِّرَ اَنْفُسَنَا
بِاَنَّا قَدْ طَهُرْنَا بِوِلَایَتِكِ

و سید ابن طاوس در کتاب اقبال ذکر کرده است که روایت کرده ایم از جماعتی
از اصحاب ما که وفات حضرت فاطمه علیها السلام در روز سیم ماه جمادی
الآخرة بوده است پس سزاوار است که آنحضرت را در آن روز زیارت

کنند و روایت کرده است جامع کتاب مسائل که ابرهیم بن محمد همدانی نوشت عریضه بخدمت
امام علی نقی علیه السلام که مرا خبر ده از قبر حضرت فاطمه علیها السلام که آیا در مدینه است
یا در بقیع حضرت جواب نوشتند که با جد رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم
مدفون است و سیده گفته است که پس میگوئی

اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا سَیِّدَةَ نِساءِ الْعالَمِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكِ یا
والِدَةَ الْحُجَجِ عَلَی النّاسِ اَجْمَعِینَ اَلسَّلامُ عَلَیْكِ اَیَّتُها
الْمَظْلُومَةُ الْمَمْنُوعَةُ حَقَّها (پس بگو) اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اَمَتِكَ
وَابْنَةِ نَبِیِّكَ وَزَوْجَةِ وَصِیِّ نَبِیِّكَ صَلٰوةً تُزْلِفُها فَوْقَ زُلْفٰی
عِبادِكَ الْمُكَرَّمِینَ مِنْ اَهْلِ السَّمٰواتِ وَالْاَرَضِینَ

بتحقیق که روایت شده است که باین زیارت آن حضرت را زیارت کند و از خدا طلب آمرزش کند
حقتعالی گناهانش را بیامرزد و او را داخل بهشت گرداند **مؤلف گوید**
که چون زیارت منقول مبسوطی از برای آنحضرت در روایاتی که بنظر رسید بنظر نیامده بود
بهمین اکتفا نمودیم و اگر زیارت جامعه را بخوانند شاید مناسب باشد و در بحار الانوار
زیارات مبسوطه مؤلفه اکابر علما رضوان الله علیهم را ایراد نموده و سید بن طاوس رضی
الله عنه در نماز زیارت آنحضرت گفته است که اگر توانی نماز زیارت حضرت فاطمه علیها
السلام را بجا آور و آن دو رکعت است در هر رکعت بعد از حمد شصت مرتبه سوره
قل هو الله باید خواند و اگر نتوانی در رکعت اول بعد از حمد سوره قل هو الله احد
بخوان و در رکعت دوم سوره قل یا ایها الکافرون **و بدانکه** زیارت آن

زیارت آن حضرت در اوقات شریفه و ازمنهٔ مخصوصه بآن حضرت اولی و انسب و افضل است
مثل روز ولادت آنحضرت که بیستم ماه جمادی الثانیه است بنا بر قول شیخ مفید
و ابن طاوس یا دهم آن بر قول جمعی و روز وفات آن حضرت که سیم ماه مذکور است
بر قول سید و جمعی یا بیست و یکم ماه رجب است بر قول ابن عیاش و روز تزویج
آن حضرت با امیر المؤمنین صلوات الله علیهما که پانزدهم ماه رجب است یا اول ماه
ذی الحجه یا ششم ماه ذی الحجه و شب زفاف آنحضرت که نوزدهم ماه ذی الحجه
است یا بیست و یکم ماه محرم و روز مباهله که گذشت و روز نزول هل اتی
که روز بیست و پنجم ماه ذی الحجه است و غیر اینها از ایامیکه فضیلت یا کرامتی از آن
حضرت در آنها ظاهر شده باشد چنانچه در کتاب بحار الانوار ایراد شده

فصل هفتم

در کیفیت زیارت ائمه بقیع صلوات الله علیهم اجمعین است باید دانست که در زیارت
اول مذکور شد از غسل و تطهیر جامها و بوی خوش کردن و رخصت طلبیدن در دخول
و غیر آنها را بعمل بیاورد و اگر دعای اذن آنچه محمد بن المشهدی ذکر کرده است
بخواند بد نیست گفته است که بر در بایستد و بگوید

یا مَوالِیَّ یا اَبْناءَ رَسُولِ اللهِ عَبْدُکُمْ وَابْنُ اَمَتِکُمُ الذَّلیلُ
بَیْنَ اَیْدیکُمْ وَالْمُضْعَفُ فی عُلُوِّ قَدْرِکُمْ وَالْمُعْتَرِفُ بِحَقِّکُمْ
جاءَکُمْ مُسْتَجیراً بِکُمْ قاصِداً اِلی حَرَمِکُمْ مُتَقَرِّباً اِلی مَقامِکُمْ
مُتَوَسِّلاً اِلَی اللهِ بِکُمْ ءَاَدْخُلُ یا مَوالِیَّ ءَاَدْخُلُ یا اَوْلِیاءَ
اللهِ ءَاَدْخُلُ یا مَلائِکَةَ اللهِ الْمُحْدِقینَ بِهذَا الْحَرَمِ الْمُقیمینَ

بهذا المشهد وبعد از خضوع وخشوع وقت داخل شود و پای راست را مقدم دارد و بسم الله بگوید پس بگوید آنچه محمد بن المشهدی گفته است

اَللهُ اَكْبَرُ كَبِيراً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ كَثِيراً وَسُبْحانَ اللهِ بُكْرَةً وَ اَصِيلاً وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ الْفَرْدِ الصَّمَدِ الْماجِدِ الْاَحَدِ الْمُتَفَضِّلِ الْمَنّانِ الْمُتَطَوِّلِ الْحَنّانِ الَّذِي مَنَّ بِطَوْلِهِ وَسَهَّلَ زِيارَةَ ساداتِي بِاِحْسانِهِ وَلَمْ يَجْعَلْنِي عَنْ زِيارَتِهِمْ مَمْنُوعاً بَلْ تَطَوَّلَ وَ مَنَحَ

و اگر دعاهای اذن دخول که در زیارت حضرت امام حسین علیه السلام بروایت صفوان وارد شده است بعد از این خواهد آمد بخواند مناسب است پس نزدیک قبور مقدسه برود و پشت بقبله کرده و رو بقبور ایشان کرده بگوید آنچه کلینی و ابن قولویه و شیخ طوسی و غیر ایشان روایت کرده اند از ائمه علیهم السلام که فرموده اند چون بروی بنزد قبور ائمه که در بقیع اند بایست نزد ایشان و قبرها را پیش روی خود قرار بده و بگو

اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَئِمَّةَ الْهُدىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ التَّقْوىٰ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَلْحُجَجُ عَلىٰ اَهْلِ الدُّنْيا اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَيُّهَا الْقُوّامُ فِي الْبَرِيَّةِ بِالْقِسْطِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الصَّفْوَةِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ آلَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلامُ عَلَيْكُمْ اَهْلَ النَّجْوىٰ

أشهد أنكم قد بلغتم و نصحتم و صبرتم في ذات الله و كذبتم
وأسيء إليكم فغفرتم وأشهد أنكم الأئمة الراشدون
المهتدون وأن طاعتكم مفروضة وأن قولكم
الصدق وأنكم دعوتم فلم تجابوا وأمرتم فلم تطاعوا
وأنكم دعائم الدين وأركان الأرض لم تزالوا بعين
الله ينسخكم من أصلاب كل مطهر وينقلكم من أرحام
المطهرات لم تدنسكم الجاهلية الجهلاء ولم
تشرك فيكم فتن الأهواء طبتم وطاب منبتكم منّ
بكم علينا ديان الدين فجعلكم في بيوت أذن الله أن ترفع
ويذكر فيها اسمه وجعل صلواتنا عليكم رحمة لنا
وكفارة لذنوبنا إذ اختاركم الله لنا وطيب خلقنا
بما منّ علينا من ولايتكم وكنا عنده مسمين بعلمكم
معترفين بتصديقنا إياكم وهذا مقام من أسرف
وأخطأ واستكان وأقر بما جنى ورجا بمقامه الخلاص
وأن يستنقذ بكم مستنقذ الهلكى من الردى فكونوا

إلى شُفَعاءَ فَقَدْ وَفَدتُ إليكُم إذ رَغِبَ عَنكُم أَهلُ الدُّنيا

وَاتَّخَذُوا آياتِ اللهِ هُزُواً وَاستَكبَرُوا عَنها يا مَن هُوَ

قائِمٌ لا يَسهُو وَدائِمٌ لا يَلهُو وَمُحيطٌ بِكُلِّ شَيءٍ لَكَ المَنُّ

بِما وَفَّقتَني وَعَرَّفتَني بِما أَقَمتَني عَلَيهِ إذ صَدَّ عَنهُ

عِبادُكَ وَجَهِلُوا مَعرِفَتَهُ وَاستَخَفُّوا بِحَقِّهِ وَمالُوا

إلى سِواهُ فَكانَتِ المِنَّةُ مِنكَ عَلَيَّ مَعَ أَقوامٍ خَصَصتَهُم

بِما خَصَصتَني بِهِ فَلَكَ الحَمدُ إذ كُنتُ عِندَكَ في مَقامي

هذا مَذكُوراً مَكتُوباً فَلا تَحرِمني ما رَجَوتُ وَلا تُخَيِّبني

فيما دَعَوتُ بِحُرمَةِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ وَصَلَّى اللهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَ

آلِ مُحَمَّدٍ

پس دعا کن از برای خود بهر چه خواهی و شیخ در تهذیب گفته است که بعد از آن هشت رکعت نماز زیارت بکن و شیخ محمد بن المشهدی بعد از (وَاستَكبَرُوا عَنها) گفته است که سر را بالا میکنی و میگوئی (یا مَن هُوَ قائِمٌ) تا آخر و سید بن طاوس گفته است که چون خواهی ایشان را وداع کنی بگو

السَّلامُ عَلَيكُم وَرَحمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ أَستَودِعُكُمُ اللهَ وَ

أَقرَأُ عَلَيكُمُ السَّلامَ آمَنّا بِاللهِ وَبِالرَّسُولِ وَبِما جِئتُم

بِهِ وَدَلَلتُم عَلَيهِ اللّهُمَّ فَاكتُبنا مَعَ الشّاهِدينَ

پس دعا بسیار بکن و از خدا سؤال کن که دیگر بتو اینزیارت ایشان بر گرداند و آخر عهد تو نباشد از زیارت ایشان بدانکه بهترین زیارات از برای ایشان زیارتهای جامعه است که در سابق ذکر شد و بسند معتبر منقولست که محمد بن الحنفیة رضی الله تعالی عنه بزیارت برادر خود حضرت امام حسن علیه السلام میرفت و میگفت

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا بَقِیَّةَ الْمُؤْمِنِینَ وَابْنَ اَوَّلِ الْمُسْلِمِینَ وَکَیْفَ لاتَکُونُ کَذٰلِکَ وَاَنْتَ سَلِیلُ الْهُدیٰ وَخَلِیفُ التُّقیٰ وَخامِسُ اَصْحابِ الْکِساءِ غَذَّتْکَ یَدُ الرَّحْمَةِ وَرُبِّیتَ فِی حِجْرِ الْاِسْلامِ وَرُضِعْتَ مِنْ ثَدْیِ الْاِیمانِ فَطِبْتَ حَیّاً وَطِبْتَ مَیِّتاً غَیْرَ اَنَّ الْاَنْفُسَ غَیْرُ طَیِّبَةٍ بِفِراقِکَ وَلاشاکَّةٍ فِی الْحَیٰوةِ لَکَ یَرْحَمُکَ اللهُ

و بسند معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمودند میگوئی نزد قبر علی بن الحسین علیهما السلام آنچه خواهی یعنی بهر لفظ که زیارت کنی خوبست و بدانکه زیارت ایشان در اوقات متبرکه و ازمنه مخصوصه بایشان اولی است مثل روز ولادت حضرت امام حسن علیه السلام که موافق مشهور پانزدهم ماه مبارک رمضان است و روز وفات آن حضرت که هفتم یا بیست و هشتم یا آخر ماه صفر است و روزی که نیزه بر رانش زدند که بیست و سیم ماه رجب است و روز مباهله و روز نزول هل اتی که گذشت و روز خلافت آنحضرت

که روز شهادت امیر المؤمنین است و روز ولادت امام زین العابدین علیه السلام که پنجم یا نهم ماه شعبان است یا پانزدهم ماه جمادی الاولی یا جمادی الثانیه و یا رجب است و روز وفات آن حضرت که دوازدهم یا هجدهم یا بیست و پنجم ماه محرم است و روز خلافت آن حضرت که روز شهادت امام حسین است و روز ولادت امام محمد باقر صلوات الله علیه که روز اول ماه رجب است موافق روایات معتبره یا سیم ماه صفر و روز وفات آنحضرت که هفتم ماه ذی الحجه است و روز خلافت آن حضرت که روز وفات امام زین العابدین علیه السلام است و روز ولادت امام جعفر صادق علیه السلام که هفدهم ماه ربیع الاولست و روز وفات آن حضرت که پانزدهم ماه رجب یا ماه شوال و روز خلافت آنحضرت که روز وفات حضرت امام محمد باقر است

فصل هشتم

در بیان سایر اعمال که در مدینه مستحب است در فقه الرضا مذکور است که چون از اعمال مسجد فارغ شوی برو بنزد قبور ائمه بقیع علیهم السلام و برو بمسجد حضرت فاطمه صلوات الله علیها و دو رکعت نماز بگذار و زیارت کن قبر حمزه و سایر شهداء احد را و برو بمسجد فتح و مسجد قبا و مسجد سقیا که در آنها فضیلت بسیار هست و مسجد خلوت خانه امیر المؤمنین ع و خانه امام جعفر صادق علیه السلام که در دو مسجد است و دو رکعت نماز در آنجا بکن و در حدیث معتبر از ائمه علیهم السلام منقولست که میگوئی نزد قبر حمزه رضی الله عنه

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّ رَسُولِ اللهِ وَخَيْرَ الشُّهَدَاءِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اَسَدَ اللهِ وَاَسَدَ رَسُولِهِ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ جَاهَدْتَ

فى الله ونصحت لرسول الله وجدت بنفسك وطلبت ما

عند الله ورغبت فيما وعد الله

پس داخل شو و نماز بکن و در وقت نماز دو بغیر مکن و چون
از نماز فارغ شوی خود را بر روی قبر بینداز و بگو

اللهم صل على محمد واهل بيته اللهم انى تعرضت

لرحمتك بلزومى بقبر عم نبيك صلواتك عليه وعلى اهل

بيته لتجيرنى من نقمتك وسخطك ومقتك ومن الازلال

فى يوم تكثر فيه المعرات والاصوات وتشغل كل نفس بما

قدمت وتجادل كل نفس عن نفسها فان ترحمنى اليوم فلا خوف

على ولا حزن وان تعاقب فمولى له القدرة على عبده

اللهم فلا تخيبنى اليوم ولا تصرفنى بغير حاجتى فقد

لزقت بقبر عم نبيك وتقربت به اليك ابتغاء مرضاتك

ورجاء رحمتك فتقبل منى وعد بحلمك على جهلى و

برافتك على جناية نفسى فقد عظم جرمى وما اخاف ان

تظلمنى ولكن اخاف سوء الحساب فانظر اليوم الى تقلبى على

قبر عم نبيك صلواتك على محمد واهل بيته فبهما فكنى

العثرات نسخه

وَلا تُخَیِّبْ سَعْیی وَلا یَهُونَنَّ عَلَیْكَ ابْتِهالی وَلا یُحْجَبْ مِنْكَ صَوْتی وَلا تَقْلِبْنی بِغَیْرِ قَضاءِ حَوائِجی یا غِیاثَ كُلِّ مَكْرُوبٍ مَحْزُونٍ یا مُفَرِّجَ عَنِ الْمَلْهُوفِ الْحَیْرانِ الْغَریبِ الْغَریقِ الْمُشْرِفِ عَلَی الْهَلَكَةِ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ الطّاهِرینَ وَانْظُرْ اِلَیَّ نَظْرَةً لا اَشْقی بَعْدَها اَبَدًا وَارْحَمْ تَضَرُّعی وَغُرْبَتی وَانْفِرادی فَقَدْ رَجَوْتُ رِضاكَ وَتَحَرَّیْتُ الْخَیْرَ الَّذی لا یُعْطیهِ اَحَدٌ سِواكَ وَلا تَرُدَّ اَمَلی

وشاید زیارت شهداء در روز شهادت ایشان که موافق مشهور هفدهم ماه شوال است انسب باشد ودر حدیث معتبر روایت که عقبه از حضرت صادق علیه السلام سؤال نمود که من میروم بسوی مساجدی که در دور مدینه است بکدام ابتدا کنم فرمود که ابتدا کن بمسجد قبا پس بسیار نماز کن در ان که ان اول مسجد است که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم دراین عرصه دران نماز کرد پس برو بغرفه حضرت ابراهیم پیغمبر و نماز کن در ان که ان مسکن و محل نماز رسول خدا بوده است پس برو بمسجد فضیخ ودو رکعت نماز بکن که پیغمبر دران نماز کرده است وچون ازاین جانب فارغ شوی برو بجانب کوه احد ابتدا کن بمسجدیکه در پائین سنگستانست و دران نماز بکن پس برو بسوی قبر حمزه بن عبدالمطلب و سلام کن براو پس برو بسوی قبرهای شهداء و بایست نزد ان قبرها وبگو (اَلسَّلامُ عَلَیْكُمْ یا اَهْلَ الدِّیارِ اَنْتُمْ لَنا فَرَطٌ وَاِنّا بِكُمْ لاحِقُونَ) پس برو بمسجدیکه دران مکان کشاده است در پهلوی

کوه در وقتی که داخل احد میشوی پس در آن مسجد نماز بکن که از آن موضع رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم بیرون رفت بسوی احد در وقتی که با کفار مکه جنگ کرد پس در آنجا نماز کرد
و بجنگ رفت پس بازگرد و نماز کن نزد قبر شهدا آنچه خدا برای تو مقدر کرده باشد
پس برو بسوی مسجد احزاب و نماز کن که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن موضع
دعا کرد در روز جنگ احزاب و گفت یَا صَرِیخَ الْمَکْرُوبِینَ وَ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ
الْمُضْطَرِّینَ وَ یَا مُغِیثَ الْمَهْمُومِینَ اکْشِفْ هَمِّی وَ کَرْبِی وَ غَمِّی فَقَدْ تَرَی
حَالِی وَ حَالَ أَصْحَابِی و باسناد معتبر از معویة بن عمار منقولست که حضرت
صادق علیه السلام فرمود که ترک مکن رفتن بمشاهد مدینه را که یکی از آنها
مسجد قبا است و حقتعالی در شأن آن مسجد فرستاده است این آیه را (لَمَسْجِدٌ
أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ) که مضمونش اینست بتحقیق
که مسجدیکه بنا شده است بر پرهیزکاری در روز اول سزاوارتر است باینکه در آن
بایستی بنماز و عبادت از مسجدیکه منافقان بمکر و حیله بنا کرده اند و غرفه
مادر ابرهیم و مسجد فضیخ و قبور شهدا و مسجد احزاب که آن مسجد فتح است
و بما رسیده است که پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم چون نزد قبور شهدا می‌آمد
میگفت (السَّلَامُ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ) و باید که در مسجد
فتح این دعا بخوانی یَا صَرِیخَ الْمَکْرُوبِینَ وَ یَا مُجِیبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّینَ
اکْشِفْ عَنِّی هَمِّی وَ غَمِّی وَ کَرْبِی کَمَا کَشَفْتَ عَنْ نَبِیِّکَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ کَرْبَهُ
وَ کَفَیْتَهُ هَوْلَ عَدُوِّهِ فِی هَذَا الْمَکَانِ و در حدیث معتبر دیگر از آن حضرت
منقولست که حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود که هر که بیاید
بسوی مسجد من و مسجد قبا و دو رکعت در آن نماز بگذارد برگردد با ثواب عمره و احادیث

در فضیلت مسجد قبا بسیار است و بسند صحیح از آن حضرت منقولست که حضرت
فاطمه علیها السلام بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هفتاد و پنج روز
زنده ماند و در این ایام هیچکس آنحضرت را خندان ندید میرفت بسوی قبرستان
شهیدان احد در هر هفته دو مرتبه روز دوشنبه و پنجشنبه و در آنجا نماز و دعا
میکرد و بسند معتبر از عمار ساباطی منقولست که گفت با حضرت صادق علیه السلام
رفتم بسوی مسجد فضیخ فرمود که ای عمار می بینی این گودال را گفتم بلی فرمود که
اسماء زن جعفر بن ابیطالب که آخر امیر المؤمنین علیه السلام او را خواست در این
موضع نشسته بود با دو پسرش که از جعفر داشت پس گریست پسرهایش
از او پرسیدند که چرا گریه میکنی گفت از برای امیر المؤمنین علیه السلام گفتند
از برای امیر المؤمنین گریه میکنی و از برای پدر ما گریه نمیکنی گفت برای موت او گریه
نمیکنم ولکن بیاد آمد حدیثی که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در اینجا بمن نقل
کرد و باین سبب گریستم روزی با آن حضرت در این مسجد نشسته بودم فرمود که می
بینی این گودال را گفتم بلی فرمود که من با رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
در اینموضع نشسته بودیم ناگاه سر مبارک خود را در دامن من گذاشت و بخواب
رفت تا وقت نماز پیشین در آمد نخواستم که آن حضرت را بیدار کنم که مبادا آزار
آنحضرت باشد تا آنکه وقت بیرون رفت و نماز من فوت شد پس حضرت
بیدار شد و فرمود که یا علی نماز کرده گفتم نه فرمود چرا گفتم که نخواستم شما را
آزار کنم پس برخاست و دستها را بلند نمود و رو بقبله کرد و گفت خداوندا
برگردان آفتاب را بوقت نماز تا علی نماز کند پس آفتاب برگشت بوقت نماز عصر
تا من نماز کردم پس بسرعت مانند شهاب فرو رفت و از جمله زیارات غروب

زیارت ابراهیم فرزند رسول خدا است در بقیع و در روز ولادت آن حضرت که
هیجدهم ماه رجب است موافق مشهور انسب است و در کیفیت زیارت او خبری بنظر
نرسیده است و در کتب زیارات مسطور است و زیارت فاطمه بنت
اسد است و قبر شریفش در بقیع معروفست و از کلام شیخ و بعضی
مفهوم میشود که نزد ائمه بقیع مدفون باشد و مزاریکه الحال معروفست
دور است از قبر ایشان و دور نیست که آن موضعیکه در پیش روی ائمه
بقیع زیارت فاطمه زهرا صلوات الله علیها در آنجا میکنند و آن قبر فاطمه
بنت اسد باشد که اشتباه کرده باشند و زیارت حضرت ابوطالب
و حضرت عبد المطلب و حضرت عبد مناف و حضرت خدیجه رضی الله
عنهم در مکه معظمه باید کرد خصوصا در ایام مختصه با ایشان مثل بیست و
ششم ماه رجب که روز وفات ابوطالب است و دهم ربیع الاول که روز وفات
عبد المطلب است و روز هفدهم محرم که روز هلاک اصحاب فیل و ظهور کرامت
عبد المطلب است و روز فوت خدیجه رضی الله عنها که پیش مذکور شد
و زیارت حضرت جعفر بن ابی طالب در موته و زیارت شهدای بدر در بدر
و زیارت ابوذر رضی الله عنه در ربذه که نزدیک بصفرا است از جانب دست راست
نسبت بکسی که از مکه بمدینه رود و قبر شریف آمنه و عبد الله رضی الله
عنهما در این زمان معلوم نیست و شیخ محمد بن المشهدی ذکر کرده است که
مستحب است نماز کند در خانه حضرت امام زین العابدین علیه السلام و خانه
حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و مسجد سلمان فارسی رضی الله عنه
و مسجد حضرت امیر المؤمنین صلوات الله علیه که محاذی قبر حمزه است و از
جمله مساجد معروفه مسجد غدیر خم است نزدیک بجحفه است که در این زمان

میگویند آن مسجد را بنی زمان اثر شوم هست اما نواصب آنرا برای اخفای فضیلت ونص امیرالمؤمنین صلوات الله علیه راه را کرده اند و بر سر راه متعارف ایشان
نیست و نزدیک است براه و بسند معتبر از حسان جمال منقولست که گفت شتری
بحضرت صادق علیه السلام کرایه داده بودم و در خدمت آن حضرت از مدینه تا مکه رفتیم
و چون رسیدیم بمسجد غدیر نظر کرد بجانب چپ مسجد و فرمود که این موضع قدم رسول
خدا صلی الله علیه واله وسلم است در وقتی که میفرمود هر که من مولای اویم پس
علی مولای او است خداوندا دوست دار هر که او را دوست دارد و دشمن دار هر که
او را دشمن دارد پس نظر فرمود حضرت صادق صلوات الله علیه بجانب دیگر مسجد و فرمود
که این موضع خیمه ابوبکر و عمر و سالم مولای ابی حذیفه و ابوعبیدة الجراح است
در وقتی که دیدند که حضرت رسول صلی الله علیه واله وسلم دست حضرت امیر
المؤمنین صلوات الله وسلامه علیه را گرفته است و بلند کرده ونص بر امامت او مینماید
و فضائل او را بیان میفرماید و رانوی بعضی از ایشان گفتند که ببینید چشمهایش
را که میگردد گویا که دیده های دیوانه است پس جبرئیل علیه السلام نازل شد واین آیه
(وان یکاد الذین کفروا) را آورد

باب دوم

دربیان فضیلت زیارت امام الانس والجن علی بن موسی الرضا علیهما السلام و شرافت
مدفن آن حضرت است بسند معتبر از رسول خدا صلی الله علیه واله وسلم منقولست
که فرمود زود باشد که پاره از تن من در زمین خراسان مدفون گردد و هیچ مؤمنی
زیارت نکند او را مگر آنکه حق تعالی بهشت را برای او واجب گرداند و بدنش

را بر آتش جهنم حرام گرداند و در حدیث معتبر دیگر فرمود که پاره از بدن من در خراسان مدفون
خواهد شد هر غمناکی که او را زیارت کند البته حقتعالی غمش را زایل گرداند
و هر گناهکاری که او را زیارت کند البته خدا گناهانش را بیامرزد و بسند معتبر
منقولست که حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرمود که زود باشد که مردی از
فرزندان من بزهر کشته شود در زمین خراسان بظلم و عدوان که نام او نام من
باشد و نام پدرش نام موسی بن عمران هر که او را در غربت او زیارت کند
گناهان گذشته و آینده او را حقتعالی بیامرزد هر چند مثل عدد ستاره ها
و قطره های باران و برگ درختان بوده باشد و بسند معتبر از حضرت
صادق علیه السلام منقولست که فرمود بیرون آید مردی از فرزندان پسرم موسی
که نام او نام امیر المؤمنین علیه السلام باشد پس مدفون شود در زمین طوس
که در خراسان است و کشته شود در آنجا بزهر پس مدفون شود در آنجا غریب
هر که او را زیارت کند و عارف بحق او باشد و او را امام واجب الاطاعه
داند عطا کند خدا باو ثواب کسیرا که زر در راه خدا خرج کرده باشد و جهاد
کرده باشد پیش از فتح مکه و در حدیث معتبر دیگر منقولست از عبد الله بن
الفضل که گفت در خدمت حضرت صادق علیه السلام بودم پس داخل شد
بر آنحضرت شخصی از اهل طوس و گفت یا بن رسول الله چه ثواب دارد کسیکه زیارت
کند قبر ابی عبد الله الحسین علیه السلام را فرمود که ای طوسی هر که زیارت کند
قبر آنحضرت را و داند که او امام است از جانب خدا و اطاعتش بر بندگان
واجبست حقتعالی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد و قبول کند شفاعت
او را در حق هفتاد گناهکار و نزد قبر او هر حاجتی که بطلبد البته برآورده

شود پس حضرت امام موسی کاظم علیه السلام داخل شد و او را بر ران خود نشانید و میان
دو چشمش را میبوسید پس ملتفت شد بجانب ما و فرمود که ای طوسی این طفل
امام و خلیفه و حجت خدا است بعد از من و بدرستیکه از صلب او مردی بیرون
خواهد آمد که پسندیده خدا باشد در آسمان و پسندیده بندگان باشد در زمین
و او کشته خواهد شد در زمین شما بزهر از روی ظلم و تعدی و مدفون خواهد شد
در آن زمین غریب هر که او را زیارت کند در غربی او و داند که او امام است بعد
از پدرش و اطاعت او واجبست از جانب خدا چنان باشد که رسول خدا را زیارت
کرده باشد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که در طوفان نوح علیه السلام چهار
بقعهٔ زمین بخدا شکایت کردند (بیت المعمور و نجف و کربلا و شهر طوس) و بسند
معتبر منقولست که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که هر که زیارت
کند قبر فرزندم علی را او را نزد خدا ثواب هفتاد حج مقبول بوده باشد راوی
استبعاد کرد و گفت هفتاد حج مقبول حضرت فرمود که بلی هفتاد هزار حج فرمود
که چه بسیار حجی باشد که مقبول نباشد هر که آن حضرت را زیارت کند یا یکشب
نزد آن حضرت بماند چنان باشد که خدا را در عرش زیارت کرده باشد گفت
چنانچه خدا را در عرش زیارت کرده باشد فرمود بلی چون روز قیامت میشود
بر عرش الهی چهار کس از پیشینان و چهار کس از پسینان خواهند بود اما
پیشینان پس نوح و ابرهیم و موسی و عیسی اند و اما پسینان پس محمد و علی و حسن
و حسین اند پس ریسمانی میکشند در پای عرش پس مینشینند با ما زیارت کنندگان
قبرهای ائمه و بدرستیکه زیارت کنندگان قبر فرزندم علی علیه السلام درجه
ایشان از همه بلندتر و عطایشان از همه بیشتر خواهد بود و بسند حسن

منقولست که حضرت صادق علیه السلام فرمود که فرزند زادهٔ من شهید خواهد شد در زمین
خراسان در شهری که آن را طوس گویند هر که او را در آنجا زیارت کند حق او را شناسد
در روز قیامت دست او را بگیرم و داخل بهشت گردانم هر چند از اهل کبایر باشد
راوی گفت فدای تو شوم شناختن حق او کدام است فرمود آنکه بداند او امامی است
که اطاعت او بر خلق واجبست و غریب شهید است هر که زیارت کند او را و عارف
بحق او باشد عطا فرماید حقتعالی باو ثواب هفتاد شهید و در روایت دیگر
هفتاد هزار شهید از آنها که در پیش روی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم با حقیقت
ایمان شهید شده باشد و در حدیث دیگر منقولست که اشاره فرمود بحضرت امام
موسی علیه السلام و فرمود که فرزندی از این در طوس شهید خواهد شد که زیارت
نکند او را از شیعیان ما مگر قلیل بسیار نادری و در حدیث معتبر منقولست
که حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرمود که فرزند من علی بزهر کشته خواهد
شد بظلم و ستم و مدفون خواهد شد در پهلوی هرون هر که او را زیارت
کند چنان است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را زیارت کرده باشد
و بسند معتبر دیگر منقولست که روزی حضرت امام موسی نشسته بود و فرزندان آنحضرت
نزد آن حضرت حاضر بودند پس حضرت امام رضا علیه السلام از پیش آن حضرت
گذشت و او در ابتدای سن جوانی بود حضرت امام موسی علیه السلام فرمود
که این فرزند من فوت خواهد شد در زمین غربت پس هر که او را زیارت کند
و منقاد باشد امر او را و بشناسد حق او را نزد خدا بتعالی مثل شهیدان بدر
باشد و بسند حسن منقولست که حضرت امام موسی علیه السلام روزی
اشاره نمود بحضرت امام رضا و فرمود که هر که این فرزند مرا زیارت کند از برای او است

بهشت و بسند موثق منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که در خراسان بقعه
هست که بر آن زمانی خواهد آمد که محل رفتن و آمدن ملائکه خواهد بود پس پیوسته
فوجی از ملائکه از آسمان فرود خواهند آمد و فوجی بالا خواهند رفت تا در صور
بدمند پرسیدند یا ابن رسول الله کدام بقعه است فرمود که آن در زمین طوس
است و آن والله باغیست از باغهای بهشت هر که مرا زیارت کند در آن بقعه
چنان است که رسول خدا را زیارت کرده باشد و بنویسد حقتعالی از برای او
بسبب این زیارت ثواب هزار حج پسندیده و هزار عمرهٔ مقبوله و من و پدرانم
شفیعان او باشیم در روز قیامت و بسند معتبر از حضرت امام رضا منقولست
که فرمود والله که هیچیک از ما نیست مگر آنکه کشته و شهید میشود پرسیدند
که کی شما را خواهد کشت یا ابن رسول الله فرمود که بدترین خلق خدا در زمان من
مرا بزهر خواهد کشت و مرا دفن خواهند کرد در دار یار و دیار در بلاد غربت
پس هر که مرا در آن غربت زیارت کند بنویسد حقتعالی از برای او ثواب صد هزار
شهید و صد هزار صدیق و صد هزار حج و عمره کننده و صد هزار جهاد کننده
و محشور شود در روز قیامت در زمرهٔ ما و در درجات عالیه بهشت رفیق ما
باشد و بسند موثق دیگر منقولست که شخصی از اهل خراسان بخدمت
حضرت امام رضا علیه السلام عرض کرد که یا ابن رسول الله دیشب رسول خدا صلی الله
علیه و آله و سلم را در خواب دیدم که میفرمود بمن چگونه خواهد بود حال شما هرگاه
دفن شود در زمین شما پارهٔ از تن من و بشما بسپارند امانت مرا و پنهان شود در
خاک شما ستارهٔ من حضرت امام رضا علیه السلام فرمود که منم آنکه مدفون میشود
در زمین شما و منم پارهٔ تن پیغمبر شما و منم آن امانت و آن ستاره هر که مرا زیارت

کند او و داند و شناسد آنچه را خدا واجب کرده است از حق من و فرمانبرداری من
پس من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت و هر که ما شفیعان او باشیم
در روز قیامت نجات یابد هرچند بر او باشد مثل گناهان جنیان و آدمیان
و بچندین سند خبر داد مرا پدرم از جدم از پدرش که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم
فرمود هر که ببیند مرا در خوابش پس مرا دیده است زیرا که شیطان متمثل
نمیشود بصورت من و نه بصورت یکی از اوصیاء من و نه بصورت یکی از شیعیان
ایشان بدرستیکه خواب راست یکجزو است از هفتاد جزو از پیغمبری و
بچندین سند صحیح از ابن ابی نصر منقولست که گفت خواندم نامهٔ امام رضا علیه السلام
را که نوشته بود که برسانید بشیعیان من که زیارت من نزد خدا برابر است با هزار حج
پس من این حدیث را بخدمت امام محمد تقی علیه السلام عرض کردم فرمود بلی والله
هزار هزار حج هست از برای کسیکه آن حضرت را زیارت کند حق او را شناسد
و در حدیث صحیح دیگر فرمود که هر که از دوستان من که عارف بحق من باشد و
مرا زیارت کند البته او را شفاعت کنم در روز قیامت و بسند معتبر
دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام فرمود هر که مرا زیارت کند با
دوری قبر من بیایم بنزد او در سه موطن روز قیامت تا او را خلاصی بخشم از اهوال
آنها در وقتی که نامه های نیکوکاران در دست راست ایشان و نامهای بدکاران بدست
چپ ایشان پرواز کند و نزد صراط و نزد ترازوی اعمال و در حدیث موثق دیگر فرمود
که من کشته و زهر داده و مدفون خواهم شد در زمین غربت این را میدانم بخبری که
پدرم بمن داده از پدرانش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پس کسیکه در غربت
من مرا زیارت کند من و پدرانم شفیعان او باشیم در روز قیامت و هر که ما شفیعان

او باشیم نجات یابد هر چند بر او مثل گناه جن و انس باشد و بسند معتبر دیگر مرویست
که آن حضرت فرمود که بار نباید بست بسوی قبری از قبرها مگر قبور ما اهل بیت
و بدرستیکه من کشته خواهم شد بزهر ظلم و ستم و مدفون خواهم شد در زمین
غربت پس هر که بار بندد بسوی زیارت من دعایش مستجاب شود و گناهانش آمرزیده
گردد و بسند معتبر دیگر منقولست که حضرت امام رضا علیه السلام داخل قبه شد
که در آنجا قبر هرون الرشید بود پس بیک جانب قبر خطی کشید و فرمود که این تربت
من است و در اینجا مدفون خواهم گشت و در این زودی حق تعالی این زمین را
محل آمد و رفتن شیعیان و دوستان من گرداند والله که زیارت کننده از ایشان مرا
زیارت نکند و سلام کننده از ایشان بر من سلام نکند مگر واجب شود از برای او
آمرزش خدا و رحمت خدا بشفاعت ما اهل بیت و در حدیث معتبر دیگر
فرمود که زود باشد که کشته شوم بزهر با ظلم و ستم و مدفون شوم در پهلوی
هرون الرشید و بگرداند خدا تربت مرا محل تردد شیعیان و دوستان من پس هر که مرا
در این غربت زیارت کند واجب شود برای او که من او را زیارت کنم در روز قیامت
و سوگند میخورم بخدائیکه محمد را گرامی داشته است به پیغمبری و برگزیده است
او را بر جمیع خلایق که هر که از شما شیعیان نزد قبر من دو رکعت نماز کند البته
مستحق شود آمرزش گناهان را از خداوند عالمیان در روز قیامت و بحق آن
خداوندیکه ما را گرامی داشته است بعد از محمد بامامت و مخصوص گردانیده
است ما را بوصیت آن حضرت سوگند میخورم که زیارت کنندگان قبر من
گرامی ترند از هر گروهی نزد خدا در روز قیامت و هر مؤمنی که مرا زیارت کند
پس بروی او قطره از باران برسد البته حق تعالی جسد او را بر آتش جهنم

حرام گرداند و بسند صحیح دیگر منقولست که آن حضرت فرمود من کشته خواهم شد
بزهر ستم پس هر که مرا زیارت کند با شناختن حق من خدا گناهان گذشته و آینده
او را بیامرزد و در حدیث معتبر دیگر فرمود که روزها و شبها آخر نخواهد
شد تا بگردد طوس محل تردد شیعیان و زیارت کنندگان من پس هر که مرا
با غریبی من در طوس زیارت کند با من باشد در درجه من در روز قیامت
و گناهانش آمرزیده شود و بسندهای صحیح بسیار از امام محمد تقی علیه السلام
منقولست که هر که پدرم را در طوس زیارت کند خدا گناهان گذشته و
آینده او را بیامرزد پس چون روز قیامت شود منبری از برای او در برابر منبر
رسول خدا نصب کنند که بر آن منبر باشد تا حقتعالی از حساب بندگان فارغ
شود و بسند معتبر از امامزاده عبدالعظیم علیه السلام منقولست که حضرت
امام محمد تقی علیه السلام فرمود که زیارت نکند پدرم را احدی پس برسد باو
آزاری از باران یا سرما یا گرما مگر حرام گرداند خدا بدن او را از آتش جهنم
و بسند حسن از عبدالعظیم علیه السلام منقولست که آن حضرت فرمود که حتم و
لازم شد بر خدا برای کسیکه پدرم را زیارت کند در طوس با معرفت بحق او
که البته بهشت را باو عطا فرماید و باز بسند حسن منقولست که عبد
العظیم علیه السلام بآن حضرت عرض کرد که متحیر شده ام میان زیارت قبر امام
حسین علیه السلام و میان زیارت قبر پدرت در طوس پس چه میفرمائی
فرمود که در جای خود باش پس داخل خانه شد و بیرون آمد و آب دیدهای
مبارکش بر رویش جاری بود پس فرمود که زیارت کنندگان قبر امام حسین علیه
السلام بسیارند و زیارت کنندگان قبر پدرم کمند و بسند صحیح از آنحضرت

منقولست که در میان دو کوه طوس قبضه ایست از خاک که از بهشت برداشته اند
هر که داخل آن شود ایمن باشد در روز قیامت از آتش جهنم و بسند صحیح دیگر
منقولست که ابن ابی نجران از آن حضرت پرسید که چه ثوابست برای کسیکه
پدرت را زیارت کند فرمود که ثواب او بهشتست والله و در حدیث صحیح
دیگر این سؤال کردند دو مرتبه فرمود که از برای او بهشتست والله و بسند
معتبر منقولست که محمد بن سلیمان از امام محمد تقی علیه السلام پرسید که شخصی
حج واجب خود را کرده است بعنوان حج تمتع پس بمدینه رفته و زیارت حضرت
رسول صلی الله علیه و آله و سلم کرده پس رفته بنجف و زیارت پدرت امیر المؤمنین
علیه السلام کرده و حق او را میشناسد و میداند که او حجت خداست بر خلق
او و او درگاه خداست که از آن در بخدا باید رسید پس سلام کرده بر آن حضرت
پس رفته بکربلا و حضرت امام حسین علیه السلام را زیارت کرده پس رفته
ببغداد و حضرت امام موسی کاظم علیه السلام را زیارت کرده پس بشهر
خود برگشته و در این وقت خدا آنقدر مال باو روزی کرده است که بحج
میتواند رفت کدام بهتر است از برای اینمرد که حج واجب خود را کرده است
که برگردد و باز حج کند یا برود بخراسان و پدرت امام رضا علیه السلام را زیارت
کند فرمود بلکه برود بر پدرم سلام کند افضل است و باید که در ماه رجب
باشد و در این زمان مکنید که بر ما و شما از خلیفه خوف تشنیع هست
و بسند حسن منقولست که علی بن مهزیار بخدمت آن حضرت عرض کرد که
فدای تو شوم زیارت امام رضا علیه السلام افضل است یا زیارت امام حسین
صلوات الله علیه فرمود که زیارت پدرم افضل است زیرا که امام حسین ع

را همه کس زیارت میکنند و پدرم را زیارت نمیکنند مگر خواص از شیعه مولف
گوید) که گویا مراد این باشد که چون فضیلت زیارت امام حسین علیه السلام مشهور
گردیده است اکثر شیعه بزیارت آنحضرت رغبت میکنند و فضیلت زیارت
امام رضا علیه السلام را کمتر شنیده اند وکمتر رغبت میکنند پس اینحکم مخصوص
انزمان خواهد بود و بنابراین در هر عصری هر امام را که کمتر زیارت کنند زیارت او
افضل خواهد بود و ممکنست که مراد این باشد که امام حسین علیه السلام را شیعه
و سنی زیارت میکنند و آنحضرت را بغیر از شیعه زیارت نمیکنند یا آنکه هر که
زیارت آنحضرت میکند با اعتقاد با امامت آنحضرت مخصوص است شیعه اند
یعنی اثنی عشری زیرا که هر که اعتقاد با مامت آنحضرت دارد به همه ائمه اعتقاد دارد
بخلاف حضرت امام حسین علیه السلام که همه فرق شیعه اعتقاد با مامت آن
حضرت دارند و بسندهای صحیح و غیر صحیح بسیار از آنحضرت منقولست که
هر که قبر پدرم را زیارت کند بهشت از برای او است و بسند معتبر از امام
علی نقی علیه السلام منقولست که فرمود اهل قم و اهل آبه آمرزیده اند بسبب آنکه
زیارت میکنند جد علی بن موسی الرضا علیه السلام در طوس بدرستیکه هر که
بزیارت آنحضرت برود و در راهش قطره از باران باو برسد خدا جسد او را بر
آتش جهنم حرام گرداند **مؤلف گوید** که زیارت آنحضرت در اوقات
شریفه و ازمنه مختصه با نحضرت افضل است خصوصا در ماه مبارک رجب که در
حدیث گذشت و روز ولادت آنحضرت که موافق مشهور یازدهم ماه ذی قعده است
و روز وفات آنحضرت که روز آخر ماه صفر است یا هفدهم آن یا بیست و چهارم
ماه رمضان و روزیکه آنحضرت بخلافت الهی فایز گردیده است که روز وفات

امام موسی علیه السلام است گذشت و روز بیست خلافت با آنحضرت کردند
که اول ماه رمضان است با شتم آن سید بن طاوس ره در کتاب اقبال ذکر کرده است
که روایتی وارد شده است که در روز ششم ماه رمضان دو رکعت نماز باید کرد
در هر رکعت سوره الحمد یکمرتبه و سوره توحید بیست و پنجمرتبه از برای شکر آنکه
حقوق مولای ما حضرت امام رضا علیه السلام در این روز ظاهر شده است و ایضا
فرموده است که در بعضی از تصانیف اصحاب خود دیده ام که مستحبست زیارت حضرت
امام رضا علیه السلام در روز بیست و سیم ماه ذی القعده از نزدیک یا دور و بعضی
از زیارات منقوله یا غیر منقوله آن حضرت و بسند معتبر ابن بابویه روایت کرده است
که چون امام رضا علیه السلام بده سرخ رسید در وقتی که نزد مامون لعین میرفتند
گفتند یا ابن رسول الله ظهر شده است نماز نمیکنید پس فرود آمد و آب طلبید
گفتند که آب همراه نداریم پس بدست مبارک خود زمین را کاوید آنقدر آب جوشید
که آنحضرت و هر که با آنحضرت بود وضو ساختند و اثرش تا امروز باقیست و
چون داخل سنا باد شد پشت مبارک خود را گذاشت بکوهی که دیگها از آن میتراشند
و فرمود که خداوندا نفع بخش باین کوه و برکت ده در هر چه در ظرفی گذارند که
از این کوه تراشند و فرمود که از برای آنحضرت دیگها از سنگ تراشیدند
و فرمود که طعام آنحضرت را نپزند مگر در آن دیگها
پس از آن روز مردم دیگها و ظرفها از آن تراشیدند و برکت یافتند **مؤلف**
گوید که در کتب معجزات کرامات و معجزات بسیار برای روضه مقدسه رضویه
علی مشرفها السلام ذکر کرده اند که ایراد شدن آنها در اینمقام مناسب نیست با آنکه
در هر زمان آنقدر ظاهر میشود که احتیاج و قایع گذشته نیست و انشاء الله

فصل ششم

در بیان کیفیت زیارت این حضرت — در کتاب حیوة القلوب بیان خواهد شد

بسند معتبر از ابو الصلت هروی منقولست که گفت در خدمت امام رضا علیه السلام بودم که جمعی از اهل قم بخدمت انحضرت امدند و سلام کردند پس ایشان را جواب سلام فرمود و نزدیک خود طلبید و گفت مرحبا خوش امدید شما شیعیان ما باشید بحقیقت و راستی و خواهد امد بر شما زمانی که در ان زمان بزیارت تربت من بیایید در طوس هر که مرا زیارت کند با غسل باشد از گناهان بیرون اید مانند روزیکه از مادر متولد شده باشد و بسند معتبر از حضرت امام علی نقی علیه السلام منقولست که هر که را بسوی خدا حاجتی بوده باشد پس زیارت کند قبر حضرت امام رضا علیه السلام را در شهر طوس و حال انکه غسل کرده باشد و نزد سر ان حضرت دو رکعت نماز بکند و در قنوت نماز حاجت خود را طلب بد پس بدرستیکه مستجاب میشود مگر انکه از برای گناهی یا قطع رحمی سؤال کند بدرستیکه موضع قبر انحضرت بقعه ایست از بقعهای بهشت و هیچ مومنی او را زیارت نمیکند مگر انکه حقتعالی او را از اتش جهنم ازاد میکند و داخل بهشت میگرداند و در حدیث معتبر دیگر از ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین منقولست که چون نزد قبر امام رضا بروی بگو

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى الْاِمَامِ التَّقِيِّ النَّقِيِّ وَحُجَّتِكَ عَلٰى مَنْ فَوْقَ الْاَرْضِ وَمَنْ تَحْتَ الثَّرٰى الصِّدِّيقِ الشَّهِيدِ صَلٰوةً كَثِيرَةً تَامَّةً زَاكِيَةً مُتَوَاصِلَةً مُتَوَاتِرَةً مُتَرَادِفَةً كَاَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ عَلٰى اَحَدٍ مِنْ اَوْلِيَائِكَ

و زیارت مشهور ان حضرت زیارتیست که در کتب معتبره مذکور است و بمجموع

الحق

الحسن بن الولید منسوب کرده‌اند و از مضامین این قولویه معلوم میشود که از ائمه علیهم السلام
مروی بوده باشد گفته‌اند که چون اراده نمائی که زیارت کنی امام رضا علیه السلام
را در طوس پس غسل کن پیش از آنکه از خانه بیرون روی و بگو در وقتی که غسل میکنی

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی وَطَهِّرْ لِی قَلْبِی وَاشْرَحْ لِی صَدْرِی وَاَجْرِ عَلٰی لِسَانِی مِدْحَتَكَ
وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا بِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِی طَهُوراً
وَشِفَاءً (و میگوئی در وقت بیرون رفتن)

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَاِلَی اللّٰهِ وَاِلَی ابْنِ رَسُولِ اللّٰهِ حَسْبِیَ اللّٰهُ
تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَاِلَيْكَ قَصَدْتُ
وَمَا عِنْدَكَ اَرَدْتُ پس چون بیرون روی بر در خانه خود بایست و بگو

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ وَجَّهْتُ وَجْهِی وَعَلَيْكَ خَلَّفْتُ اَهْلِی وَمَالِی
وَمَا خَوَّلْتَنِی وَبِكَ وَثِقْتُ فَلَا تُخَيِّبْنِی يَا مَنْ لَا يُخَيِّبُ مَنْ اَرَادَهُ
وَلَا يُضَيِّعُ مَنْ حَفِظَهُ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاحْفَظْنِی بِحِفْظِكَ
فَاِنَّهُ لَا يَضِيعُ مَنْ حَفِظْتَ

پس چون بسلامت برسی نزدیک قبر آنحضرت غسل بکن و در وقت غسل کردن بگو

اَللّٰهُمَّ طَهِّرْنِی وَطَهِّرْ قَلْبِی وَاشْرَحْ لِی صَدْرِی وَاَجْرِ عَلٰی
لِسَانِی مِدْحَتَكَ وَمَحَبَّتَكَ وَالثَّنَاءَ عَلَيْكَ فَاِنَّهُ لَا قُوَّةَ اِلَّا

بِكَ وَقَدْ عَلِمْتُ اَنَّ قُوَّةَ دِينِي التَّسْلِيمُ لِاَمْرِكَ وَالْاِتِّبَاعُ لِسُنَّةِ نَبِيِّكَ وَالشَّهَادَةُ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ لِي شِفَاءً وَنُوراً اِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وقولهم نسخه

پس بپوش پاکترین جامه‌های خود را و پای برهنه روان شو با سکینه و وقار که بجانی بروی و دلت با خدا باشد (اَللّٰهُ اَكْبَرُ وَلَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَسُبْحَانَ اللّٰهِ وَالْحَمْدُ لِلّٰهِ بگو) و گامهای خود را کوتاه بردار چون داخل روضه مقدسه شوی بگو

بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاللّٰهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ عَلِيّاً وَلِيُّ اللّٰهِ

پس برو در نزد ضریح و قبله را در پشت خود بگیر و روبروی آن حضرت بایست و بگو

اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَاَشْهَدُ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَاَنَّهُ سَيِّدُ الْاَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ وَاَنَّهُ سَيِّدُ الْاَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَسَيِّدِ خَلْقِكَ اَجْمَعِينَ صَلٰوةً لَا يَقْوَى عَلَى اِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى اَمِيرِ

المؤمنين علي بن ابي طالب عبدك واخي رسولك الذي انتجبته
بعلمك وجعلته هادياً لمن شئت من خلقك والدليل على من
بعثته برسالاتك وديان الدين بعدلك وفصل قضائك
بين خلقك والمهيمن على ذلك كله والسلام عليه و
رحمة الله وبركاته اللهم صل على فاطمة بنت نبيك و
زوجة وليك وام السبطين الحسن والحسين سيدي
شباب اهل الجنة الطهرة الطاهرة المطهرة التقية النقية
الرضية الزكية سيدة نساء العالمين واهل الجنة
اجمعين صلوة لا يقوى على احصائها غيرك اللهم صل
على الحسن والحسين سبطي نبيك وسيدي شباب اهل
الجنة القائمين في خلقك والدليلين على من بعثت
برسالاتك وديانى الدين بعدلك وفصلى قضائك بين
خلقك اللهم صل على علي بن الحسين عبدك القائم
في خلقك والدليل على من بعثت برسالاتك وديان الدين
بعدلك وفصل قضائك بين خلقك سيد العابدين

اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ وَخَلِيفَتِكَ فِي اَرْضِكَ
بَاقِرِ عِلْمِ النَّبِيِّينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ
الصَّادِقِ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ وَحُجَّتِكَ عَلٰى خَلْقِكَ
اَجْمَعِينَ الصَّادِقِ الْبَارِّ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ
عَبْدِكَ الصَّالِحِ وَلِسَانِكَ فِي خَلْقِكَ النَّاطِقِ بِحُكْمِكَ
وَالْحُجَّةِ عَلٰى بَرِيَّتِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا
الْمُرْتَضٰى عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ الْقَائِمِ بِعَدْلِكَ وَالدَّاعِي
اِلٰى دِينِكَ وَدِينِ آبَائِهِ الصَّادِقِينَ صَلٰوةً لَا يَقْوٰى
عَلٰى اِحْصَائِهَا غَيْرُكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ عَبْدِكَ
وَوَلِيِّكَ الْقَائِمِ بِاَمْرِكَ وَالدَّاعِي اِلٰى سَبِيلِكَ اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلٰى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَوَلِيِّ دِينِكَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى
الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْعَامِلِ بِاَمْرِكَ الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ وَحُجَّتِكَ
الْمُؤَدِّي عَنْ نَبِيِّكَ وَشَاهِدِكَ عَلٰى خَلْقِكَ الْمَخْصُوصِ
بِكَرَامَتِكَ الدَّاعِي اِلٰى طَاعَتِكَ وَطَاعَةِ رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ
عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى حُجَّتِكَ وَوَلِيِّكَ

الْقَائِمِ فِي خَلْقِكَ صَلٰوةً تَامَّةً نَامِيَةً بَاقِيَةً تُعَجِّلُ بِهَا فَرَجَهُ وَ
تَنْصُرُهُ بِهَا وَتَجْعَلُنَا مَعَهُ فِي الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ
اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَاُوَالِي وَلِيَّهُمْ وَاُعَادِي عَدُوَّهُمْ فَارْزُقْنِي بِهِمْ خَيْرَ
الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ وَاصْرِفْ عَنِّي بِهِمْ شَرَّ الدُّنْيَا وَالْاٰخِرَةِ
وَاَهْوَالَ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ

پس مینشینی نزد سران حضرت و مے گوئے

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا نُورَ اللّٰهِ فِي ظُلُمَاتِ الْاَرْضِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ
الدِّينِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اٰدَمَ صَفِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا وَارِثَ نُوحٍ نَبِيِّ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِبْرٰهِيمَ
خَلِيلِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ اِسْمٰعِيلَ ذَبِيحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُوسٰى كَلِيمِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عِيسٰى
رُوحِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللّٰهِ خَاتَمِ
النَّبِيِّينَ وَحَبِيبِ رَبِّ الْعَالَمِينَ رَسُولِ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا وَارِثَ عَلِيِّ بْنِ اَبِيطَالِبٍ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَلِيِّ اللّٰهِ

اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ فاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِساءِ الْعالَمينَ اَلسَّلامُ
عَلَيْكَ يا وارِثَ اَبي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ
اَبي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ
سَيِّدِ الْعابِدينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ باقِرِ
عِلْمِ الْاَوَّلينَ وَالْاٰخِرينَ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ جَعْفَرِ
بْنِ مُحَمَّدٍ الصّادِقِ الْبارِّ الْاَمينِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ يا وارِثَ
اَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكاظِمِ الْحَليمِ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا الشَّهيدُ السَّعيدُ الْمَظْلُومُ الْمَقْتُولُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
اَيُّهَا الصِّدّيقُ الْوَصِيُّ الْبارُّ التَّقِيُّ اَشْهَدُ اَنَّكَ قَدْ اَقَمْتَ
الصَّلوٰةَ وَاٰتَيْتَ الزَّكوٰةَ وَاَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَيْتَ عَنِ
الْمُنْكَرِ وَعَبَدْتَ اللهَ مُخْلِصاً حَتّٰى اَتٰيكَ الْيَقينُ اَلسَّلامُ عَلَيْكَ
يا اَبَا الْحَسَنِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكاتُهُ اِنَّهُ حَميدٌ مَجيدٌ لَعَنَ اللهُ
اُمَّةً قَتَلَتْكَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً ظَلَمَتْكَ لَعَنَ اللهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ
اَساسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ وَالْبِدْعَةِ عَلَيْكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ

پس خود را بضریح میچسبانی و میگوئی

اَللّٰهُمَّ اِلَيْكَ صَمَدْتُ مِنْ اَرْضِي وَ قَطَعْتُ الْبِلَادَ رَجَاءَ رَحْمَتِكَ فَلَا تُخَيِّبْنِي وَ لَا تَرُدَّنِي بِغَيْرِ قَضَاءِ حَوَائِجِي وَ ارْحَمْ تَقَلُّبِي عَلَى قَبْرِ ابْنِ اَخِي رَسُولِكَ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِاَبِي اَنْتَ وَ اُمِّي اَتَيْتُكَ زَائِرًا وَافِدًا عَائِذًا مِمَّا جَنَيْتُ عَلَى نَفْسِي وَ احْتَطَبْتُ عَلَى ظَهْرِي فَكُنْ لِي شَافِعًا اِلَى اللّٰهِ تَعَالَى يَوْمَ حَاجَتِي وَ فَقْرِي وَ فَاقَتِي فَاِنَّ لَكَ عِنْدَ اللّٰهِ مَقَامًا مَحْمُودًا وَ اَنْتَ عِنْدَ اللّٰهِ وَجِيهٌ

پس دست راست را بلند میکنی و دست چپ را
بر قبر میکشانی و میگوئی

اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِحُبِّهِمْ وَ بِوِلَايَتِهِمْ اَتَوَلَّى آخِرَهُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ اَوَّلَهُمْ وَ اَبْرَءُ مِنْ كُلِّ وَلِيجَةٍ دُونَهُمْ اَللّٰهُمَّ الْعَنِ الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَكَ وَ اتَّهَمُوا نَبِيَّكَ وَ جَحَدُوا بِآيَاتِكَ وَ سَخِرُوا بِاِمَامِكَ وَ حَمَلُوا النَّاسَ عَلَى اَكْتَافِ آلِ مُحَمَّدٍ اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ وَ الْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ يَا رَحْمٰنُ

پس میگردی و بنزد پای آنحضرت میروی و میگوئی

صَلَّى اللّهُ عَلَيْكَ يَا اَبَا الْحَسَنِ صَلَّى اللّهُ عَلَى رُوحِكَ وَبَدَنِكَ
صَبَرْتَ وَاَنْتَ الصَّادِقُ الْمُصَدَّقُ قَتَلَ اللّهُ مَنْ قَتَلَكَ بِالْاَيْدِي
وَالْاَلْسُنِ

پس تضرع ومبالغه كن در لعنت كردن بركشنده امير المؤمنين و قاتلان حسن و حسين عليهما السلام و قاتلان جميع ائمه اهل بيت رسول خدا صلى الله عليهم اجمعين پس از پشت قبر برو و نزد سر آنحضرت دو ركعت نماز بكن در ركعت اول سوره يس و در ركعت دوم سوره الرحمن بخوان و جهد كن در دعا و تضرع و بسيار دعا كن از براى خود و پدر و مادر خود و جميع برادران مؤمن خود و آنچه خواهى نزد سر آنحضرت بمان كه نمازهاى خود را نزد قبر بكنى و چون خواهى كه زيارت وداع بكنى بگو

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ وَابْنَ مَوْلَايَ وَرَحْمَةُ اللّهِ وَبَرَكَاتُهُ اَنْتَ لَنَا جُنَّةٌ مِنَ الْعَذَابِ هٰذَا اَوَانُ انْصِرَافِي عَنْكَ اِنْ كُنْتَ اَذِنْتَ لِي غَيْرَ رَاغِبٍ عَنْكَ وَلَا مُسْتَبْدِلٍ بِكَ وَلَا مُؤْثِرٍ عَلَيْكَ وَلَا زَاهِدٍ فِي قُرْبِكَ وَقَدْ جُدْتُ بِنَفْسِي لِلْحَدَثَانِ وَتَرَكْتُ الْاَهْلَ وَالْاَوْلَادَ وَالْاَوْطَانَ فَكُنْ لِي شَافِعًا يَوْمَ حَاجَتِي وَفَقْرِي وَفَاقَتِي يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنِّي حَمِيمِي وَلَا قَرِيبِي يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنِّي وَالِدِي وَلَا وَلَدِي اَسْئَلُ اللّهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَى رَحِيلِي اِلَيْكَ

اَنْ يُنَفِّسَ بِكَ كُرْبَتِي وَاَسْئَلُ اللهَ الَّذِي قَدَّرَ عَلَيَّ فِرَاقَ مَكَانِكَ
اَنْ لَا يَجْعَلَهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ رُجُوعِي اِلَيْكَ وَاَسْئَلُ اللهَ الَّذِي
اَبْكٰى عَلَيْكَ عَيْنِي اَنْ يَجْعَلَهُ لِي سَبَبًا وَذُخْرًا وَاَسْئَلُ اللهَ
الَّذِي اَرَانِي مَكَانَكَ وَهَدَانِي بِالتَّسْلِيمِ عَلَيْكَ وَزِيَارَتِي
اِيَّاكَ اَنْ يُورِدَنِي حَوْضَكُمْ وَيَرْزُقَنِي مُرَافَقَتَكُمْ فِي الْجِنَانِ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلٰى اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ
وَوَصِيِّ رَسُولِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَقَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ اَلسَّلَامُ
عَلَى الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اَلسَّلَامُ
عَلٰى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ سَيِّدِ السَّاجِدِينَ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بَاقِرِ
عُلُومِ الْاَوَّلِينَ وَالْاٰخِرِينَ وَجَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ الصَّادِقِ الْبَارِّ
الْاَمِينِ وَمُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ الْكَاظِمِ الْحَلِيمِ وَعَلِيِّ بْنِ مُوسَى
الرِّضَا الْعَلِيمِ وَمُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ التَّقِيِّ الْهَادِي وَالْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ
الْعَسْكَرِيِّ وَالْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمُنْتَظَرِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
اَلسَّلَامُ عَلٰى مَلَائِكَةِ اللهِ الْبَاقِينَ اَلسَّلَامُ عَلَى الْمَلَائِكَةِ
الْمُقِيمِينَ الْمُسَبِّحِينَ الَّذِينَ بِاَمْرِهِ يَعْمَلُونَ اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا

بجواد و علی بن محمد النقی

وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِیْنَ اَللّٰهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِیَارَتِیْ اِیَّاهُ فَاِنْ جَعَلْتَهُ فَاحْشُرْنِیْ مَعَهُ وَمَعَ اٰبَائِهِ الْمَاضِیْنَ وَاِنْ اَبْقَیْتَنِیْ یَا رَبِّ فَارْزُقْنِیْ زِیَارَتَهُ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ

و میگوئی

اَسْتَوْدِعُكَ اللّٰهَ وَاَسْتَرْعِیْكَ وَاَقْرَءُ عَلَیْكَ السَّلَامَ اٰمَنَّا بِاللّٰهِ وَبِمَا دَعَوْتَ اِلَیْهِ اَللّٰهُمَّ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِیْنَ اَللّٰهُمَّ فَارْزُقْنِیْ حُبَّهُمْ وَمَوَدَّتَهُمْ اَبَدًا مَا اَبْقَیْتَنِیْ اَلسَّلَامُ مِنِّیْ اَبَدًا مَا بَقِیْتُ وَدَائِمًا اِذَا فَنِیْتُ اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلٰی عِبَادِ اللّٰهِ الصَّالِحِیْنَ

وچون از روضه مقدسه بیرون آئی پشت بجانب قبر مکن تا از نظر تو پنهان شود (مؤلف گوید) که چند زیارت دیگر در بحار الانوار ذکر کرده ام وچون ثابت نبود که منقول از ائمه اطهار باشد در اینجا ترک کردم و زیارات جامعه را در این روضات خواندن اولی وانسب است وشیخ مفید ذکر کرده که مستحبست که بعد از نماز زیارت امام رضا علیه السلام این دعا بخوانند

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ یَا اَللّٰهُ الدَّائِمُ فِیْ مُلْكِهِ الْقَائِمُ فِیْ عِزِّهِ الْمُطَاعُ فِیْ سُلْطَانِهِ الْمُتَفَرِّدُ فِیْ كِبْرِیَائِهِ الْمُتَوَحِّدُ فِیْ دَیْمُوْمِیَّةِ بَقَائِهِ الْعَادِلُ فِیْ بَرِیَّتِهِ الْعَالِمُ فِیْ قَضِیَّتِهِ الْكَرِیْمُ فِیْ

تأخير عقوبته إلهي حاجاتي مصروفة إليك وآمالي موقوفة
لديك وكلما وفقتني من خير فأنت دليلي عليه وطريقي
إليه يا قديرا لا تؤوده المطالب يا مليا يلجأ إليه كل راغب
ما زلت مصحوبا منك بالنعم جاريا على عادات الإحسان
والكرم أسئلك بالقدرة النافذة في جميع الأشياء
وقضائك المبرم الذي تحجبه بأيسر الدعاء وبالنظرة التي
نظرت بها إلى الجبال فتشامخت وإلى الأرضين فتسطحت
وإلى السموات فارتفعت وإلى البحار فتفجرت يا من جل
عن أدوات لحظات البشر ولطف عن دقائق خطرات
الفكر لا تحمد يا سيدي إلا بتوفيق منك يقتضي حمدا
ولا تشكر على أصغر منة إلا استوجبت بها شكرا فمتى
تحصى نعماؤك يا إلهي وتجازى آلاؤك يا مولاي وتكافؤ
صنائعك يا سيدي ومن نعمك يحمد الحامدون ومن
شكرك تشكر الشاكرون وأنت المعتمد للذنوب في
عفوك والناشر على الخاطئين جناح سترك وأنت الكا

للضرّ بيدك فكم من سيّئة اخفاها حلمك حتى دخلت
وحسنة ضاعفها فضلك حتى عظمت عليها مجازاتك
جللت ان يخاف منك الّا العدل
وان يرجى منك الّا الاحسان والفضل فامنن
على بما اوجبه فضلك ولا تخذلنى بما يحكم به عدلك
سيدى لو علمت الارض بذنوبى لساخت بى او الجبال
لهدّتنى او السموات لاختطفتنى او البحار لاغرقتنى سيدى
سيدى سيدى مولاى مولاى مولاى قد تكرّر وقوفى
لضيافتك فلا تحرمنى ما وعدت المتعرّضين لمسئلتك
يا معروف العارفين يا معبود العابدين يا مشكور الشاكرين
يا جليس الذاكرين يا محمود من حمده يا موجود من طلبه
يا موصوف من وحّده يا محبوب من احبّه يا غوث من
اراده يا مقصود من اناب اليه يا من لا يعلم الغيب الّا هو
يا من لا يصرف السّوء الّا هو يا من لا يدبّر الامر الّا هو
يا من لا يغفر الذنب الّا هو يا من لا يخلق الخلق الّا هو

یَا مَنْ لَا یُنَزِّلُ الْغَیْثَ اِلَّا ھُوَ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاغْفِرْ
لِیْ یَا خَیْرَ الْغَافِرِیْنَ رَبِّ اِنِّیْ اَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ حَیَاۤءٍ وَ
اَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ رَجَاۤءٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ
اِنَابَةٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ رَغْبَةٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ
اسْتِغْفَارَ رَھْبَةٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ طَاعَةٍ وَ
اَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ اِیْمَانٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ
اِقْرَارٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ اِخْلَاصٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ
اسْتِغْفَارَ تَقْوٰی وَاَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ تَوَکُّلٍ وَ
اَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ ذِلَّةٍ وَاَسْتَغْفِرُکَ اسْتِغْفَارَ عَامِلٍ
لَکَ ھَارِبٍ مِنْکَ اِلَیْکَ فَصَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّتُبْ
عَلَیَّ وَعَلٰی وَالِدَیَّ بِمَا تُبْتَ وَتَتُوْبُ عَلٰی جَمِیْعِ خَلْقِکَ
یَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِیْنَ یَا مَنْ یُسَمّٰی بِالْغَفُوْرِ الرَّحِیْمِ یَا مَنْ
یُسَمّٰی بِالْغَفُوْرِ الرَّحِیْمِ یَا مَنْ یُسَمّٰی بِالْغَفُوْرِ الرَّحِیْمِ صَلِّ
عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّاٰلِ مُحَمَّدٍ وَّاقْبَلْ تَوْبَتِیْ وَزَکِّ عَمَلِیْ وَاشْکُرْ سَعْیِیْ وَ
ارْحَمْ ضَرَاعَتِیْ وَلَا تَحْجُبْ صَوْتِیْ وَلَا تُخَیِّبْ مَسْئَلَتِیْ یَا

غَوثَ الْمُسْتَغیثینَ وَ أَبْلِغْ أَئِمَّتی سَلامی وَ دُعائی وَ شَفِّعْهُمْ فی جَمیعِ ما سَئَلْتُکَ وَ أَوْصِلْ هَدِیَّتی إِلَیْهِمْ کَما یَنْبَغی لَهُمْ وَ زِدْهُمْ مِنْ ذٰلِکَ ما یَنْبَغی لَکَ بِأَضْعافٍ لا یُحْصیها غَیْرُکَ وَلا حَوْلَ وَلا قُوَّةَ إِلّا بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ وَ صَلَّی اللهُ عَلی أَطْیَبِ الْمُرْسَلینَ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّاهِرینَ

و در بعضی از کتب نقل کرده اند از حسین بن احمد فقیه رازی که هر که زیارت کند حضرت امام رضا علیه السلام یا دیگری از ائمه را پس نماز جعفر را نزد قبر آن حضرت بجا آورد برای او نوشته شود بهر رکعتی ثواب کسی که هزار حج و هزار عمره بجا آورده باشد و هزار بنده آزاد کرده باشد و هزار مرتبه در جهاد ایستاده باشد با پیغمبر مرسل و بهر گامی ثواب صد حج و صد عمره و صد بنده آزاد کردن داشته باشد و صد حسنه برای او نوشته شود و صد گناه از او محو شود **مؤلف گوید** که چون بخط بعضی از افاضل بنظر رسید که این زیارت را از خط شیخ شهید نقل کرده بود و از سیاقش مفهوم میشد که منقول باشد لهذا ایراد نمود چون در برابر ضریح مقدس بایستد بگوید

أَشْهَدُ أَنْ لا إِلٰهَ إِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ اللهِ أَمینِ اللهِ عَلی وَحْیِهِ وَ عَزائِمِ أَمْرِهِ الْخاتِمِ لِما سَبَقَ وَ الْفاتِحِ لِمَا اسْتُقْبِلَ وَ الْمُهَیْمِنِ عَلی ذٰلِکَ کُلِّهِ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلی مَوْلانا أَمیرِ

الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَاَبِ الْاَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ
وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ
النِّسَاءِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى الْاَئِمَّةِ الْمَعْصُومِينَ
سَادَةِ الْمُتَّقِينَ وَكُبَرَاءِ الصِّدِّيقِينَ وَاَعْلَامِ الْمُهْتَدِينَ وَاَنْوَارِ
الْعَارِفِينَ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَى مَوْلٰينَا وَسَيِّدِنَا
الْاِمَامِ الْمَعْصُومِ اَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا وَرَحْمَةُ اللهِ وَ
بَرَكَاتُهُ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
بْنَ نَبِيِّ اللهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ اَلسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اِمَامِ الْمُتَّقِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
يَا ابْنَ قَائِدِ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ
سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ خَدِيجَةَ الْكُبْرَى
اُمِّ الْمُؤْمِنِينَ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَبِي عَبْدِ اللهِ الْحُسَيْنِ
الشَّهِيدِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ زَيْنِ الْعَابِدِينَ
اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ اَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدٍ الْبَاقِرِ لِعُلُومِ الدِّينِ

نساء العالمین

السلام

السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَبِي عَبْدِ اللهِ جَعْفَرِ الصَّادِقِ الْأَمِينِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا ابْنَ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى الْكَاظِمِ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَكَاتُهُ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللهِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا صَفْوَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا عَمُودَ الدِّينِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ رَسُولِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ
اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا خَاصَّةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا
خَالِصَةَ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَوْضِعَ سِرِّ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ
يَا عَيْبَةَ عِلْمِ اللهِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَارِثَ الْأَنْبِيَاءِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ الْأَوْصِيَاءِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مِشْكٰوةَ الضِّيَاءِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُنْتَهَى الْعُلْيَا السَّلامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ
الشَّرَفِ الْأَنْبَلِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا ذَا الْفِعْلِ الْجَمِيلِ السَّلامُ
عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الْأَصْلِ الْأَصِيلِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا أُسَّ الْإِيمَانِ
السَّلامُ عَلَيْكَ يَا شَرِيكَ الْقُرْآنِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مَعْدِنَ
الْأَمَانِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا إِمَامَ الْأَبْرَارِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا وَصِيَّ
الْمُخْتَارِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهِرَ الْأَسْرَارِ السَّلامُ عَلَيْكَ يَا

صاحب المعجزات السلام عليك يا موضح البينات السلام عليك
ايها الصراط المستقيم السلام عليك ايها الدين القويم
السلام عليك يا مصباح الهدى السلام عليك يا ماوى التقى
السلام عليك يا مجد الحجى السلام عليك يا طود النهى السلام
عليك ايها الداعى الى المحجة العظمى والظاعن الى الغاية القصوى
والسامى الى المجد والعلى السلام عليك ايها العالم بالتأويل
والذكرى السلام عليك يا دليل الرشاد السلام عليك
يابن السادة الامجاد السلام عليك يابن القادة الزهاد السلام
عليك يا مصباح الظلم السلام عليك يا ينبوع الحكم ورحمة
الله وبركاته اشهد يا مولاى انك المطيع لله القائم بامر
الله العامل بارادته الفائز بكرامته اصطفاك الله
لعلمه واختارك لسره واعزك بهداه وخصك ببرهانه
وايدك بروحه ورضيك خليفة فى ارضه وداعيا
الى حقه وشهيدا على خلقه وناصرا لدينه وحجة على بريته
وترجمانا لوحيه وخازنا لعلمه ومستودعا لحكمته عصمك

الله من الذنوب و برأك من العيوب ثم قل يا مولاي عارفاً
بحقك مستبصراً بشانك مهتدياً بهداك متبعاً لآثارك متبعاً
لسنتك متمسكاً بحبلك مطيعاً لامرك موالياً لوليك معادياً
لعدوك عالماً بان الحق لك ومعك متوسلاً الى الله بك
مستشفعاً اليه بجاهك وحق عليه ان لا يخيب سائله
والراجي ما عنده لزائرك المطيع لك پس سه مرتبه بگوید
اللهم فكما وفقتني للايمان بنبيك والتصديق بكتابك و
مننت على بطاعته واتباع ملته وهديتني الى معرفته
ومعرفة الائمة من ذريته واكملت بمعرفتهم الايمان
وقبلت بطاعتهم وولايتهم الاعمال واستعبدت بالصلوة
عليهم عبادك وجعلتهم مفتاحاً للدعاء وسبباً للاجابة
فصل عليهم اجمعين وعلى مولانا وسيدنا ابي الحسن علي
بن موسى واجعلني بهم عندك وجيهاً في الدنيا والآخرة و
من المقربين واجعل ذنوبنا بهم مغفورة وعيوبنا بهم مستورة
وفرائضنا مشكورة ونوافلنا مبرورة وقلوبنا بذكرك

معمورة وانفسنا بطاعتك مسرورة وجوارحنا على خدمتك مقهورة واسماعنا في خواصك مشهورة وارزاقنا من لدنك مدرورة وحوائجنا لذلك ميسورة برحمتك يا ارحم الراحمين

پس رو بضریح مقدس بایستند و بگویند

السلام على القائم مقام الانبياء السلام على الوارث علوم الاوصياء السلام على خليفة الله وخليفة رسوله السلام على امام الدين السلام على نظام المسلمين السلام على صلاح الدنيا وعمدة المؤمنين السلام عليك يا اصل الاسلام النامي السلام عليك يا فرعه السامي السلام عليك يا من به تمام الصلوة والزكوة والصيام والحج والجهاد وتوفير الفيء والصدقات وامضاء الحدود والمستحبات والاحكام المبينات السلام عليك ايها المحلل حلال الله والمحرم حرامه السلام عليك ايها المقيم حدود الله واحكامه السلام عليك ايها الذاب عن دين الله بالحكمة والموعظة

الحسنة السلام علیك ایها الداعی الی الله بالحجة البالغة
السلام علیك یا من فضله کالشمس المضیئة الطالعة المجللة
بنورها للعالم السلام علیك ایها البدر المنیر والسراج
الطاهر والنور الساطع والنجم الهادی السلام علیك یا
عز المسلمین وغیظ المنافقین السلام علیك یا بوار
الکافرین السلام علیك یا ابا السادة المیامین
السلام علیك یا من عجزت عن ذکر فضله البلغاء
قصرت عن ادراکه الفصحاء وتحیرت فی نعت فضله
الخطباء ولم تنته الیه الحکماء ذلك فضل الله
یؤتیه من یشاء والله ذو الفضل العظیم السلام علیك
یا مولای وعلی آبائك الاکرمین وابنائك الطاهرین
ورحمة الله وبرکاته

پس ضریح را ببوسد و نماز زیارت بکند و بگوید

یا شافی نجاتی بعده یا دووفا فی رحمته یا محیی الاموات
یا مخرج النبات یا ظهر اللاجین یا جار المستجیرین یا

اسمع السامعین یا ابصر الناظرین یا صریخ المستصرخین یا عماد من لا عماد له یا سند من لا سند له یا ذخر من لا ذخر له یا حرز الضعفاء یا کنز الفقراء یا عظیم الرجاء یا منقذ الغرقی یا منجی الهلکی یا امان الخائفین یا اله العالمین یا صانع کل مصنوع یا جابر کل کسیر یا صاحب کل غریب یا مونس کل وحید یا قریباً غیر بعید یا شاهداً غیر غائب یا غالباً غیر مغلوب یا حی حین لا حی یا محیی الموتی یا حی لا اله الا انت یا بدیع السموات والارض انت القائم علی کل نفس بما کسبت اسئلک ان تصلی علی محمد وآل محمد صلوة ترضیهم وتحظیهم وتبلغهم اقصی رضاک وان ترحم ذلی بین یدیک وتضرعی الیک ووحشتی من الناس وانسی بک یا کریم تصدق علی فی هذه الساعة برحمة من عندک تهدی بها قلبی وتجمع بها امری وتلم بها شعثی وتبیض بها وجهی وتکرم بها مقامی وتحط بها عنی

وَذُنُوبِي وَتَغْفِرُ بِهَا مَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِي وَتَعْصِمُنِي بِهَا فِيمَا بَقِيَ مِنْ عُمْرِي وَتَسْتَعْمِلُنِي فِي ذٰلِكَ كُلِّهِ بِطَاعَتِكَ وَمَا يُرْضِيكَ عَنِّي وَتَخْتِمُ عَمَلِي بِأَحْسَنِهِ وَتَجْعَلُ لِي ثَوَابَهُ الْجَنَّةَ وَتَسْلُكُ بِي سَبِيلَ الصَّالِحِينَ وَتُعِينُنِي عَلَى صَالِحِ مَا أَعْطَيْتَنِي وَلَا تُشْمِتْ بِي حَاسِدًا وَلَا عَدُوًّا وَلَا تَكِلْنِي إِلَى نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَلَا أَقَلَّ مِنْ ذٰلِكَ وَلَا أَكْثَرَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ

وسعی کند در دعا کردن بانچه خواهد پس فرباد در پیش رو قرار دهد و بگوید

اَللّٰهُمَّ إِنِّي زُرْتُ هٰذَا الْإِمَامَ مُقِرًّا بِإِمَامَتِهِ مُعْتَقِدًا لِفَرْضِ طَاعَتِهِ فَقَصَدْتُ مَشْهَدَهُ بِذُنُوبِي وَعُيُوبِي وَمُوبِقَاتِ آثَامِي وَكَثْرَةِ سَيِّئَاتِي وَخَطَايَايَ وَمَا تَعْرِفُهُ مِنِّي مُسْتَجِيرًا بِعَفْوِكَ مُسْتَعِيذًا بِحِلْمِكَ لَاجِئًا إِلَى ذِكْرِكَ عَائِذًا بِرَأْفَتِكَ مُسْتَشْفِعًا بِوَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ وَصَفِيِّكَ وَابْنِ أَصْفِيَائِكَ وَأَمِينِكَ وَابْنِ أُمَنَائِكَ وَخَلِيفَتِكَ وَابْنِ خُلَفَائِكَ الَّذِينَ جَعَلْتَهُمُ الْوَسِيلَةَ إِلَى رَحْمَتِكَ وَرِضْوَانِكَ وَالذَّرِيعَةَ

اِلی رَأفَتِکَ وَ غُفرانِکَ اَللّٰهُمَّ وَ اُولی حاجاتی اِلَیکَ اَن
تَغفِرَ لی ما سَلَفَ مِن ذُنُوبی عَلیٰ کَثرَتِها وَاَن تَعصِمَنی فیما بَقِیَ
مِن عُمری وَ تُطَهِّرَ دینی مِمّا یُدَنِّسُهُ وَ یَشینُهُ وَ یُزری بِهِ وَ
تَحمیهِ مِنَ الرَّیبِ وَالشَّکِّ وَالفَسادِ وَالشِّرکِ وَ تُثَبِّتَنی
عَلیٰ طاعَتِکَ وَ طاعَةِ رَسولِکَ وَ ذُرِّیَّتِهِ النُّجَباءِ السُّعَداءِ
صَلَواتُکَ عَلَیهِم وَ رَحمَتُکَ وَ سَلامُکَ وَ بَرَکاتُکَ وَ تُحیِیَنی
ما اَحیَیتَنی عَلیٰ طاعَتِهِم وَ تُمیتَنی اِذا اَمَتَّنی عَلیٰ طاعَتِهِم
وَاَن لا تَمحُوَ مِن قَلبی مَوَدَّتَهُم وَ مَحَبَّتَهُم وَ بُغضَ اَعدائِهِم
وَ مُرافَقَةَ اَولِیائِهِم وَ بِرَّهُم وَ اَسئَلُکَ یا رَبِّ اَن تَقبَلَ
ذٰلِکَ مِنّی وَ تُحَبِّبَ اِلَیَّ عِبادَتَکَ وَ تُبَغِّضَ اِلَیَّ مَعاصیکَ
وَ تَرزُقَنی تَوبَةً نَصوحاً تَرضاها وَ نِیَّةً تَحمَدُها وَ عَمَلاً صالِحاً
تَقبَلُهُ بِرَحمَتِکَ یا اَرحَمَ الرّاحِمینَ

پس چون خواهد که زیارت وداع کند نزد ضریح بایستد و بقبر و پشت بقبله و بگوید

اَلسَّلامُ عَلَیکَ یا اَمینَ اللّٰهِ فی اَرضِهِ وَ حُجَّتَهُ عَلیٰ خَلقِهِ
وَ خازِنَ عِلمِهِ وَ مَوضِعَ سِرِّهِ وَ بابَ اَمرِهِ وَ نَهیِهِ وَ

صِراطِهِ الْمُسْتَقيمِ سَلامَ مُوَدِّعٍ لا سَئِمٍ وَلا قالٍ وَلا مالٍّ وَ
رَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكاتُهُ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَ
اجْعَلْ غُدُوَّنا مَقْرُوناً بِالتَّوَكُّلِ عَلَيْكَ وَرَواحَنا عَنْكَ عِنْدَ ثُمَّ
مَوْصُولاً بِالنَّجاحِ مِنْكَ وَدُعائَنا لَكَ مَقْرُوناً بِحُسْنِ الْإِجابَةِ
وَخُضُوعَنا بَيْنَ يَدَيْكَ داعِياً اِلى رَحْمَتِكَ وَاعْتِرافَنا
بِذُنُوبِنا شَفيعاً اِلى عَفْوِكَ وَارْزُقْنَا الْعَوْدَ اِلى زِيارَتِهِ ثُمَّ
الْعَوْدَ اِلَيْهِ بِرَحْمَتِكَ يا اَرْحَمَ الرّاحِمينَ اَللّٰهُمَّ
لا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا الزِّيارَةِ سَيِّدِنا وَاِمامِنَا الْمَفْرُوضِ
طاعَتُهُ عَلَيْنا وَارْزُقْنا زِيارَتَهُ اَبَداً ما اَبْقَيْتَنا اِنَّكَ
ذُو الْفَضْلِ الْعَظيمِ وَالْمَنِّ الْجَسيمِ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلى
سَيِّدِنا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطّاهِرينَ

بحمد الله وحسن توفیقه وتاییده انجام و اختتام پذیرفت این دوره منیفه رساله
شریفه اصلا و ملحقا فجاء بحمد الله مرغوبا و بتصویر انشاء
الله مطلوبا وکان الفراغ منه فی
شهر شعبان المعظم

۱۳۲۷

بر ضمیر

منیر سعادت تخمیر

ارباب خبرت و بصیرت مخفی نماند

که این کتاب مستطاب مسمّی به تحیة

الزائر که در لوحهٔ تخمین و صفحهٔ اولین نشئه از

حال حیرت مآل مؤلف نور الله مضجعه الشریف پای بساط رفت

چون کیفیت و آداب زیارت حضرت رسول و حضرت فاطمه و ائمه بقیع صلوات

الله علیهم اجمعین و سایر اعمال مدینهٔ منوره علی ساکنها الاف التحیة و الثناء و کیفیت

و آداب زیارت حضرت ثامن الائمه علی بن موسی الرضا صلوات الله علیه در او

ذکر نشده بود محض خدمت بعموم زائرین اهل خلّص شرع انور این زیارات را ملحق

نمودم تا زائرین را حاجت بکتاب دیگر نباشد و چنانچه باید و شاید اهتمام

در تصحیح و تنقیح و سایر جهات که مطبوع طباع ارباب ذوق و سلیقه است

نمودیم مأمول از خدمت برادران دینی آنست که هرگاه بر خطایا و نسیانی

واقف شوند بقلم اغماض اصلاح فرمایند کما الانسان نساء و

السهو و النسیان و العذر عند کرام الناس مقبول و

در مطبعهٔ صاحبها سلیل الاطیاب و الانجاب الاستاد الماهر فی

هذه الصناعة آقا سید جعفر زید توفیقه و تأییده

بمباشرت و حسن توجه عالیجاه زبدة الاشباه

و الاماثل آقا میرزا حسن مجلسی طبع

و محلی گردید الحمد لله علی

الاختتام

١٣٢٧